جنگ ایران و عراق

پرسش ها و پاسخ ها



جلد(۲)

نویسنده فرهاد درویشی

بسم الله الرحمن الرحیم

جنگ ایران و عراق: پرسش ها و پاسخ ها

نویسنده:

فرهاد درویشی

ناشر چاپی:

مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

جنگ ایران و عراق: پرسش ها و پاسخ ها جلد ۲

مشخصات کتاب

سرشناسه : درویشی سه تلانی، فرهاد، ۱۳۴۰ -

عنوان و نام پدیدآور : جنگ ایران و عراق: پرسش ها و پاسخ ها/ نویسنده فرهاد درویشی؛ نظارت و تنظیم حمیدرضا فراهانی؛ ویرایش مهدی انصاری؛ مجری موسسه مطالعات سیاسی فرهنگی اندیشه ناب و مدیریت بهره دهی مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه.

مشخصات نشر : تهران: سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، ۱۳۸۶.

مشخصات ظاهری : ۲۹۶ ص.: جدول.

شابک : ۱۸۰۰۰ ریال ۹۶۴-۶۳۱۵-۷۴-۷ : ؛ ۱۸۰۰۰ ریال (چاپ دوم) ؛ ۲۵۰۰۰ ریال: چاپ ششم ۹۷۸-۹۶۴-۶۳۱۵-۷۴-۷ : ؛ ۴۰۰۰۰ ریال (چاپ هفتم)

وضعیت فهرست نویسی : فاپا

یادداشت : چاپ دوم: ۱۳۸۷.

یادداشت : چاپ ششم: ۱۳۸۹.

یادداشت : چاپ هفتم: ۱۳۹۱.

یادداشت : کتابنامه: ص.[۲۹۴] - ۲۹۶ .

موضوع : جنگ ایران و عراق، ۱۳۵۹ - ۱۳۶۷

موضوع : جنگ ایران و عراق، ۱۳۵۹ - ۱۳۶۷ -- مسائل متفرقه

شناسه افزوده : فراهانی، حمیدرضا

شناسه افزوده : انصاری، مهدی ، ۱۳۳۴ -، ویراستار

شناسه افزوده : سپاه پاسداران انقلاب اسلامی. مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ. مدیریت بهره وری

شناسه افزوده : موسسه مطالعات سیاسی فرهنگی اندیشه ناب

شناسه افزوده : سپاه پاسداران انقلاب اسلامی. مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ

رده بندی کنگره : DSR۱۶۰۰/د۴۵ج۹ ۱۳۸۶

رده بندی دیویی : ۹۵۵/۰۸۴۳

شماره کتابشناسی ملی : م۸۵-۵۰۰۶۶

ص: ۱

اشاره

پیشگفتار چاپ چهارم

بسم الله الرحمن الرحیم

بـا توجه به تـأثیر بسـیاری که جنـگ عراق علیه ایران از جنبه هـای گوناگون بر کشور گـذاشت، پرداختن به این جنگ از ابعاد مختلـف ضـروری است. به ویژه کسب تجربه جهت اتخـاذ تـدابیر منـاسب در موقعیت هـای بحرانی برای جلوگیری یـا کـاهش خسـاراتی که ممکن است از طرف رقبـای جمهوری اسـلامی ایران به کشور تحمیـل شود. از جمله این تجـارب، دسـتاوردهای است که در این دوران در زمینه امنیت ملی و حفـظ تمامیت ارضـی در موقعیت هایی بس دشوار به دست آمـد و برای تصـمیم گیرنـدگان نظام و مردم و همچنین در بازدارنـدگی همسایگان و قـدرت های بزرگ از تعرض به سـرزمین ایران، تعیین کننـده بود.

مرکز مطالعـات و تحقیقـات جنـگ در ایـن زمینـه آثـار متعـددی منتشـر کرده اسـت یـا در دسـت تهیه دارد که از جمله آن ها مجموعه «تجزیه و تحلیل جنگ ایران و عراق» می باشـد. از این مجموعه پنج جلدی که عهده دار بررسـی و تحلیل جنگ ایران و عراق از بعد استراتژیک می باشد، سه جلد اول منتشـر شده است. جلد اول (ریشه های تهاجم) و جلد دوم (کتاب حاضر) در سال ۱۳۷۸ و جلد سوم (تنبیه متجاوز) در سال ۱۳۸۰ در دسترس عموم قرار گرفت.

با اسـتقبال علاقه مندان، نسخه های چاپ سوم این کتاب به پایان رسید و برای پاسخ گویی به نیاز محققان و علاقه مندان چاپ مجـدد آن ضـروری شد. ضـمن تشـکر از اهل نظر و همه کسانی که حسن اسـتقبال آن ها از این آثار، مشوق محققان و دسـت انـدر کـاران مرکز مطالعـات در پیمودن این راه دشوار است، تقاضامنـدیم بـا یـادآوری کـاستی ها و راهنمایی برای رفع آن ها دوستان خود را یاری نمایید.

مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ

.۱۳۸۷

ص: ۱۲

پیشگفتار

اکنون که در واپسین روزهای سده ی بیستم به سر می بریم، اهمیت بازنگری درباره ی مهم ترین تحولات این قرن بیشتر می شود. سده ی بیستم عصر دگرگونی های بنیادی در همه ی عرصه های زندگی بشری و از آن جمله عرصه ی امنیتی بوده است. در این قرن جهان شاهد وقوع جنگ هایی بود که با هدف مشابه آغاز شدند و خسارت های سنگین جانی و مالی را به بار آوردند. در میان تحولات بزرگ و کوچک این قرن، جنگ ها اصلی ترین تحولی بوده اند که نه تنها دولت ها بلکه بسیاری از انسان ها نیز به آن ها حساسیت نشان داده و در نهایت هم در مورد آن ها ابراز انزجار کرده اند.

در سال های پایانی این قرن چندین جنگ بزرگ روی داد که از میان آن ها می توان به جنگ چچن، جنگ در یوگسلاوی سابق و دو جنگ خلیج فارس اشاره کرد که اولین جنگ خلیج فارس طولانی ترین جنگ قرن بیستم بعد از جنگ ویتنام بود. هدف اصلی از این جنگ – که با هجوم سراسری عراق به ایران آغاز شد – شکست انقلاب اسلامی ایران قبل از تحکیم آن و مقابله با گسترش چنین انقلابی در منطقه خاورمیانه بود. علاوه بر آن، ادعای عراق برای مالکیت بر بخش هایی از کشور ایران، هدف دیگر این جنگ بود.

در این جنگ هدف های آغازگر جنگ تأمین نشد اما خسارت های جانی و مالی فراوان، مسیر ملت ایران را در دستیابی به توسعه ی همه جانبه سد کرد. از این رو جا دارد، ضمن اظهار تأسف از آنچه که در قالب یک جنگ بر ملت ایران تحمیل گردید به بررسی موشکافانه ی آن پرداخته و از زوایای مختلف مورد تجزیه و تحلیل قرار داد.

از آنجا که تدوین تاریخ، بررسی و تحلیل جنگ ایران و عراق وظیفه اصلی مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ می باشد و تا به حال نیز کتاب های مختلفی را تألیف و منتشر کرده است، هم اکنون یک دوره پنج جلدی با عنوان «تجزیه و تحلیل جنگ ایران و عراق» را در دست

تألیف و انتشار دارد. تصمیم گیری درباره ی تألیف این مجموعه پنج جلدی، به زمانی باز می گردد که مسئولان دوره ی عالی جنگ سپاه یعنی عالی ترین مقطع آموزشی در این نهاد، از آقای محسن رضایی دعوت کردند تا بحث تجزیه و تحلیل جنگ ایران و عراق را برای دانشجویان دوره دکترای مطالعات جنگ تدریس کنند در همین راستا به پیشنهاد ایشان - که در آن هنگام فرماندهی سپاه را بر عهده داشتند - گروهی تحقیقی تشکیل شد تا متون مورد نیاز این درس را تهیه کنند. این گروه که متشکل از آقایان حسین اردستانی، محمد درودیان، فرهاد درویشی، حسین سلامی، مجید مختاری، رسول یاحی و محسن رشید بود، پنج موضوع را برای تهیه متون اولیه درسی به پنج محقق اول واگذار کرد. گروه محققان مباحث مطرح شده در کلاس های درس را مورد بازبینی قرار داده و به نگارش مجدد آن اقدام نمودند که هم اکنون با پنج عنوان فرعی «ریشه های تهاجم»؛ «جنگ؛ بازیابی ثبات»؛ «تنبیه متجاوز»؛ «تثبیت دست آوردهای جنگ» و «درس ها و نتایج جنگ ایران و عراق» در دست تألیف و یا انتشار است.

در پایان لازم است از آقای محسن رضایی و گروه پژوهشی ایشان و نیز دوره ی عالی جنگ، که زمینه ساز تألیف این مجموعه شده اند و از سردار غلامعلی رشد که از نظرات ایشان برای جلد حاضر بهره مند شده ایم و نیز مؤسسه مطالعات سیاسی فرهنگی اندیشه ناب که اجرای مراحل بازخوانی، ویرایش نهایی و آماده سازی برای چاپ این کتاب را عهده دار بوده است، تشکر و قدردانی شود.

مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ

زمستان ۱۳۷۸.

ص: ۱۴

دیباچه

از آنجا که ثبت وقایع جنگ ایران و عراق و تجزیه و تحلیل سیاسی - نظامی آن یکی از مهم ترین اسناد مکتوب تاریخ انقلاب اسلامی به شمار می رود، تلاش شد سندی از این دوران پر افتخار گردآوری شود تا آیینه ای باشد برای محققان و آنان که می خواهند ابعاد و ویژگی های گوناگون پایداری هشت ساله ملت ایران را در برابر خیل گسترده دشمنان انقلاب اسلامی به دیده مشاهده کنند.

جنگ ایران و عراق پیوندی تنگاتنگ با انقلاب اسلامی دارد به گونه ای که بدون درک درست آن، نمی توان به تحلیلی فراگیر از انقلاب اسلامی دست یافت. همچنین این پدیده به دلیل تأثیرات و پی آمدهای فراوانش، دست کم تا چند دهه آینده، بر همه موضوعات مربوط به سیاست داخلی و خارجی جمهوری اسلامی ایران مؤثر خواهد بود.

جنگ، ابعاد گوناگونی دارد که برجسته ترین آن ها، بعد نظامی است. در طول تاریخ معاصر ایران همواره در پی بروز هر جنگی، شاهد جدایی بخش هایی از این سرزمین پهناور به دست بیگانگان بوده ایم. اسناد تاریخی گویای این نکته است که در دویست سال گذشته، یعنی دقیقا از زمان سلطنت «فتحعلی شاه قاجار» تاکنون، نزدیک به یک میلیون کیلومتر مربع از خاک ایران جدا شده است. اما در جنگ ایران و عراق، با وجود پشتیبانی قدرت های بزرگ از متجاوز، نه تنها یک وجب از خاک ایران در دست نیروهای عراقی باقی نماند، بلکه هنگامی که عراق قرار داد سال ۱۹۷۵ میلادی الجزیره را بار دیگر پذیرفت و سپس دبیر کل وقت سازمان ملل، آن کشور را متجاوز اعلام کرد، حقانیت جمهوری اسلامی ایران به اثبات رسید.

بی گمان برای تجزیه و تحلیل جنگی این چنین بزرگ، ضروری است کتاب هایی تألیف شود. اما تا به حال برخی از متونی که در این باره نگاشته شده اند، در ایفای نقش خود نارسا بوده اند و شماری از محققان و مؤلفان ایرانی و غیر ایرانی که درباره جنگ اثری از خود بر جای

گذاشته اند، یا در صحنه جنگ حضور نداشته اند و یا حضور آنان مستمر و مؤثر نبوده است. این عده چون با دست اندرکاران اصلی جنگ و تصمیمات آن ها آشنا نبودند، بنابراین نتوانسته اند درکی درست و همه جانبه از جنگ را در آثار خود ارائه دهند.

از سوی دیگر، برخی از متون مربوط به جنگ با اهداف سیاسی خاص یا اغراض شخصی مؤلف یا محقق نگاشته شده اند؛ مانند اغلب نویسندگان خارجی که تاریخ جنگ را نگاشته اند. برخی نویسندگان داخلی هم، گاه پیش از آن که به حقایق و واقعیت های درونی جنگ بپردازند، نقش خود را در جنگ به نمایش گذاشته اند و به اثبات و برجسته کردن دانش و اندوخته های نظامی خود (که در جای خود غیرقابل انکار هستند) پرداخته و عوامل اساسی پیشرفت رزمندگان را در طول هشت سال دفاع مقدس کم رنگ ساخته اند. لذا، بعضی از این متون منعکس کننده حقایق و واقعیت های جنگ نیستند.

علاوه بر این، در این گونه آثار و تحقیقات جنبه استراتژیکی جنگ مدنظر قرار نگرفته است، و بیش از آن که به تجزیه و تحلیل علمی جنگ پرداخته شود، جنبه های توصیفی و تبلیغی آن پرورانده شده است.

نواقص و کمبودهای موجود در متون و ادبیات مربوط به جنگ ایران و عراق که به برخی از آن ها اشاره شد، اینجانب را بر آن داشت تا به خواست مکرر مراکز آموزشی سپاه پاسخ مثبت داده و ضمن تدریس موضوع «تجزیه و تحلیل سیاسی - نظامی جنگ ایران و عراق» در دوره های نظامی سپاه، گروهی از محققان و صاحب نظران را گرد هم آورده و از آنان بخواهم تا بر اساس چارچوب مباحث اینجانب در کلاس درس، متونی متناسب، برای آگاهی عموم مردم عزیز ایران و ملل مسلمان جهان تهیه کنند.

تلاش های قابل تقدیر و تشکر این دوستان، مجموعه مباحث مدونی را شامل شد که به حول و قوه الهی، در آینده ای نزدیک به زیور طبع آراسته خواهند شد. این مجموعه که کتاب حاضر، جلد دوم آن می باشد، به شرح ذیل سازمان دهی شده است:

جلد اول؛ ریشه های تهاجم: در این جلد به علل و زمینه های تجاوز عراق به ایران پرداخته شده و موضوعاتی نظیر علت آغاز جنگ ایران و عراق، پیشینه روابط دو کشور، وضعیت نظام بین الملل و منطقه خلیج فارس، وضعیت داخلی ایران و عراق در آستانه جنگ و تمهیدات عراق برای آغاز تجاوز به ایران بررسی شده است.

جلد دوم؛ جنگ، بازیابی ثبات: موضوع اصلی این جلد، تشریح ابعاد و ویژگی های هجوم سراسری عراق به خاک ایران و علل توقف آن و سرانجام، چگونگی بیرون راندن نیروهای

متجاوز از خاک ایران است. در این جلد همچنین، تحولات سیاسی ایران در سال های ۱۳۵۹ تا ۱۳۶۱، که یکی از سرنوشت سازترین دوره های انقلاب اسلامی به شمار می رود و تأثیر به سزایی در ایجاد تحول در جبهه ها داشته است، بحث و بررسی می شود.

جلد سوم؛ تنبیه متجاوز: محور اساسی بحث در این جلد دلایل ورود رزمندگان مدافع اسلام به خاک عراق و استراتژی ها و تاکتیک های مورد استفاده آن ها در تنبیه متجاوز می باشد. در این جلد، ابعاد گوناگون جنگ از آغاز عملیات رمضان در مرداد ماه ۱۳۶۱ تا فروردین ۱۳۶۷ (شش سال) مورد بحث و بررسی قرار خواهد گرفت.

جلد چهارم؛ تثبیت دست آوردهای جنگ: این جلد کوتاه ترین دوره جنگ را که به دلیل پیچیدگی اوضاع و شرایط، حساس ترین و مهم ترین دوره جنگ به شمار می آید، بررسی می کند. عبور مجدد عراق از مرزهای بین المللی و تلاش برای اشغال دوباره خرمشهر، چنان اهمیتی داشت که حضرت امام (ره) در جمله معروف خود فرمودند: «یا سپاه یا خرمشهر» و در حقیقت، تلاش و جانفشانی نیروهای سپاه بسیج در این دوره کوتاه، دست آوردهای جنگ را تثبیت کرد و دشمن، نومید از حرکت مذبوحانه خود، آتش بس را پذیرفت.

جلد پنجم؛ درس ها و نتایج جنگ: این جلد به نتیجه گیری و جمع بندی درس های جنگ ایران و عراق اختصاص دارد. درس های جنگ در سه سطح استراتژیکی، عملیاتی و تاکتیکی مورد بررسی قرار می گیرد و سرانجام با استنباط از نتایج کلی جنگ، تلاش می شود تا قاعده و الگویی نهایی برای مطالعه و تبیین جنگ های دیگر ارائه شود.

در پایان از عزیزان زحمتکش مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ و نیز آقایان حسین اردستانی، بهادر امینیان، حسین حسینی، علی حسینی تاش، محمد درودیان، فرهاد درویشی، غلامعلی رشید، محسن رشید، حسین سلامی، مجید مختاری، رسول یاحی که در تهیه و تنظیم این اثر زحمات فراوانی متقبل شده اند، تشکر و سپاس گزاری کنم.

محسن رضایی میرقاعد

دبیر مجمع تشخیص مصلحت نظام

ص: ۱۷

بررسی اهداف و مقاصد سیاسی عراق

اشاره

تجزیه و تحلیل اهداف و مقاصد سیاسی (۱) عراق از تجاوز به ایران و بازبینی آن پس از گذشت ۱۹ سال از آغاز جنگ، تا اندازه ای ماهیت این اقدام و علل وقوع آن را آشکار می کند و در عین حال، می توان به عنوان یک شاخص مناسب برای ارزیابی پیروزی یا شکست عراق پس از تهاجم اولیه به ایران، مورد بهره برداری قرار گیرد. بررسی این مهم بنا به دلایلی چندان آسان نیست؛ پیچیدگی و دشواری این مسئله متأثر از ملاحظات گوناگونی است که مهم ترین آن، عدم دستیابی به محتوای مذاکرات انجام شده در درون سازمان حکومتی عراق و عدم آگاهی از علت تصمیم گیری رهبران این کشور برای حمله به ایران می باشد. علاوه بر این تداوم حیات نظام سیاسی حاکم بر عراق و حضور مقتدرانه صدام در رأس هرم قدرت، و همچنین، عدم انعقاد قرارداد صلح بین ایران و عراق، بخش مهمی از موانع موجود در بررسی «علل وقوع جنگ» را تشکیل می دهد که به سهولت برطرف نخواهد شد.

گذشته از این مشکلات، برای آگاهی از ساز و کارهای تصمیم گیری عراق و اهداف سیاسی - نظامی این کشور برای تجاوز به ایران، می توان «درک عراق از وضعیت سیاسی - نظامی ایران و منطقه» پس از سرنگونی شاه و پیروزی انقلاب اسلامی و بازتاب آن در اظهارات مقامات رسمی حکومت عراق را مورد توجه و شناسایی قرار داد.

سال های بعد، انتشار برخی از اخبار درباره ی نشست های محرمانه سراسر دولت عراق تا اندازه ای اهداف آن ها را آشکار ساخت. روزنامه کریستین ساینس مانیتور بر اساس اطلاعات به

۱- ۱. کلاوز ویتس (در گذشته به سال ۱۸۳۱ میلادی)، یکی از برجسته ترین متفکران عرصه علوم دفاعی - نظامی با تأکید به این مفهوم که جنگ ادامه سیاست است ولی با ابزار دیگر، تسلط ضروری هدف سیاسی در جنگ بر سایر اهداف را بیان کرد. بر همین اساس، بررسی، تجزیه و تحلیل اهداف و مقاصد سیاسی عراق در آغاز بحث با هدف روشن ساختن ماهیت و ابعاد تجاوز عراق علیه ایران انجام گرفته است.

دست آمده از جلسات محرمانه بین سران حزب بعث که منجر به صدور بخشنامه ای شد و به دست محافل خبری در بیروت افتاد، می نویسد:

«با فرو ریختن نظام شاهنشاهی و در هم پاشیدن ارتش و تأسیسات اصلی آن، ایران قادر به اجرای نقشی که تاکنون به عهده داشت، نخواهد بود، بنابراین تنها کشوری که می تواند با استفاده از این موقعیت خلاء ایجاد شده را پر کند و در مورد مسائل امنیت خلیج (فارس) نقش اساسی ایفا کند، عراق است و این کار باید با برنامه ریزی، دقت، سرعت و مداومت کامل انجام گیرد.»

این روزنامه در گزارش خود درباره حل مشکل ژئوپلتیک عراق می افزاید:

«به عقیده حب بعث برای ایجاد یک موقعیت ژئوپلتیک جدید به وسیله عراق، زمینه از هر جهت فراهم است. لذا به منظور «تأمین» این موقعیت جدید توسط دنیای غرب، حمله نظامی[علیه]ایران با وارد آمدن یک ضربه مؤثر که بنا به ارزیابی آن ها به شکست ایران منتهی شود، لازم است.» (۱) .

طارق عزیز نیز چهار ماه قبل از آغاز تهاجم عراق به ایران، طی مقاله ای که در روزنامه کویتی الوطن به چاپ رسید، وضعیت حاکم بر ایران را چنین ترسیم کرد:

«۱- تشتت نیروهای نظامی؛ ۲-[تعدد]مراکز تصمیم گیری و وجود اختلاف میان رهبران سیاسی و مذهبی که هر کدام به یکدیگر اتهاماتی نسبت می دهند؛ ۳- کشمکش هایی میان اقلیت ها و رهبران حاکم و عدم توانایی در حل مشکلات آن ها؛ ۴- وجود هرج و مرج و ناامنی؛ ۵- توقف[فعالیت]کارخانه های تولیدی، تزلزل اقتصادی، افزایش افراد بیکار و نبودن بسیاری از مواد غذایی در بازار؛ ۶- آشفتگی[سیاست خارجی ایران]در روابط خود با کشورهای منطقه و جهان.» (۲) .

مواضع عراقی ها در این مقطع از جنگ به دلیل شرایط منطقه ای و بین المللی و اوضاع سیاسی - نظامی حاکم بر ایران به دو مرحله کلی قابل تقسیم است:

در مرحله نخست (فروردین ۱۳۵۹)، به موازات تشدید درگیری های سیاسی در داخل کشور و همچنین تشدید خصومت میان ایران و امریکا و اعلام قطع رابطه امریکا با ایران، صدام بر آمادگی عراق برای حل تمام اختلافات خود با ایران با استفاده از زور تأکید کرد. (۳) عراقی ها همچنین ضمن تأکید بر خروج ایران از جزایر سه گانه (تنب بزرگ، تنب کوچک و ابوموسی) و عربی بودن آن ها، با مسلح کردن عناصر ضد انقلاب در خوزستان، عملا مفهوم تجزیه خوزستان را مطرح کردند. در این مرحله، به نظر می رسید، دولت عراق بیشتر در پی

---

۱ - ۲. وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران، تحلیلی بر جنگ تحمیلی رژیم عراق علیه جمهوری اسلامی ایران، (دفتر حقوقی، بهمن ۱۳۶۱)، ص ۷۸.

۲- ۳. مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، از خونین شهر تا خرمشهر، نوشته محمد درودیان (تهران، خرداد ۱۳۷۳)، ص ۲۳.
۳- ۴. پیشین، ص ۲۰، مصاحبه صدام حسین با خبرگزاری ها.

کسب موافقت و حمـایت امریکا و ارتجاع منطقه برای تجاوز به ایران بود؛ چنان که در همین رونـد، عراقی ها در کودتای نوژه که عناصـر ضـد انقلاب ارتشـی و سـلطنت طلب آن را سازمان دهی کرده و از حمایت امریکا، مصـر و عربسـتان نیز برخوردار بودند، مشارکت کردند.

در مرحله دوم (زمستان ۱۳۶۰)؛ به موازات درگیری های سیاسـی در داخل کشور با محوریت بنی صدر و حضور فعال منافقین و چپ هـای امریکـایی و تبـدیل آن به درگیری نظـامی همراه بـا انفجار مراکز حساس، ترور شخصـیت های برجسـته انقلاب و همچنین آغـاز رونـد آزاد سازی مناطق اشـغالی با اجرای عملیات ثامن الائمه (ع) و عملیات طریق القـدس، عراقی ها با نگرانی نسبت به رونـد جدیـد، تجزیه ایران را به پنج منطقه به بهانه ی حمایت از خلق عرب! و خلق بلوچ! مورد تأکید قرار دادند و نیز آمادگی خود را برای پشتیبانی از گروهک های سیاسی و اعطای پناهندگی به آن ها اعلام کردند.

به طور کلی می توان نتیجه گرفت که با پیروزی انقلاب اسـلامی (۱) بنای استراتژی امریکا که بر دو سـتون ایران و عربستان بنا شـده بـود، فرو ریخت. (۲) . نتایـج ناشـی از پیـدایش ایـن وضـعیت بـه همـان میزان که برای امریکـا و غرب زیـان آور و برای کشورهـای منطقه موجب نگرانی و وحشت بود، برای عراق فرصت مناسبی بود تا با تشدیـد خصومت علیه ایران و فراهم سازی زمینه لازم برای اقدام نظامی علیه آن و نابودی انقلاب اسـلامی و سرنگون کردن نظام جمهوری اسلامی (۳) ضمن تأمین منافع آمریکـا و غرب و ارتجاع منطقه، مشـکل ژئوپلتیک خود را از طریق توسـعه سواحل دریایی در شـمال خلیـج فارس، حل کنـد. موفقیت عراق در این مرحله می توانست خلاء قدرت را در منطقه پر کرده و با توجه به تسلط بر ذخایر نفت منطقه

۱- ۵. در نشـریه بررسـی استراتژیک چاپ لندن سال ۸۱ - ۱۹۸۰ در مورد ریشه درگیری ایران و عراق آمـده است: «آغـاز گر جنـگ عراق بود، لیکن از لحاظ کلی تر ریشه های درگیری را بایـد در انقلاب ایران و ستیزه جویی بین المللی آن و آرزوهای دیرینه صدام برای رهبری منطقه جست وجو کرد.» خبرگزاری پارس، «گزارش های ویژه»، ۲۲ / ۶ / ۱۳۶۰).

۲- ۶. مایکل لدین و ویلیام لوئیس در کتاب خود نوشته اند؛ «سقوط شاه نشانه فروریختگی بنای استراتژی ما (امریکا) در خلیج فارس گردید، استراتژی که ما آن را بر قدرت اقتصادی و سیاسـی عربستان سعودی و نیروهای سیاسی و نظامی ایران پایه ریزی کرده بودیم. با محو رکن ایران، دیگر این استراتژی نمی توانست ایفای نقش کند.» (هزیمت یا شکست رسوایی امریکا، ترجمه احمد سمیعی، نشر ناشر، ۱۳۶۲، ص ۳۰۱).

۳- ۷. روزنامه سـتاره سـرخ چاپ مسـکو در مورد تصور عراق از نتایج ناشی از شکست نظامی ایران می نویسد: «رهبران عراق که تهاجم را در سـطح وسـیعی آغاز نمودند، تصور می کردند با شـکست نظامی، رژیم ایران نیز دوام نیافته، قطعه قطعه خواهد شد.» (بولتن سفارت جمهوری اسلامی ایران، مسکو، ۸ / ۸ / ۱۳۵۹).

و موقعیت برتر نظامی، رهبری جهان غرب را به دست گیرد. (۱) سردار محسن رضایی درباره مقاصد سیاسی عراق می گوید:

«عراق با همسو کردن منافع خود با امریکا، سعی در پر کردن خلاء قدرت در منطقه را داشت. در ضمن بعضی از منافعی را هم که به طور تاریخی در پی کسب آن بود، دنبال می کرد، مانند[تسلط بر]اروند رود، توسعه سواحل در خلیج فارس، سلطه دریایی بیشتر در شمال خلیج فارس و افزایش نقش سیاست گذاری در منطقه و این که از نظر سیاسی بتواند در سرنوشت کشورهای عربی نقش بیشتری داشته باشد.» (۲) .

می توان گفت، دولت عراق در اولویت نخست، در اندیشه اشغال بخشی از خوزستان به ویژه مناطق نفت خیر آن و نیز لغو قرارداد ۱۹۷۵ میلادی الجزایر بود. رهبران عراق می پنداشتند که با تجزیه استان خوزستان، براندازی نظام نوپای جمهوری اسلامی آسان خواهد شد. (۳) بعدها، آیت الله خامنه ای در مراسم گشایش کنفرانس بین المللی تجاوز و دفاع که پس از پذیرش قطع نامه ۵۹۸، در تهران برگزار شد، در این زمینه فرمودند:

«این جنگ علیه انقلاب ایران و به منظور واژگون ساختن نظام انقلابی ایران و از بین بردن انقلاب اسلامی سازمان دهی شد.» (۴) .

بنابر شواهد و قراین موجود، عراق در آغاز سال ۱۳۵۹ (یعنی ۱۳ ماه پس از پیروزی انقلاب اسلامی) از آمادگی لازم برای حمله به ایران و تأمین مقاصد سیاسی خود، برخوردار بود، ولی برای این اقدام نیاز به موافقت امریکا داشت که تأمین نشده بود.

چنانچه در فروردین ۱۳۵۹ و پس از قطع رابطه امریکا با ایران،عراق آمادگی خود را برای تهاجم نظامی به ایران اعلام کرد لیکن عدم موافقت امریکا مانع از اجرای آن شد. (۵) .

در این روند اجرای عملیات هوایی امریکایی ها در صحرای طبس به قصد آزادی گروگان های سفارتخانه، عراقی ها را در خصوص تشدید خصومت امریکا بر ضد ایران و احتمال اقدام نظامی به نتیجه رساند. (۶) در ادامه چنین وضعیتی شکست عناصر نفوذی

۱- ۸. خبرگزاری پارس، «گزارش های ویژه»، ۲ / ۷ / ۱۳۵۹، به نقل از رادیو لندن، ۱ / ۷ / ۱۳۵۹.
۲- ۹. پژوهشکده علوم دفاعی - استراتژیکی دانشگاه امام حسین (ع)، مجله «سیاست دفاعی»، شماره ۱۵ و ۱۶، سال چهارم، تابستان و پاییز ۱۳۷۵، ص ۸.
۳- ۱۰. خبرگزاری رویتر به نقل از دیپلمات های خارجی در تهران در مورد هدف عراق چنین گزارش داد: «هدف اعلام نشده عراق در جنگ، سقوط حکومت جمهوری اسلامی ایران و تصرف منطقه نفتی خوزستان بوده است.».
۴- ۱۱. دبیرخانه کنفرانس بین المللی تجاوز و دفاع، بازشناسی جنبه های تجاوز و دفاع، جلد اول، ۱۳۶۸، ص ۱.

۵- ۱۲. مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، خرمشهر در جنگ طولانی، نوشته مهدی انصاری، محمد درودیان و هادی نخعی (تهران، ۱۳۷۵)، صص ۱۰۰ - ۸۷ و مأخذ ۱، صص ۲۰ - ۱۹.

۶- ۱۳. فارین افرز چاپ امریکا در مورد درک عراق از اقدام امریکا می نویسد: «... یکی کوشش گروه نجات گروگان های امریکایی برای خارج کردن گروگان ها از ایران بود. عراقی ها از این اقدام چنین برداشت کردن که امریکا بار دیگر به اقدام نظامی به مراتب بزرگتری علیه ایران دست خواهد زد.» (خبرگزاری پارس، «گزارش های ویژه»، نشریه شماره ۲۹۴، ۱۷ / ۱۰ / ۱۳۵۹، رادیو امریکا، ۱۶ / ۱۰ / ۱۳۵۹).

ضـد انقلاب در ارتش – در کودتای نوژه در تیر ماه ۱۳۵۹ – (۱) نیز انگیزه دیگری بود تا شـمارش معکوس برای آغاز تهاجم عراق به ایران آغـاز شود. گزارش نشـریه فیگارو از ملاقات برژینسـکی و صـدام برای توضیـح میزان همسویی امریکا و عراق و نقش امریکایی ها در حمایت، تشویق و ترغیب عراق برای تجاوز به ایران در این زمینه بسیار گویا است:

«جریان جنگ ایران و عراق در واقع از ژوئن گذشته (تیر ۱۳۵۹)، زمانی آغاز شد که برژینسکی به اردن سفر کرد و در مرز دو کشور اردن و عراق با شـخص صـدام ملاقات نمود و قول داد که از صدام حسـین کاملا حمایت نماید و این امر را تفهیم نمود که امریکا با آرزوی عراق در مورد شط العرب[اروند]و احتمالا برقراری یک جمهوری عربستان در این منطقه مخالفتی نخواهد کرد و بالاخره کلیه اقدامات، به کشاندن عراق به جنگ علیه ایران منجر شد. پیش بینی ها چنین بود که اگر بغداد پیروز بشود، ایران بی ثبات می شود و رژیم جمهوری اسـلامی از میان می رود و یک دولت طرف دار غرب جای آن به قـدرت می رسد و در صورتی که عراق با شکست مواجه گردد، امریکا می تواند خود را به عنوان حامی و مدافع ایران قلمداد نماید.» (۲) .

استراتژی نظامی عراق

اشاره

اوضـاع بین المللی، محیـط منطقه – بعـد از پیروزی انقلاـب اسـلامی و در پی سـقوط شـاه – و درکی که عراقی ها از وضـعیت سیاسـی – نظـامی و اجتمـاعی ایران داشـتند، همراه بـا اعتقـاد عراقی هـا به توانمنـدی نظـامی خود در برابر ایران (۳) سبب شد، استراتژی عراق با هدف کسب

---

۱ – ۱۴. شـهید فکوری بعـدها در نـامه ای به امـام خمینی برای تشـریح وضـعیت خانواده های معـدومان کودتا و ضـرورت حل معضـلات آن هـا برای ادامه اسـکان در منـازل سازمـانی، مطـالبی را به این ترتیب نوشـته است که نشان دهنـده میزان حضور و پراکنـدگی عناصـر ضد انقلابی در درون ارتش می باشد: «معدومین نیروی زمینی که اکثرا از افسـران زرهی و توپخانه، لشـکر گارد سابق، لشکر ۹۲ زرهی اهواز، لشکر ۱۶ قزوین و لشکر ۶۴ پیاده ارومیه بودنـد، از تیپ نوهد و نیروی هوایی نیز در کودتا شرکـت داشـته انـد.» (وزارت فرهنـگ و ارشـاد اســلامی، مرکز مـدارک فرهنگی انقلاـب اســلامی، صـحیفه نـور: مجمـوعه رهنمودهای امام خمینی، جلد ۱۴، ۱۲ / ۱۱ /۱۳۵۹، ص ۳۴).

۲– ۱۵. روزنامه انقلاب اسلامی، ۱۷ / ۹ / ۱۳۵۹.

۳– ۱۶. در کتـاب «درس هایی از جنگ مـدرن، جلـد دوم، جنگ ایران و عراق»، در مقایسه توانایی های عمـده دو کشور، در مورد برتری عراق چنین تأکید شده است: «ثبات سیاسی – نظامی، روابط دوستانه با کشورهای همسایه، دسترسی مداوم به منابع متعـدد جنگ افزارهای مدرن، برخورداری از ذخایر عظیم مالی و اعتبار بسـیار، حمایت مالی کشورهای عضو شورای همکاری خلیـج فـارس و پشتیبـانی نظـامی محـدود مصـر و اردن.» (آنتونی کردزمن و آبراهـام واگنر، درس هایی از جنگ مـدرن، جلد دوم،جنگ ایران و عراق ترجمه حسین یکتا، کارشناس مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، ص ۵۸ چاپ نشده».

پیروزی سریع بر پایه «جنگ محدود و برق آسا» (۱) طرح ریزی شود. عراقی ها تمایل چندانی برای جنگ گسترده نداشتند ضمن این که پیش بینی می کردند که بلافاصله پس از آغاز تهاجم، تحولات سیاسی عمیقی در تهران رخ خواهد داد. این برداشت، اساسا متکی بر اطلاعات به دست آمده از امریکایی ها و عناصر فراری ایران به ویژه نظامی ها بود. (۲) اوضاع داخلی ایران و چنان که پیش از این اشاره شد، موضع گیری و رفتار امریکایی ها در برابر ایران، از جمله «عملیات طبس» و «طرح ریزی کودتای نوژه»، برای عراق این معنا و مفهوم را در بر داشت که امریکایی ها در پی «براندازی نظامی جمهوری اسلامی» هستند و لازمه تحقق این امر، وارد کردن یک شوک نظامی است که با حمله عراق انجام می گرفت عراقی ها می پنداشتند که با «حمله غافلگیرانه» به ایران، می توانند مناطق نفت خیز و شهرهای مهم خوزستان را تصرف کرده و مقدمات تشدید بی ثباتی در داخل ایران و براندازی نظام را فراهم کنند و یا دست کم، با شکست نیروهای نظامی و تشدید بی ثباتی در ایران، فرصت خواهند یافت تا خواست های ارضی خود را تأمین کنند.

تلاش هایی نسبتا گسترده منافقین برای سازمان دهی تظاهرات وسیع در نخستین روز بازگشایی مدارس در سال ۱۳۵۹ و همچنین اقدامات عراق در تجهیز عناصر ضد انقلاب در خوزستان و تشدید درگیری های مسلحانه در غرب و به ویژه استان خوزستان، این امیدواری و انتظار را در عراقی ها به وجود آورده بود که «تهاجم غافلگیرانه و سراسری» و در عین حال محدود آن ها، باعث تشدید بی ثباتی در داخل ایران و در نهایت، براندازی نظام جمهوری اسلامی (۳) خواهد شد.

۱- ۱۷. مقیاس جنگ و تعیین گستردگی یا محدودیت آن را می توان بر اساس هدف، وسعت منطقه نبرد، شمار نیروهای عمل کننده و زمان مشخص کرد با توجه به اهداف عراق و صحنه نبرد در خوزستان و تلاش عراق برای جنگ ۳ تا ۷ روزه، می توان چنین نتیجه گرفت که استراتژی عراق جنگ محدود بوده است.
۲- ۱۸. رادیو لندن در این زمینه می گوید: «کسانی مثل اویسی و شاهپور بختیار که از حمایت عراق برخوردار بوده اند، صدام را گمراه کرده اند.» (خبرگزاری پارس، «گزارش های ویژه»، ۱۱ / ۱۰ / ۱۳۵۹، رادیو لندن، ۱۰ / ۱۰ / ۱۳۵۹).
۳- ۱۹. روزنامه لوموند چاپ فرانسه می نویسد: «قرار بود که همراه با این حمله، در داخل ارتش و نیروهای مردمی نیز شورش ها و مخالفت هایی پدید آید و به دنبال آن، رژیم جمهوری اسلامی ساقط شود.» (وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، اداره کل مطبوعات خارجی، نشریه «بررسی مطبوعات جهان»، ۹ / ۱۱ / ۱۳۵۹). برابر گزارش ستاد خنثی سازی کودتا، پس از کودتای نوژه در ارتش، تا پایان سال ۱۳۵۹ در مجموع شش کودتا کشف و عناصر آن دستگیر و برای محاکمه به مراجع قضایی تحویل شدند. بنابراین «براندازی نظام» را می توان یک هدف نهایی برای دولت عراق تصور کرد.

اهداف نظامی عراق

اشاره

تشریح اهـداف نظامی عراق به دلیل محـدودیت منابع و تناقض های موجود در رفتار نظامی ارتش عراق تا انـدازه ای دشوار و پیچیده است. به عبارت دیگر، میان تلاش های نظامی ارتش عراق با سـخنان و مواضع رهبران و مسـئولان سیاسـی این کشور و ماهیت تهاجم آن ها به ایران نوعی چنـد گانگی به چشم می خورد؛ به عقیده یکی از تحلیل گران نظامی، اهداف نظامی عراق مجموعه ای از اهداف درهم و برهم است. (۱) .

منطقه جنوب

در هر حـال نظر بـه اهمیـت و ارزش سیاسـی – استراتژیـک منطقه خوزسـتان، به نظر می رسـد، بخش اساسـی اهـداف عراق از جنگ، در این منطقه، قابل تأمین و تحقق بود. این اهداف عبارت بودند از: (۲) .

۱– اشـغال شهرهای مرزی – که برخی از آن ها عرب زبان بودند – به منظور ایجاد تحرک قومی و فراهم سازی اوضاع مناسب برای تجزیه استان خوزستان؛

۲– تصرف و اشغال اهواز برای مختل کردن سیستم اداری و اقتصادی منطقه جنوب و تجزیه استان؛

۳– قطع جاده مواصـلاتی اهواز – اندیمشک از شـمال به جنوب به منظور فراهم سازی وضـعیت مناسب برای تصـرف و اشـغال بخشی از شهرها و مناطق استان خوزستان؛

۴– تسلط بر جزیره آبادان برای تسهیل تسلط عراق بر رودخانه اروند پس از لغو قرار داد ۱۹۷۵ میلادی؛

همچنین بـا حمله عراق، برخی از شـهرها و منـاطق حیـاتی، از جمله پایگـاه هوایی دزفول، منـاطق مهم نفـتی اهواز و بنـدر امـام خمینی در برد آتش توپخانه عراق قرار می گرفت.

منطقه میانی

اهداف عراق در جبهه میانی که شامل منطقه دهلران تا شـمال «تنگه باویسی» در مرز استان ایلام و باختران (کرمانشاه) می شد، عبارت بودند از:

۱– پشتیبانی از عملیات در جبهه جنوب؛

---

۱ – ۲۰. آنتـونی کردزمن و آبراهـام واگنر، درس هـایی از جنـگ مـدرن، جلـد دوم، جنـگ ایران و عراق، ترجمه حسـین یکتا

کارشناس مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ. (چاپ نشده).

۲- ۲۱. این بحث بر اساس نظریات سرلشکر محسن رضایی فرمانده وقت سپاه پاسداران با عنوان «تجزیه و تحلیل جنگ ایران و عراق» در دوره عالی جنگ سپاه در سال ۱۳۷۴ تهیه و تنظیم شده است.

۲- توسعه پدافند از بغداد و تعمیق مرزهای شرقی با دور کردن نیروهای ایران از مقابل بغداد (۱) .

منطقه شمال غرب

در منطقه شمال غرب، عراق با نگرانی از معابر وصولی مریوان - پنجوین و نوسود - حلبچه، یک لشکر برای تأمین کرکوک و کنترل معارضان کرد عراقی آرایش کرده بود. حکومت صدام با اتکا به نیروهای ضد انقلاب، در این منطقه دو هدف را پیگیری می کرد:

۱- پشتیبانی از عملیات در جبهه جنوب با درگیر نگاه داشتن بخشی از نیروهای ایران؛

۲- فراهم کردن زمینه های لازم برای تجزیه کردستان با حمایت از نیروهای ضد انقلاب.

استعداد و گسترش ارتش عراق

اشاره

ارتش عراق قبل از تهاجم به خاک جمهوری اسلامی از استعداد زیر برخوردار بود: (۲) .

نیروی زمینی

- سپاه یکم، در محور شمالی که مقر آن در کرکوک بود و لشکرهای دوم پیاده کوهستانی، چهارم پیاده کوهستانی، هفتم، هشتم و یازدهم را تحت امر خود داشت.

- سپاه دوم، در محور میانی که مقر آن در بغداد بود و لشکرهای سوم زرهی، ششم زرهی و دهم زرهی را تحت امر خود داشت؛

- سپاه سوم، در محور جنوبی که مقر آن در ناصریه بود و لشکرهای یکم پیاده مکانیزه، پنجم پیاده مکانیزه و نهم زرهی را تحت امر خود داشت؛

- لشکر دوازدهم زرهی که قبل از شروع جنگ وابسته به ستاد کل بود؛

- تیپ های ۳۱، ۳۲، ۳۳ نیروهای مخصوص که با شروع جنگ به سپاه سوم مأمور شدند؛

- تیپ ۱۰ زرهی گارد ریاست جمهوری؛

- فرماندهی نیروهای گارد مرزی؛

- چند گردان دفاع الواجبات در مقرهای «سپاه» ها، نیروی دریایی و نیروی هوایی.

۱- ۲۲. برابر منـابع موجود استراتژی ایران و عراق در گذشـته به این صورت بود که عراق همواره در موضع پدافنـد از بغـداد و آفند به منطقه خوزسـتان قرار داشت. متقابلا ایران در موضع پدافند در جنوب و آفند در برابر بغداد قرار داشت. در نتیجه هدف عراق پدافند از بغداد با عمق بخشـیدن به مواضع دفاعی موجود در مرزهای شـرقی و میانی خود و دور کردن قوای نظامی ایران از بغداد بود.

۲- ۲۳. به نقشه صفحه ۴۳ نگاه کنید.

بـدین ترتیب، نیروی زمینی دشـمن در آغاز تجاوز شامل دوازده لشـکر متشـکل از پنـج لشـکر زرهی، دو لشـکر مکانیزه و پنج لشـکر پیـاده و همچنین، سه تیپ نیروی مخصوص و نیروهـای گـارد ریاست جمهوری و نیروهای گارد مرزی - حـدود بیسـت تیپ مرزی - بود.

استعداد نیروهای جیش الشعبی عراق نیز حدود نیم میلیون نفر برآورد می شد که تا سقف یک میلیون نفر قابل افزایش بود.

نیروی هوایی

سازمـان نیروی هوایی ارتش عراق بـا ۹ پایگـاه هوایی و ۱۴ اسـکادران هواپیمـای شـکاری - بمـب افکن و ترابری دارای ۳۶۶ فروند هواپیمای نظامی ۴۰۰ فروند هلی کوپتر و همچنین ۴۰۰ قبضه توپ ضد هوایی و چند تیپ موشکی زمین به هوا بود.

نیروی دریایی

نیروی دریایی عراق در دو پایگاه اصـلی در بصـره و ام القصر استقرار داشت. تیپ ۷۷ متشکل از چند مین روب و چهار کشتی کوچک پیاده کننـده نیرو در بنـدر بصـره و تیپ هفتم دریایی متشـکل از قایق های موشک انـداز که در بندر ام القصـر مسـتقر بودند.

سازمان نظامی

اشاره

دولت عراق برای تأمین اهداف نظامی، تهاجم خود را با سازمان (۱) زیر آغاز کرد: (۲) .

- سپاه یکم در جبهه شمالی با لشکر ۷ پیاده و با بهره گیری از نیروهای ضد انقلاب؛

- سپاه دوم در جبهه میانی با لشکرهای ۶ و ۱۲ زرهی، ۴، ۲ و ۸ پیاده.

- سپاه سوم در جبهه جنوبی با لشکرهای ۱ و ۵ مکانیزه، ۳، ۹ و ۱۰ زرهی و تیپ ۳۲ و ۳۳ نیروی مخصوص و لشکر ۱۱ پیاده؛

- تیپ ۱۰ زرهی گارد جمهوری نیز در احتیاط سپاه سوم بود (این تیپ در حمله به بستان شرکت داشت).

البته در ماه های نخست جنگ، لشکر ۶ زرهی برای آرایش در مقابـل اهواز و تیپ های ۳۲ و ۳۳ نیروی مخصوص برای حمله و اشغال کامل خرمشهر به جنوب منتقل شدند.

۱- ۲۴. به نقشه صفحه ۳۳ نگاه کنید.

۲– ۲۵. این بخش با استفاده از مقاله «نگاهی گذرا به جنگ هشت ساله»، نوشته داوود رنجبر، فصلنامه تاریخ جنگ شماره ۱، پاییز ۱۳۷۰، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، نوشته شده است.

استراتژی عملیاتی ارتش عراق

جبهه جنوب

اشاره

تلاش اصلی ارتش عراق - به همراه بیشتر نیروی نظامی خود - در منطقه جنوب متمرکز بود؛ ارتش عراق در این منطقه برای رسیدن به خط سبز (۱) در نظر داشت با تکیه بر عوارض و موانع طبیعی، از دست آوردهای نظامی خود دفاع کند. حدود احتمالی خط حد نهایی عراق دراین منطقه از شمال دشت خوزستان به ارتفاعات و شمال جاده دزفول و دهلران محدود می شد. همچنین در شرق، وجود رودخانه کرخه و موانع طبیعی بین دو رودخانه کرخه و دز و نیز تنگه ۱۰ تا ۱۲ کیلومتری، امکان مسدود کردن راه های ارتباطی استان خوزستان با استان های شمالی آن را برای عراق فراهم می ساخت. همچنین، در شمال غربی اهواز، دشمن می توانست با تصرف تپه های فولی آباد، جای پایی برای خود در پشت رودخانه کارون به دست آورد و از طریق آن، اهواز را در کنترل عملیاتی قرار داده و در امتداد این خط، در غرب رودخانه کارون پدافند کرده و دو شهر خرمشهر و آبادان را تصرف کند. (۲) .

عراق در نظر داشت، ضمن حلمه غافلگیرانه به پایگاه های هوایی و از کار انداختن آن ها، وضعیت مناسبی را برای پیشروی یگان های زمینی در عمق خاک ایران به منظور اشغال شهرهای اصلی، تنگه ها و ارتفاعات حساس و اشغال مناطق نفت خیر خوزستان، با تأمین خط سبز فراهم کند.

ارتش عراق تهاجم خود را بیشتر با استفاده از راه ها و معابر وصولی شناخته شده به منظور تأمین اهداف نظامی و عملیاتی، طرح ریزی کرده بود. طرح مانور سپاه سوم عراق بر اساس اهداف و معابر وصولی منطقه به شرح زیر بود:

محور غرب – دزفول

لشکرهای ۱ مکانیزه و ۱۰ زرهی ارتش عراق مأموریت داشتند با استفاده از دو معبر وصولی منطقه، شامل؛ معبر العماره - «فکه - چنانه - شوش» و معبر «علی غربی - شرهانی - عین خوش - جسرنادری - دزفول» و با عبور از رودخانه کرخه و قطع جاده اهواز - اندیمشک، محاصره اهواز از شمال و دزفول از جنوب را کامل کنند.

---

۱ - ۲۶. بر اساس نظریه سرلشکر محسن رضایی با عنوان «تجزیه و تحلیل جنگ ایران و عراق» در دوره عالی جنگ سپاه، در سال ۱۳۷۴ تنظیم شده است؛ منظور از خط سبز، حد نهایی برای تصرف منطقه مورد نظر ارتش عراق در جنوب می باشد. برای اطلاع بیشتر، به نقشه صفحه ۳۳ نگاه کنید.

۲ - ۲۷. سرلشکر محسن رضایی، درس های تجزیه و تحلیل جنگ ایران و عراق، دانشکده فرماندهی و ستاد (دافوس) سپاه، دوره عالی جنگ، ۱۵ / ۴ / ۱۳۷۴.

محور چزابه – سوسنگرد – اهواز

لشکر ۹ زرهی مأموریت داشت، با عبور از معبر وصولی تنگه چزابه و تصرف شهرهای بستان، سوسنگرد و حمیدیه، به سمت شهر اهواز پیشروی کند. عبور از این معبر و نیز محور نشوه - طلائیه - جفیر با هدف تصرف اهواز طرح ریزی شده بود.

محور نشوه – جفیر – اهواز

لشکر ۵ مکانیزه مأموریت داشت، ضمن پاک سازی جاده اهواز - خرمشهر و قطع آن و محاصره خرمشهر از شمال، با حرکت به سمت اهواز، محاصره این شهر را تکمیل و با لشکر ۹ زرهی در شهر اهواز الحاق کند.

محور شلمچه – خرمشهر – آبادان

لشکر ۳ زرهی و تیپ ۳۳ نیروی مخصوص عراق مأموریت داشتند، ضمن محاصره و تصرف خرمشهر، با عبور از رودخانه کارون، شهر آبادان را محاصره و سپس اشغال کنند.

جبهه میانی

اشاره

مانور سپاه دوم عراق در جبهه میانی علاوه بر پشتیبانی از عملیات جنوب، بیشتر به منظور تأمین بغداد از طریق تعمیق مرزهای شرقی طرح ریزی شده بود. در صورت تأمین تنگه پاتاق در عمق ۵۰ کیلومتری خاک جمهوری اسلامی، ارتش عراق می توانست برای تأمین بغداد، نیروهای ایران را از این منطقه دور نگه دارد. بدین منظور مانور ارتش عراق در جبهه میانی از سه محور طرح ریزی شد:

محور قصر شیرین، سر پل ذهاب، تنگه پاتاق

مانور این محور به عنوان مهم ترین بخش عملیات در جبهه میانی با شرکت سه لشکر طرح ریزی شد؛ لشکر ۶ زرهی از محور قصر شیرین با تصرف این شهر به سمت سر پل ذهاب و تنگه پاتاق پیشروی می کرد. این لشکر از دو جناح با لشکر ۴ و ۸ پیاده حمایت می شد. از جناح چپ، لشکر ۸ پیاده در شمال قصر شیرین با هدف دشت ذهاب و شهر سرپل ذهاب و از جناح راست، لشکر ۴ پیاده در جنوب قصر شیرین به سمت گیلان غرب، پیشروی می کردند.

محور مندلی – سومار – نفت شهر

لشکر ۱۲ زرهی در این محور مأموریت داشت که منطقه را تأمین و تصرف کرده و معابر منتهی به مندلی را تأمین و مسدود کند.

محور مهران

لشکر ۲ پیاده مأمور به تصرف شهر مهران، ارتفاعات مشرف بر آن و تأمین منطقه شد.

جبهه شمالی

در جبهه شمالی، سپاه یکم با لشکر ۷ مأموریت داشت ضمن حفاظت از منطقه و کنترل معارضان عراقی، نیروهای ضد انقلاب را به منظور تجزیه کردستان و بخشی از آذربایجان غربی، تجهیز، تقویت و پشتیبانی کند. سپاه یکم، احتیاط ارتش عراق نیز به شمار می رفت.

تشریح پیشروی نیروهای عراقی

اشاره

در جبهه جنوبی، لشکر ۱۰ زرهی عراق تنها پس از چهار روز (۱) «پیشروی در عمق ۹۰ کیلومتری، از شرهانی تا جسر نادری - رودخانه کرخه - و در حالی که تیپ ۲ زرهی از لشکر ۹۲ اهواز و یگان هایی از ژاندارمری را در برابر خود داشت، نیروهایش را به سرعت در پشت رودخانه کرخه مستقر کرد. نیروی لشکر ۱ مکانیزه عراق نیز از معبر وصولی فکه به سمت شوش پیشروی کرد، ولی مقاومت نیروهای تیپ ۳۷ زرهی شیراز به همراه دو گردان از لشکر ۲۱ حمزه،یگان های ژاندارمری نیروهای بسیج و سپاه حرکت آن ها را کند کرد به گونه ای که چهار روز در پشت تنگه رقابیه متوقف شدند ولی پس از یک هفته، به پشت رودخانه کرخه رسیده و در آنجا ماندند، در حالی که هیچ مانعی برای پیشروی و عبور آن ها وجود نداشت.

در محور تنگه چزابه به سمت اهواز، لشکر ۹ زرهی دشمن با تصرف شهرهای بستان و سوسنگرد و ارتفاعات الله اکبر به سمت شهر اهواز پیشروی کرد. در این محور علاوه بر نیروهای تیپ ۳ از لشکر ۹۲ زرهی اهواز و واحدهای ژاندارمری، نیروهای سپاه پاسداران نیز حضور داشتند. شبیخون نیروهای سپاه به فرماندهی شهید غیور اصلی موجب شد که نیروهایی عراقی از اطراف حمیدیه عقب نشینی کنند و خارج از شهر سوسنگرد در مواضع جدید مستقر شوند. حضور نیروهای داوطلب از جمله نیروهای ستاد جنگ های نامنظم به فرماندهی شهید چمران در مقاومت علیه دشمن نقش مؤثری داشت.

در محور طلائیه - نشوه به سمت اهواز، نیروهای عراقی که تیپ یکم از لشکر ۹۲ زرهی اهواز را در برابر خود داشتند،به سهولت به سمت اهواز پیشروی کردند و با قطع جاده خرمشهر - اهواز، در حوالی ۲۰ کیلومتری جنوب غربی شهر استقرار یافتند ولی نتوانستند با لشکر ۹ زرهی خودشان در غرب شهر اهواز الحاق کنند.

۱- ۲۸. در منابع منتشره برادران ارتش، مدت پیشروی در این منطقه ۷ روز نوشته شده است ولی اسرای عراقی از جمله برخی از فرماندهان لشکر ۱۰ زرهی عراق، زمان چهار روز را مورد تأکید قرار می دهند.

لشکر ۳ زرهی عراق نیز پس از ۱۹ روز تلاش ناموفق تیپ ۳۳ نیروی مخصوص برای تصرف خرمشهر، سرانجام با عبور از رودخانه کارون و سپس رودخانه بهمنشیر، خرمشهر و آبادان را محاصره کرد. در این محور، علاوه بر گردان ۱۵۱ دژ، بیشتر نیروهای مردمی و سپاه در خرمشهر دست به مقاومت زدند و همین امر موجب تأخیر در حرکت لشکر ۳ دشمن برای عبور از رودخانه کارون و در نهایت شکست و ناکامی نیروهای عراقی در این محور شد.

بدین ترتیب، عراقی ها نتوانستند راه مواصلاتی منطقه جنوب را از شمال به جنوب قطع کرده و شهر اهواز را تصرف کنند و آبادان را پس از محاصره به اشغال درآورند. مقاومت مردمی، موانع طبیعی همچون رودخانه های کرخه، کارون و بهمنشیر در کندی پیشروی نیروهای عراقی مؤثر بودند.

در جبهه میانی، نیروهای دشمن نتوانستند تنگه پاتاق را تصرف و تأمین کنند، حال آن که هسته اصلی مأموریت عراق در جبهه میانی اجرای این مأموریت بود.

در منطقه شمال غرب، به دلیل حضور ضد انقلاب، ارتش عراق تحرک خاصی از خود نشان نداد. در این جبهه با توجه به موقعیت جغرافیایی منطقه، محدود بودن اهداف و وجود ارتفاعات و تنگه های مختلف، ارتش عراق با تصرف ارتفاعات سرکوب منطقه، (۱) به راحتی اهداف خود را تأمین کرد.

در محور قصر شیرین و سرپل ذهاب لشکر ۶ زرهی عراق با استفاده از جاده آسفالت، برای پاک سازی و محاصره شهرهای قصر شیرین و سرپل ذهاب از دو جناح اقدام کرد. با وجود مقاومت نیروهای خودی در قصر شیرین، این شهر به محاصره دشمن درآمد که عده ای از افراد خودی عقب نشینی کرده و یا اسیر شدند. لشکر ۸ پیاده دشمن در شمال قصر شیرین از محور دشت ذهاب وارد منطقه شد تا علاوه بر تأمین جناح چپ سپاه دوم عراق، در از گله تا پل دو آب به سمت سر پل ذهاب پیشروی کند. لشکر ۴ پیاده دشمن نیز در جنوب قصر شیرین مأموریت داشت شهر گیلان غرب را تصرف کند. لشکر ۸ پیاده در نخستین روز حمله، وارد دشت ذهاب شد و سپس، از دو محور به سمت سر پل ذهاب و از گله پیشروی کرد. لشکر ۶ زرهی نیز هر چند موفق به تصرف شهر قصر شیرین و پیشروی به سمت سر پل ذهاب شد، اما به دلیل مقاومت های مردمی با مشکلات فراوان روبه رو شد.

۱- ۲۹. ارتفاعات مسلط بر منطقه.

در این محور، لشکر ۸۱ ارتش جمهوری اسلامی در برابر نیروهای عراق قرار داشت، ضمن این که نیروهای مردمی و سپاه نیز به ویژه در شهر قصر شیرین در مقابل نیروهای عراقی مقاومت می کردند، لیکن سرانجام در روز چهارم، قصر شیرین سقوط کرد ولی شهر سر پل ذهاب از سقوط نجات یافت و نیروهای دشمن در ارتفاعات اطراف (قلاویزان و کوره موش) استقرار یافتند. لشکر ۴ پیاده دشمن نیز به سهولت خود را به شهر گیلان غرب رساند، اما مقاومت نیروهای مردمی در شهر و واکنش مناسب هوانیروز منجر به عقب نشینی این لشکر از شهر شد و سرانجام، نیروهای دشمن در ارتفاعات «بازی دراز» و برخی از ارتفاعات «دانه خشک» که بر شهر مشرف بود، استقرار یافتند.

در محور مندلی - سومار - نفت شهر، لشکر ۱۲ عراق با هدف تصرف شهرهای سومار و نفت شهر، عملیات خود را با دو فلش - از «میان تنگ» برای تصرف سومار و از شمال غرب نفت شهر برای تصرف این شهر - آغاز کرد. نیروهای دشمن در همان روز اول حمله وارد شهر سومار شدند، ولی در منطقه نفت شهر به دلیل مقاومت هایی که انجام گرفت، با یک روز تأخیر این شهر را اشغال کردند. با توجه به توقف لشکرهای ۴، ۶ و ۸ عراق، نیروهای لشکر ۱۲ نیز پس از تصرف شهرهای سومار و نفت شهر از ادامه پیشروی خودداری کردند.

در محور مهران، با توجه به اهمیت این شهر به دلیل نزدیکی به جاده شمالی - جنوبی که منطقه جنوب را به شمال متصل می کرد، لشکر ۲ پیاده ارتش عراق - تحت امر سپاه دوم شامل چهار تیپ - مأموریت خود را با هدف تصرف شهر مهران از سه محور آغاز کرد؛ یک تیپ از شمال شهر مهران به سمت تنگه کنجانچم، یک تیپ زرهی از لشکر ۱۲ و یک تیپ پیاده از لشکر ۲ به سمت شهر مهران و حرکت در عمق و فلش سوم لشکر ۲ به سمت ارتفاعات مرزی قلعه آویزان با استعداد یک تیپ اجرا شد. در این محور تیپ ۸۴ خرم آباد از مهران تا دهلران در برابر لشکر ۲ عراق دفاع کرد، یگان های تحت امر لشکر ۲ روزهای اول و دوم بدون برخورد با مانع مستحکمی، اهداف خود را تأمین کرده و در ارتفاعات دالپری و مورموری شمال دشت عباس و دهلران مستقر شدند.

اگر ارتش عراق می توانست خط سبز را تأمین کند، این امر به تحقیق مقاصد سیاسی - نظامی این کشور کمک می کرد و بدین ترتیب عراق می توانست (۱) بر رودخانه اروند مسلط

۱- ۳۰. بر اساس نظریه سرلشکر محسن رضایی با عنوان «تجزیه و تحلیل جنگ ایران و عراق» در دوره عالی جنگ، در سال ۱۳۷۴ تنظیم شده است؛ به نقشه صفحه ۳۳ نگاه کنید.

شود؛ مناطق عرب نشین خوزستان را تحت سلطه خود درآورد و خسارات اقتصادی مهمی بر ایران وارد کرده و بخش بزرگی از منابع نفتی کشور را تصرف و یا منهدم کند و در نتیجه این توانایی های به دست آمده، عراق قادر بود:

۱- ادعا کند که ایران را شکست داده است؛

۲- قرارداد ۱۹۷۵ میلادی را از موضع برتر لغو کند؛

۳- با تسلط بر شمال خلیج فارس و افزایش حضور نظامی در دریا و هوا،قدرتش را در منطقه افزایش دهد؛

۴- بر قیمت گذاری نفت اوپک تأثیر بگذارد؛

۵- تأثیر سیاسی تعیین کننده ای بر کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس بگذارد؛

۶- به عنوان ژاندارم منطقه از موقعیت برتر برخوردار شود و از امریکایی ها امتیاز لازم را اخذ کند.

عراقی ها به دلیل ناکامی در تأمین خط سبز و استقرار در خط آبی، (۱) از دستیابی به اهداف نظامی و مقاصد سیاسی - اقتصادی خود باز ماندند و این امر موجب شکست نیروهای عراق شد و همچنین تأکید بر توانایی و قدرتمندی انقلاب اسلامی ایران بود.

دلایل ناکامی عراق

برتری سیاسی - نظامی عراق همراه با حمله سراسری و غافلگیرانه به خاک جمهوری اسلامی ایران، هرگونه احتمال ناکامی عراق را از میان برده بود. به همین دلیل، یکی از مباحث اساسی تحلیلگران و ناظران امور نظامی، علل ناکامی عراق بود. در این زمینه گرچه تاکنون بحث مستقل و مفصلی صورت نگرفته است ولی در بحث های کارشناسی و تحقیقاتی که تاکنون به عمل آمده است، این موضوع به صورت اجمالی مورد اشاره و توجه قرار گرفته است که به آن اشاره می شود.

عراقی ها در طرح ریزی، هدف گذاری و سازمان دهی تجاوز به ایران، اساسا به تحولات سیاسی در داخل کشور به ویژه استان خوزستان نظر داشتند،و در ارزیابی توان نظامی ایران، امکان هرگونه مقاومت مؤثر را غیر عملی می دانستند. بنابراین، با بررسی رخدادها و واکنش هایی که در پی تجاوز به ایران صورت گرفت، می توان دریافت که محاسبات عراق از

۱- ۳۱. خط آبی، حد نهایی منطقه ای بود که عراق توانست تا آنجا پیشروی کند؛ به نقشه صفحه مقابل نگاه کنید.

اوضـاع داخلی و میزان مقـاومت نیروهـای نظـامی ایران در هم ریخت و همین امر مرکز ثقل و نقطه آغاز ناکامی عراق بود. در واقع، قدرت اولیه تهاجمی عراق در برابر بسیج نیروهای انقلابی و مردمی به سمت جبهه ها، رنگ باخت و استراتژی تهاجمی ارتش عراق در خرمشهر و آبادان عملا با شکست روبه رو شد. به گونه ای که ارتش عراق که برای اشغال خرمشهر تنها تیپ ۳۳ نیروی مخصوص را در نظر گرفته بود، ناچار شد به تدریج نزدیک به دو لشکر نیروی نظامی به خرمشهر گسیل کند. علاوه بر این در سایر زمینه ها نیز عراق دچار اشتباهاتی شد که گذرا به آن ها اشاره می شود:

۱- نخستین اشتباه عراق، اتخاذ استراتژی «جنگ محدود» بود که اساسا برای دستیابی به صلح کارآمد است نه برای تسلیم قطعی دشمن که در جنگ عمومی و قطعی طرح ریزی می شود، به همین دلیل عراق برای تأمین مقاصد سیاسی و اهداف نظامی خود - که پیش از این برشمرده شد - لزوما به جنگ عمومی و قطعی نیاز داشت و یا در صورت فراهم نبودن امکان چنین جنگی می بایست از جنگ خودداری می کرد.

۲- میان تدابیر تدارک نظامی عراق (سازمان، امکانات و طرح های نظامی) و مقاصد سیاسی و اهداف نظامی اش ارتباط منطقی وجود نداشت (۱) و بدین خاطر در تقسیم و تخصیص نیروهای خود در مناطق مختلف دچار اشتباه شد مانند تلاش عراق در اختصاص دادن پنج لشکر برای تأمین بغداد در جبهه میانی که موجب زمین گیر شدن این لشکرها شد؛ در این باره به نظر می رسد عراقی ها با دو مشکل روبه رو بودند: نخست این که برای کلیه محورهایی که به بغداد و منطقه عمومی آن ختم می شد، باید نیروی احتیاط در نظر می گرفتند و مرز شرقی خود را از مهران تا قصر شیرین عمق می بخشیدند. این مسئله سبب شد، بخشی از ارتش عراق در جبهه میانی زمین گیر شود. همچنین، ارتش عراق می بایست کلیه محورهایی را که به کرکوک منتهی می شد (مانند نوسود - حلبچه - مریوان - پنجوین) مسدود کرده و از تعرض احتمالی معارضان به این مناطق جلوگیری می کرد، در نتیجه، به ناچار بخش دیگری از نیروهای ارتش عراق در این مناطق آرایش گرفتند. بدین ترتیب، عراق برای تأمین منطقه جنوب - که تمام اهداف این کشور را در بر می گرفت - تنها پنج لشکر در اختیار داشت که تحت امر سپاه سوم می بایست از مهران تا شلمچه و از معابر وصولی وارد

۱- ۳۲. این عارضه عمدتا متأثر از درک غلط از اوضاع داخلی ایران به وسیله عراق و نیز تأثیرپذیری این کشور از ملاحظات سیاسی به ویژه خواسته های امریکا بود.

عمل می شدند که این استعداد با مأموریت مورد نظر تناسبی نداشت.

۳- نداشتن تجربه عملیاتی و تاکتیکی سبب شده بود، حرکات ارتش عراق کند، ناهماهنگ و ارتباطات آن بسیار ضعیف باشد (۱) .

۴- عراق در محاسبات نظامی خود نیروهای سپاه پاسداران و مقاومت مردمی را در نظر نگرفته بود اما حضور این نیروها و مقاومت مردمی منجر به گشایش جبهه های جدیدی شد که برای عراقی ها قابل پیش بینی نبود، به همین دلیل نیروهایی را که برای اهداف دیگری در نظر گرفته بودند، به این درگیری ها اختصاص دادند و همین مسئله منجر به کاهش توان ارتش عراق شد (۲) .

۵- توقف ارتش در حال پیشروی عراق، عدم درک اهمیت سرعت مانور، عدم برخورداری از فرماندهی مؤثر نظامی برای هماهنگی عملیات زمینی، هوایی و دریایی و عدم بهره برداری از موفقیت های اولیه به ویژه در روزهای نخست جنگ، بخش دیگری از اشتباهات عراق بود.

در نتیجه پیش فرض های نادرست عراق، ناتوانی نظامی، عدم تجربه عملیاتی به اضافه تردید در تصمیم گیری (۳) و نیز پیش بینی نکردن مقاومت مردمی در ایران،زمینه های کندی و ناهماهنگی در پیشروی اولیه نیروهای عراق در خاک ایران و سرانجام ناکامی آن ارتش را فراهم ساخت.

واکنش ایران در برابر تهاجم عراق

واکنش سیاسی ایران

فضای سیاسی - اجتماعی حاکم بر کشور پس از پیروزی انقلاب اسلامی - به ویژه پس از تصرف لانه جاسوسی - این درک و باور را به وجود آورده بود که امریکا بر اقدامات خصومت آمیز خود بر ضد ایران انقلابی خواهد افزود، به همین دلیل، امام خمینی در دیدار با

۱- ۳۳. پیشین.

۲- ۳۴. مأخذ ۱۰.

۳- ۳۵. صدام بعدها در مصاحبه با روزنامه اشپیگل چاپ آلمان درباره مشکلات عراق به هنگام تصمیم گیری گفت: «بیشتر اوقات ما به هنگام اخذ تصمیم دچار مشکلاتی هستیم که آیا باید به پیشروی ادامه دهیم یا نه؟ چقدر و چرا؟» همچنین یک عضو حزب بعث در سال ۱۹۸۱ میلادی مطالبی را بیان کرد که حائز اهمیت است. وی گفته بود: «صدام به تنهایی علی رغم توصیه های مقامات بلند پایه حزب بعث و افسران نظامی، اصرار داشت هدف های نظامی عراق در جنگ با ایران محدود باشد.» (بولتن ستاد تبلیغات جنگ شورای عالی دفاع، مقاله «عراق جناح شرقی دنیای عرب»، مؤسسه برولینگز؛ ۱۹۸۴).

فرماندهان سپاه ضرورت هوشیاری و اجتناب از غفلت در برابر امریکا را مورد تأکید قرار دادند و فرمودند: «قوای خودتان را مجهز کنید و تعلیمات نظامی پیدا کنید.» (۱) .

در پی تشدید تحرکات مرزی عراق و مداخله این کشور در امور ایران، وقوع یک بحران نظامی و جنگ احتمالی در چارچوب منافع امریکا و غرب بر ضد ایران قابل پیش بینی بود. بر همین اساس، بلافاصله پس از آغاز تهاجم عراق، امام خمینی تجاوز عراق را بهای مخالفت ایران با امریکا خواندند. (۲) افزون بر این، به دلیل ماهیت دینی انقلاب، امام، تهاجم عراق و دفاع ایران را به منزله جنگ کفر با اسلام ارزیابی کردند. (۳) تلقی مردم و مسئولان از ماهیت تجاوز عراق منجر به ظهور واکنش گسترده در آن ها برای مقابله با دشمن، با هدف دفاع از انقلاب و اسلام در برابر تهاجم همه جانبه جبهه کفر استکبار، شد. پیدایش وضعیت جدید دو نتیجه مهم در پی داشت: نخست آن که «مقاومت و دفاع مردمی و همه جانبه» شکل گرفت؛ دوم، «راه هر گونه مصالحه و سازش» بسته شد. نتیجه اول، عملا عراق را در نخستین گام های تجاوز با ناکامی مواجه ساخت و روند تثبیت نظام با ایجاد انسجام درونی آغاز شد. نتیجه دوم سبب شد،امیدواری لیبرال ها برای مذاکره و پیمودن راه سازش با عراق و امریکا کم رنگ شده و از میان برود؛ به همین دلیل در عمل این جریان به رهبری بنی صدر ابتکار عمل برای مذاکره سیاسی را از دست داد. در عین حال بنی صدر به عنوان نخستین و تنها فردی که به راه حل مذاکره تأکید می کرد، تنها ۲۴ ساعت پس از تجاوز عراق طی سخنانی گفت: «اگر مسئله، قرارداد الجزایر است، که می شود مذاکره کرد.» (۴) .

تأثیرات جنگ در کشور و موضع گیری و اقدامات امام، مردم و مسئولان سبب شد که بر خلاف تصور امریکا و عراق - که ایران را در صورت شروع جنگ شکست خورده ارزیابی می کردند - روند جدیدی با رهبری امام و حضور مردم در صحنه جنگ و انقلاب آغاز شود که نتیجه آن،تحکیم انسجام و وحدت در میان قشرهای مختلف و افزایش حمایت از نظام جمهوری اسلامی و عقیم ساختن اهداف دشمنان بود.

واکنش نظامی ایران

اشاره

بررسی واکنش نظامی جمهوری اسلامی ایران در برابر تهاجم عراق از آن جهت مهم و ضروری است که این بررسی می تواند، «ارزیابی دولت عراق از توان نظام ایران» و نقش آن در تصمیم گیری برای تهاجم به ایران و همچنین «عوامل مؤثر بر ناکامی و شکست عراق» را روشن سازد.

---

۱ - ۳۶. مرکز مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، صحیفه نور: مجموعه رهنمودهای امام خمینی، جلد ۱۰، (تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی)، ص ۲۳۹.

۲- ۳۷. پیشین، جلد ۱۳، ص ۹۲.

۳- ۳۸. پیشین.

۴- ۳۹. روزنامه انقلاب اسلامی، ۱ / ۷ / ۱۳۵۹.

از فروردین تا ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ مرزهای ایران به طور مکرر مورد تجاوز نیروهای عراقی قرار گرفت ولی نیروهای نظامی ایران هرگز واکنش مناسب و قاطعی از خود نشان ندادند (۱) و همین مسئله، عراقی ها را در اقدام به تجاوز و امیدواری برای دستیابی به پیروزی سریع و آسان تشویق کرد. ارزیابی های رسانه های خارجی و کارشناسان و تحلیلگران نیز با برداشت های دولت عراق از وضعیت نظامی ایران مطابقت و هم سویی داشت.

با این ملاحظه کلی، دو سؤال اساسی مطرح می شود: اول، علت ناتوانی نیروهای نظامی ایران برای باز دارندگی عراق از تهاجم به ایران چه بود؟ دوم، اگر نیروهای نظامی ضعف و کاستی های اساسی داشتند، پس چه عواملی منجر به ناکامی عراق شد؟

تاکنون در بررسی های انجام شده، کمتر به نقش نیروهای نظامی در بازدارندگی عراق اشاره شده است، تیمسار صیاد شیرازی (۲) جانشین وقت رئیس ستاد کل نیروهای مسلح و فرمانده اسبق نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی نیز در مورد وضعیت ارتش توضیحاتی را ارائه می کند که در روشن شدن این بحث بسیار مفید است. وی می گوید:

«تصور کنید ارتشی مضمحل را که سران خیانت کار آن یا دستگیر انقلاب گردیده و محاکمه و اعدام شده اند و یا راه هزیمت در پیش گرفته و پناه به بیگانه برده اند. سراسر کشور در تب یک جنگ ویرانگر می سوخت و پس از آن، کرانه های غربی وطن، ناجوانمردانه توسط جمعی خود فروخته اشغال گردیده بود، سستی و رخوت مضاعف درون ارتشیان موج می زد و تجربه تلخ گزینش اولین رئیس جمهوری نااهل انقلاب این سستی را تشدید می کرد.

آیا ارتش با رهبری یک روحانی قادر به انجام دادن وظیفه و[به دست آوردن]پیروزی خواهد بود؟ این کلام یاران ارتشی ما بود که از جو آتش زای ایام نخست جنگ نشأت[می]گرفت.» (۳) .

جانشین وقت رئیس ستاد مشترک ارتش (تیمسار آراسته) نیز در توضیح اقدامات ارتش، طی مصاحبه ای با روزنامه کیهان، مراحل آن را چنین ذکر کرد:

«۱- مرحله نخست، سد کردن و متوقف کردن دشمن و اجرای عملیات چریکی.

۱- ۴۰. برابر مندرجات کتاب «نقش ارتش جمهوری اسلامی ایران در هشت سال دفاع مقدس» از انتشارات سازمان سیاسی - عقیدتی ارتش، جلد اول، نبردهای غرب دزفول، با وجود این که در ماه های فروردین و اردیبهشت ۱۳۵۹ نیروهای ارتش به مرز اعزام شدند،لیکن در خرداد همان سال با ا ین توجیه که «تهدید برطرف شده است»، نیروهای لشکر ۹۲ به پادگان مراجعت کردند و یک ماه بعد کودتای نوژه سازمان دهی و اجرا شد.

۲- ۴۱. تیمسار علی شیرازی در فروردین ۱۳۷۸ به وسیله سازمان مجاهدین خلق (منافقین) به شهادت رسید.

۳- ۴۲. روزنامه اطلاعات، ۱۶ / ۳ / ۱۳۷۵، مقاله مردی به ازای شرف.

۲- مرحله دوم، اجرای تک های محدود (۱) به منظور ضربه زدن و انهدام نیروهای دشمن و خسته و فرسوده نمودن متجاوز که با شش عملیات تا قبل از سال ۱۳۶۰ عملی شد.

۳- مرحله سوم که عملیات تهاجمی گسترده در سر تا سر جبهه بود و با کمک سپاه پاسداران و بسیج مردمی و یا به تنهایی عملی گردید...» (۲) .

بدون تردید - چنان که در این اظهارات آمده است - نیروهای نظامی فاقد آمادگی و توانایی لازم برای «بازدارندگی» و مقابله مؤثر در برابر پیشروی ارتش عراق به عمق مناطق مرزی بودند. در این زمینه، آیت الله خامنه ای (نماینده وقت حضرت امام (ره) در شورای عالی دفاع) فرمودند:

«روزهای اول مرتب خبر می رسید که عراقی ها فلان جا را گرفتند و تا فلان جا پیشروی کرده اند و این قدر نیرو آورده اند یا فلان شهر تهدید می شود و از جمله شهرهایی که به شدت تهدید می شود، دزفول بود. در حالی که ما آن جا نیرو کم داشتیم و وقتی هم به فرماندهان ارتش می گفتیم، می گفتند نیرو کم داریم و یا نیرو و تجهیزات هر دو را با هم نداریم و راست هم بود. به این معنا که آمادگی های لازم را برای خودشان در این جنگ تهیه ندیده بودند. در صورتی که ابزارهای زیادی داشتیم ولی از کار افتاده بود و مهمات زیادی داشتیم که این ها از وجودش خبر نداشتند، افراد زیادی هم داشتیم که این ها در پادگان ها حضور نداشتند و لذا وضعمان خیلی بد بود.» (۳) .

بعدها، با تشدید درگیری های سیاسی در داخل کشور، بنی صدر - با وجود آن که فرماندهی کل قوا را بر عهده داشت - تلاش می کرد، با سلب مسئولیت از خود، نیروهای خط امام را در وضعیت به وجود آمده مقصر نشان دهد. آیت الله خامنه ای در همان زمان در نماز جمعه تهران خطاب به بنی صدر فرمودند:

«نزدیک به هفت ماه قبل از جنگ، شما فرمانده کل قوا بودید، (۴) چرا نیروهای نظامی ما هنگام شروع جنگ نتوانستند مقاومت کنند؟ حضرت امام شما را در اول اسفند ۱۳۵۸ به

۱- ۴۳. از ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ تا پیش از پایان همین سال، سلسله تلاش هایی که ارتش و به فرماندهی بنی صدر انجام داد، گسترده و با هدف آزادسازی مناطق اشغالی بود؛ فی المثل بنابر مندرجات مجموعه پنج جلدی منتشره از سازمان عقیدتی - سیاسی ارتش، عملیات ۲۳ مهر باهدف آزادسازی منطقه غرب کرخه بود؛ عملیات سوم آبان با هدف شکستن محاصره آبادان؛ عملیات ۱۶ دی ماه در هویزه با هدف آزادسازی منطقه غرب کارون و خرمشهر بود و عملیات ۲۰ دی ماه با هدف شکستن محاصره آبادان انجام گرفت. بنابراین مشخص نیست به چه دلیل این عملیات ها محدود ذکر شده است.

۲- ۴۴. روزنامه کیهان، ۱۵ / ۷ / ۱۳۷۵، مصاحبه تیمسار آراسته (جانشین وقت ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران).

۳- ۴۵. انتشارات سروش، مجموعه مصاحبه های سال ۱۳۶۱ و ۱۳۶۲ مصاحبه در مورد شهادت شهید چمران، ۱۲ / ۳ / ۱۳۶۱، صص ۶۴ و ۶۵.

۴- ۴۶. بنی صدر در بهمن ۱۳۵۸ با رأی مردم رئیس جمهور و در اسـفند همان سال به دستور امام خمینی به فرماندهی کل قوا منصوب شد.

فرماندهی کل قوا برگزید. در اول مهر ماه ۱۳۵۹، یعنی هفت ماه تمام بعد از فرماندهی کل قوا[یی]شما جنگ شروع شد. در این هفت ماه شما چه کردید؟ چرا ارتش را مرمت نکردید؟ چرا نظامیان را آموزش ندادید؟ آیا این ها را چه کسی می بایست انجام می داد؟ چرا شما وقتی جنگ شروع شد و خرابی کار شما در هفت ماه گذشته آشکار می شود، تقصیرها را به گردن این و آن می اندازید؟ وقتی از ایشان می پرسند چرا ارتش را سر و سامان نداده اید؟ می گوید: «چون کسان دیگری در ارتش دخالت کرده اند.» منظور ایشان دادگاه های انقلاب و ارتش است. چون افراد متهم به کودتا را دستگیر کرده بودند. آقای بنی صدر توقع داشتند در ارتش علیه جمهوری اسلامی کودتا بشود و کودتاچیان آزاد گردند و دستگیر نشوند!؟» (۱) .

این مسائل نشان می داد که ارتش آمادگی لازم را برای دستیابی به «بازدارندگی» در برابر عراق و نیز توان «مقابله مؤثر» را پس از تهاجم آن کشور نداشت. در عین حال، رخدادهایی که در پی تهاجم عراق به ایران پدید آمد، تمام سیاست های عراق را در هم ریخت و نیروهای متجاوز با ناکامی و شکست مواجه شدند.

استراتژی دفاعی ارتش جمهوری اسلامی ایران

طرح هر گونه مبحث دفاعی و نظامی و تبیین استراتژی دفاعی اساسا بر پایه تجزیه و تحلیل تهدیدات داخلی و خارجی انجام می پذیرد. این مهم، هیچ گاه پیش از پیروزی انقلاب در درون سلسله مراتب نظامی ایران انجام نشد، زیرا امریکایی ها ضمن تعیین تهدیدات، راه های مقابله با آن را نیز به سیستم سیاسی - نظامی ایران دیکته می کردند و این روش، مانع از شکلگیری این گونه مباحث در میان نیروهای نظامی ایران می شد. بنابراین، دستیابی به مفاهیم روشن و مدون در این زمینه دور از انتظار بود. با این حال، به نظر می رسد که پیش از پیروزی انقلاب اسلامی، ارتش ایران استراتژی دفاعی خود را در برابر عراق بر پایه سه راه کار تنظیم کرده بود. در کتاب «دفاع مقدس» از انتشارات نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران، به این موضوع چنین اشاره شده است:

«با توجه به درگیری های ایران و عراق قبل از بیانیه الجزایر که مدت شش سال - از ۱۳۴۸ تا ۱۳۵۴ - طول کشید، دفاع در منطقه خرمشهر و محور شمالی آن مهم ترین موضوعی بود که فکر فرماندهان نظامی وقت را به خود معطوف کرده و در راه حصول به این هدف پس از دو سال بررسی و تفحص، سه راه کار برای این منظور پیش بینی گردید که اولین و بهترین راه حل، پیشدستی در تک در صورت خطر جدی ارتش عراق و تصرف کرانه شرقی دجله و متکی کردن پدافند این منطقه به رودخانه دجله بود. دومین راه کار، ایجاد استحکامات صحرایی در منطقه

۱- ۴۷. نماز جمعه تهران، ۲۹ / ۳ / ۱۳۶۰، مندرج در روزنامه های ۳۰ / ۳ / ۱۳۶۰.

مرزی و استقرار نیروی تأمین کافی در خط مرز و پیش بینی قدرت، رزمی کافی برای عکس العمل سریع. سومین راه کار، دفاع و عمل تأخیری در منطقه خوزستان تا خط رودخانه کرخه و کارون و وارد شدن به خاک عراق و وارد کردن ضربت قاطع در منطقه کرمانشاه در روی محور قصر شیرین - خانقین - بغداد و تهدید پایتخت عراق بود.» (۱) .

پس از انقلاب اسلامی و در پی تشدید درگیری در مرز ایران و عراق و با وجود تحولاتی که در «تغییر ماهیت تهدید» و «مقدورات» به وجود آمده بود، در طرح پدافندی حر - مستند به طرح عملیاتی «ابوذر» که در خرداد ۱۳۵۹ ابلاغ شده بود - درباره مأموریت لشکر ۹۲ به عنوان یگانی که مسئولیت سراسر منطقه خوزستان را به عهده داشت، چنین آمده است:

«الف - در منطقه مربوطه دفاع کنید.

ب - پیشروی را در جنوب اهواز در مناسبترین مواضع (در محور شلمچه حتی المقدور در غرب نهر عرایض و در شمال این نهر در غرب جاده اهواز - خرمشهر) سد کنید.

پ - آماده باشید، پس از ورود لشکر ۱۶ به منطقه دزفول، با هماهنگی آن لشکر در منطقه اهواز و خرمشهر آفند متقابل نمایید» (۲) .

در این طرح، مأموریت لشکر ۸۱ چنین تعیین شده است:

«الف - مرحله یکم، لشکر ۸۱ زرهی با اعزام عناصر تأمینی حرکت متجاوز را در زمین های بلافصل مرز به تأخیر اندازد.

ب - مرحله دوم: پس از عقب نشینی عناصر تأمینی، در منطقه دفاع نموده و پیشروی دشمن را در مواضع سد کننده پیش بینی شده متوقف نماید.

ج - مرحله سوم: آماده می شود، بنا به دستور در محور عمومی قصر شیرین - خسروی - خانقین - بغداد آفند متقابل نموده و نیروهای متجاوز را نابود سازد.» (۳) .

چنان که مشخص است، این طرح و مأموریت های ابلاغ شده، تناسبی با شرایط آن زمان نداشت و بیشتر برگرفته از طرح های پدافندی و آفندی گذشته بود. ضمن این که طرح عملیاتی ابوذر در موقعیتی تدوین و ابلاغ شد که با وجود استقرار یگان های ارتش در مرز، نیروی زمینی ارتش بر اساس برآورد خود حمله همه جانبه ارتش عراق را در آینده نزدیک پیش بینی نمی کرد، به همین دلیل، دستور بازگشت یگان ها را به پادگان ها ابلاغ کرد. (۴) .

این دستور نشان دهنده عدم درک درست از ماهیت تهدید و طرح «ابوذر» نیز مبین عدم درک صحیح از دشمن، توانایی ها، نحوه سازمان دهی و به کارگیری آن بود. ارزیابی طرح ابوذر در کتاب منتشره «ارتش جمهوری اسلامی ایران» به خوبی این موضوع را روشن کرده است:

۱– ۴۸. نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران، دفاع مقدس، اسفند ۱۳۷۱، ص ۱۱.

۲– ۴۹. پیشین.

۳– ۵۰. مأخذ ۲۱، ص ۲.

۴– ۵۱. سازمان عقیدتی – سیاسی ارتش جمهوری اسلامی ایران، نقش ارتش در ۸ سال دفاع مقدس، جلد ۳، اشغال خرمشهر و شکستن حصر آبادان، (تهران: ۱۳۷۲) ص ۴۳.

«اصولا یگان های نیروی زمینی، تقریبا هیچ کدام در شرایطی از توان رزمی و استعداد پرسنلی و لجستیکی نبودند که قادر به اجرای عملیات آفندی مستقل باشند، و نیروی زمینی نیز فاقد امکانات لازم برای ترابری و جابه جایی یگان های عمده و انجام تمرکزات پیش بینی شده در طرح عملیاتی ابوذر بود.» (۱) .

بنابراین، استراتژی دفاعی ارتش ایران، مبانی و انسجام لازم را برای پاسخ گویی به تهدید عراق نداشت و به همین دلیل، در صحنه عمل در بازدارندگی و دفع تهاجم دشمن و جلوگیری از اشغال و محاصره شهرها و خاک مقدس جمهوری اسلامی موفق نبود.

آرایش دفاعی ارتش ایران

تمامی مباحث این بخش از منابع منتشر شده به وسیله ارتش جمهوری اسلامی ایران تهیه شده است.

ارتش در استراتژی خود برای دفاع از خوزستان، دو لشکر زرهی و یک تیپ پیاده در نظر گرفته بود. لشکر ۹۲ زرهی «مأموریت سرزمینی» دفاع در خوزستان را بر عهده داشت و لشکر ۱۶ زرهی با استقرار در فاصله ۱۰۰۰ کیلومتری منطقه، به عنوان نیروی عمل کننده و کمک کننده به لشکر ۹۲ مورد نظر بود. یک تیپ پیاده نیز برای منطقه مرزی جنوب استان ایلام، - از مهران تا دهانه فاو - مسافتی نزدیک به ۵۰۰ کیلومتر را پوشش می داد. (۲) .

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، با وجود مشاهده تحرکات عراق در مرز و شهرهای مرزی، هیچ تغییری در استراتژی نظامی و آرایش دفاعی ایران، انجام نگرفت. (۳) از نیمه دوم فروردین ۱۳۵۹، پس از تمرکز نیروهای عراقی در مرز، ارتش به تدریج به جابه جایی پرداخت؛ تا اواخر اردیبهشت لشکر ۹۲ و تیپ ۳۷ زرهی شیراز (۴) و گروه های ۲۲ و ۵۵ توپخانه در مناطق عملیاتی مستقر شدند. نیروهای لشکر ۹۲ در سه منطقه اصلی تمرکز یافتند:

۱- منطقه عملیاتی دزفول و شوش با تیپ ۲ زرهی و یک گروه رزمی از تیپ ۳۷ و گردان های توپخانه.

ص: ۴۰

۱- ۵۲. سازمان عقیدتی - سیاسی ارتش جمهوری اسلامی ایران، نقش ارتش در ۸ سال دفاع مقدس، جلد ۱، نبردهای غرب دزفول، (تهران: اسفند ۱۳۷۱) ص ۲.

۲- ۵۳. مشخص نیست منظور از یک تیپ پیاده از مهران تا دهانه فاو - کدام تیپ است؟ زیرا اگر منظور، تیپ ۸۴ خرم آباد باشد، مأموریت و گسترش این تیپ از مهران تا دهلران بود نه از مهران تا دهانه فاو. (حاشیه سردار غلامعلی رشید بر کتاب حاضر).

۳- ۵۴. البته برابر گزارش های مندرج در کتاب «ارتش جمهوری اسلامی ایران در هشت سال دفاع مقدس - جلد اول» (از انتشارات سازمان عقیدتی - سیاسی ارتش جمهوری اسلامی ایران در اسفند ۱۳۷۱) در خرداد سال ۱۳۵۹ طرح عملیاتی ابوذر توسط نیروی زمینی ارتش تهیه و ابلاغ شد. در این طرح مأموریت دفاعی یگان ها مشخص شده بود لیکن تغییری اساسی در

تفکر نظامی و دفاعی حاصل نشده بود. این طرح بیشتر ابلاغ دستور عملیاتی به یگان ها بود.

۴– ۵۵. سرهنگ رامین فرمانده اسبق تیپ ۳۷ زرهی در مصاحبه خود در این باره به گسترش تیپ ۳۷ شیراز در منطقه یاد شده اشاره نکرده است.

۲- منطقه عملیاتی غرب اهواز شامل سوسنگرد و بستان با تیپ ۳ زرهی و در منطقه جنوب غربی اهواز، تیپ ۱ زرهی با یک گروه رزمی از تیپ ۳۷ زرهی. (۱) .

۳- منطقه خرمشهر با یک گردان تانک و یک گردان مکانیزه. ضمن این که گردان ۱۵۱ دژ نیز در خرمشهر مستقر بود.

در اواخر خرداد ۱۳۵۹ با وجود آرایش دفاعی یاد شده، برخی از فرماندهان ارتش در تجزیه و تحلیل خود به این نتیجه رسیدند که عراق در آینده نزدیک حمله نخواهد کرد (۲) و این موضوع را به ارتش اعلام کردند. به همین دلیل بخشی از توان تیپ ۳۷ به شیراز بازگردانده شد و لشکر ۹۲ زرهی نیز با استقرار نیروی پوشش در مرز، به پادگان بازگشت.

رژیم بعثی در دهه دوم تیرماه - به دلیل نقشی که در کودتای نوژه داشت و هماهنگ با عناصر کودتاگر و برای تمرکز توجهات به مرز - حملات خود را در بخشی از مناطق مرزی تشدید کرد. این حملات در مرداد ماه، با افزایش تمرکز نیروهای عراقی در مرز شدت گرفت.

با وجود تحولات نظامی در مرز طی شش ماهه نخست سال ۱۳۵۹، سرانجام در ۱۵ شهریور این سال و تنها پنج روز قبل از آغاز غیر رسمی جنگ و ۱۵ روز قبل از آغاز رسمی و سراسری جنگ، نیروی زمینی ارتش یک طرح پدافندی برای یگان ها ارسال کرد. در این طرح نیز هیچ گونه دستوری برای تغییر مکان یگان ها صادر نشده بود و تنها، دفاع از مناطق مرزی به همان لشکرهای مستقر در مناطق پادگانی نزدیک منطقه محول شده بود. در ۱۹ شهریور ۱۳۵۹، فرمانده لشکر ۹۲ زرهی با استنباط از تحرکات نیروهای عراقی، حمله آن ها به خوزستان را قطعی دانسته (۳) و دستور آماده باش را صادر کرد (۴) .

۱- ۵۶. این یگان ها را دو گردان از لشکر ۲۱ حمزه همراهی می کردند. (حاشیه سردار غلامعلی رشید بر کتاب حاضر).

۲- ۵۷. به نظر می رسد این تحلیل بیش از آن که بر مبنای درک صحیح از اوضاع سیاسی و نظامی حاکم بر مناسبات دو کشور ایران و عراق باشد، به لحاظ طرح ریزی کودتا در ارتش بود که شاخه جنوب آن در لشکر ۹۲ زرهی فعالیت داشت.

۳- ۵۸. سردار رحیم صفوی فرمانده کل سپاه پاسداران درباره احتمال حمله عراق و بی توجهی بنی صدر اظهار داشت: «در آن زمان، من فرمانده سپاه، در کردستان بودم و به ارتفاعات قصر شیرین که مشرف به خاک عراق می باشد، رفته بودم. لشکر مکانیزه دشمن در رمزهایمان مستقر شده بود. فرماندهان سپاه نیز در جلسه شورای عالی دفاع به بنی صدر اعلام کردند که عراق می خواهد به ایران حمله کند ولی جوابی که بنی صدر به آن ها داد این بود که شما پاسداران اصلا می فهمید جنگ چگونه آغاز می شود؟ به زعم او بایستی روابط جهانی و بین المللی بین قدرت های بزرگ بر هم بخورد و موازنه سیاسی از بین برود و غیره. بالاخره با یک تحلیل سیاسی این مسئله را رد کرد و بعد هم در مهران طی یک مصاحبه رادیو - تلویزیونی خطاب به مردم گفت، شایع است که جنگ می خواهد شروع شود ولی من الان در مهران هستم هیچ خبری نیست!» (روزنامه کیهان، ۳ / ۳ / ۱۳۷۷).

۴- ۵۹. پیشین، ص ۶۹.

به دلیل عدم درک و تجزیه و تحلیل صحیح از تهدیدات، توان موجود ارتش به گونه ای مناسب سازمان دهی و هدایت نشد و همین امر منجر به تأخیر در ورود بخشی از نیروهای ارتش از جمله لشکر ۷۷ و لشکر ۱۶ به منطقه درگیری شد که نشان دهنده عقب ماندگی ایران در برابر عراق بود.

در مجموع، آرایش دفاعی ایران در پایان شهریور به شرح زیر بود:

منطقه شمال غرب: لشکرهای ۶۴ ارومیه و ۲۸ سنندج با ضد انقلاب درگیر بودند و هیچ نیروی پدافنده کننده ای در مرز استقرار نداشت. (۱) در ضمن، عناصری از لشکرهای ۹۲ زرهی، ۲۱ حمزه، ۷۷ خراسان و عناصری از تیپ ۲۳ نیروی مخصوص و نیروهای ویژه هوابرد و تیپ ۵۵ نیز در اختیار این لشکرها قرار داشتند. (۲) .

منطقه غرب: لشکر ۸۱ زرهی و تیپ ۸۴ پیاده خرم آباد در این منطقه مستقر بودند. تعدادی از یگان های لشکر ۸۱ زرهی نیز مسئولیت درگیری با ضد انقلاب را داشتند.

منطقه جنوب: لشکر ۹۲ زرهی تقویت شده با تیپ ۳۷ زرهی شیراز، گردان ۱۵۱ دژ، گردان تانک لشکر ۸۸ زرهی و یک گروه رزمی پیاده از لشکر ۲۱، یک گردان پیاده و یک گردان تانک از لشکر ۷۷ و عناصر ژاندارمری خوزستان و پایگاه دریایی خرمشهر و عناصری از گروه ۲۲ و ۵۵ توپخانه، مسئولیت پدافند از منطقه خوزستان را بر عهده داشتند.

ارزیابی واکنش دفاعی ایران

واکنش اولیه نظامی ایران در برابر عراق، بیشتر، حملات گسترده هوایی به شهرهای عراق و درگیری در دریا بود که در مقایسه با واکنش زمینی، تا اندازه ای برجسته می نمود و این درک و تصور را به وجود آورد که استراتژی جنگی ایران، «جنگ عمومی» است. این باور اساسا متأثر از نحوه سازمان دهی حملات هوایی و دریایی ایران به مراکز استراتژیک عراق در ۲۴ ساعت اول بود. در هر صورت، واکنش اولیه ایران سبب شد، کلیه تحلیل های موجود درباره ناتوانی نظامی ایران تغییر کند.

۱- ۶۰. صحت این اطلاعات مورد تردید است زیرا تنها بخشی از توان لشکرهای ۶۴ و ۲۸ با ضد انقلاب درگیر بود و بقیه توان لشکر روی سلسله ارتفاعات مرزی استقرار یافته بود. (حاشیه سردار غلامعلی رشید بر کتاب حاضر).

۲- ۶۱. با توجه به اسنادی که در این زمینه وجود دارد، در صحت این آمار تردید هست.

نیروی زمینی به دلیل کاهش نیروی انسانی، دچار ضعف و سستی بود، (۱) و نظر به این که سرنوشت جنگ در زمین تعیین می شود و نقطه برتری عراق نیز در جنگ زمینی بود، لـذا مرور - هر چند اجمالی - عملکرد نیروی زمینی ارتش در منطقه جنوب، با استناد به گزارش منتشره از نیروهای زمینی ارتش، (۲) ضروری است.

بنـابر گزارش هـای نیروی زمینی ارتش جمهوری اسـلامی، تیپ ۲ از لشکر ۹۲ زرهی همراه بـا تیپ زرهی ۳۷ شیراز در غرب رودخانه کرخه در مجموع هفت روز مقاومت کردند. (۳) .

نیروهای تیپ ۳۷ شـیراز در این مقاومت نقش برجسته ای داشتند، به گونه ای که اسرای دشمن نیز به آن اعتراف کردند. تأخیر در انتقال لشکر ۱۶ زرهی قزوین یکی از مسائل مهم در عدم مقابله مؤثر با پیشروی دشمن بود.

تیپ ۳ از لشکر ۹۲ که در منطقه «الله اکبر» اسـتقرار داشت تنهـا یـک روز در برابر دشـمن مقاومت کرد و در روز دوم سازمان تیپ عملا متلاشـی شد. افراد این تیپ در مجموع سه روز در پدافند فعال شرکت داشتند. پیشروی نیروهای دشمن در هفته اول جنگ به سمت اهواز - که با شبیخون برادران سپاه به فرماندهی شهید غیور اصلی (۴) مجبور به عقب نشینی شده بودند - پس از متلاشی شدن سازمان این تیپ انجام گرفت.

تیپ ۱ از لشکر ۹۲ زرهی در منطقه حسینیه (کیلومتر ۲۵ در شمال خرمشهر) مستقر

---

۱ - ۶۲. آقـای هاشـمی رفسـنجانی در کنفرانس بین المللی «دفاع و تجاوز» در این زمینه می گویـد: «با از بین رفتن رژیم سابق، ارتش ایران که توسط کارشـناسان و مسـتشاران امریکایی و انگلیسـی آموزش می دیـد و هـدایت می شـد، مدیریت خود را از دست داد و تخصـص هـای بالاـیی که در ارتش وجود داشت، در ایران هنوز آماده بهره برداری نبود. علاوه بر این، بسیاری از سران ارتش خود از مهره های امریکا و ضـد انقلاب بودند. بنابراین، با وجود امکانات فراوان در ایران، این امکانات برای مردم و انقلاب به صورت نقد و آماده بهره برداری نبود، در حالی که همه عوامل برای عراق آماده بود. در ایران به زمان نیاز داشتیم تـا انقلاـب و نیروهای مخلص ارتش که طبقات پایین تر و پیکره اصـلی ارتش بودنـد، بتواننـد بر اوضاع مسلط شونـد. ما هنوز مشـغول تصـفیه ارتش بودیم. افراد ارتش فرار کرده و بسیاری از آنان محبوس بودند و جای کارشناس امریکایی را که از ایران رفته بودنـد، کسـی نگرفته بود. تعـداد زیـادی از قراردادهای تسـلیحاتی که مکمل قـدرت ارتش بود، در همان روزهای قبل از انقلاـب توسـط بختیـار لغو شـده بود و بسـیاری از امکانات بـدون پشتیبانی مانـده بود و نیروی نظامی دیگری نیز هنوز در ایران شکل نگرفته بود» (دبیرخانه کنفرانس بین المللی تجاوز و دفاع، بازشناسـی جنبه های تجاوز و دفاع، جلـد اول، تهران، چاپخانه سپهر، ۱۳۶۸، ص ۴۶).
۲- ۶۳. نیروی زمینی ارتش جمهوری اسـلامی ایران گزارشـی را تحت عنوان «دفاع مقدس» در اسفند ۱۳۷۱ منتشر کرد که در این بحث مورد بهره برداری قرار گرفته است.
۳- ۶۴. البته اسرای دشمن اظهار می دارند، ظرف چهار روز به ساحل رودخانه کرخه رسیدند.
۴- ۶۵. شهید غیور اصلی از برادران ارتش بود که به سپاه پیوست و مسئولیت آموزش سپاه خوزستان را بر عهده گرفت.

بود. گردان ۱۵۱ دژ و همچنین نیروهـای منطقه ۳ دریایی خرمشـهر نیز در این محور در منطقه مأموریتی خود اسـتقرار داشـتند. نیروهای دشمن در این محور با عبور از کیلومتر ۲۵ (حسینیه، در روز سوم مهر نیروهای خودی را عقب راندند و به این ترتیب، خرمشـهر از شـمال محاصـره شد. نیروهای دشمن همچنین از منطقه جنوب غربی به سمت اهواز پیشروی کردند که سرانجام در منطقه «نورد» متوقف شدنـد. بنـابراین گزارش، یگـان هـای تحت امر لشـکر ۹۲ زرهی حـداقل یک روز و حـداکثر شـش روز مقاومت کردند.

تلقی و درک نیروهـای نظامی از اهـداف دشـمن، در واکنش نیروهای ایران تأثیر تعیین کننـده ای داشت؛ فرمانـده وقت نیروی زمینی بر این باور بود که هدف عراق تصـرف گلوگاه خوزسـتان و اسـتقرار در ارتفاعات شـمال اندیمشك می باشد، لذا تمام تلاش نیروهای خودی به حفظ گلوگاه معطوف شد. شـهید سرلشکر فلاحی رئیس ستاد مشترک ارتش نیز اعتقاد داشت، اهواز گلوگـاه است و بایـد توان ارتش را برای حفظ آن متمرکز کرد. در این میان، خرمشـهر و آبادان تقریبا از دست رفته تصور می شد، به ویژه این که نیروهای نظامی مشخصـی جز گردان ۱۵۱ دژ و دو گردان زرهی و مکـانیزه برای دفـاع از منطقه اختصاص نیافته بود.

این نوع برداشت هـا نشـان دهنـده نداشـتن تصوری مشـخص و یکسان از اهـداف و تلاش اصـلی دشـمن در جنوب بود که در نتیجه، عـدم اتخـاذ تصـمیم یکسـان و واکنش مشـخص برای رویـارویی با دشـمن را در پی داشت. این وضـعیت، زمینه را برای تداوم پیشـروی دشـمن فراهم کرد. حال آن که در صورت درک اهداف و تلاش اصـلی دشمن و عکس العمل مناسب، امکان ممانعت از پیشروی دشمن بهتر از آنچه انجام شد، امکان پذیر بود.

در مجموع، عـدم آمـادگی جنگی ایران به دلیل فقـدان قرارگاه فرمانـدهی عملیات در مناطق مرزی و عـدم اسـتقرار کلیه یگان هـای نظـامی در طول مرز، کاملاـ آشـکار بود. به عنوان مثـال ایران هیـچ گونه آرایش نظـامی در مناطق بسـیار حساس نزدیک خرمشـهر و آبادان نـداشت و حتی اعلامیه های نظامی عراق حاکی از آن بود که ارتش عراق در یکی دو روز نخست جنگ با مقـاومت چنـدانی روبه رو نشـد. بنابراین، تمام شواهـد نشان می داد، این عراق بود که با آمادگی لازم و به کارگیری نیروهای نظامی، تهاجم همه جانبه ای را علیه ایران سازمان داد در حالی که ایران حتی از آمادگی دفاعی کافی نیز برخوردار نبود. (۱) .

بـا این حـال، به نظر می رسـد که آتش توپخـانه و حملاـت هوایی نیروی هوایی ایران و نیز فعالیت هلی کوپترهای هوانیروز در پشتیبانی آتش و لجستیکی، در مقایسه با تحرکات نیروی

۱- ۶۶. مأخذ ۹، ص ۵۴.

زمینی ارتش از برجستگی خاصی برخوردار بودند، به گونه ای که علاوه بر اعتراف عراقی ها، (۱) ، رسانه های خارجی نیز بر این امر صحه گذاشتند. نیروی دریایی ارتش ایران نیز به لحاظ برتری بالایی که در برابر عراق داشت با تحرکات آفندی در دریا، عملاً عرصه دریا را برای نیروهای عراقی به شدت محدود کرد. به ویژه عراق به دلیل محدودیت سواحلش در خلیج فارس قادر به حضور فعال در دریا نبود. این که نیروهای عراقی در مناطق مرزی ایران موفق به پیشروی شدند، نمایانگر وجود کاستی ها و نقص هایی (۲) در نیروی زمینی ارتش بود. در اینجا به چند نمونه از این ضعف ها اشاره می شود:

۱- در گذشته، استراتژی دفاعی ایران اساسا بر حمایت های نظامی، لجستیکی و مشاوره ای امریکایی ها متکی بود، به همین دلیل، با پیروزی انقلاب اسلامی و خروج ایران از مدار سیاست ها و منافع غرب و نیز مبارزه با امریکا و همچنین تصفیه عناصر خائن در رأس ارتش، عملا استراتژی پیشین کارآمدی لازم را از دست داد و در این فاصله (از پیروزی انقلاب تا آغاز جنگ)، استراتژی جدیدی نیز شکل نگرفت. این ضعف چنان اهمیتی داشت که نمی توان تأثیراتش را بر دست نیافتن تلاش های نظامی ایران به نتیجه ای مطلوب از جمله مقابله با پیشروی نیروهای عراقی نادیده گرفت.

۲- افزایش حملات هواپیماهای ارتش ایران به خاک عراق، به ویژه بغداد، انعکاس وسیعی داشت، ولی با توجه به پیشروی ستون های نظامی عراق در عمق سرزمین جمهوری اسلامی، عملاً بر پیشروی عراقی ها تأثیری نگذاشت. در واقع، حملات هوایی ایران هیچ ارتباطی با مقابله در برابر پیشروی نیروهای زمینی عراق و پشتیبانی از مقاومت نیروهای خودی در زمین نداشت، حال آن که در این زمینه - با توجه به ضعف های اولیه

۱- ۶۷. اسرای عراقی در اعترافات خود، حجم آتش توپخانه را مناسب و باعث تلفات در نیروهای عراقی ذکر کرده اند تلاش هلی کوپتر و وارد کردن تلفات در برخی محورها به واحدهای زرهی عراقی به ویژه در محور عین خوش، امام زاده عباس و در گیلان غرب نیز مورد تأکید اسرا بود. همچنین روزنامه انقلاب اسلامی ۱۷ / ۷ / ۱۳۵۹ به نقل از روزنامه لوماتن چاپ فرانسه در مورد نیروی هوایی می نویسد: «ورزیدگی و هوشیاری نیروی هوایی ایران تعجب همگان را برانگیخته است.».

۲- ۶۸. سرلشکر محسن رضایی فرمانده وقت سپاه می گوید: «برای دفاع از بخش های جنوبی خوزستان باید در شمال حسینیه متمرکز می شدیم تا در دو جبهه اهواز و خرمشهر بتوانیم دفاع کنیم. متاسفانه، تجزیه و تحلیل دقیقی از جنگ نداشتیم لذا در عین حالی که ارتش عراق در راه بود، همچنان آرایش ما به طور سنتی و با رعایت پوشش مرز بود تا با درک دقیق از اهداف عراق و احتمالات، بنابراین، نیروهای کلاسیک ما در گسترش عملیاتی و تاکتیکی دچار نقص و کاستی بودند و تلاش اصلی ارتش عراق را تشخیص ندادند، ضمن این که معابر را مسدود نکردند و از گسترش گردانی مناسب هم برخوردار نبودند. بنابراین، نیروهای کلاسیک در سطح استراتژی و سطوح عملیاتی و تاکتیکی دچار ضعف و کاستی بودند.».

نیروی هوایی ارتش عراق - نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی می توانست تلفات بسیاری بر نیروهای عراق در میدان های نبرد وارد سازد. (۱) .

۳- بـا آن که از مـدت ها پیش بنی صـدر به عنوان فرمانـده کل قوا فعالیت می کرد و اطلاعات نسـبتا فراوانی از احتمال تهاجم عراق در اختیـار داشت، امااقـدام منـاسبی در این زمینه انجـام نـداد. به همین دلیـل با وجود آمادگی کشور برای مقابله و بسـیج امکانات، فرماندهی و مدیریت به نحو مناسبی اجرا نشد.

۴- سـرعت پیشـروی اولیه عراقی ها در برخی از محورها نمایان گر عدم آمادگی برای مقابله با تهاجم دشمن بود، حال آن که ارتش عراق هر گاه با اندکی مقاومت روبه رو می شد، از شـتاب و سرعت اولیه خود می کاست، در این خصوص؛ می توان از مقاومت تیپ ۳۷ زرهی شیراز در محور فکه یاد کرد که به دلیل اهمیتش حتی دشمن زبان به اعتراف گشود.

۵- ضعف آموزش نظامی و از هم پاشیدگی مدیریت کلان ارتش موجب شد که به تناسب امکانات و یگان های زرهی مستقر در منطقه جنوب کشور، مـانور زرهی منـاسب در برابر دشـمن انجـام نشود. حتی بعـدها نیز این ضـعف ادامه یافت تا آن جا که ارتش قصـد کرد بـا سـتون کردن تانک روی جاده ماهشـهر - آبادان در هوای روشن دست به عملیات بزنـد که کمترین نتیجه آن، انهدام امکانات و تجهیزات نظامی بود!

۶- ناتوانی در اجرای اصول جنگ و روش های کلاسـیک (۲) به هنگام مقاومت در برابر نیروهای عراقی و بعـدها در عملیات آفندی علیه ارتش عراق، بخش دیگری از ضعف های ارتش بود که ناکامی هایی را در پی داشت.

۷- اسـتقرار نیروهای دشـمن در مواضع نامناسب و توجیه نبودن آن ها به منطقه، فرصت مناسبی را برای اجرای عملیات ایـذایی در شب فراهم ساخته بود، اما این امر به هیچ وجه

۱- ۶۹. ویلیام اف هیکمن یکی از فرمانـدهان نیروی دریایی امریکا در مقاله «ارتش از هم پاشـیده و از نو متولـد شده ایران در سال ۱۹۸۲ میلادی» از انتشارات مؤسـسه برنامه مطالعات سـیاست خارجی بروکینگز، در این باره معتقـد است: «حملات نیروی هوایی ب هـدف هـای دور از مناطق درگیری به دلیل ارزش های سیاسـی و روانی آن، تصـمیم عاقلانه ای بود زیرا انجام دادن عملیـاتی از قبیـل پوشـش هوایی برای نیروی زمینی به وجود هم آهنگی نیروها نیاز داشت و ایران در آن اوضاع فاقـد آن بود.» (ترجمه گروه تحقیق خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۲۰ / ۱۲ / ۱۳۶۳).

۲- ۷۰. در این زمینه در کتاب ارتش جمهوری اسلامی ایران در هشت سال دفاع مقدس، جلد سوم، بهار ۱۳۷۳، ص ۱۶۶ آمده است: «اصـلا «ارتش جمهوری اسـلامی در شـرایطی بـا تجـاوز عراق و ادامه آن روبه رو شـد که اجرای برنـامه های کلاسـیک نظامی مقدور نبود»».

مورد توجه نیروهای کلاسیک قرار نگرفت و بیشتر این عملیات ها را نیروهای مردمی و انقلابی اجرا می کردند. عدم رویارویی با دشمن به شیوه چریکی به این دلیل بود که در آیین نامه های ترجمه شده از منابع ارتش امریکا، چنین عملیات هایی پیش بینی نشده بود و ارتش ایران نیز در این زمینه آموزش لازم را ندیده بود.

۸- کمبود نیرو و عدم سازمان دهی مناسب نیز به چشم می خورد، ارتش نه تنها روند تحولات نظامی دشمن را پس از انقلاب به درستی مورد توجه قرار نداد، بلکه توانایی لازم را نیز برای سازمان دهی نیروهای مردمی نداشت، لذا پس از شروع جنگ، نیروهای منقضی خدمت سال های قبل جذب شدند. (۱) و البته با این تعداد نیرو (۸۰ هزار تن) امکان سازماندهی پنج لشکر پیاده وجود داشت، لیکن اقدام مناسبی در این زمینه انجام نگرفت و تنها نیروهای فدائیان اسلام به فرماندهی شهید مجتبی هاشمی و نیروهای ستاد جنگ های نامنظم به فرماندهی شهید چمران که در آبادان و سوسنگرد - الله اکبر و کرخه کور - مستقر بودند، از نظر لجستیک و فرماندهی تحت امر ارتش قرار گرفتند.

با این حال، ایران در برخی زمینه ها از برتری قابل توجهی در برابر عراق برخوردار بود. مانند عمق استراتژیک شهرهای ایران، وجود ارتش بزرگ و به جا مانده از قبل که به سیستم های تسلیحاتی مدرن مجهز بود، وجود نیروهای مسلح نیمه آموزش دیده، وجود شور انقلابی که در تقویت روحیه نیروهای نظامی ایران بسیار مؤثر بود، در اختیار داشتن مقدار فراوانی تکنولوژی بسیار پیشرفته و وجود ذخایر نسبتا مناسب ارزی که با افزایش قیمت نفت تا اندازه ای بهبود یافته بود. (۲) .

استراتژی نیروهای انقلابی و تلاش های سپاه

عملکرد سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در صحنه های مختلف اعم از مبارزه با گروهک ها و عناصر وابسته در داخل - از جمله در مناطقی همچون گنبد، کردستان، بلوچستان و خوزستان - و سپس مقاومت در برابر تجاوز عراق اساسا مبتنی بر درک و تلقی سپاه از ماهیت انقلاب اسلامی و ستیزه جویی همه جانبه قدرت های خارجی و ضد انقلاب داخلی با آن بود. سپاه با «روحیه شهادت طلبی» و «انسجام درونی» و «خلاقیت نظامی»، از قابلیت بسیاری برای مقابله با تهدیدات در صحنه های مختلف برخورد بود. بیان امام خمینی در معرفی سپاه مبنی بر این که «اگر سپاه نبود کشور نبود.» گویاترین عبارت در ترسیم نقش تعیین کننده سپاه در روند حوادث و تحولات انقلاب و جنگ است.

۱- ۷۱. روزنامه انقلاب اسلامی، مهر ماه ۱۳۵۹، مقاله روزها بر رئیس جمهور چه می گذرد؟، نوشته ابوالحسن بنی صدر.
۲- ۷۲. مأخذ ۹، صص ۵۶ - ۵۵.

گرچه مأموریت مستقیم سپاه دفاع از مرزها نبود اما نیروهای سپاه پاسداران با توجه به ویژگی هایی که به آن اشاره شد، در کلیه محورهای جنگ به صورت مستقل و یا در کنار نیروهای ژاندارمری و ارتش حضور داشتند. حضور مؤثر سپاه در شهرها (به دلیل وضعیت بحرانی) و دفاع از دست آوردهای انقلاب، موقعیت این نیرو را در وضعیت کاملا مطلوبی قرار داده بود. به بیان دیگر، هرگاه وضعیت نامطلوبی در منطقه ای حاکم بود، به همان میزان سپاه از سازمان دهی و موقعیت مطلوب تری برای مقابله برخوردار می شد؛ به عنوان مثال در منطقه کردستان و یا در خوزستان به دلیل فعالیت عناصر ضد انقلاب و اقدامات ایذایی عناصر وابسته به عراق، نقش و موقعیت سپاه کاملا برجسته بود. در منطقه جنوب، تحرکت گسترده ضد انقلاب در نقاط مختلف به ویژه در خرمشهر، سبب شد تا نیروهای سپاه با درکی که از ماهیت این تلاش ها و احتمال وقوع جنگ داشتند، (۱) نیروهای مردمی را در این شهر برای مقابله با عناصر ضد انقلاب و تجاوزات احتمالی عراق، سازمان دهی کنند که تأثیرات این سازمان دهی در مقاومت ۳۴ روزه خرمشهر (۲) در برابر دشمن آشکار شد.

البته تلاش هایی که امام خمینی پیش از این برای تشکیل بسیج و ایجاد آمادگی برای مقابله برای تهاجم احتمالی امریکا یا عوامل وابسته به امریکا انجام دادند، بسیار با اهمیت بود و نقش تعیین کننده ای در شکل گیری مقاومت مردمی داشت؛ امام در پنجم آذر ۱۳۵۸ و تنها ۲۲ روز پس از اشغال لانه جاسوسی - با توجه به احتمال تهاجم نظامی امریکا به ایران - فرمان تشکیل بسیج با جذب، سازمان دهی، آموزش و به کارگیری نیروهای مردمی را صادر فرمودند. امام با این اقدام در نظر داشتند، ضمن کسب آمادگی برای رویارویی با هر گونه تجاوز نظامی، دشمنان را تهدید و از تهاجم باز دارند. ایشان در یکی از سخنرانی ها فرمودند:

«مهیا شدنمان هم طوری باشد که با این مهیا شدن بترسند آن هایی که خیال هجمه دارند. دشمنان بترسند از قوه شما.» (۳) .

۱- ۷۳. ۱۰ روز قبل از شروع جنگ در مقر لشکر ۸۱ جلسه ای با حضور بنی صدر و فرماندهان نظامی تشکیل شد که شهید بروجردی نیز در آن حضور داشت. سردار رحیم صفوی می گوید: «ما در این جلسه گفتیم عراق می خواهد حمله کند و بنی صدر شروع کرد به قهقه زدن.» فرمانده وقت لشکر ۸۱ نیز گفت: «عراق جرأت می کند به ما حمله کند؟! ما توی دهن عراق می زنیم!». (سردار رحیم صفوی، جلسه «تجزیه و تحلیل جنگ ایران و عراق»، دانشکده فرماندهی و ستاد سپاه، دوره عالی جنگ، ۲۲ / ۴ / ۱۳۷۴).

۲- ۷۴. البته با توجه به آغاز غیر رسمی جنگ در ۲۰ شهریور ۱۳۵۹ از مرز شلمچه که با مقاومت مردمی روبه رو شد و تا پایان سقوط خرمشهر ادامه داشت، در برخی نوشتارها این مقاومت ۴۴ روزه بیان شده است.

۳- ۷۵. مأخذ ۱۳، جلد ۱۱، سخنرانی امام خمینی، ۶ / ۱۲ / ۱۳۵۸.

امام خمینی همچنین با توجه به تداوم توطئه علیه ایران، پس از حادثه طبس فرمودند:

«سپاه ۲۰ میلیونی که خود را مجهز نموده اند، امروز برای فداکاری اسلامی مهیا باشند.» (۱) .

نه روز پیش از تهاجم سراسری عراق و در وضعیتی که درگیری در مناطق مرزی به گونه ای شدید و گسترده آغاز شده بود، امام فرمودند:

«ارتش بیست میلیونی و بسیج عمومی که با سازمان دهی خود ملت مجهز می شوند، آماده فداکاری در راه اسلام و کشور است.» (۲) .

در آغاز جنگ علاوه بر ضعف نیروهای کلاسیک در مقابله با تهاجم گسترده دشمن، بسیج نیز به دلیل عدم انسجام و سازمان دهی نامناسب، نتوانست نقش اساسی در بازدارندگی ایفا کند، گرچه نیروهای مردمی به صورت پراکنده حضور داشتند. مهم ترین دلایل عدم کارایی اولیه بسیج از «فرماندهی نادرست» - که مورد حمایت بنی صدر بود - و «سازمان دهی نامناسب» ناشی می شد. با این حال در پی حمله دشمن و حضور نسبتا فراگیر و گسترده مردم در جبهه ها (۳) و «شکلگیری مقاومت مردمی»، مرحله جدیدی از حیات نظامی بسیج آغاز شد. در این مرحله مقاومت مردمی اساسا در شهر شکل گرفت و سبب شد که کلیه محاسبات عراق در هم ریخته و موجب تأخیر و ناهماهنگی در پیشروی نیروهای عراقی و در نتیجه، ناکامی آنان شود. در این دوره، گرچه نیروهای انقلابی و مردمی در مقابله با دشمن از استراتژی طرح ریزی شده و مکتوبی پیروی نمی کردند، لیکن هسته اصلی این استراتژی نانوشته، «ناکام کردن دشمن و متوقف ساختن او» بود. سردار رضایی در این باره می گوید:

«نیروهای مردمی در مقابله با دشمن گرچه بر اساس یک استراتژی طراحی شده رفتار نمی کردند، لیکن متوقف کردن دشمن، هسته اصلی استراتژی اولیه را تشکیل می داد، به همین دلیل بر اثر مقاومت مردم علاوه بر انهدام نیروهای دشمن، پیشروی آن ها را متوقف و یا با تأخیر کندی همراه کرد.» (۴) .

علاوه بر مقاومت عمومی مردم، سایر نیروهای انقلابی همچون سپاه که از سازمان دهی اولیه مناسبی برخوردار بودند، برخلاف تفکر بنی صدر مبنی بر «دادن زمین برای به دست آوردن زمان»، استراتژی «مقاومت در هر مکان و حفظ زمین برای به دست آوردن زمان» و

۱- ۷۶. مأخذ ۱۳، جلد ۱۱، ۱۲ / ۲ / ۱۳۵۹.

۲- ۷۷. مأخذ ۱۳، جلد ۱۳، ۲۱ / ۶ / ۱۳۵۹.

۳- ۷۸. برابر گزارش ستاد عملیات جنوب (گزارش مورخه ۶ / ۴ / ۱۳۶۰، ص ۱) و برابر آمار مختصری که گرفته شده بود، در ابتدای جنگ غیر از سپاه و ارتش، بیش از ۲۰ گروه و سازمان و ستاد در منطقه نیرو داشتند. بدیهی است این حضور بر اساس تفکر امام (ره) مبنی بر بسیج نیروهای مردمی برای دفاع از انقلاب، شکل گرفته بود.

۴– ۷۹. مأخذ ۱۰.

ایجاد تأخیر در حرکت دشـمن را مبنای فعالیت خود قرار دادنـد. آیت الله خامنه ای نماینـده وقت امام در شورای عالی دفاع در این مورد اظهار داشتند:

«سپاه بسیار مؤمنانه جنگید و با امکانات کمی که داشت توانست در وضعیت جنگ شدیدا مؤثر باشد.» (۱) .

افزون بر تحرک فوق العاده نیروهـای مردمی و سـپاه در خرمشـهر که پیشـروی نیروهـای دشـمن به سـمت آبـادان را به تـأخیر انداخت از سقوط حتمی آن جلوگیری کرد، (۲) شبیخون نیروهای سپاه علیه دشمن در منطقه دشت آزادگان نیز سبب شد، در وضـعیتی که نیروهای عراقی پس از عبور از شـهرهای بستان، سوسنگرد و حمیدیه در آستانه ورود به شهر اهواز بودند، تا پشت شهر سوسنگرد عقب نشینی کنند.

بنـابراین، در نگـاهی کلی شایـد بتوان گفت که از دست دادن بخشـی از مناطق مرزی و شـهرها با وجود جان فشانی و مقاومت های مردم و نیروهای ارتش و سپاه (۳) اساسا متأثر از بینش سیاسی - نظامی بنی صدر بود. ضمن این که ناکامی دشمن نیز در تأمین تمام مقاصد سیاسـی و نظامی که منجر به شکست استراتژی جنگ برق آسا شد، بیشتر به دلیل مقاومت ها و حرکت های تـأخیری ناشـی از مقاـومت نیروهـای مردمی و بر پـایه یـک استراتژی انقلابی بود. در واقع، زمین گیر شـدن دشـمن و تأخیر در پیشروی نیروهای عراقی (۴) نمایانگر درست بودن و موفقیت استراتژی نیروهای انقلابی در جنگ بود.

بنابراین، به تأخیر انداختن پیشـروی دشمن - از جمله، تأخیر در سقوط خرمشهر و جلوگیری از سقوط آبادان - و ایجاد شکاف بین یگان های ارتش عراق که ناکامی دشـمن در رسیدن به اهدافش را رقم زد، اساسا متأثر از نتایج استراتژی نیروهای انقلابی و مردمی بود. از نقـاط قوت نیروهـای خودی، نقش محوری و تعیین کننـده امـام در مهـار بحران، سازمان دهی، بسـیج و تهییج نیروهـای انقلابی و مردمی و همچنین حضور گسترده مردم و نیروهای حزب اللهی ارتش بود. (۵) چنان که بعدها، امام خمینی فرمودند که عراقی ها در محاسبات

۱- ۸۰. روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۹ / ۸ / ۱۳۵۹.

۲- ۸۱. مأخذ ۱۰.

۳- ۸۲. امام خمینی - برخلاف بنی صـدر که تلاش می کرد با حـذف نیروهای انقلابی میان سـپاه و ارتش جدایی بیفکند - به وحـدت نیروها اعتقاد داشـتند، چنان که در یک جلسه خصوصـی خطاب به فرماندهان سپاه فرمودند: «این جور فکر نکنید که شما به تنهایی می توانیـد جنگ را جلو ببریـد، یا ارتش فکر کنـد که به تنهایی می توانـد این کار را به انجام برساند، با هم این جنگ را جلو ببرید و با همدیگر دفاع بکنید.» (مؤسسه حفظ آثار امام خمینی، امام و دفاع مقدس، مجموعه خاطرات، خاطرات محمد مبلغ، تهران، ۱۳۷۷، ص ۱۴۲.).

۴- ۸۳. سرلشـکر محسن رضایی، درس های تجزیه و تحلیل جنگ ایران و عراق، دانشـکده فرماندهی و سـتاد سپاه، دوره عالی جنگ، ۱۵ / ۴ / ۱۳۷۴.

۵- ۸۴. پیشین.

خود نقش مردم و تحولی را که در ارتش صورت گرفته است، نادیده گرفتند.

بـا این حـال، حضور بنی صـدر در رأس سیسـتم اجرایی کشور و نیز فرمانـدهی کل قوا، نبود استراتژی و طرح مناسب دفاعی و عدم آمادگی نیروهای نظامی و همچنین، توطئه عناصـر ضد انقلاب در درون ارتش از جمله معایبی بود که سبب شد، با وجود تلاش ها و جان فشانی های انجام گرفته دشـمن تمام مناطق مرزی - از نوسود تا فاو به طول ۱۰۰۰ کیلومتر - و برخی از شهرها را محاصره و یا اشغال کند. (۱) .

دلایل توقف ارتش عراق و نظریات موجود

ارزیابی استراتژی نیروهای انقلابی و تلاش های سپاه می تواند پاسـخی به این پرسـش باشد که «چه عواملی در شکست ارتش عراق تـأثیر داشت؟» در این زمینه تـاکنون نظریـات گوناگونی بیان شـده است (۲) که به اجمـال به بخشـی از آن هـا اشاره می شود:

الف: پـاره ای از دلایـل توقف پیشـروی ارتش عراق بنـابر ملاحظـات سیاسـی و برخی محاسـبات غلط نظامی دشـمن بود؛ -که برخی از کارشناسان نظامی و اسیران عراقی آن را تأیید می کنند - به عنوان مثال، یکی از فرماندهان لشکر ۱۰ ارتش عراق می گوید:

«ما برای پیشروی در منطقه غرب رودخانه کرخه، عمق محدودی را پیش بینی کرده بودیم، لیکن هشام فخری، فرمانده لشکر از مـا سؤال کرد که چرا تصـرف دزفول و مسـجد سـلیمان را در اهـداف خود پیش بینی نکرده ایـد؟ نقشه وضـعیت هـای خود را توسعه دهید و باید تا آنجا پیشروی کنیم. وقتی ما طی چهار روز به سهولت به ساحل رودخانه کرخه رسیدیم، اصرار داشتیم از رودخـانه عبـور کرده و جـاده اهواز - انـدیمشک را قطع و به سـمت انـدیمشک و دزفول پیشـروی کنیم، لیکن فرمانـده لشـکر مخالفت کرد و ما احساس کردیم، تصمیم فرماندهی رده بالاتر این است که فعلا در مواضع تصرف شده متوقف شویم.» (۳) .

در واقع، دسـتور توقف در این محور به هیچ وجه با مقاومت نیروهای خودی در برابر نیروهای لشـکر ۱۰ ارتباطی نداشت، بلکه متأثر از ملاحظات سیاسی و نظامی دیگری بود که در سطح فرماندهی رده بالاتر ارتش عراق مورد توجه قرار گرفته بود.

ب: عامـل اصـلی در کنـد بودن پیشـروی ارتش عراق و شـکست آن هـا، مقاومت نیروهای مردمی در شـهرها بود؛ ارتش عراق عمق ۵۰ تا ۸۰ کیلومـتری در غرب رودخـانه کرخـه را - بنـا به گفته اسـیران عراقی - در چهـار روز طی کرد، حـال آن که در محور خرمشهر فاصله هفت کیلومتری مرز تا پل نو را در هفت روز پشت سر گذاشت. به بیان دیگر، در منطقه غرب

۱- ۸۵. پیشین.

۲- ۸۶. مأخذ ۵، صص ۹۰ - ۵۹ مقاله «علل تهاجم و توقف اولیه عراق، بررسی نظریه های موجود» نوشته محمد درودیان.

۳- ۸۷. مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، نوار مصاحبه فرمانده اسیر عراقی.

کرخه، ارتش عراق به طور میانگین روزی ۲۰ کیلومتر پیشروی کرده بود، حال آن که در محور خرمشهر روزی یک کیلومتر.

به این ترتیب، مقاومت مردمی در خرمشهر - در چارچوب استراتژی نیروهای انقلابی - سبب شد، ارتش عراق که تنها یک گردان نیروی مخصوص برای اشغال خرمشهر اختصاص داده بود، نیرویی افزون بر دو لشکر به منطقه اعزام کرده و سرانجام پس از ۳۴ روز درگیری و توقف در برابر پایداری مردم، خرمشهر را اشغال کند. با این حال، یگان های متجاوز بر اثر مقاومت نیروهای مردمی و انقلابی در خرمشهر دچار تلفات، صدمات و ضعف روحی و در نتیجه، کندی پیشروی شدند که به سبب آن، حرکت کلی ارتش عراق نیز با ناهماهنگی روبه رو شد و سرانجام از دستیابی به اهداف خود ناکام ماند. (۱) این کندی حرکت و پیشروی ارتش متجاوز عراق در سایر محورهایی که شهرها و مقاومت مردمی سر راه او بوده اند نیز دیده می شود؛ مثل آبادان، بستان، سوسنگرد، حمیدیه و گیلان غرب.

---

۱ – ۸۸. رژیم شاه به دلیل بر عهده داشتن مأموریت دفاع از منافع امریکا در منطقه و همچنین اعتماد امریکا به این حکومت - که متأثر از وابستگی شدید آن بود - ایران را به انبار تسلیحات تبدیل کرده بود. بخش هنگفتی از ارز حاصله از افزایش قیمت نفت در سال های پایانی عمر رژیم صرف خرید تجهیزات نظامی شد، بنابراین، در این زمینه هیچ گونه کمبودی در مرحله آغاز جنگ وجود نداشت و اگر مسئله ای بود، تنها در به کارگیری آن ها بود. برادران ارتشی به دلیل این که مأموریت دفاع از مرز و استقلال کشور را بر عهده داشتند و کلیه امکانات موجود دفاع کشور در اختیار آنان بود، ضمن بررسی علل پیشروی عراق، نقش ارتش در مقابله با نیروهای دشمن را مورد تأکید قرار داده اند و در مورد علل پیشروی ارتش عراق و استقرار در مواضع اشغالی، بر این باور هستند که «اگر دشمن در این مدت پیشروی کرده است به دلیل عدم برابر توان رزمی و برتری چشمگیر توان رزمی عراق در آغاز تهاجم بوده است. حداقل ۱ به ۱۰» (جزوه منتشره از ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران، اداره آموزش، نقدی بر کتاب «از خونین شهر تا خرمشهر» سال ۱۳۷۳، ص ۴) در این تحلیل اساسا عنصر اصلی در پیشروی نیروهای عراقی برتری توان رزمی عراق به نسبت ۱ به ۱۰ مورد تأکید قرار گرفته است. برادران ارتشی در عین حال در مورد عامل توقف ارتش عراق معتقدند: «عامل اصلی توقف حمله دشمن که برابر سوابق موجود در چندین مرحله اجرا و همواره ناکام ماند، به کارگیری کلیه توان ارتش شامل نیروی هوایی قهرمان و ناوگان هلی کوپتری نزاجا[...]که به علت عدم آسیب در طول انقلاب کماکان چهارمین قدرت جهان محسوب می گردید و با حملات مداوم و شکار تانک و ترکیب قدرت آتش آن با حجم عظیم آتش توپخانه که در هر مرحله به صورت سد آتش متجلی می گردید. و همچنین به کارگیری زرهی و پیاده که به سرعت بازسازی و به جبهه رهسپار می گردیدند، این عمل میسر شد.» (مأخذ پیشین). در این جا نوعی تناقض مشاهده می شود، بدین معنا که پیشروی ارتش عراق به دلیل برتری آن ها به نسبت ۱ به ۱۰ ذکر می شود ولی در مورد نقش نیروهای ارتش به قدرت و توانایی آن ها مبنی بر «چهارمین ناوگان هلی کوپتری ارتش جهان» اشاره می شود! حال آن که اگر این ادعا اثبات شده بود، مسلما ارتش عراق در تصمیم گیری برای تهاجم به ایران دچار تردید می شد.

تأثیرات و بازتاب های جنگ

امریکا

نگرانی امریکا و کشورهای منطقه از تأثیرات پیروزی انقلاب اسلامی در منطقه و احتمال وقوع بحران و تزلزل در درون این کشورها و همچنین ناتوانی امریکا در نفوذ و تأثیرگذاری بر مواضع ایران و به ویژه تلاش برای آزادسازی گروگان هایش که در لانه جاسوسی گرفتار شده بودند، منجر به حمایت امریکا از تهاجم نظامی عراق به منظور اعمال فشار بر ایران شد. اعتماد به پیروزی عراق در یک «جنگ محدود و برق آسا» (۱) مورد توجه و ملاحظه کشورهای منطقه نیز بود. ضمن این که احتمال تضعیف و تعدیل جمهوری اسلامی به عنوان بخشی از نتایج تهاجم عراق، کشورهای منطقه را به حصول نتیجه امیدوار کرده بود و لذا حمایت خود را از عراق دریغ نداشتند، به گزارش نشریه ژون آفریک ۴۵ روز پیش از شروع حمله عراق، دولت سعودی گزارشی محرمانه از اوضاع سیاسی، نظامی و اقتصادی ایران را به هنگام بازدید صدام از عربستان به وی هدیه کرد.

بنابراین، توافق کلی در سطح منطقه برای حمایت از تهاجم عراق به صورت محدود و کوتاه مدت وجود داشت. امریکایی ها کمترین نتیجه ای را که به صورت کوتاه مدت - در پی حمله عراق به ایران - برای خود پیش بینی می کردند، آزادسازی گروگان های امریکایی و در درازمدت، گرایش دوباره ایران به سمت امریکا به منظور دستیابی به سلاح و قطعات برای ادامه جنگ در برابر عراق بود. به همین دلیل، کارتر در روز دوم جنگ گفت:

«جنگ ایران و عراق ممکن است به آزادی گروگان های امریکایی منجر شود. جنگ می تواند ایران را در مورد لزوم صلح و قبول قوانین بین المللی متقاعد نماید. خبرهای رسیده حاکی از تمایل شدید ایرانیان برای حل اختلافات با ما می باشد.» (۲) .

ادموند ماسکی وزیر خارجه وقت امریکا نیز در مجمع عمومی سازمان ملل گفت:

«امنیت ایران و ثبات منطقه به وجود یک ایران یکپارچه و نیرومند و مستقل بستگی دارد. (۳) .

اگر ایران بخواهد به تعهداتش عمل کند باید گروگان ها را آزاد کند. رهایی گروگان ها به

ص: ۵۳

۱- ۸۹. کیسینجر وزیر خارجه اسبق امریکا در مورد حمله عراق چنین پیش بینی کرد: «جنگ حداکثر ظرف ۱۰ روز با پیروزی عراق پایان خواهد یافت.».

۲- ۹۰. مأخذ ۴، به نقل از خبرگزاری رویتر.

۳- ۹۱. چند روز بعد، وزیر خارجه وقت عربستان، سعودالفیصل، در یک موضع گیری گفت: «تجزیه ایران نه به سعود منطقه خلیج فارس است و نه به سود عربستان سعودی.».

تحریم های ایران خاتمه می دهد و آثار گوناگونی به جای خواهد گذاشت. امریکا آماده است پس از آزادی گروگان ها بر اساس احترام متقابل و برابری، کلیه مسائل حل نشده و سوء تفاهم هایی که ایران و امریکا را جدا ساخته، مورد رسیدگی قرار دهد.» (۱) .

اظهار نظر مقام های امریکایی به ویژه تأکیدشان بر «یکپارچگی ایران» تنها سه روز پس از آغاز جنگ، نمایانگر تغییر موضع آن ها بود. امریکایی ها پیش بینی می کردند که ایران بر اثر فشارهای وضعیت جدید به دلیل نیاز به حمایت های سیاسی و تسلیحاتی، الزاما مناسبات خود را با امریکا عادی خواهد کرد، (۲) چنانکه رئیس جمهور وقت امریکا اعلام کرد:

«ایالات متحده خواهان برقرار کردن روابط عادی خود با ایران است زیرا در این برهه زمانی این اقدام به نفع طرفین است... ما بسیار محتاط بوده ایم و سعی کرده ایم به ایران بفهمانیم که ما بی طرف می مانیم و هیچ اقدامی جهت تنبیه ایران انجام نمی دهیم و فقط می خواهیم گروگان ها را آزاد کنیم.» (۳) .

ناکامی عراق و آشکار شدن توانایی های نظامی و قابلیت سیاسی ایران در مهار کردن بحران، بیش از همه در تغییر موضع امریکا نقش داشت. بی گمان، اگر تهاجم عراق به نتیجه می رسید و یا اوضاع به گونه ای اساسی در ایران تغییر می کرد، موضع امریکا با توجه به واقعیات موجود، به گونه ای دیگر ظاهر می شد.

در عین حال، سیاست امریکا در برابر ایران در کمند گروگان ها گرفتار بود لذا در این وضعیت، مواضع دمکرات ها بیشتر معطوف به تلاش برای آزادی گروگان ها و در نتیجه، پیروزی در انتخابات بود. امریکا امیدوار بود با گرفتار شدن ایران در جنگ،معضل گروگان ها حل و فصل شود. موضع جمهوری خواهان نیز قابل توجه بود، چنان که کیسینجر طی تحلیلی اعلام کرد:

«پیروزی هر یک از دو طرف درگیر در جنگ ایران و عراق موجب بروز مشکلات مختلفی برای منافع امریکا می شود.» (۴) .

ریگان نامزد جمهوری خواهان در انتخابات رئیس جمهوری امریکا در نطق انتخاباتی خود با حمله به سیاست های کارتر اعلام کرد:

۱- ۹۲. پیشین، به نقل از رادیو امریکا.

۲- ۹۳. رادیو امریکا بلافاصله پس از شروع جنگ در تاریخ ۳۱ / ۶ / ۱۳۵۹ طی گزارشی از وضعیت ارتش ایران گفت: «هواپیماها و تانک های پیشرفته امریکایی که دراختیار ارتش ایران قرار دارد به علت نبودن لوازم یدکی که از تحریم اقتصادی امریکا ناشی شده است، شدیدا آسیب پذیر است.» (خبرگزاری پارس، «گزارش های ویژه»، به نقل از رادیو امریکا، ۹ / ۷ / ۱۳۵۹).

۳- ۹۴. روزنامه کیهان، ۱۰ / ۷ / ۱۳۵۹.

۴– ۹۵. خبرگزاری پارس، «گزارش ویژه» ۷ / ۷ / ۱۳۵۹، به نقل از رادیو آمریکا، ۶ / ۷ / ۱۳۵۹.

«آنچه اکنون در ایران و عراق رخ داده، نتایج سیاست های دولت کارتر ظرف سه تا شش ماه گذشته است. عدم قاطعیت سیاست خارجی و ضعف توانایی نیروی دفاعی امریکا قابل سرزنش است. اوضاع بسیار خطرناک است و بدبختانه می تواند تأمین نفت جهان غرب را در معرض تهدید قرار دهد.» (۱) .

اظهارات جدید مقام های امریکا برای عراقی ها مفهوم خاصی داشت؛ در واقع، این موضع گیری ها برداشت و باورهای عراق را در مورد اهداف امریکا در جنگ و وعده هایی که برای تشویق و ترغیب ا ین کشور (عراق) برای تهاجم به ایران به سران بعثی داده بود، عمیقا تحت تأثیر قرار داد.

شوروی

تهاجم عراق به ایران - گذشته از نتایج و عوایدی که می توانست برای روس ها در بر داشته باشد - سیاست خارجی شوروی را در برابر وضعیت دشواری قرار داد. استاد آکادمی وزارت خارجه شوروی «جنریک ترو فیمنکو» در مورد پیچیدگی جنگ ایران و عراق می گوید:

«این یک درگیری بسیار پیچیده است و شاید پیچیده ترین منازعه ای باشد که تاکنون در جهان سوم رخ داده است.» (۲) .

از نگاه مسکو، ایران که با انقلاب ضد امپریالیستی از مدار سیاست امریکا خارج شده و برای حفظ استقلال خود در ستیز با آن کشور بود، در یک سو قرار داشت و این،یک امتیاز مهم و استراتژیک برای روس ها محسوب می شد؛ در سوی دیگر، عراق به عنوان یک متحد سنتی با سیستم نظامی کاملا وابسته به مسکو قرار داشت که در صف بندی سیاسی منطقه به سود مسکو و در جبهه اعراب رادیکال عمل می کرد. ضمن این که بسیار روشن بود که عراق در چارچوب سیاست و منافع امریکا، ایران را مورد تهاجم قرار داده است. در چنین وضعیت دشوار سیاسی دستگاه سیاست خارجی شوروی در واکنش های اولیه نسبت به جنگ و به ویژه از سال های ۱۹۸۰ تا ۱۹۸۲ میلادی (۱۳۵۹ تا ۱۳۶۱) مسائل و مفاهیمی را مورد تأکید قرار داد که بیشتر حاوی «بی طرفی کامل» و «درخواست پایان جنگ از طریق مذاکره و راه های مسالمت آمیز» بود. (۳) .

۱- ۹۶. روزنامه اطلاعات، ۵ / ۷ / ۱۳۵۹.

۲- ۹۷. محی الدین مصباحی، مقاله چهارچوب مواضع شوروی، دبیرخانه کنفرانس بین المللی تجاوز و دفاع، بازشناسی جنبه های تجاوز و دفاع، جلد دوم، (تهران: چاپ اول، ۱۳۶۸)، ص ۲۲۴.

۳- ۹۸. برژنف در این باره گفت: «ما قصد مداخله در جنگ ایران و عراق را نداریم. ما خواستار حل سیاسی هر چه سریع تر آن هستیم.» (خبرگزاری پارس، «گزارش های ویژه»، ۱۷ / ۷ / ۱۳۵۹، به نقل از خبرگزاری فرانسه).

همچنین، دستگاه تبلیغاتی شوروی برای فراخوانی ایران و عراق جهت پایان دادن به جنگ، بر بهره برداری طرف سوم و از بین رفتن امکانات دو کشور، تأکید می کرد. در واقع، بهره برداری امریکا از اوضاع متشنج منطقه برای افزایش حضور در منطقه، به لحاظ منافع استراتژیک به زیان شوروی بود. لذا آن ها همواره بر این مسئله پافشاری می کردند.

اعلام تعلیق فروش سلاح به عراق - که بر اساس قرارداد دو طرف اجرا می شد - آشکارترین موضع و اقدام شوروی برای نمایاندن مخالفت خود با تهاجم عراق به ایران بود. همچنین علی رغم سفر طارق عزیز معاون نخست وزیر عراق به شوروی، روس ها موضع مشخصی را در حمایت از عراق اعلام نکردند و این سفر نیز تأثیری در ارسال دوباره سلاح به عراق نداشت. البته با توجه به مقدار سلاح هایی که پیش از جنگ، به عراق واگذار شده بود، این اقدام شوروی تأثیر جدی و تعیین کننده ای در کاهش توان نظامی عراق نداشت، ضمن این که بنابر گزارش های خبرگزاری ها، برخی سلاح های روسی از طریق اروپای شرقی در اختیار عراق قرار می گرفت.

در واقع، مواضع و رفتار شوروی در برابر عراق، تلاش جدی روس ها برای جذب ایران و تحکیم روابط با آن کشور بود. (۱) روس ها معتقد بودند که گرچه عراق به لحاظ نظامی بر ایران برتری دارد و اوضاع در داخل ایران نابسامان است، ولی این وضعیت به هیچ وجه نشانه تسهیل پیروزی عراق نخواهد بود. شوروی ها با تحلیلی که از اوضاع انقلابی حاکم بر کشور و پایگاه مردمی انقلاب داشتند، بر این باور بودند که جنگ به هیچ وجه منجر به از پا درآمدن انقلاب و جابه جایی قدرت در داخل کشور به سود امریکا نخواهد شد، بلکه سیاست ضد امریکایی ایران را تشدید خواهد کرد.

بر پایه این تحلیل، روس ها امیدوار بودند، تحولات حاصله از تشدید خصومت ایران و امریکا منجر به تمایل ایران به سوی همسایه شمالی - از طریق واگذاری سلاح و تجهیزات - شود. طبعا رسیدن به چنین نتیجه ای علاوه بر آن که امتیازات سیاسی - استراتژیکی در اختیار شوروی قرار می داد، می توانست مواضع ایران در مورد نهضت مردم مسلمان افغانستان را به نفع روسیه تعدیل کند.

بدین ترتیب هسته مرکزی سیاست خارجی شوروی درباره جنگ تحمیلی در سال های ۱۹۸۰ تا ۱۹۸۲ میلادی - که به «سیاست بی طرفی» مشهور شد - (۲) این نکته را مورد توجه داشت که روس ها ضمن حفظ عراق در مدار سیاست شوروی، ایران را نیز جذب کرده و بدین ترتیب، موقعیت خود را در منطقه در برابر امریکا بالا برده و تثبیت کنند.

۱- ۹۹. پیشین.

۲- ۱۰۰. مأخذ ۴۵، ص ۲۲۲.

سازمان ملل

واکنش سازمان ملل در برابر تجاوز عراق به ایران - در مقایسه با موضع گیری این سازمان در برابر تجاوز عراق به کویت که بسیار متفاوت بود - نشان می داد که بیشتر اعضای شورای امنیت جمهوری اسلامی ایران را به دلیل برخورداری از ماهیت دینی، انقلابی و استقلال در سیاست خارجی و ارائه نگه داری گروگان های امریکایی، محکوم به تحمل هرگونه مجازات می دانستند! بر پایه این برداشت، می توان موضع کاملا جانب دارانه شورای امنیت از عراق را روشن کرد.

بلافاصله پس از حمله سراسری عراق به جمهوری اسلامی ایران، دبیرکل وقت سازمان ملل (کورت والدهایم) به ایران و عراق پیشنهاد کرد، برای حل مسالمت آمیز اختلافات میان دو کشور تلاش کنند، ولی پاسخی دریافت نکرد. یک روز پس از این پیشنهاد، بنا به درخواست دبیرکل سازمان ملل، شورای امنیت تشکیل جلسه داد و نخستین موضع گیری خود را در مورد جنگ اعلام کرد. (۱) نتیجه این جلسه، بیانیه رئیس شورا بود که در آن نسبت به «برخورد» ایران و عراق اظهار نگرانی شده بود. همچنین از دو طرف درخواست شده بود، از کلیه اقدامات مسلحانه دست بردارند و اختلافات را از راه صلح آمیز حل کنند. (۲).

ارزیابی نخستین واکنش سازمان ملل که با صدور بیانیه ای آشکار شد، میزان پایبندی و بی طرفی سازمان ملل را در اجرای منشور این سازمان و به رسمیت شناختن حق دفاع برای اعضا نشان داد. شورای امنیت در حالی این بیانیه را صادر کرد که شدت درگیری مستلزم صدور یک قطع نامه بود. (۳) در این بیانیه هیچ اشاره ای به مواد منشور نشد و به جای لفظ «جنگ» از کلمه «برخورد» استفاده شده بود. در این بیانیه از گسترش فزاینده «برخورد» اظهار نگرانی شده بود، ولی هیچ گونه اقدامی برای پیش گیری و یا مقابله با آن پیش بینی نشده بود. (۴) در هر صورت، این بیانیه واکنش جدی طرفین را در پی نداشت. (۵) زیرا عراق در حال پیشروی در خاک ایران بود و ایران نیز که نقش قدرت های بزرگ را در اقدام عراق مشاهده می کرد، از اقدامات بین المللی به طور کامل ناامید بود.

در واقع، سازمان ملل با اتخاذ چنین مواضعی به صورت آشکار و ملموس ضمن نادیده گرفتن تجاوز عراق به ایران، موقعیت عراق را تحکیم کرده و زمینه ای مناسب را جهت ادامه تجاوز و بهره برداری از اوضاع حاکم بر جنگ برای این کشور فراهم می کرد. در این حال، با وجود ضرورت تشکیل جلسه شورای امنیت، نماینده عراق نیز به بهانه عدم حضور وزیر خارجه کشورش، عملا مانع از تشکیل اجلاس می شد.

---

۱ - ۱۰۱. عباس هدایتی خمینی، شورای امنیت و جنگ تحمیلی عراق علیه جمهوری اسلامی ایران، (تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، ۱۳۷۰) صص ۷۰ - ۶۹.

۲- ۱۰۲. پیشین.

۳- ۱۰۳. مأخذ ۴۸.

۴- ۱۰۴. پیشین.

۵– ۱۰۵. پیشین.

سرانجام، هفت روز پس از تهاجم عراق و تنها به دلیل احتمال «مسدود شدن تنگه هرمز و گسترش دامنه جنگ» در تاریخ ۲۸ سپتامبر ۱۹۸۰ (۶ / ۷ / ۱۳۵۹) جلسه شورای امنیت تشکیل شد و قطع نامه ۴۷۹ با جانب داری از عراق به تصویب رسید. در این قطع نامه ضمن اظهار نگرانی عمیق از وضعیت رو به گسترش میان ایران و عراق، آمده است:

«۱- از ایران و عراق می خواهد بلافاصله از توسل بیشتر به قوه قهریه بپرهیزند و اختلافات خود را مسالمت آمیز طبق اصول عدالت و حقوق بین المللی حل نمایند.

۲- از هر دو کشور می خواهد هر گونه پیشنهاد میانجیگری یا سازش با توسل به سازمان های منطقه ای را که می تواند منشور را تسهیل سازد، بپذیرند.

۳- از کلیه کشورهای عضو می خواهد، نهایت خویشتن داری را مراعات نمایند و از هر عملی که منجر به افزایش برخورد شود، بپرهیزند.

۴- از تلاش های دبیرکل و پیشنهاد وی در مورد بهبود این وضعیت پشتیبانی می کند.

۵- از دبیرکل می خواهد ظرف ۴۸ ساعت، گزارش به شورای امنیت تسلیم نماید.» (۱) .

چنانکه مشهود است، شورای امنیت با صدور قطع نامه ۴۷۹ بدون توجه به حقوق ایران، محکوم کردن متجاوز و خواهان پایان بخشیدن به درگیری ها و حل اختلافات از راه مسالمت آمیز شد. بدین ترتیب، تلاش های سازمان ملل بیشتر در چارچوب سیاست های امریکا پیگیری می شد و این کشور نیز طبعا مایل به تداوم فشار بر ایران بود.

بازتاب جنگ در رسانه ها

در پی پیدایش وضعیت جدید در جنگ و رکود حاکم بر جبهه ها - از نیمه آبان ۱۳۵۹ - رسانه های خارجی و صاحب نظران محافل سیاسی و نظامی درباره اهداف عراق و علل ناکامی این کشور به ارائه تحلیل پرداختند. روزنامه گاردین در مورد محاسبات غلط عراق، نوشت:

«نیروهای عراقی مجبورند خود را برای یک جنگ بلند مدت آماده سازند، ولی این موضوع جزیی از برنامه اولیه آن ها نبوده است. آنچه می توان از برنامه های عراقی ها حدس زده، نادرستی محاسبه آن ها توأم با نوعی فریب خوردگی است. به تدریج سرعت پیشروی عراق کاهش یافت و در پاره ای موارد کاملا متوقف ماند. صدام به اشتباه، مبنای استراتژی خود را شورش اعراب[خوزستان]قرار داده بود، در حالی که هیچ گونه طغیانی از جانب آن ها مشاهده نشد. سؤالی که باقی می ماند، این است که آیا رئیس جمهور عراق می تواند بهانه ای منطقی برای توجیه شکست برنامه هایش ارائه کند؟» (۲) .

---

۱ - ۱۰۶. مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، روز شمار جنگ ایران و عراق، کتاب چهارم، هجوم سراسری، نوشته مهدی

انصاری و حسین یکتا، (تهران، ۱۳۷۲)، ص ۱۸۴.

۲– ۱۰۷. خبرگزاری پارس، «گزارش های ویژه»، نشریه ۲۲۵، به نقل از رادیو لندن، ۷ / ۸ / ۱۳۵۹.

رادیو لندن نیز طی تفسیری، از نتایج ناکامی عراق گفت:

«این که عراق موفق نشد به یک پیروزی سریع نائل گردد، بسیاری از ناظران را به این نتیجه رسانده[است]که دولت صدام با مشکلات سیاسی بزرگی روبه رو خواهد شد. کارشناسان غربی معتقدند که پیشرفت جنگ بسیار کند بوده و ارتش عراق کفایت و کارآیی چندانی از خود نشان نداده است.» (۱) .

روزنامه ستاره سرخ مسکو در مورد پیش فرض های غلط عراق نوشت:

«رهبران عراق که تهاجم را در سطح وسیعی آغاز نمودند، فکر می کردند که ارتش این کشور به سرعت پیشروی خواهد کرد. این محاسبات ظاهرا بر اساس تصوری که از ارتش ایران به سبب نداشتن فرماندهی و نزول انضباط و نداشتن قطعات یدکی سلاح های امریکایی، یارای مقاومت ندارد، پایه گذاری شده بود. آن ها همچنین تصور می کردند، با شکست نظامی، رژیم ایران نیز دوام نیافته و قطعه قطعه خواهد شد. از نحوه پیشرفت در جبهه ها کاملا روشن می گردد که نیروهای ایرانی همچنان به مقاومت سرسختانه - بدون توجه به صدمات روزهای اول جنگ - ادامه می دهند. هدف اعلام شده جنگ نیز در حال تغییر است؛ ابتدا عراق مدعی بخش کوچکی از اراضی قسمت شرقی رودخانه شط العرب[اروند رود]بود، ولی اکنون مطبوعات عراق نقشه ای چاپ می کنند که در آن استان خوزستان - که در بغداد به آن عربستان نام داده اند - جزء سرزمین عراق محسوب می شود.» (۲) .

سادات، رئیس جمهور مصر نیز در مصاحبه ای با مجله اشپیگل در مورد علت و اهداف تهاجم عراق به ایران، گفت:

«جنگ ایران و عراق را صدام به دلیل سوء استفاده از روش تدافعی امریکا آغاز کرده است. انگیزه صدام تسلط کامل بر شط العرب[اروند رود]و رهبری کامل منطقه بود. ولی تصور می کرد که ارتش ایران از بین رفته و[ارتش عراق]می تواند ظرف یک هفته پیروز شود، ولی امروز توجه شده که در لجن فرو رفته و سال ها از آن بیرون، نخواهد آمد... توازن خاور نزدیک بیش از پیش در مخاطره افتاده است.» (۳) .

رادیو امریکا طی تحلیل درباره تأثیرات ناشی از پیروزی احتمالی عراق گفت:

«محافل سیاسی اتفاق نظر دارند که اگر عراق به سرعت بر ایران پیروز می شد، صدام تقویت شده و رؤیای او که رهبری جهان عرب است، محقق می گردید. ولی اکنون احتمال پیروزی کمتر از پیش است و هر چه زمان بیشتر می گذرد، احتمال وقوع فاجعه در عراق بیش از پیش افزایش می یابد.» (۴) .

۱- ۱۰۸. خبرگزاری آسوشیتد پرس، رادیو لندن، ۸ / ۸ / ۱۳۵۹.

۲- ۱۰۹. بولتن سفارت جمهوری اسلامی ایران، در مسکو، ۸ / ۸ / ۱۳۵۹.

۳- ۱۱۰. خبرگزاری پارس، «گزارش های ویژه»، نشریه ۲۵۲، ۵ / ۹ / ۱۳۵۹.

۴- ۱۱۱. خبرگزاری پارس، «گزارش های ویژه»، نشریه ۲۲۷، ۱۰ / ۸ / ۱۳۵۹، به نقل از رادیو آمریکا.

خبرگزاری رویتر نیز با بیان اهداف اعلام نشده عراق مبنی بر سقوط حکومت جمهوری اسلامی و تصرف منطقه ی نفتی خوزستان به عنوان مقدمه اهداف دراز مدت این کشور برای تسلط بر منطقه خلیج فارس، گزارش داد:

«پس از دوازده روز جنگ و در گل ماندن ارتش عراق در خوزستان، ایلام و کرمانشاه، احتمال به دست آوردن این اهداف بعید نظر می رسد.» (۱) .

خبرگزاری آسوشیتد پرس نیز به نقل از روزنامه گاردین گزارش داد:

«به نظر می رسد حمله عراق به ایران بر محاسبات غلط پایه گذاری شده است. یک مبارزه کوتاه و شدید می توانست. بخشی از مشکلات عراق را فورا حل کند، ولی درگیری طولانی مشکلات این کشور را بیش از پیش بر ملا خواهد کرد.» (۲) .

در رسانه های خارجی و در تحلیل ها اظهار شده از سوی صاحب نظران و کارشناسان امور جنگ ایران و عراق هیچ امیدی به کسب برتری نظامی ایران بر عراق - به لحاظ اوضاع سیاسی - نظامی کشور وجود نداشت، با این حال، قابلیت نظامی عراق نیز برای ایجاد تحولی نظامی زیر سؤالی رفته بود و همین امر، آینده روند تحولات نظامی را تا اندازه ای در پرده ای از ابهام قرار می داد.

روند تحولات سیاسی - نظامی جنگ پس از ناکامی اولیه عراق

اشاره

دست نیافتن عراق به نتایج قطعی و روشن در هفته نخست جنگ، نشان دهنده ناکامی و شکست عراق در رسیدن به اهداف از پیش تعیین شده بود و این موضوع مورد تأکید ناظران و کارشناسان مسائل جنگ و منطقه نیز قرار گرفت. اما صدام به ناچار بخش دوم سناریوی جنگ را پیش از دستیابی به تمامی اهداف نظامی اش مطرح ساخت و این چیزی جز درخواست برقراری آتش بس و گرفتن زمان برای تحکیم مواضع نبود. صدام درخواست آتش بس و مذاکره مستقیم را با تأکید بر به رسمیت شناختن حق حاکمیت عراق بر شط العرب[اروند رود]و سه جزیره کوچک در تنگه هرمز، مطرح کرد و سپس که به سود او تنظیم شده بود پاسخ مثبت داد. در این حال، طارق عزیز معاون وقت نخست وزیر عراق نیز در پاریس گفت:

«ما به شرطی آماده مذاکره با ایران هستیم که دولت ایران به حاکمیت ما بر شط العرب[اروند]و سرزمین هایی که چند روز پیش آزاد ساخته ایم، احترام گذارد.» (۳) .

۱- ۱۱۲. خبرگزاری پارس، «گزارش های ویژه»، ۱۲ / ۷ / ۱۳۵۹.

۲- ۱۱۳. روزنامه میزان، ۱۲ / ۷ / ۱۳۵۹، به نقل از خبرگزاری فرانسه.

۳- ۱۱۴. خبرگزاری پارس، «گزارش های ویژه»، ۴ / ۷ / ۱۳۵۹.

در واقع، عراقی ها به نام مذاکره و صلح، در نظر داشتند، شرایط خود را بر ایران تحمیل کنند؛ «طارق عزیز» آشکار اعلام کرد که ایران علاوه بر پذیرش حاکمیت عراق بر رودخانه اروند، باید تمام مناطقی را که عراق با تجاوز به خاک ایران اشغال کرده است، به این کشور واگذار کند. خودداری ایران از پذیرش «صلح تحمیلی» - در حالی که دشمن در خاک جمهوری اسلامی ایران حضور داشت - عراق را در وضعیتی دشوار قرار داد. ناتوانی عراق از تأمین تمام اهداف نظامی خود، سبب شد، این کشور آنچه را در میدان جنگ به دست نیاورده بود، در پشت میز مذاکره طلب کند. گاردین در مورد پیدایش این وضعیت نوشت:

«امتناع پیش بینی نشده ایران از پذیرفتن آتش بس سازمان ملل متحد، صدام را در موقعیت سختی قرار داده است. این موقعیت تا وقتی ایران به فعالیت های نظامی - که دور از انتظار است - ادامه می دهد، سخت تر و سخت تر خواهد شد.» (۱) .

از سوی دیگر، بروز نشانه ی بن بست در جنگ به دلیل پیروز نشدن عراق در اثر مقاومت ایران در برابر تهاجم آن کشور و نیز مهار کردن بحران ناشی از جنگ با تدبیر امام و همت نیروهای انقلابی و پیش بینی احتمال گسترش و تداوم جنگ، دمکرات های امریکا را - در آستانه انتخابات ریاست جمهوری آن کشور - با وضعیت دشواری مواجه ساخت.

تداوم جنگ و تأثیر آن بر افزایش قیمت نفت همراه با بمباران جزیره خارک به وسیله هواپیماهای عراق و تهدید ایران به بستن تنگه ی هرمز و کاهش تردد کشتی ها در خلیج فارس، وضعیت خاصی را در منطقه حاکم کرد. در پی این تحولات، کارتر بلافاصله اعلام کرد که برای باز ماندن تنگه ی هرمز با سایر کشورها تماس گرفته است. (۲) .

عراقی ها نیز از گسترش جنگ و افزایش فشار امریکا به عراق برای پایان بخشیدن به جنگ نگران بودند، به همین دلیل طارق عزیز اعلام کرد:

«عراق تمام تلاش خود را برای تغذیه نفتی کشورهای غربی انجام می دهد» (۳) .

در این حال، امریکا برای مهار اوضاع، پایگاه خود را در جزیره «دیه گوگارسیا» فعال کرد و به نیروهای «واکنش سریع» برای انتقال به منطقه آماده باش داد. همچنین کارتر اعلام کرد:

«در صورت لزوم، ما از ملت خود خواهیم خواست که نیرویی متشکل از داوطلبان به خلیج فارس اعزام نماید.» (۴) .

سناتور «جاکوب ویتس» نیز در جلسه اعضای کنگره امریکا در کاخ سفید گفت:

«امریکا از متحدانش انتظار دارد که در عملیات حفاظت از منابع نفتی در خلیج فارس شرکت داشته باشند، هر چند توانایی نظامیشان کمتر از امریکا باشد.» (۵) .

ص: ۶۱

۱- ۱۱۵. مأخذ ۵۳، ص ۲۷۸.

۲- ۱۱۶. روزنامه اطلاعات، ۳ / ۷ / ۱۳۵۹.

۳- ۱۱۷. روزنامه جمهوری اسلامی، ۵ / ۷ / ۱۳۵۹، به نقل از خبرگزاری فرانسه.

۴- ۱۱۸. خبرگزاری پارس، «گزارش های ویژه»،۹ / ۷ / ۱۳۵۹، به نقل از رادیو امریکا.

۵- ۱۱۹. پیشین، به نقل از رادیو لندن.

شوروی ها که اقدامات امریکایی ها را با دقت تحت نظر داشتند، نگرانی خود را از پیدایش وضعیت جدید در منطقه اعلام کردند. در این باره، برژنف گفت:

«نه عراق و نه ایران از انهدام متقابل، خونریزی و آسیب زدن بر اقتصاد یکدیگر بهره ای نخواهند برد،فقط طرف سوم است که منتظر بهره برداری است. ایران و عراق هر دو روابط دوستانه ای با شوروی دارند. برخی می کوشند این نبرد را به سود خود جهت دهند و کنترل خود را بر نفت خاورمیانه برقرار سازند و رویای تبدیل ایران را به پایگاه نظامی و ژاندارم امپریالیسم، در سر می پرورانند.» (۱) .

عراقی ها که به صورت کامل به اهداف خود نرسیده بودند، از مواضع و اقدامات اخیر امریکا عمیقا نگران بودند؛ «نعیم حداد»، رئیس مجلس عراق در مصاحبه با روزنامه کویتی السیاسه گفت:

«عراقی دلایلی در دست دارد که کره جنوبی و ژاپن با تصویب ایالات متحده سرگرم تحویل مقادیر معتنابهی قطعات یدکی به ایران، به ویژه نیروی هوایی این کشورند.» (۲) .

وی سپس با موضع گیری علیه امریکا و همسو با موضع شوروی ها، با اظهار نگرانی از لغو تحریم ایران و کمک به این کشور و در نتیجه، تداوم جنگ اعلام کرد:

«عراق سعی دارد، جنگ را در ابعاد محدود حفظ کند، لیکن ابرقدرت ها سعی در گسترش آن دارند.» (۳) .

در این میان، حمله اسرائیل (۴) به رآکتور اتمی عراق - که با همکاری فرانسوی ها ساخته شده بود - بر نگرانی های عراق افزود. افزون بر این، تلاش امریکا برای آزادی گروگان ها و مبادله آن ها با قطعات یدکی، عراق را به بازنگری اساسی در استراتژی و تحرکات خود واداشت. (۵) .

پیام ادموند ماسکی، وزیر خارجه امریکا به شهید رجایی، نخست وزیر ایران به منزله تلاش امریکا برای مذاکره با ایران به منظور آزادسازی گروگان های امریکایی بود. ماسکی در پایان پیام خود ضمن تأکید بر بی طرفی امریکا نوشته بود:

«درک موضع امریکا توسط ایران برای ما مهم است.» (۶) .

۱- ۱۲۰. روزنامه اطلاعات، ۹ / ۷ / ۱۳۵۹، به نقل از خبرگزاری یونایتد پرس.

۲- ۱۲۱. خبرگزاری پارس، «گزارش های ویژه» ۸ / ۷ / ۱۳۵۹، به نقل از خبرگزاری فرانسه.

۳- ۱۲۲. پیشین.

۴- ۱۲۳. ابتدا اسرائیلی ها این حمله را به ایران نسبت دادند لیکن بعدا وزیر دفاع عراق اظهار داشت: «عراق متقاعد شده است که حمله از سوی اسرائیل انجام گرفته است.».

۵- ۱۲۴. در این زمینه در صفحات بعد توضیحات لازم ارائه خواهد شد.

۶- ۱۲۵. خبرگزاری پارس، «گزارش های ویژه»، ۱۰ / ۷ / ۱۳۵۹، به نقل از رادیو امریکا.

در این میـان، اظهـارات وزیر خـارجه امریکـا (ادمونـد ماسـکی) نخستین اعتراف رسـمی امریکـا بر پـذیرش انقلاـب اسـلامی و آمادگی امریکا برای عادی سازی مناسبات بود. وی گفت:

«امریکا هرگز کوچک ترین قصدی برای اشغال ایران نداشته و ندارد. ما به حقانیت انقلاب اسلامی معتقد و آماده ایم با ایران پیرامون مناسبات دو کشور بر هر پایه و اساسی که باشد، گفت وگو کنیم.» (۱) .

تلاش امریکایی ها برای عادی سازی مناسبات با ایران متأثر از چند موضوع بود: اول، امریکا از نتایج جنگ بهره برداری کرده و بـا اهرم فشـار عراق، ایران را بـار دیگر در آغوش می گرفت. دوم، گروگان ها در اولین گام آزاد می شدنـد. سوم، جنگ با ابتکار عمل امریکا به پایان می رسید و در آخر، روس ها از امکان هرگونه بهره برداری از اوضاع منطقه، ایران و عراق محروم می شدند. (۲) در صورت تحقق این اهـداف، بی گمان موضع دمکرات ها در برابر جمهوری خواهان تقویت می شد و پس از تلاش کارتر در به امضا رساندن قرار داد صلح کمپ دیوید میان مصر و اسرائیل، مهار انقلاب اسلامی و جنگ و باز گرداندن دوبـاره ایران به دامـان امریکـا به منزله پیروزی دمکرات هـا و نشـانه کفـایت آن هـا بود. بـدین ترتیب، تلاـش امریکـایی ها در مناسبات با ایران از این پس، حول محور گروگان ها و مبادله آن ها با سلاح دور می زد. شوروی ها که از تحقق چنین نتایجی برای امریکـا ناخشـنود بودنـد، در موضع گیری خود ضـمن تأکیـد بر پایـان جنگ از راه مسالمت آمیز، اقـدامات امریکا را زیر سؤال بردند.

عراقی ها نیز به این نتیجه رسیده بودند که مأموریت خود را در مرحله اول با حمله به ایران انجام داده اند، ولی در صحنه عمل شاهـد بودند که امریکا از فشار آن ها (عراقی ها) برای جذب دوباره ایران استفاده می کند. این ترفند امریکا، عراق را از روند تحولات سیاسی در مناسبات ایران و امریکا و مسائل منطقه و تحولات نظامی جنگ به شدت نگران ساخت.

از سوی دیگر، جمهوری اسـلامی ایران پس از رهـا شـدن از پی آمـدهای تهـاجم اولیه عراق، اوضـاع داخلی را مهـار کرد و با تشکیل شورای عالی دفاع - به منظور ایجاد هماهنگی در مسائل نظامی، اقتصادی، تبلیغاتی و سیاست خارجی - ساختار مناسبی را برای اداره و هدایت

۱- ۱۲۶. مأخذ ۶۲، ص ۲۴۶.

۲- ۱۲۷. جیمی کـارتر، رئیس جمهور وقت امریکـا در مورد سیاست امریکا در خلیـج فارس و منطقه توضیحاتی داد که قابل توجه می باشد. وی گفت: «ایالات متحده از هر وسـیله ممکن برای باز نگاه داشـتن تنگه هرمز استفاده خواهد کرد.» وی افزود: «امریکـا در بحران ایران و عراق دو هــدف دارد: یکی ایـن کـه دو کشـور را وادار سـازد پـای میز مـذاکره بنشـینند و دیگری، جلوگیری از دخـالت روسیه در این دو کشور. مـا درصـدد هستیم از هر حـادثه ای که باعث دخالت شوروی در ایران یا عراق شود جلوگیری کنیم.» (خبرگزاری پارس، «گزارش های ویژه»، ۱۲ / ۷ / ۱۳۵۹، خبرگزاری فرانسه).

جنگ به وجود آورد. با تأکید بر تداوم حضور مردم و نیروهای انقلابی (۱) برای مقابله با نیروهای عراقی - به ویژه پس از ظهور آثار شکست عراق در تأمین تمامی اهداف خود - صحنه عملیات را همچنان گرم نگاه داشت. ضمن این که برابر اظهارات بنی صدر در مصاحبه با روزنامه لوموند، ایران خود را برای یک حمله بزرگ (۲) آماده می کرد. (۳) .

وضعیت سیاسی ایران در این روند گرچه به طور کامل بهبود نیافت، ولی باعث کاهش تأثیرات روحی و روانی اولیه تهاجم عراق شد. اما در پی حاکم شدن رکود و بن بست در جبهه ها، بار دیگر اختلافات ظهور کرد. در این میان توانایی امام در مهار اوضاع سیاسی، نظامی، اجتماعی و اقتصادی، کلیه امیدها و انتظارات را مبنی بر «فروپاشی» و یا تضعیف نظام با ناکامی و یأس مواجه کرد. توانایی جمهوری اسلامی از جمله عوامل تعیین کننده ای بود که تا پیش از این به هیچ وجه برای دشمنان داخلی و خارجی قابل ارزیابی و ارزش گذاری نبود.

مناسبات خارجی ایران با توجه به تأثیرات ناشی از گروگان گیری و قطع ارتباط امریکا با ایران در فروردین ۱۳۵۹ و تحریم اقتصادی امریکا و کشورهای اروپایی علیه ایران، کاملاً در رکود بود، به همین دلیل، عراق با نهایت بهره برداری از این امر، مانع از صدور قطع نامه شورای امنیت در حمایت از حقوق ایران می شد. سفر شهید رجایی به نیویورک برای شرکت در اجلاس سازمان ملل و سفر آقای هاشمی، رئیس وقت مجلس به کشورهای سوریه، لیبی و الجزایر بخشی از تحرکات دیپلماتیک ایران در آن مقطع بود.

در مجموع، فرآیند اقدامات عراق و ایران حاکی از تداوم اشغال نظامی بخش هایی از

---

۱ - ۱۲۸. مقاومت نظامی ایران در برابر عراق، به ویژه نقش سپاه در این امر، بازتاب نسبتا گسترده ای داشت، چنان که رادیو امریکا به نقل از روزنامه واشنگتن پست گفت: «در نخستین نبرد مهم در جنگ های دوازده روزه ایران و عراق، پاسداران انقلاب ایران که نیروهای خود را تقویت کرده بودند به جنگ های بی سابقه ای علیه نیروهای عراقی دست زده اند.» (خبرگزاری پارس، «گزارش های ویژه»، ۱۴ / ۷ / ۱۳۵۹.) همچنین روزنامه میزان به نقل از واشنگتن پست نوشت: «تصمیم پاسداران انقلاب به ادامه جنگ تا سرحد مرگ، عامل بازدارنده مهمی بوده است.» (روزنامه میزان، ۱۴ / ۷ / ۱۳۵۹). حال آن که بنی صدر در مصاحبه با روزنامه نول ابزرواتور گفت: «این ارتش است که دلیرانه در برابر عقل از وطن خود دفاع می کند نه پاسداران». (خبرگزاری پارس، ۲۲ / ۷ / ۱۳۵۹) رادیو کلن نیز در مورد مقاومت پاسداران گفت: «سربازان و سپاهیان ایرانی، با شهامتی فوق تصور در مقابل دشمنی که از لحاظ ساز و برگ نظامی بر آن ها برتری دارد،می جنگند و حتی پاسداران انقلاب که اغلب فاقد آموزش نظامی کامل نیز هستند، با رشادتی قابل تحسین، بدون کوچک ترین هراس از مرگ، در مقابل آتش توپخانه و تانک های عراق ایستادگی می کنند.» (خبرگزاری پارس، ۲۸ / ۷ / ۱۳۵۹).

۲ - ۱۲۹. عملیات ارتش در ۲۳ مهر و سوم آبان ۱۳۵۹ که با ناکامی همراه شد، همان عملیات های بزرگی بود که بنی صدر به آن اشاره می کرد.

۳- ۱۳۰. روزنامه انقلاب اسلامی، ۱۶ / ۷ / ۱۳۵۹، به نقل از رادیو اسرائیل.

خاک ایران بود. ضمن این که هیچ دور نمای روشنی از پایان جنگ و یا تغییر اوضاع به سود ایران به چشم نمی خورد. در چنین وضعیتی عراق برای بهره برداری از اوضاع، و به امید أخذ امتیازات سیاسی، مقدمات تکمیل و تحکیم مواضع خود در مناطق اشغالی را فراهم آورد.

تغییر مواضع امریکا و واکنش عراق

امریکایی ها پس از گرفتار شدن جمهوری اسلامی در جنگ تحمیلی عراق، موقعیت را برای بازگشت دوباره ایران به دایره نفوذ خود مناسب دیدند. آن ها همچنین برای فراهم کردن زمینه آزادی گروگان هایشان، مواضع جدیدی را اتخاذ کردند که به منزله تغییرات مهمی قابل ارزیابی بود. نماینده امریکا در شورای امنیت در یک موضع گیری آشکار اعلام کرد:

«اراضی نباید با زور تصرف شود و اختلافات باید به جای توسل به جنگ با مسالمت حل شود.» (۱) .

ادموند ماسکی وزیر خارجه امریکا در این باره گفت:

«وجود ایرانی نیرومند و توانا و حفظ وحدت آن در جهت حفظ منافع آمریکا است. خواستار ایرانی هستیم که در صلح و صفا باشد، ایرانی متحد و قدرتمند با حکومتی که مورد علاقه و مطلوب مردم ایران است... هیچ دولتی نباید در درگیری ایران و عراق دخالت کند، برای پایان دادن به این اختلاف باید بر اساس قوانین بین المللی، از راه حل های مسالمت آمیز استفاده شود... ایالات متحده در این جنگ جانب هیچ یک را نمی گیرد و هیچ کدام را سرزنش نمی کند ولی امریکا با تجزیه ایران مخالف است... عراق تمامیت ارضی ایران را با تجاوز به خاک آن کشور مورد تهدید قرار داده است... ما از تمام کشورهای منطقه و دیگر کشورها می خواهیم که از درگیری در این اختلاف بر حذر باشند و کوشش کنند این نبرد محدود بماند تا راهی برای حل آن پیدا شود.» (۲) .

در پی تغییر محسوس مواضع امریکا، عراقی ها این کشور را به نقض بی طرفی متهم کردند. در مقابل، سخنگوی وزارت خارجه امریکا در پاسخ به این اتهام، تأکید کرد که امریکا با تجزیه خاک هر کشوری با توسل به زور مخالف است و پیروی از این سیاست به آن معنا نیست که امریکا سیاست بی طرفی خود را کنار گذاشته است. (۳) سفیر امریکا در سازمان ملل نیز در مورد تحویل سلاح به ایران گفت که هنوز تصمیمی گرفته نشده است. (۴) در عین حال، وزیر خارجه عراق بار دیگر اعلام کرد که امریکا بی طرفی را در جنگ کنار گذاشته است و از ایران حمایت شفاهی و مادی می کند. (۵) .

۱- ۱۳۱. خبرگزاری پارس، «گزارش های ویژه»،۳ / ۸ / ۱۳۵۹، به نقل از خبرگزاری آسوشیتدپرس.

۲- ۱۳۲. خبرگزاری پارس، «گزارش های ویژه»، ۳۰ / ۷ / ۱۳۵۹، به نقل از رادیو آمریکا، ۲۹ / ۷ / ۱۳۵۹.

۳- ۱۳۳. خبرگزاری پارس، «گزارش های ویژه»، ۴ / ۸ / ۱۳۵۹، به نقل از رادیو امریکا.

۴- ۱۳۴. پیشین، به نقل از خبرگزاری آسوشیتدپرس.

۵- ۱۳۵. خبرگزاری پارس، «گزارش های ویژه»، به نقل از خبرگزاری رویتر.

اهداف، تمایلات و منافع امریکا را در این مقطع حساس از جنگ، روزنامه نیوزویک مورد بررسی قرار داد. به نظر می رسد در این تفسیر، موقعیت امریکا و پیچیدگی هایی که این کشور در برابر خود داشت، به خوبی بیان شده است:

«نبرد ایران و عراق و بحران گروگان های امریکایی چنان به هم آمیخته اند که تأثیر مهمی بر نقش سیاسی - نظامی امریکا در منطقه خلیج فارس خواهد داشت. امریکا زمانی که نخستین گام را در راه منزوی ساختن ایران برداشت، اعلام کرد که به محض آزادی گروگان ها تحریم علیه ایران نیز پایان خواهد گرفت. اما اقدام به چنین امری در بحبوحه جنگ به جانب داری امریکا از ایران تعبیر خواهد شد. با این وصف، در صورت آزادی گروگان ها امریکا به سرعت در جهت از میان برداشتن تحریم های سیاسی اقتصادی علیه ایران، اقدام خواهد کرد. این امر به ایران اجازه خواهد داد تا مبادلات بازرگانی عظیم و حجیم خود را با اروپای غربی و ژاپن از سر گیرد و چهار صد میلیون دلار قطعات یدکی را که قبلا از امریکا خریداری کرده، دریافت دارد. مقامات امریکا به طور روز افزونی نگران سرنوشت ایران و اثرات این جنگ در ثبات منطقه هستند.

دستیابی عراق به خوزستان می تواند بر ناآرامی های سیاسی در بخش های دیگر ایران دامن زند و موجب بهره برداری روسیه شوروی قرار گیرد. اگر دولت امریکا بتواند پیوند خود را با ایران از سر گیرد و روابط عادی با این کشور برقرار کند، عراق بیش از پیش به جست وجوی راه حلی برای پایان دادن به جنگ از طریق مذاکره برخواهد آمد، زیرا یکی از عوامل مهم تصمیم عراق برای آغاز جنگ با ایران، انزوای سیاسی ایران و عدم توانایی این کشور در به دست آوردن قطعات یدکی نظامی بوده است.» (۱) .

هرگونه اقدام امریکا برای برقراری رابطه با ایران و لغو تحریم، از نگاه عراقی ها به شدت به منزله تغییر موازنه جنگ ارزیابی می شد و لذا ناراضی بودند، به همین دلیل، در پی انتشار این خبر که احتمال دارد، کشورهای عضو بازار مشترک اروپا تحریم اقتصادی ایران را لغو کنند، عراق از این کشورها درخواست کرد که بی طرفی خود را در درگیری ایران و عراق حفظ کنند. (۲) روزنامه اردنی «الاخبار» نیز اقدام اروپا را در لغو تحریم اقتصادی ایران به منزله بازتاب های خطرناک در آینده روابط عربی و اروپایی ذکر کرد. (۳) ضمن این که رادیو بغداد به نقل از طارق توفیق عضو شورای انقلاب عراق گفت:

«وی به امریکا هشدار داده که آزادی گروگان ها را بهانه جهت فرستادن اسلحه به ایران قرار ندهد و بی طرفی خود را حفظ کند و گرنه عراق ساکت نخواهد نشست.» (۴) .

در این حال، تنها یک روز بعد (۶ / ۸ / ۱۳۵۹)، کارتر رئیس جمهور وقت امریکا در مناظره

۱- ۱۳۶. روزنامه جمهوری اسلامی، ۵ / ۸ / ۱۳۵۹.

۲- ۱۳۷. خبرگزاری پارس، «گزارش های ویژه»،نشریه ۲۲۳، ۶ / ۸ / ۱۳۵۹، به نقل از رادیو لندن، ۵ / ۸ / ۱۳۵۹.

۳- ۱۳۸. پیشین، به نقل از رادیو صوت الجماهیر، ۵ / ۸ / ۱۳۵۹.

۴- ۱۳۹. مأخذ ۷۹، به نقل از رادیو بغداد، ۵ / ۸ / ۱۳۵۹.

انتخاباتی خود با ریگان گفت:

«امریکا در صورت آزادی گروگان ها، تجهیزات نظامی را که ایران خریده و پول آن را پرداخته، به آن کشور ارسال خواهد کرد.» (۱) .

اظهارات کارتر و سایر مقام های امریکایی مبنی بر تمایل به برقراری رابطه با ایران - در صورت آزادی گروگان ها - از چنان گستردگی برخوردار بود که کیسینجر (وزیر خارجه اسبق امریکا) از موضع جمهوری خواهان در هشدار به کارتر گفت:

«امریکا نباید در شرایط کنونی برای حل مسئله گروگان ها بیش از حد به سوی ایران برود، زیرا ممکن است به صورت تسلیم امریکا (۲) در مقابل ایران جلوه گر شود.» (۳) .

در این میان، مسئولان عراقی - چنان که ذکر شد - نگرانی خود را از راه های گوناگون ابراز کردند؛ عراق پیدایش وضعیت جدید را به منزله تفاهم ایران و امریکا قلمداد کرد، طوری که وزیر خارجه این کشور گفت:

«امریکا نمی خواهد عراق یا کشورهای عربی دیگر در این جنگ پیروز شوند، زیرا هنوز از روابط ایران و آمریکا بوی تفاهم به مشام می رسد و با تمام این هیاهوها، این تفاهم ایجاد شده است. امریکا به هیچ عنوان حاضر نیست ایران را از دست بدهد و امکان این که به تدریج بین ایران و امریکا اتحاد برقرار شود، زیاد است.» (۴) .

با این حال، عراقی ها با توجه به تنش در میان جریان های داخلی و جو حاکم بر کشور، ایران را فاقد اراده سیاسی مشخص برای تصمیم گیری در مورد گروگان ها می دانستند و به حصول نتیجه قطعی و روشن در این زمینه، اطمینان نداشتند. اما نمایندگان مجلس شورای اسلامی در تاریخ ۱۲ / ۸ / ۱۳۵۹ با اکثریت آرا این شرایط را برای آزادی گروگان های امریکایی تصویب کردند: ۱- عدم دخالت سیاسی و نظامی امریکا در ایران، ۲- لغو تحریم های اقتصادی و مالی علیه ایران، ۳- بازگرداندن اموال شاه معدوم. (۵) .

در پی تصویب این طرح، امریکایی ها - چنان که وزیر خارجه شان اظهار کرد - می پنداشتند که در ایران این نظریه قوت گرفته است که ادامه اسارت گروگان های امریکایی در جهت منافع و مصالح ایران نیست. (۶) همچنین، وزیر خارجه امریکا اعلام کرد که از طریق

۱- ۱۴۰. مأخذ ۵۸، ۱۰ / ۸ / ۱۳۵۹.

۲- ۱۴۱. بعدها نیز کیسینجر در مخالفت با روش امریکا در برخورد با آزادسازی گروگان ها گفت: «شرایط باید طوری تنظیم گردد که هر چه گروگان ها بیشتر نگه داری شوند، موقعیت بدتری برای گروگان گیرها به وجود آید.» (خبرگزاری پارس، «گزارش های ویژه»، شماره ۲۲۸، ۱۱ / ۸ / ۱۳۵۹، به نقل از خبرگزاری یونایتدپرس).

۳- ۱۴۲. مأخذ ۵۴، بن، ۶ / ۸ / ۱۳۵۹.

۴- ۱۴۳. خبرگزاری پارس، «گزارش های ویژه»،نشریه ۲۲۶، ۹ / ۸ / ۱۳۵۹، به نقل از رادیو آمریکا، ۸ / ۸ / ۱۳۵۹.

۵- ۱۴۴. روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳/ ۸ / ۱۳۵۹، به نقل از خبرگزاری پارس.

۶- ۱۴۵. خبرگزاری پارس، «گزارش های ویژه»، نشریه ۲۲۹، ۱۲ / ۸ / ۱۳۵۹.

کانال های دیپلماتیک پیام هایی مبنی بر تمایل رهبران ایران برای پایان دادن فوری به بحران گروگان ها، دریافت کرده است. (۱) در عین حال شرایط مجلس به ویژه بند ۱ و ۳ به گونه ای بود که امریکایی ها به آسانی قادر به تأمین آن نبودند و همین مسئله، در آزادی گروگان ها تأخیر ایجاد می کرد.

وزیر خارجه عراق بلافاصله پس از استقبال امریکا از تصمیم مجلس شورای اسلامی، مطالبی را بیان کرد که بسیار حائز اهمیت بوده و نشان دهنده محاسبات و برداشت عراقی ها از روابط ایران و امریکا است. این مقام عراقی با روزنامه کویتی القبس گفت:

«کشورش (عراق) هنگامی که وارد جنگ علیه ایران شده، کلیه احتمالات از جمله احتمال حمایت امریکا از ایران را بررسی کرده است. در صورتی که امریکا به ایران کمک بکند، عراق با چنین اقدامی مقابله خواهد کرد.» (۲) .

تنها یک روز پس از مصوبه مجلس شورای اسلامی درباره آزادی گروگان های امریکایی و با وجود تبلیغات کارتر و دمکرات ها، در این زمینه ریگان، نامزد جمهوری خواهان با ۵۱ درصد آرا به عنوان چهلمین رئیس جمهور امریکا انتخاب شد. ایران بلافاصله پس از این انتخاب، از امریکایی ها خواست که به مصوبه مجلس به طور علنی پاسخ دهند. در چنین وضعیتی هنری کیسینجر در مورد شرایط ایران گفت:

«این شرایط غیر قابل اجرا یا تحقیر کننده و یا هر دو است. اگر امریکا این شرایط را بپذیرد، در منطقه تحقیر خواهد شد.» (۳) .

بنابراین، با شکست دمکرات ها در برابر جمهوری خواهان، با وجود تلاش آن ها برای آزادی گروگان های امریکایی این اقدامات نتیجه ای سودمند برای دمکرات ها - به مفهوم ادامه حضور در کاخ سفید - در پی نداشت. در عین حال،تفکر و برداشت جمهوری خواهان از سیاست های مماشات آمیز دمکرات ها در برخورد با مسائل منطقه، جنگ و حوادث ایران، موجب شد که آن ها دیدگاه جدیدی را برای تشدید فشار بر ایران تحت عنوان «جنگ کم شدت» برای تحقق «جنگ بدون برنده» تهیه و ارائه نمایند.

تغییر در مواضع عراق

عراقی ها گرچه قبل از آغاز حمله به ایران ادعاهای بزرگی را مطرح ساختند و حتی سعدون حمادی، وزیر خارجه عراق در جمع خبرنگاران خارجی اعلام کرد:«اگر ما بتوانیم، حتی تهران را نیز می گیریم» (۴) اما پس از ناکامی های اولیه، همین مقام عراقی مطالبی را

۱- ۱۴۶. خبرگزاری پارس، «گزارش های ویژه»،نشریه۲۲۸، ۱۱ / ۸ / ۱۳۵۹.

۲- ۱۴۷. خبرگزاری پارس، «گزارش های ویژه»،نشریه ۲۳۰، ۱۳ / ۸ / ۱۳۵۹، به نقل از خبرگزاری یوگسلاوی.

۳- ۱۴۸. روزنامه انقلاب اسلامی، ۱۴ / ۸ / ۱۳۵۹، به نقل از لندن، خبرگزاری یونایتد پرس، روزنامه دیلی تلگراف، ۱۳ / ۸ /

۱۳۵۹.

۴- ۱۴۹. روزنامه انقلاب اسلامی، ۲۰ / ۱۰ / ۱۳۵۹.

بیان کرد که دقیقا حاکی از تغییر موضع عراق بود. وی گفت: «قرارداد ۱۹۷۵ عادلانه و منصفانه نیست» (۱) در واقع، با این موضع گیری، هدف عراق به یک حداقل کاهش یافت و بر این موضوع معطوف شد که این کشور بدون تغییر قرارداد ۱۹۷۵ میلادی با مشکلات بسیاری روبه رو خواهد شد. حال آن که اگر عراق به اهداف خود می رسید و از وضعیت مناسبی برخوردار می شد، تمام ادعاهایی را که در ابتدا بیان کرده بود، بار دیگر مطرح می کرد. رادیو لندن طی تفسیری در این باره گفت: «اگر چند روز اول حمله، رژیم آیت الله خمینی سقوط می کرد، یا جنگ به تصرف خرمشهر وآبادان منتهی می گردید، هیچ مشکلی برای رئیس جمهور عراق وجود نداشت.» (۲) .

بنابراین، عراق در برابر وضعیت جدیدی قرار گرفته بود و در پی آن بود که ایران را وادار به اعطای امتیازاتی کند تا حمله به این کشور را در مقابل مردم عراق و به طور کلی جهان عرب، موجه جلوه دهد. در واقع عراق در ادامه جنگ و خروج از وضعیت نامطلوبی که گرفتار شده بود، دو راه حل فرا روی خود داشت:

نخستین راه، ادامه پیشروی نیروهای عراقی در عمق مناطق اشغالی بود، که عراقی ها در آغاز تهاجم در وضعیتی که از امتیاز غافلگیری نسبی قوای ایران، (۳) برخوردار بودند، موفق به انجام این مهم نشدند. از سوی دیگر، پیشروی در عمق مناطق اشغالی و تصرف مناطق نفت خیز و یا تصرف یک شهر دیگر مستلزم درگیری و به کارگیری نیروی بیشتری بود که عراق در آن وضعیت قادر به چنین اقدام نبود. (۴) .

دومین راه حل عقب نشینی از مناطق اشغالی بود که می توانست عراق را از این مخمصه نجات دهد. صدام طی نطقی در جلسه هیئت دولت بعث دیدگاه های خود را درباره جنگ بیان کرد که به روشنی علل عدم امکان عقب نشینی نیروهای عراقی را توضیح می دهد. وی در اظهارات خود با توجه به وارد آمدن فشارها و ارائه پیشنهادهایی مبنی بر عقب نشینی نیروهای عراقی از مناطق اشغالی و پی آمدهای آن، گفت:

«هر قدر عقب نشینی کنیم، آن ها تعقیبمان خواهند کرد و بار دیگر ما را مورد حمله قرار خواهند داد. با عقب نشینی، بصره در تیررس توپخانه های آنان قرار خواهد گرفت.» (۵) .

صدام در سخنان خود تلاش ایران برای ادامه جنگ را دلیل عدم عقب نشینی از خاک ایران مطرح کرد؛ حال آن که ایران پیش از این در برابر پیشنهادهای صلح، آشکارا شرط هر گونه مذاکره را عقب نشینی عراق به مرزهای بین المللی اعلام کرده بود. لیکن عراق حاضر به پذیرش پیشنهادهای ایران نشد و همچنان در مواضع اشغالی باقی ماند.

ص: ۶۹

۱- ۱۵۰. پیشین.
۲- ۱۵۱. مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، روزشمار جنگ ایران و عراق، کتاب پنجم، هویزه آخرین گام های اشغالگر، نوشته علی رضا لطف الله زادگان، ۱۳۷۳.
۳- ۱۵۲. مأخذ ۹، ص ۹۹.

۴- ۱۵۳. پیشین، ص ۱۳۴.

۵- ۱۵۴. ستاد تبلیغات جنگ شورای عالی دفاع، ستیز با صلح، (تهران: ۱۳۶۶)، ص ۱۰۵.

صدام در بخش دیگری از سخنان خود دلیل واقعی عراق برای ادامه حضور در خاک ایران و عدم عقب نشینی را - با توجه به مسائل داخلی این کشور - (۱) چنین بیان کرد:

«عده ای از آنان به ما پیشنهاد می کنند بدون این که ایران خواسته های ما را برآورد، به جای خود باز گردیم تصور کنید آن ها تا بدین حد از پیروزی ما در فشارند! به آنان می گوییم جواب ملت خود را چه بدهیم؟ (۲) ... اکنون ما به ملت عراق بگوییم تمامی خون های ریخته شده، ارزان از دست رفته است و پیش از آن که به حقوق خویش دست یابیم، به جای خود باز گشته ایم.» (۳) .

بدین ترتیب عراقی ها پس از ناتوانی از تأمین تمام هدف های سیاسی - نظامی خود، در گرداب یک تناقض آشکار قرار گرفتند؛ از یک سو، عراق به لحاظ وضعیت بنیه نظامی و ضعف روحیه قادر به پیشروی در مناطق اشغالی نبود و از سوی دیگر، رهبری حکومت عراق نیز با وضعیتی که نیروهایش در میدان جنگ گرفتار آن بودند، قادر به تصمیم گیری برای صدور فرمان عقب نشینی به داخل خاک عراق نبود. رهبری عراق برای فائق آمدن بر این بن بست، استراتژی را اتخاذ کرد و در چارچوب آن، سلسله اقداماتی را انجام داد.

تلاش عراق برای خروج از بن بست

اشاره

در اختیار داشتن بخش وسیعی از مناطق اشغالی ایران، امتیازی برای عراق بود تا این کشور برای گرفتن امتیاز سیاسی، از موضع برتر سخن گوید. به همین دلیل؛ صدام در توجیه استقرار نیروهای عراقی در مواضع اشغالی گفت:

«وقتی جنگی آغاز شود، عاقلانه ترین راه این است که چرخه آن در سرزمین دشمن بگردد نه در خاک ما... نباید کسی به شما بگوید یا خود شما بپرسید، حال که ایرانیان را شکست دادیم و

۱- ۱۵۵. با توجه به تأثیر اوضاع داخلی عراق در تصمیم گیری رهبران این کشور، هفته نامه فارین ریپورت چاپ لندن نوشت: «اهمیت کسب پیروزی سریع در جنگ هم اکنون اثرات سیاسی خود را در بغداد ظاهر کرده است. گرچه تا به حال از صدام انتقاد نشده است، اما مشاور اصلی وی، طارق عزیز، طی دو روز گذشته مورد حمله شدید قرار گرفته است. طارق عزیز که مسئول سرویس های امنیتی عراق است، از سوی سایر اعضای شورای حکومتی عراق متهم به کشاندن عراق به یک جنگ نامعلوم و بی پایان شده است. انتقاد کننده گان، طارق عزیز را به خاطر کسب اطلاعات نادرست درباره توانایی مقاومت ایران سرزنش می کنند. سرویس های اطلاعاتی عراق نه تنها نتوانستند ارزیابی صحیحی از موقعیت نظامی ایران به عمل آورند، بلکه پیش بینی کرده بودند، رژیم جمهوری اسلامی ظرف ۴۸ ساعت از آغاز جنگ سقوط خواهد کرد.» (روزنامه انقلاب اسلامی، ۲۵ / ۸ / ۱۳۵۹).

۲ – ۱۵۶. در حمله عراق به کویت نیز پس از آن که عراقی ها با ناکامی مواجه شدند و برخلاف تحلیل آن ها، امریکا و متحدانش به عراق حمله کردند، صدام همین مشکل را داشت؛ چنان که در پاسخ به پیشنهاد پریماکف، فرستاده ویژه گورباچف به عراق، گفت: «جواب ملت عراق را چه بدهیم؟».

۳– ۱۵۷. پیشین.

به آن ها فهماندیم که می توانیم در برابرشان بایستیم و آزارشان دهیم، پس به مرزهای بین المللی خود که زین القوس، سیف سعد و نقاط دیگری است که در دست آنان بود و اکنون آن ها را پس گرفته ایم، بازگردیم. جواب این است: شط العرب را مرز زمینی نمی تواند ایمن کند، حاکمیت لازم است...» (۱) .

بی گمان، تحلیل و درک عراقی ها از وضعیت سیاسی و نظامی ایران در تصمیم آن ها مبنی بر استقرار در مواضع اشغالی بی تأثیر نبود، چنان که اسیران عراقی با استنباط از ذهنیت فرماندهان نظامی عراق، می گویند:

«فرماندهی نظامی عراق تصور می کرد که ارتش ایران قادر به جمع آوری یگان های کافی برای از بین بردن واحدهای عراقی که یک موضع دفاعی در امتداد قصر شیرین تا آبادان برای خود اتخاذ کرده بودند، نیست. زیرا که فراهم آوردن چنین نیرویی نیاز به تلاش های بسیار دارد و عراق با گذشت زمان، می تواند ایران را به پذیرش واقعیت مجبور کند. رهبری نظامی عراق دیدگاه های خود را روی اوضاع آشفته داخل ایران و اختلافات شدید بین سیاستمداران ایران یعنی جریان بنی صدر از یک طرف و جریان اصیل اسلامی از طرف دیگر، بنا نهاده بود و به این خاطر تصور می کرد، تأمین نیروهای لازم برای بیرون راندن عراقی ها در سایه پراکندگی داخلی، استوار خواهد بود.» (۲) .

رادیو بغداد نیز طی تفسیری از اوضاع سیاسی ایران و اختلافات موجود در کشور، دیدگاه عراقی ها را درباره وضعیت داخلی ایران چنین بیان کرد:

«قدر مسلم این است که یک کودتای پنهانی علیه بنی صدر در ایران وجود دارد زیرا بنی صدر عملاـ اختیارات خود را از دست داده است... بنی صدر در مناسبت های بسیار تلاش کرد، تحت عنوان تأثیر دیگران در درون دولت، مسئولیت شکست های نیروهای ایرانی در میدان های جنگ را به عهده دیگران بگذارد و این کار را به این علت کرد که مسئولیت شکست فعلی فقط به گردن او نیفتد و از آخرین پستی که برای او باقی مانده محروم نشود.» (۳) .

در رسانه های خارجی نیز اوضاع سیاسی ایران به شدت بی ثبات و بحرانی ترسیم می شد و همین امر به معنای ترغیب عراق برای باقی ماندن در مواضع اشغالی بود. رادیو قاهره به نقل از روزنامه فیگارو در این باره گفت:

«ایران گرفتار یک اغتشاش کامل شده و این امر باعث گردید[است]تا کارشناسان معتقد شوند که سربازان عراقی در صورتی که فعالیت های خود را هماهنگ سازند، می توانند راه خود را به تهران باز کنند» (۴) .

۱- ۱۵۸. مأخذ ۹۵.

۲- ۱۵۹. ستاد مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، تحلیل نبردهای بین ایران اسلامی و بعثیان عراقی، نوشته اسیران عراقی.

۳- ۱۶۰. خبرگزاری پارس، «گزارش های ویژه»، نشریه ۲۲ / ۸ / ۱۳۵۹، به نقل از رادیو بغداد، ۲۱ / ۸ / ۱۳۵۹.

۴- ۱۶۱. - خبرگزاری پارس، «گزارش های ویژه»، نشریه ۲۶ / ۸ / ۱۳۵۹، به نقل از رادیو قاهره، ۲۵ / ۸ / ۱۳۵۹.

در واقع، راه حل سوم عراق یعنی «استقرار در مواضع اشغالی» (۱) گرچه در آن وضعیت بهترین انتخاب برای این کشور بود، ولی این تصمیم نشان می داد که نوعی بن بست در روند سیاسی و نظامی جنگ ایجاد شده است، به ویژه این که عراق به دلیل ناکامی در تحقق اهداف سیاسی و نظامی خود، ابتکار عمل را از دست داده بود و تنها چیزی که در اختیار داشت،بخشی از مناطق اشغالی بود. لذا، عراقی ها با استقرار در مواضع اشغالی و با نگاه تحولات داخلی ایران، نیروهای انسانی خود را بسیج و تجهیز کردند و در انتظار فرصتی مناسب برای کسب امتیاز در مذاکرات صلح بودند. در این حال، نه تنها عراق فاقد توانایی نظامی (۲) برای تغییر وضعیت نظامی به سود خود بود، بلکه با تغییر اوضاع بین المللی (۳) امکان پی گیری اهداف عراق در سطح گذشته و حتی در سطح محدود با تکیه بر اهرم نظامی تا اندازه ای دشوار شده بود. رادیو اسرائیل در مورد موضع امریکایی ها و احتمالاتی که وجود داشت و وضعیت نظامی حاکم بر جنگ، گفت:

«عراق قدرت و ظرفیت آن را ندارد که ایرانیان را وادار به مذاکره نماید و ایران نیز قدرت و نیروی لازم را برای اخراج عراقی ها ندارد.» (۴) .

این رادیو با توجه به اقدامات عراق و احتمالات موجود و تأثیر آن در سطح منطقه، افزود:

«اگر ایران با حمله عراق تجزیه شود، مسکو از اوضاع سوء استفاده کرده، نفوذ خود را گسترش خواهد داد. ثانیا اگر عراق درصدد برآید سه جزیره عربی مسلط بر تنگه هرمز را به تصرف درآورد و یا بخواهد استان نفت خیز خوزستان را به خاک خود ضمیمه کند، امریکا مجبور به دخالت خواهد شد.» (۵) .

عراقی ها بر این باور بودند که امریکا با باز شدن راه گفت وگو با لیبرال ها که به درون حاکمیت ایران نفوذ کرده بودند، به اهداف خود مبنی بر فراهم شدن مقدمات و زمینه های آزادی گروگان ها دست یافته است، در حالی که عراق هنوز از دست یافتن به هر گونه

۱- ۱۶۲. صدام در مجلس ملی عراق در این باره گفت: «دست آوردهای هر جنگی، حقوقی است که به حقوق پیش از جنگ افزوده می شود... هر ملتی که زمان بیشتری را در سرزمینی باقی بماند، حقوق بیشتری به دست می آورد.» (ستاد تبلیغات جنگ، ستیز با صلح، صدام، ۱۴ / ۱۱ / ۱۹۸۰ برابر ۱۳ / ۸ / ۱۳۵۹).

۲- ۱۶۳. پیشین.

۳- ۱۶۴. رادیو امریکا در گزارشی از سمیناری که در واشنگتن درباره جنگ ایران و عراق تشکیل شده بود، به نقل از «باری روبین» استاد دانشگاه جرج تاون امریکا گفت: «دولت عراق به خوبی می داند که ابرقدرت های جهان اجازه نخواهند داد عراق بخشی از خاک ایران را به خود ملحق کند.» (خبرگزاری پارس، «گزارش های ویژه» نشریه شماره ۴۲۳، ۲۶ / ۸ / ۱۳۵۹، به نقل از رادیو امریکا، ۲۵ / ۸ / ۱۳۵۹).

۴- ۱۶۵. روزنامه انقلاب اسلامی، ۳ / ۸ / ۱۳۵۹.

۵- ۱۶۶. پیشین.

امتیازی محروم است. بنابراین، آن ها به منظور بهره برداری از برتری نظامی، معتقد بودند که «یکی از کلیدهای وضع موجود را در دست دارند و آن خوزستان ایران یا عربستان اعراب است.» (۱) لذا، عراقی ها با باقی ماندن در مواضع اشغالی با این ارزیابی که برگ برنده ای برای اخذ امتیازات سیاسی از ایران در دست دارند، منتظر تحولات سیاسی در داخل ایران و همچنین مذاکرات ایران و امریکا حول محور آزادی گروگان های امریکایی بودند.

در این میان، گزینش راه حل سوم و استقرار قوای عراقی در مناطق اشغالی در واقع حاوی این مفهوم بود که عراق نه تنها نمی تواند سرنوشت جنگ را به سود خود تعیین کند، بلکه مهم تر از آن، این امر نشان دهنده طولانی شدن جنگ و نبودن دورنمای روشن برای پایان بخشیدن به آن بود. ضمن این که پیشنهادهای عراق برای مذاکره، به دلیل تلاش این کشور جهت بهره گیری از موقعیت برتر نظامی خود در برابر ایران، به هیچ وجه مورد توجه و استقبال ایران قرار نمی گرفت. عراق نیز برای تحمیل اراده سیاسی خود به ایران از توان نظامی لازم برخوردار نبود. صدام در نخستین کنفرانس مطبوعاتی با شرکت خبرنگاران خارجی، ضمن تشریح مواضع عراق در جنگ - با توجه به بن بست حاکم بر جنگ و ناگزیر شدن عراق برای استقرار در مواضع اشغالی و طولانی شدن جنگ - گفت:

«این که گفته شود ذخیره ما برای دو ماه کافی بوده و جنگ چهار ماه به طول خواهد انجامید و محاسبات ما دقیق نبوده، این درست نیست و نباید بهانه ای باشد که بر دشمن خود پیروز نشویم. هنوز محاسبات ما دقیق است... ما قصد اشغال سرزمین ایران را نداشتیم، ولی اگر مردم عربستان[خوزستان]از ما بخواهند، آنجا مستقر می شویم.» (۲) .

صدام در این کنفرانس خبری با تأکید برخواسته عراق مبنی بر تجزیه ایران، ضمن پاسخ به درخواست امریکایی ها، یکی از اهداف جنگ افروزی خود را بیان کرد و گفت:

«تا موقعی که ایران دشمن ملت عرب محسوب می شود،مسلما نه تنها خواستار تجزیه آن بلکه خواستار نابودی آن هستیم.» (۳) .

وی با توجه به این که بیان این گونه موضع گیری به صورت رسمی با اصول دیپلماتیک سنخیت ندارد، گفت:

«شاید بیان این حرف با اصول سیاست سنخیتی نداشته باشد، ولی این چیزی است که در قلب من و ملت عرب است که خاکشان را دوست دارند.» (۴) .

صدام همچنین در ادامه سخنان خود با تأکید بر روابط عراق با فرانسه و شوروی، در واقع به مناسبات جدیدی که عراق بدان دست یافته بود، اشاره کرد:

۱- ۱۶۷. خبرگزاری پارس، «گزارش های ویژه»، نشریه ۲۱ / ۸ / ۱۳۵۹، به نقل از رادیو بغداد، ۲۲/ ۸ / ۱۳۵۹.
۲- ۱۶۸. مأخذ ۹۹، به نقل از روزنامه لوموند.

۳- ۱۶۹. مأخذ ۹۹.

۴- ۱۷۰. پیشین.

«ما با کشورهایی در جهان دوست هستیم، فرانسه و شوروی در درجه اول قرار دارند و ما با آن ها روابط گسترده ای از نظر نظامی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی داریم.» (۱) .

این سخنان صدام در رسانه های خارجی بازتاب نسبتا گسترده ای داشت؛ خبرگزاری یونایتد پرس این سخنان را نشان دهنده ی آمادگی عراق برای ادامه جنگی طولانی و فرسایشی، ارزیابی کرد. رادیو کلن نیز در مورد اظهارات صدام به این نکته اشاره کرد که به دلایل بسیار، نه عراق به آسانی قادر به تصرف یا باقی ماندن در شهرهای ایران است و نه جو بین المللی اجازه چنین تجاوز و اشغالی را به عراق خواهد داد. (۲) .

اتخاذ استراتژی جنگ ساکن

ادلفی پی پر، بهار ۱۹۸۷، مقاله «جنگ ایران و عراق یک تحلیل نظامی».

فرسایش تدریجی نیروهای نظامی ایران در درازمدت، و حمله به مراکز استراتژیک با استفاده از آتش توپخانه و حملات هوایی، عناصر اصلی استراتژی جدید عراق را تشکیل می دادند، که در آن اوضاع و با توجه به ملاحظات بین المللی و منطقه ای و وضعیت نظامی عراق، تنها راه به نظر می رسیدند؛ زیرا عراق قادر به انجام دادن حرکات نظامی تعیین کننده نبود و در عین حال، در درون ایران نیز با مقاومت همراه با عملیات های تهاجمی محدود و ایذایی روبه رو بود.

کردزمن، کارشناس امور نظامی و برنامه ریزی امریکا در کتاب خود در توضیح استراتژی عراق و هدف آن می نویسد:

«عراق استراتژی Guns butter (تفنگ و کره) را اتخاذ کرده بود که هدف آن از یک سو حفظ نیروهای عراق در سرزمین های اشغالی ایران، و از سوی دیگر به حداقل رساندن تلفات نظامی و جلوگیری از هر گونه خللی در زندگی عادی مردم بود. این استراتژی انعکاسی از این باور و امید بود که حوادث داخل ایران به سقوط[امام]خمینی منجر خواهد شد. در سر تا سر سال های ۱۹۸۱ و ۱۹۸۲ (۱۳۶۰ و ۱۳۶۱) بسیاری از مقامات عالی رتبه عراقی بر این باور بودند که کشمکش بر سر قدرت در ایران به حکومت خمینی پایان داده و زمان صلح فرا می رسد.» (۳) .

عراق در ادامه یک جنگ فرسایشی، بر ایجاد مواضع دفاعی تأکید داشت به همین دلیل به ایجاد استحکامات و استقرار یگان های زرهی پیاده در سنگرهای مستحکم دست زد. یکی از متخصصان وزارت دفاع امریکا نیز در مورد استراتژی عراق می گوید:

«استراتژی عراق به این صورت است که شهرهای اصلی غرب ایران را به جای تصرف، محاصره کرده، سپس آن ها را بمباران می کند. تا مقاومت ایران را در مقابل خواسته عراق برای کنترل شط العرب[اروند رود]ضعیف کند.» (۴) .

۱- ۱۷۱. پیشین.

۲- ۱۷۲. مأخذ ۹۹، به نقل از رادیو کلن، ۲۱ / ۸ / ۱۳۵۹.

۳- ۱۷۳. مأخذ ۹، ص ۱۳۴.

۴- ۱۷۴. خبرگزاری پارس، «گزارش های ویژه»،نشریه ۱۸ / ۸ / ۱۳۵۹، به نقل از رادیو امریکا، ۱۷ / ۸ / ۱۳۵۹.

نقطـ ثقـل استراتژی عراق در این مرحله به تحولاـت داخلی ایران و نیز توانـایی نظامی ارتش خود معطوف بود به همین دلیل با محاصـره برخی شـهرها به جـای تصـرف آن هـا و حفـظ قـوای نظـامی در درون سـنگرها و مواضع دفـاعی به بمبـاران اهـداف غیرنظامی و اقتصادی اقدام می کرد. «در عین حال عراقی ها در حملات هوایی نیز احساس می کردند در صورت محدود بودن این حملات، با سقوط (امام) خمینی راحت تر می توانند با ایرانیان به توافق برسند.» (۱) .

عراق در پی اتخـاذ استراتژی جدیـد خود (۲) و فرا رسـیدن فصل زمسـتان در جنوب و افزایش بارنـدگی، به تأسـیس و تحکیم مواضع دفاعی پرداخت. (۳) برخی از نشـریات خارجی در مورد احداث دیوار دفاعی به دست نیروهای عراق و افزایش فعالیت ماشین های مهندسی در مواضع عراقی ها گزارش هایی منتشر کردند.

بـا ایـن حـال، در ایـن مرحله از جنـگ، عراقی هـا غیر از برخی اقـدامات مهندسـی به منظـور تکمیـل مواضـع دفـاعی در منطقه «سوسنگرد در محور اهواز» و در «شرق رودخانه کارون» برای اشغال سوسنگرد و تکمیل محاصره آبادان، اقدامات مهم دیگری انجـام ندادنـد. در اجرای این اقـدامات علاـوه بر ابعـاد نظـامی، ملاحظات سیاسـی نیز مورد توجه بوده؛ در بعـد نظامی، عراق با پیشـروی در محور سوسـنگرد و تصرف آن، ضمن نزدیک شدن به شهر اهواز - برای تأمین جناح چپ لشکر ۵ مکانیزه که در جنوب غربی اهواز اسـتقرار داشت - می توانست نـام یـک شـهر دیگر را به فهرست متصـرفات خود اضـافه کرده و بر روی آن تبلیغ کند.

۱- ۱۷۵. مأخذ ۹، ص ۱۴۸.

۲- ۱۷۶. رادیو کلن در مورد استراتژی عراق به نقـل از کارشـناسان نظـامی گفت: «عراق امیـدوار است که ضـمن حفـظ مواقع خود در خوزسـتان، شـهر سوسنگرد را به تصرف درآورد و با حملات گاه و بی گاه موشکی و توپخانه ای به شهرهای اهواز و دزفول، این دو شـهر را از سـکنه خالی کنـد و بر سـیل آوارگان ایرانی بیفزاید تا از این طریق و با در نظر گرفتن وضع نابسامان اقتصادی ایران، این کشور را به قبول آتش بس وادار کنـد. اما به نظر می رسـد، با مقاومت شدید نیروهای ایرانی و وارد کردن ضربات متقابل به نیروهای مهاجم و تلفات مالی و جانی شدید که نیروهای عراقی به خصوص در هفته های اخیر و در حملات خود به شـهرهای سوسـنگرد و آبادان متحمل شـده انـد، این امید عراق نیز به تحقق نپیوندد.» (خبرگزاری پارس، «گزارش های ویژه»، شماره ۲۶۸، ۲۱ / ۹ / ۱۳۵۹، رادیو کلن، ۲۰ / ۹ / ۱۳۵۹).

۳- ۱۷۷. برابر اسـناد به دست آمـده از ارتش عراق، فرمانـدهی سـپاه سوم در نـامه ای به یگـان های تابعه در توضـیح استراتژی جدیـد عراق چنین نوشـته است: «دستیـابی به هـدف های محـدود نظامی[برای]ارتش شـجاع ما به معنی پـذیرفتن حالت دفاعی راکـد و بی تحرک کـه دشــمن را در وضـعیت روانی و عملی برتر قرار دهـد، نیست. دستیـابی بـه اهـداف محـدود در منـاطق مختلف، موجب ملغی شـدن مبـادرت به تهاجم از سوی فرمانـدهان لشکرها و قرارگاه هایشان یا با شـرکت قرارگاه های سپاه (برحسب نیازها و مقتضیات) نیست. این امر بدیهی است که هدف های ساکن مناسب ترین اهداف برای تهاجم هستند و یک هدف ایده آل برای ضـربه زدن به ما، برای دشـمن هدف های ساکن ما است.» (اصغر کاظمی، خرمشهر در اسناد ارتش عراق، دفتر ادبیات و هنر و مقاومت، ۱۳۷۵، ص ۳۰).

در محور آبادان، پس از تصرف خرمشهر که راه را برای تصرف آبادان باز کرد، محاصره و تصرف این شهر عمده ترین برگ برنده عراق در جنگ به شمار می رفت، زیرا تأسیسات نفتی منطقه آبادان و ادعای مرزی عراق در رودخانه اروند هر دو می توانست برتری عراق را با تداوم استقرار در مواضع اشغالی تضمین کند. به همین دلیل، عراق تقریبا کلیه تلاش های خود را برای تحقق اهداف نظامی فوق انجام داد، لیکن در این محور با شکست و ناکامی روبه رو شد.

در بعد سیاسی، عراق امیدوار بود - با توجه به نزدیکی کنفرانس سران کشورهای عربی در امان پایتخت اردن - با دست زدن به تحرکات نظامی کشورهای عربی را نسبت به برتری نظامی خود متقاعد کند و آن ها را به تشویق امریکا بر حمایت بیشتر از عراق، ترغیب سازد.

گسترش مناسبات عراق با فرانسه

عراقی ها که به علت بن بست نظامی حاکم بر جنگ در لاک دفاعی فرو رفته و شاهد تحولات سیاسی به ویژه تلاش سیاسی امریکا برای آزادی گروگان ها بودند، با درکی که از تأثیرات و دورنمای این روابط داشتند، اقداماتی را برای گسترش مناسبات خود با روسیه و فرانسه انجام دادند.

صدام در دومین اجلاس عادی مجلس ملی عراق در ۱۳ / ۸ / ۱۳۵۹ و تنها یک روز پس از تصویب شرایط ایران برای آزادی گروگان های امریکایی در مجلس شورای اسلامی و هم زمان با پیروزی جمهوری خواهان در انتخابات رئیس جمهوری امریکا، مطالبی را بیان کرد که دارای اهمیت است. وی در مورد گستردگی روابط بین المللی عراق گفت:

«دوستانی در جهان داریم که می توانیم از آن ها اسلحه و قطعات یدکی به دست آوریم.» (۱) .

بلافاصله پس از این اظهارات، طارق عزیز معاون وزیر خارجه عراق عازم فرانسه شد و در دیدار با رئیس جمهور این کشور، نیاز عراق را به جنگنده های بمب افکن برای مقابله با برتری هوایی ایران بیان کرد. در این ملاقات ها خرید تجهیزات نظامی به ویژه هواپیمای میراژ اف - ۱ برای ارتش عراق و فروش نفت این کشور به فرانسه نقش محوری داشت. در این حال، وزارت خارجه فرانسه از مذاکرات و توافق ها با احتیاط سخن می گفت، ولی گزارش های منتشره حاکی از آمادگی فرانسه برای تحویل ۶۰ فروند جنگنده میراژ به عراق بود. (۲) طارق عزیز در مصاحبه با روزنامه لوموند با توصیف وضعیت عراق اعلام کرد:

«ما از این پس قوی تر و متحدتر خواهیم بود و اگر جنگ ادامه پیدا کند، کنترل دولت مرکزی[ایران]بر مناطق مختلف ضعیف خواهد شد و می توان حدس زد که در آن صورت چه خواهد شد.» (۳) .

۱- ۱۷۸. خبرگزاری پارس، «گزارش های ویژه»،نشریه ۱۴ / ۸ / ۱۳۵۹، به نقل از رادیو صوت الجماهیر.

۲- ۱۷۹. خبرگزاری پارس، «گزارش های ویژه»، نشریه ۱۶ / ۸ / ۱۳۵۹.

۳- ۱۸۰. پیشین.

وی همچنین پس از دیـدار بـا رئیس جمهور فرانسه (ژیسـکار دسـتن) ضـمن انتقـاد از موضع امریکا و تمجیـد از موضع فرانسه، اعلام کرد:

«امریکـا از ایران حمـایت کرد که بـا این عمل به طولانی شـدن جنگ کمک می کنـد... فرانسه مایل به حل مسالمت آمیز این جنگ است و این همان موضعی است که عراق از آن پیروی می کند.» (۱) .

گسترش مناسبات عراق و فرانسه بازتاب نسبتا گسترده ای داشت؛ وال استریت ژورنال در مورد روابط دو کشور عراق و فرانسه نوشت:

«فرانسه که متکی به نفت عراق است، در سال های اخیر با دقت و توجه زیاد موفق به جلب دوستی بغـداد شد و ظاهرا سـفارش های بیشتری برای میلیاردها دلار اسلحه و مهمات نظامی اخیرا از این کشور عربی دریافت داشته است.» (۲) .

همچنین، روزنامه اکسپرس چاپ لندن در مورد ماهیت تلاش های فرانسه مبنی بر واگذاری تجهیزات به عراق نوشت:

«پاریس سـعی دارد از روشـی پیروی کند که به او اجازه دهد قدمی در راه صـلح بردارد، ولی دلایل عراق برای اجرای خواسته هایش از جانب فرانسه فوق العاده مهم است.» (۳) .

در واقع، فرانسه بـا برخورداری از شـرایط لازم برای به دست گیری ابتکـار عمـل در جنگ ایران و عراق - با توجه به موقعیت نامنـاسب امریکا و شوروی در این زمینه و همین تلاش های جدیـد خود - به ویژه کمک های مهم برای راه انـدازی تأسـیسات اتمی عراق، می توانست میـدان مانور و موقعیت مناسبی را به دست آورد. رادیو کلن ماهیت و ابعاد تلاش های فرانسه را چنین بیان کرد:

«نخست وزیر فرانسه تأکید کرد که به عراق در اسـتفاده مسالمت آمیز از انرژی اتمی کمک خواهد کرد. (۴) فرانسه آگاهانه و عملاـ برای همکـاری نزدیـک بـا عراق کوشـش به عمل می آورد. در حالی که در مورد آینـده اقتصادی ایران قضاوتی بسـیار بـدبینانه دارد... پاریس سال های سال است که برای جدا کردن عراق از شوروی کوشـش می کند... دیپلماسـی فرانسه امیدوار است که به این طریق موقعیت ارزشمندی در خلیج فارس به دست آورد.» (۵) .

۱- ۱۸۱. مأخذ ۹، ص ۱۴۸.

۲- ۱۸۲. مأخذ ۱۱۲.

۳- ۱۸۳. خبرگزاری پارس، «گزارش های ویژه»،نشریه ۲۰ / ۸ / ۱۳۵۹.

۴- ۱۸۴. بـا تـوجه به موضـع گیری برخی از کشورهـا در برابر سـیاست فرانسه در تجهیز اتمی عراق و حمله اسـرائیل به راکتور اتمی عراق که با کمک فرانسوی ها برپا شـده بود. قول مساعد نخست وزیر فرانسه در ملاقات هایش با طارق عزیز از مفهوم و معنای خاصی برخوردار بود و از سیاست های جدی و گسترده فرانسه در منطقه خلیج فارس حکایت می کرد.

۵- ۱۸۵. خبرگزاری پارس، «گزارش های ویژه»، نشریه ۲۳ / ۸ / ۱۳۵۹، به نقل از رادیو کویت، ۲۲ / ۸ / ۱۳۵۹.

در پی شتاب فرانسوی ها برای تسلیح عراق، دولت فرانسه دستور واگذاری میراژهای عراق را سه ماه زودتر از موعد قرارداد صادر کرد. (۱) ایران نیز در برابر این اقدامات - با فراخوانی سفیر فرانسه در تهران - موضع گیری کرد لیکن این برخورد هیچ تأثیری بر سیاست جدید و حمایت آمیز فرانسه از عراق نداشت. در این میان، امریکایی ها نیز مایل بودند بدین وسیله علاوه بر باز نگه داشتن کانال اسلحه برای عراق و جلوگیری از چرخش این کشور به سوی مسکو، خود را به عنوان بی طرف در جنگ مطرح سازند و راه را برای مذاکره با ایران بگشایند.

فرانسوی ها در این روند ضمن این که همچنان بر حمایت خود از عراق ادامه می دادند، با افشا کردن خبر ملاقات محرمانه برژینسکی با صدام در مرز عراق و اردن پیش از آغاز جنگ، تلویحا از سیاست های امریکا در برخورد با عراق انتقاد و گلایه کردند. مجله فیگارو در این زمینه نوشت:

«جریان جنگ عراق و ایران در واقع از ژوئن گذشته (تیرماه ۱۳۵۹) زمانی آغاز شد که برژینسکی به اردن سفر کرد و در مورد دو کشور اردن و عراق با شخص صدام ملاقات نمود و قول داد که از صدام حسین کاملا حمایت نماید و این امر را تفهیم نمود که امریکا با آرزوی عراق در مورد شط العرب (اروند رود) و احتمالاـ برقراری یک جمهوری عربستان در این منطقه مخالفتی نخواهد کرد و بالاخره کلیه اقدامات به کشاندن عراق به جنگ علیه ایران منجر شد پیش بینی ها چنین بود که اگر بغداد پیروز بشود، ایران بی ثبات می شود و رژیم جمهوری اسلامی از میان می رود و یک دولت طرف دار غرب جای آن به قدرت می رسد و در صورتی که عراق با شکست مواجه گردد،امریکا می تواند خود را به عنوان حامی و مدافع ایران قلمداد نماید.» (۲) .

در تاریخ ۲۶ / ۹ / ۱۳۵۹ صدور نفت عراق به فرانسه از سر گرفته شد و چند روز بعد، در تاریخ ۲ / ۱۰ / ۱۳۵۹ طارق عزیز برای سومین بار عازم فرانسه شد. وی در دیدار با وزیر خارجه فرانسه گفت که عراق هرگز قصد ندارد بیش از آنچه در طول دو هفته اول جنگ در خوزستان و غرب ایران پیشروی کرده است جلوتر برود. وی همچنین گفت که عراق اکنون برای انجام دادن مذاکرات صلح از موضعی قوی آماده است. وی در این سفر بر پایبندی عراق و فرانسه به انجام دادن تعهدات خود تأکید کرد. (۳) .

سرانجام، در پی این تلاش ها - بنابر گزارش خبرگزاری فرانسه - عراق در تاریخ ۴ / ۱۰ / ۱۳۵۹ نخستین محموله هواپیمای میراژ اف - ۱ را به صورت قطعات جداگانه و مونتاژ نشده دریافت کرد. (۴) .

۱- ۱۸۶. خبرگزاری پارس، «گزارش های ویژه»، نشریه ۲۷ / ۸ / ۱۳۵۹، به نقل از هفته نامه لوپوئن، چاپ پاریس.

۲- ۱۸۷. روزنامه انقلاب اسلامی، ۱۷ / ۹ / ۱۳۵۹، به نقل از فیگارو.

۳- ۱۸۸. خبرگزاری پارس، «گزارش های ویژه»، نشریه ۲۸۰، ۳ / ۱۰ / ۱۳۵۹، به نقل از خبرگزاری آسوشیتد پرس، ۲ / ۱۰ / ۱۳۵۹.

۴- ۱۸۹. روزنامه جمهوری اسلامی، ۲۷ / ۱۰ / ۱۳۵۹، به نقل از خبرگزاری فرانسه، ۴ / ۱۰ / ۱۳۵۹.

تلاش برای رفع تیرگی روابط با مسکو

چرخش عراق به سـمت غرب به ویژه روابـط تسلیحاتی نسـبتا گسترده با فرانسه، سـرکوب حزب کمونیست در داخل و موضـع گیری در برابر تجاوز شوروی به افغانسـتان، از جمله عواملی بود که روابط بغـداد - مسـکو را تیره کرد. با این حال، قرارداد ۲۰ ساله «مودت» و روابط تسلیحاتی عراق و شوروی زمینه مناسبی برای بهبود دوباره روابط دو کشور بود.

عراقی ها بیشتر به دلیل موضع گیری جدیـد امریکا، تمایل خود را به گسترش مناسـبات به شوروی نشان دادند، چنان که صدام در نخستین کنفرانس مطبوعاتی با رسانه های خارجی بر دوستی عراق با فرانسه و شوروی تأکید کرد، لیکن توضیح داد که این روابط بـدین معنـا نیست که هنگـام درگیری شـوروی بـا کشـور خـارجی، مـا از آن پشتیبـانی کنیم یـا این که زمـانی که مـا با کشورهـای خـارجی درگیر می شویم، شوروی از مـا پشتیبانی کنـد. (۱) بلافاصـله پس از اظهـارات صـدام، طارق عزیز معاون نخست وزیر عراق برای دومین بار راهی مسکو شد. آسوشیتد پرس به نقل از روزنامه های کویتی گزارش داد:

«طارق عزیز پیامی از صـدام دارد که صدام در چارچوب قرار داد مودت شوروی با عراق، تقاضای سـلاح و لوازم یدکی کرده است.» (۲) .

فاینشنال تایمز نیز در مورد روابط عراق و مسکو و علت اعزام هیئت عراقی نوشت:

«مسـکو از دادن اسـلحه و قطعات یـدکی به عراق خودداری کرده است. بر اثر این برخورد، روابط بغداد و مسـکو تیره شد و به همین خـاطر هیئت هایی به پاریس و لنـدن فرسـتاده شـد. علت اعزام طارق عزیز به مسـکو از سوی صـدام در روزهای نخسـت جنگ و نیز اعزام مجدد امروز نامبرده به مسکو، ارسال اسلحه و قطعات یدکی به عراق بوده است.» (۳) .

چنـد روز پس از آن که عراقی ها در تغییر موضع روس ها ناکام ماندنـد، طارق عزیز در مصاحبه با مجله عربی زبان المسـتقبل چـاپ لنـدن، سـیاست شوروی را نسـبت به جنـگ مورد انتقـاد قرار داد. وی شوروی را متهم کرد که سـیاست انگلسـتان را در جنـگ ایران و عراق در پیش گرفته است، زیرا مسـکو هماننـد لنـدن منتظر نتیجه جنـگ است تا روش خود را نسـبت به برنـده مشخص کند. (۴) .

روس ها پس از پاسخ منفی به درخواست عراق، به طور رسـمی این موضوع را به ایران نیز ابلاغ دادند. اساسا، تیرگی مناسبات مسـکو و بغـداد و در مقابـل، تمایـل شوروی به ایران، از یـک سو متأثر از درک و تحلیلی بود که شوروی ها از ماهیت انقلاب داشتند و از سوی دیگر، تأثیرات جنگ و سیاست های امریکا برای تضعیف و تعدیل ایران در این روند بود.

۱- ۱۹۰. مأخذ ۹۹.

۲- ۱۹۱. پیشین.

۳- ۱۹۲. مأخذ ۱۰۴.

۴- ۱۹۳. پیشین.

برژنف صدر هیئت رئیسه شوروی، موضع کشورش را در مورد جنگ چنین توضیح داد:

«بعضی ها سعی دارند به این مناقشه جنبه جدی تر بدهند. منظور از تلاش، تضعیف دو طرف درگیر است تا از این راه منافع نیروهای خارجی که پس از سقوط رژیم شاه در ایران از دست رفته است، باز ستانده شود. اتحاد شوروی برای حل هر چه زودتر اختلاف طرفین و علیه دخالت دیگر کشورها در مناقشه، اقدام می کند.» (۱) .

بعدها، مجله فارین افرز چاپ واشنگتن با تحلیل مواضع شوروی در جنگ نوشت:

«مدرکی از کمک های شوروی به عراق یا تشویق آن کشور در حمله به ایران در دست نیست.... شوروی ها از قصد عراق برای جنگ با ایران آگاه بودند، اما مایل یا قادر نبودند که از آن جلوگیری کنند.»

این مجله همچنین در مورد اقدامات آینده شوروی افزود:

«شوروی ممکن است در موقع مناسب، نقش میانجی را در میان ایران و عراق ایفا کند و به این ترتیب موقعیت خود را در خاورمیانه تقویت کند.» (۲) .

تشدید بی ثباتی در ایران

ناکامی نظامی عراق (۳) و به موازات آن تغییر و تحولاتی که به تدریج در نظام بین المللی به زیان عراق شکل می گرفت، این کشور را در وضعیتی قرار داد که تنها با امید به تحولات سیاسی و تشدید بی ثباتی در داخل ایران، در مناطق اشغالی استقرار یافت.

عراق برای اجتناب از جنگ درازمدت، سلسله تلاش هایی را در داخل ایران تدارک دید تا با تشدید بی ثباتی در ایران، همراه با ناکامی در بیرون راندن نیروهای متجاوز، به اخذ امتیازات سیاسی موفق شد. (۴) عراق در این زمینه چنان امیدوار بود که توسط یاسر عرفات

۱- ۱۹۴. خبرگزاری پارس، «گزارش های ویژه»، نشریه ۲۶۷، ۲۰ / ۹ / ۱۳۵۹.

۲- ۱۹۵. خبرگزاری پارس، «گزارش های ویژه»، نشریه ۲۹۴، ۱۷ / ۱۰ / ۱۳۵۹، به نقل از رادیو امریکا، ۱۶ / ۱۰ / ۱۳۵۹.

۳- ۱۹۶. روزنامه لوموند چاپ فرانسه با توجه به تغییر اوضاع داخلی ایران و تغییر اوضاع بین المللی، طی تحلیلی در مورد انتخاب زمان حمله عراق نوشت: «کافی بود که صدام حسین ضربه نهایی و مرگبار خود را قبل از این که دولت رجایی شروع به کار کند، وارد بیاورد و یا قبل از این که مذاکرات در خصوص گروگان ها صورت گیرد، وارد عمل شود.» (وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، اداره کل مطبوعات خارجی، بولتن «بررسی مطبوعات جهان»، ۱۹ / ۱۱ / ۱۳۵۹، مجله لوموند، چاپ فرانسه).

۴- ۱۹۷. روزنـامه السـیاسه چـاپ کویت با توجه به بن بست نظامی حاکم بر جنگ و ضـرورت فشار سیاسـی از داخل، نوشت: «چنـان که جنـگ ایران و عراق راه حـل نظـامی نداشـته باشـد، راه حـل حتمی آن یـک فشـار سیاسـی از داخـل خواهـد بود... اطلاعـات حاصـله حـاکی است که یـک جبهه سیاسـی غیرمترقبه راه خود را به سوی ایران بـاز کرده است، طوری که در زمان کوتاهی اوضاع داخلی را به نابسامانی می کشاند تا ایران ناچار شود پیشنهاد آتش بس را قبول کند،... در حالی که در پایتخت موافقین و مخـالفین مشـغول تظاهرات و راهپیمایی هسـتند و اختلافات بین رئیس جمهوری و لیبرال ها با روحانیون حاکم ادامه دارد، موفقیت این طرح تضمین است.» (خبرگزاری پارس، «گزارش های ویژه»، شماره ۲۶۰، ۱۳ / ۹ / ۱۳۵۹).

به بنی صدر پیام دادند:

«نیروهای مسلح عراق می تواننـد اهواز را هم تصرف کنند و در جبهه های دیگر هم پیشروی کنند، اما این کار را نمی کنند، چو منتظرند فعل و انفعالاتی در تهران بشود.» (۱) .

همچنین، صدام در پایان آبان ۱۳۵۹ سیاست عراق در ایران را چنین بیان کرد:

«ما از تجزیه و انهـدام ایران نـاراحت نمی شـویم و صـریحا اعلام می داریم در شـرایطی که این کشور دشـمنی بورزد، هر فرد عراقی و یا شاید هم عربی مایل به تقسیم ایران و خرابی آن خواهد بود.» (۲) .

طارق عزیز معاون نخست وزیر عراق نیز در اظهارات مشابهی اعلام کرد:

«وجود پنـج ایران کوچـک تر بهتر از وجود یـک ایران واحـد خواهـد بود. ما از شورش ملت های ایران پشتیبانی خواهیم کرد؛ همه سعی خود را متوجه تجزیه ایران خواهیم کرد.» (۳) .

در این رونـد، دولت بعثی بـا توجه به این که در خوزسـتان نتیجه مطلوبی از تلاـش های خودی برای جلب حمایت مردم عرب زبان به دست نیاورد، لذا توجه خاصی به منطقه کردستان معطوف کرد. به همین دلیل صدام طی مصاحبه ای رسما اعلام کرد:

«ما جبهه تهـاجمی جدیـدی در شـمال غرب کردسـتان گشوده ایم تا رژیم آیت الله خمینی را وادار سازیم که دعاوی ما را در مورد اراضی و آب های ساحلی بپذیرد.» (۴) .

در پی سـخنان صـدام، ارتش عراق حـدود ۳۰۰ تانـک و نفربر را که در کردسـتان مسـتقر بودنـد، به قصـر شـیرین اعزام کرد و عملیات در مناطق کردنشین را به طور جدی به نیروهای ضد انقلاب داخلی از جمله حزب دمکرات کردستان ایران و کومه له واگذار کرد. (۵) .

رادیو اسـرائیل نیز طی گزارشـی در مورد فعـالیت ها و همکاری عراق با گروه های ضـد انقلاب در مناطق کردنشـین به نقل از دیپلمات های عرب در بیروت گفت:

«دولت عراق موفق شـده[است]شورش کردهـای ایران را علیه دولت مرکزی قوت بخشـد تـا از فشـار نظامی ایران در جبهه های جنگ علیه عراق کاسته شود.» (۶) .

بنـابراین، تشدیـد درگیری در منطقه کردسـتان علاـوه بر تجزیه قوای نظـامی ایران موجب تخصـیص بخشـی از آن نیروها برای مقـابله بـا ضـد انقلاـب می شـد. عراق نیز می توانست بـا کاسـتن از نیروهـای خود در این منطقه، قوای خود را در سـایر مناطق تقویت کند.

درگیری در منطقه کردسـتان در نیمـه اول دی مـاه ۱۳۵۹ و تنهـا یـک مـاه پس از سـخنان صـدام، چنـان شـدت گرفت که به

ارتفاعات «قرج لو» در حوالی دریاچه مریوان کشیده شد و گروه های مسلح ضد انقلاب به «سقز» که آرام ترین شهر منطقه بود هجوم برده و به هنگام

ص: ۸۱

---

۱ – ۱۹۸. ابوالحسن بنی صدر، روزها بر رئیس جمهور چه می گذرد؟ جلد چهارم، گزارش ۸ تا ۱۳ آذر ۱۳۵۹، انتشارات انقلاب اسلامی، تهران ص ۲۸.

۲– ۱۹۹. مأخذ ۲۴، صص ۵۲ – ۵۱.

۳– ۲۰۰. پیشین.

۴– ۲۰۱. خبرگزاری پارس، «گزارش های ویژه»، نشریه ۱۰ / ۱۰ / ۱۳۵۹، به نقل از رادیو اسرائیل، ۹ / ۱۰ / ۱۳۵۹.

۵– ۲۰۲. سند شماره ۰۰۲۴۱۳، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، لشکر ۸۱ زرهی، رکن ۲، ۸ / ۱۰ / ۱۳۵۹.

۶– ۲۰۳. مأخذ ۱۳۴.

ورود ستون نظامی به سقز، در پنج کیلومتری این شهر، راه را بر ستون ارتش بستند. (۱) .

در پی این تحولات کاخ ریاست جمهوری عراق در تاریخ ۱۲ / ۱۰ / ۱۳۵۹ همه استانداران و مسئولان سازمان های اطلاعاتی عراق در استان های کردنشین را به بغداد فراخواند تا در جلسه ای با حضور صدام شرکت کنند. صدام در این جلسه به حاضران گفت که باید در نهایت احترام، با فرماندهان گروه ها و مسئولان احزاب مخالف دولت ایران در مناطق کردنشین این کشور رفتار کرده و در مورد برآوردن خواسته ها و نیازهای آنان به فوریت اقدام کنند. صدام سپس در مورد نتایج این اقدامات گفت:

«پیش گرفتن چنین رویه ای[روشی]موجب می شود، افراد مسلح این احزاب و گروه ها بتوانند با کمال قدرت در مناطق غرب ایران، نیروهای انتظامی و نظامی دولت ایران را درگیر و مشغول سازند تا ما بتوانیم در جبهه خوزستان به آسودگی عمل کرده، پیشروی نماییم.» (۲) .

علاوه بر احزاب و گروه هایی که در مناطق کردنشین فعالیت داشتند به تدریج سایر گروه های ضد انقلاب نیز در منطقه فعال شدند؛ برابر گزارش ستاد مشترک ارتش، علاوه بر فعال شدن کلیه احزاب در بوکان، فراریان ضد انقلاب - از جمله عوامل بختیار - به حزب های دمکرات، کومه له و فدایی پیوستند. همچنین، سران حزب کومه له، دمکرات و گروه شیخ جلال حسینی در دو کیلومتری رودخانه اطراف پانوان، هر یک بنکه ای (واحد مرزی) داشتند و برای حمله، ستادی تشکیل دادند. کلیه مایحتاج این گروه ها را منافقین یا دولت عراق تأمین می کردند. منافقین در سقز و بانه و افراد کومه له و دمکرات در سنندج و اطراف کامیاران و دهگلان مستقر شدند. دمکرات های مسلح در اطراف دیواندره نیز مشاهده شده بودند. (۳) دمکرات ها نیز بر بلندی های اطراف پیرانشهر مستقر شدند و شهر را در محاصره خود گرفتند. (۴) .

افزایش تحرکات ضد انقلاب در کردستان تأثیر گسترده ای داشت به گونه ای که نیروهای سپاه و ارتش را به طور جدی درگیر کرد. در چنین وضعیتی، صدام با امیدواری به جریان های سیاسی در داخل و تحرکات ضد انقلاب در مناطق مختلف، به هنگام برگزاری مراسم سالگرد تأسیس ارتش عراق طی تحلیلی گفت:

«ما می دانیم محافلی در داخل حکومت و خارج حکومت ایران وجود دارد که می خواهند با عراق در صلح زندگی کنند و روابط حسن هم جواری با عراق و امت عرب برقرار نمایند. از خلق های ایران، کردها، بلوچ ها، آذربایجانی ها و اعراب، ستایش و پشتیبانی خود را از مبارزه آن ها علیه طغیان اعلام می کنم و از حقوق مشروع آن ها پشتیبانی می نمایم.» (۵) .

۱- ۲۰۴. روزنامه انقلاب اسلامی، ۱۰ / ۱۰ / ۱۳۵۹.

۲- ۲۰۵. سند شماره ۰۰۲۶۰۷، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، دفتر اطلاعات و تحقیقات نخست وزیری، ۲۱ / ۱۰ / ۱۳۵۹.

۳- ۲۰۶. سند شماره ۰۰۲۵۰۱، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، ستاد مشترک ارتش، ۱۴ / ۱۰ / ۱۳۵۹.

۴- ۲۰۷. سند شماره ۴۷۶۳۰، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، سپاه پیرانشهر، ۱۴ / ۱۰ / ۱۳۵۹.

۵– ۲۰۸. مأخذ ۱۳۰، رادیو صوت الجماهیر، ۱۶ / ۱۰ / ۱۳۵۹.

عراق به تدریج سازمان مناسبی را برای هماهنگی تحرکات ضد انقلاب در مناطق کردنشین به وجود آورد، چنان که به دستور صدام از ۱۷ دی ماه ۱۳۵۹، مسئولیت بررسی وضعیت کلی کردهای مسلح عراق و گروه های مسلح سیاسی مخالف دولت ایران، در مناطق کردنشین غرب کشور به عهده اداره کل استخبارات عراق به ریاست بارزان و اداره استخبارات شمال عراق به ریاست سرتیپ خزعل، گذاشته شد. (۱) در گذشته، همه این مسئولیت ها بر عهده ارتش عراق بود.

انتقال مسئولیت فعالیت نیروهای ضد انقلاب در ایران، از ارتش عراق به اداره استخبارات نشان دهنده تغییر ماهیت همکاری های عراق با ضد انقلاب از نظر نظامی به سیاسی - نظامی بود. ضمن این که افزایش فعالیت های اطلاعاتی فراتر از همکاری موقت، و بیشتر برای درازمدت در نظر گرفته شده بود، چنان که به تدریج با توجه به اوضاع و امکاناتی که عراق در این منطقه به وجود آورده بود، قاسملو (از حزب دمکرات) با منافقین و بنی صدر فعالیت مشترك و هماهنگی را آغاز کردند. مهم تر از همه، در پی این تلاش ها منطقه کردستان به عنوان «سرپل» برای خروج غیرقانونی از کشور به عراق یا اروپا تبدیل شد، چنان که مسعود رجوی در دی ماه ۱۳۵۹ به منظور بررسی مسیرهای خروج و تماس با فرانسوی ها، از طریق کردستان از کشور خارج شد و پس از ملاقات با فرانسوی ها و اعلام آمادگی برای اقدام به عملیات نظامی در داخل کشور، بار دیگر به کشور بازگشت و همین امر نقطه آغاز ورود منافقین به فاز نظامی با کمك و حمایت قدرت های خارجی و هماهنگی با سایر جریان های ضد انقلابی در داخل کشور بود. در این روند نقش محوری فرانسه برای پشتیبانی از تحرکات ضد انقلاب و هماهنگ کردن طیف های مختلف با یکدیگر در ایران، کاملا آشکار بود.

فرانسوی ها امیدوار بودند با تأثیرگذاری در داخل ایران و کمك به بنی صدر به دست گرفتن قدرت مطلق، اوضاع مناسبی را برای برقراری صلح بین ایران و عراق و خلع ید نیروهای انقلابی فراهم سازند و بدین وسیله، از موقعیت برتر در مقایسه با امریکایی ها در ایران و عراق، برخوردار شوند.

در این میان، سفر «اریك رولو» مفسر مشهور فرانسوی به ایران به عنوان فرستاده ویژه دولت فرانسه و دیدارهایی که با بنی صدر انجام داد و همچنین مصاحبه اش با عبدالرحمن قاسملو، رهبر حزب دمکرات تحت عنوان «جنگ سری در کردستان» حائز اهمیت است.

۱- ۲۰۹. سند شماره ۰۰۲۶۰۶، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، دفتر اطلاعات و تحقیقات نخست وزیری، ۲۱ / ۱۰ / ۱۳۵۹.

در این مدت، تحلیل های نشریات فرانسوی نظیر فیگارو، لوموند نیز قابل بررسی است؛ (۱) .

به عنوان نمونه، قاسملو در مصاحبه با لوموند، آشکارا اعلام کرد:

«ما بایـد مواد اولیه زندگی و سـلاح را به دست آوریم تا کمبود یکی از آن ها موجب آسـیب پذیری ما نشود. در حال حاضـر مااز عراق، ترکیه و شوروی که با ما مرز مشترک دارنـد کمک دریافت می کنیم. به طور کلی عراق همان انـدازه به ما وابسـته است که ما به آن کشور متکی هستیم.» (۲) .

مصـاحبه گر لومونـد در پایـان، یک پرسـش اساسـی مطرح کرد که نشان دهنـده ی امیـدواری آن ها به تأثیرگـذاری بی ثباتی سیاسی و اشغال نظامی برای از پا در آوردن ایران بود:

«آیا جمهوری اسلامی قادر خواهد بود در جنگی که در دو جبهه وجود دارد پیروز شود یا خیر؟» (۳) .

این روزنامه مـدتی بعـد - با برداشتی که از اوضاع داخلی ایران داشت - در پاسـخ به این پرسـش که «چه کسـی در این جنگ پیروز خواهد شد؟» به نقل از ناظران نوشت:

«یکی از ناظران عقیده دارد که قوی ترین رژیم، آسیب پذیرترین خواهد بود. به نظر وی، بهتر است صاحب مملکت کوچکی شد که سازمان یافته باشد و توسط یک فرد اداره می شود، تا در سرزمینی زندگی کرد که قطعه قطعه شده و دچار هرج و مرج انقلابی باشد.» (۴) .

بر اسـاس این تحلیـل، امکان ادامه بقا و حیات سیاسـی جمهوری اسـلامی از میان رفته است و بـدین ترتیب نظام اسـلامی عملا مضمحل خواهد شد و راهی جز جابه جایی در ساختار سیاسی قدرت باقی نمانده است.

---

۱ - ۲۱۰. روزنـامه فرانسـوی لومونـد در یکی از شـماره هـای خـود طی گزارشـی از اوضـاع کردسـتان نوشت: «جنـگ پنهـانی کردسـتان مسـئله سـاده ای نیست، این جنگ دست کم یک چهارم نیروی نظامی جمهوری اسـلامی (سه لشـکر از یازده لشـکر نیروی زمینی) را به خـود مشغول کرده است که خود گویـای فقـدان یـا کمبود قـدرت دفـاعی ایران در آغـاز جنـگ بـا عراق است... برای عبور یک ستون زرهی ارتش ۴۲ روز لازم است تا به قیمت از دست دادن صدها سرباز و ده ها وسیله نقلیه، پنجاه کیلومـتر پیشـروی کنـد. همـه چیز بـه گـونه ای جریـان دارد،[کـه گـویـا]مهاجمـان کرد و سـربازان عراقی برای درهـم شکسـتن جمهوری اسـلامی عمـل می کننـد... تنها هـدف قاسـملو سـرنگونی رژیم (امام) خمینی از طریق کمک های مالی عراق است.» سپس لوموند به نقل از کیانوری در مورد قاسـملو نوشت: «او با اسرائیل و امریکا نیز همکاری می کند او گفت می تواند، ثابت کنـد که قاسـملو میلیـون هـا دلاـر از نـاتو پول دریـافت کرده است.» (وزارت فرهنـگ و ارشـاد اسـلامی، اداره کـل مطبوعـات خارجی، بولتن بررسی مطبوعات جهان، ۱۵ / ۱۱ / ۱۳۵۹.

۲- ۲۱۱. اداره کل مطبوعات خارجی وزارت ارشاد اسلامی، نشریه بررسی مطبوعات جهان، ۹ / ۱۰ / ۱۳۵۹، به نقل از لوموند،

۲۱ / ۹ / ۱۳۵۹.

۳- ۲۱۲. پیشین.

۴- ۲۱۳. اداره کل مطبوعات خارجی وزارت ارشاد اسلامی، نشریه مطبوعات جهان، ۱۵ / ۱۱ / ۱۳۵۹، به نقل از لوموند، ۱۹ / ۹ / ۱۳۵۹.

تقویت سازمان نظامی عراق

در پی تهاجمات اولیه ارتش عراق و زمین گیر شدن آن در مواضع اشغالی، دولت بعثی به منظور گسترش سازمان ارتش خود، افسران احتیاط فارغ التحصیل دوره ۲۷ را فراخواند. (۱) و یگان های پیاده خود را به منظور حضور طولانی در خاک ایران و پشتیبانی از یگان های زرهی خود، با تشکیل دو لشکر ۱۴ و ۱۵ پیاده افزایش داد. همچنین، عراقی ها یگان های گارد ریاست جمهوری و سایر نیروها را برای آموزش های ویژه جنگ شهری انتخاب کردند. (۲) .

از سوی دیگر دولت عراق برای احداث جاده ای عریض از بصره به سوی خطوط مقدم در مجاورت اهواز که برای مهمات رسانی و تدارکات نیاز داشت، اقدامات گسترده ای به عمل آورد و برای مقابله با طغیان رودخانه کارون در فصل زمستان و محافظت از خطوط دفاعی خود، خاکریزهایی را احداث کرد. (۳) فعالیت مهندسی عراق نیز برای تحکیم مواضع اشغالی، در این مدت به شدت انجام می شد.

ص: ۸۵

۱- ۲۱۴. سند شماره ۰۰۲۰۹۳، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، ستاد مشترک ارتش، ۱۶ / ۹ / ۱۳۵۹.

۲- ۲۱۵. مأخذ ۹، ص ۱۵۰.

۳- ۲۱۶. مأخذ ۱۱۰.

بن بست نظامی، بحران سیاسی

استراتژی بنی صدر برای آزاد سازی مناطق اشغالی

اشاره

حضور گسترده و همه جانبه مردم در صحنه جنگ و جان فشانی در مقابله با تجاوز غافلگیرانه عراق، از پیشروی نیروهای دشمن جلوگیری کرد و این انتظار را به وجود آورد که متجاوزان باید به مناطق مرزی عقب رانده شوند، زیرا باقی ماندن آن ها در خاک ایران اسلامی به هیچ وجه قابل پذیرش نبود. در موازات درخواست عمومی مردم برای بیرون راندن متجاوزان، استراتژی نظامی کشور نیز بر این خواسته متمرکز شد. (۱) در این اوضاع، بنی صدر در سمت فرمانده کل قوا، ۱۶ روز پس از آغاز تجاوز دشمن، در مصاحبه با لوموند گفت:

«ایران خود را برای یک حمله بزرگ آماده خواهد کرد.» (۲) .

نظر به این که پاسخ به خواست عمومی مردم برای دفع تجاوز، بر عهده ارتش بود، رئیس وقت ستاد مشترک ارتش طی مصاحبه ای مطبوعاتی در مورد شرایط آغاز تعرض به دشمن، چنین توضیح داد:

«در شیوه های نظامی، آغاز تعرض شرایطی دارد، یعنی در حالی که ارتش عراق در حال تعرض است، اگر تعرض متقابلی بر او هدایت بشود، یک نبرد تصادفی است و در نبرد تصادفی، تلفات و ضایعات فراوان خواهد بود. این است که در مرحله اول ما باید ارتش عراق را متوقف می کردیم که چنین کردیم، در مرحله دوم تثبیت و زمین گیر کردیم، در مرحله سوم توان رزمی دشمن را

۱- ۲۱۷. تلاش برای آزادسازی مناطق اشغالی در دو مقطع انجام گرفت: در مقطع اول، عملیات هایی به فرماندهی بنی صدر و با اتکا به نیروهای کلاسیک انجام گرفت که ناموفق بود و نتایج نامطلوبی در پی داشت. در مقطع دوم پس از حذف بنی صدر، با هماهنگی ارتش، سپاه و حضور نیروهای انقلابی و مردمی، تحولی در صحنه جنگ به وقوع پیوست که موجب شکست نیروهای دشمن شد. (سرلشکر محسن رضایی، درس های تجزیه و تحلیل جنگ ایران و عراق، دانشکده فرماندهی و ستاد سپاه، دوره عالی جنگ، ۱۹ / ۵ / ۱۳۷۴.

۲- ۲۱۸. روزنامه انقلاب اسلامی، ۱۶ / ۷ / ۱۳۵۹.

تا آن حد کاهش بدهیم که ما قادر به آغاز تعرض و تداوم این تعرض باشیم. باید توجه داشت که در تعرض، هدف، انهدام نیروهای دشمن است و گرنه اگر منظور، دور کردن خطر و بیرون راندن دشمن بود، ممکن بود این کار را به تدریج از هفته های پیش آغاز کنیم.» (۱) .

حال که بنابر تحلیل مزبور، شرایط برای آغاز تعرض به دشمن آماده بود، بنی صدر تلاش اصلی خود را به کسب پیروزی در جنگ معطوف کرد تا موقعیت سیاسی خود را بهبود بخشد. بنی صدر برای دستیابی به قدرت، در داخل کشور موانع جدی در برابر خود می دید که عبارت بودند از: امام، مجلس، دولت و نیروهای انقلابی. (۲) به همین دلیل با وجود نقش تعیین کننده نیروهای انقلابی و مردمی در جنگ، وی از به کارگیری آن ها امتناع می کرد زیرا حضور نیروهای مردمی در صحنه نبرد با تبلیغات سوء وی علیه نیروهای انقلابی مبنی بر اینکه آن ها کارایی لازم را در یک جنگ بزرگ ندارند، منافات داشت. از سوی دیگر، او نمی خواست دیگران را در کسب پیروزی سهیم کند.

در حقیقت نیروهای انقلابی و مردمی با وجود کمبود امکانات، با عملیات محدود و ایذایی توان دشمن را کاهش داده و نقش تعیین کننده ای در متوقف کردن ارتش عراق ایفا کردند. اما بنی صدر با بی توجهی به این موضوع، برای رسیدن به اهداف خود، به نیروهای کلاسیک روی آورد و تصور می کرد که قادر است بدون نیروهای مردمی و انقلابی مناطق اشغالی را آزاد کند و زمینه را برای کار سیاسی در داخل و خارج و تحقق اهداف خود فراهم سازد. (۳) .

نظر به ماهیت تلاش های بنی صدر در این زمینه، به نظر می رسید که تشدید مناقشات سیاسی اجتناب ناپذیر خواهد بود، بدین معنا که وی می پنداشت، در صورت کسب پیروزی نظامی، از موضع قدرت برخوردار خواهد شد و برای حذف نیروهای خط امام اقدام خواهد کرد و در صورت ناکامی نیز، با شانه خالی کردن از مسئولیت، به گونه ای دیگر به بحران سیاسی دامن خواهد زد. (۴) بنابراین در استراتژی بنی صدر، اقدامات نظامی عمیقا با اهداف

۱- ۲۱۹. روزنامه انقلاب اسلامی، ۲۵ / ۹ / ۱۳۵۹.

۲- ۲۲۰. سرلشکر محسن رضایی، درس های «تجزیه و تحلیل جنگ ایران و عراق»، دانشکده فرماندهی و ستاد سپاه پاسداران دوره عالی جنگ، ۲۲ / ۴ / ۱۳۷۴.

۳- ۲۲۱. یکی از فرماندهان نیروی دریایی ارتش امریکا در این زمینه می نویسد «بنی صدر امیدوار بود. از طریق اتصال خود به ارتش که به تازگی برای خود محبوبیتی کسب کرده بود. موفق به بهره گیری از احساس هواداری از ارتش در نزد عموم مردم و در نتیجه بهبود موقعیت خود در جنگ قدرت شود.» (ویلیام اف هیکمن، «ارتش از هم پاشیده و از نو متولد شده در سال ۱۹۸۲»، ترجمه گروه تحقیق خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۲۰ / ۱۲ / ۱۳۷۳).

۴- ۲۲۲. نشریه بررسی استراتژیک در مورد تأثیرات جنگ و نتایج آن بر موقعیت بنی صدر نوشت: «جنگ با عراق فرصتی را که بنی صدر سخت به آن نیاز داشت به وی داد. او به عنوان فرمانده کل قوا شخصا امور فرماندهی ارتشیان را به عهده گرفت. این اقدام حداقل چند موقعیت موقت برای وی داشت. به علاوه این مأموریت بدان معنا بود که قضاوت درباره او و بستگی به

نتایج جنگ داشت.» (خبرگزاری پارس، ۲۲ / ۶ / ۱۳۶۰).

سیاسی وی در هم آمیخته بود. در این حال، نیروهای انقلابی و سپاه بر این باور بودند که ادامه جنگ در مراحل بعد - به منظور آزادسازی مناطق اشغالی - اساسا بر پایه تفکر انقلابی و با سازمان دهی نیروهای مردمی میسر خواهد بود، لیکن بینش نظامی بنی صدر مانع از توجه به تجارب به دست آمده در به کارگیری از نیروهای مردمی می شد.

در این اوضاع که نیروهای انقلابی مورد بی توجهی و بی مهری قرار داشتند، و حتی برادران سپاه دردمندانه فریاد کشیده و استمداد می کردند، (۱) وضع چنان سخت شد که فرماندهی سپاه خوزستان طی نامه ای به بنی صدر ضمن تجزیه و تحلیل سهل انگاری و تسامح وی پیش از تجاوز دشمن و عدم تهیه طرح مقابله نوشت:

«چرا ارگان رسمی مورد تأیید امام و امت و قانون اساسی، فاقد سلاح و مهمات کافی است اما افراد غیر مسئول نظامی دارای همه امکانات بوده و بدون ضابطه در اختیار همه کس قرار می دهند؟...» (۲) .

در بخش دیگری از این نامه با اشاره به تلاش هایی که به منظور مقابله با رشد نیروهای انقلابی و سپاه انجام گرفته بود، آمده است:

«مخالفین خط امام که در یک سال و اندی از رشد سپاه به عناوین گوناگون جلوگیری کردند، در ممانعت از تجهیز، مسلح کردن و آموزش سلاح های سنگین سپاه و حتی به انزوای سیاسی کشاندن آن از هیچ کوششی فروگذار نکردند.» (۳) .

بنی صدر با هر گونه رشد و گسترش سپاه و تجهیز آن مخالف بود و حتی نسبت به گزارش های روزنامه ها که در آن به نقش سپاه در مقابله با دشمن اشاره شده بود، حساسیت نشان می داد. (۴) وی در مورد تجهیز سپاه گفت:

---

۱ - ۲۲۳. فرمانده وقت سپاه خوزستان دریابان علی شمخانی در ۳ / ۸ / ۱۳۵۹ خطاب به مسئولان کشور نوشت: «سلاح را به دست صالحین بدهید... ما نیاز به اسلحه و امکانات داریم... فریادهای پاسداران از فقدان امکانات، بر ما زمین و زمان را تنگ کرده.» (مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، روز شمار جنگ ایران و عراق، کتاب چهارم، هجوم سراسری، نوشته مهدی انصاری، تهران، چاپ دوم ۱۳۷۵، ص ۵۵۱).

۲ - ۲۲۴. مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، روز شمار جنگ ایران و عراق کتاب پنجم، هویزه آخرین گام اشغالگر، نوشته علیرضا لطف الله زادگان، تهران، ۱۳۷۳، ص ۱۷۳.

۳- ۲۲۵. پیشین.

۴ - ۲۲۶. رادیو کلن در بررسی جنگ ایران و عراق پس از شکسته شدن محاصره سوسنگرد، به نقل از بنی صدر گفت: «مذهبی های افراطی که متوجه عدم تخصص و کارایی خود در جبهه های جنگ شده اند و شدیدا از همه سو به دلیل همین دخالت ها مورد انتقاد قرار گرفته بودند، بار دیگر به تاکتیک همیشگی خود روی آورده اند و با در دست داشتن وسایل ارتباط جمعی، سعی در ناچیز جلوه دادن نقش ارتش نموده، کوشش می کنند نقش پاسداران و سایر نیروهای وابسته به خود را سبب پیروزی های چند روز اخیر نشان دهند.» (خبرگزاری پارس، «گزارش های ویژه»، نشریه ۲۵۲، ۵ / ۹ / ۱۳۵۹، رادیو

کلن، ۴ / ۹ / ۱۳۵۹).

«عده ای هم راه افتادند که بله چیزی نیست اسلحه سنگین را به خود مردم بدهید، به غیر ارتش بدهید، مردم می جنگند و پیروز می شوند. گویندگان این حرف ها مثل همان مادری که بچه اش را به آهنگری برده بود، گمان می کنند به محض این که آهن را در کوه گذاشتند و گرم و نرم شد، دراز کنی میخ می شود، پهن کنی بیل می شود!!» (۱) .

با وجود تبلیغات سوء و ایجاد محدودیت ها، سپاه همچنان برای رویارویی با دشمن مصمم بود. دشمن - پس از ناکامی اولیه - به منظور تکمیل مواضع و برخورداری از موقعیت برتر برای مذاکره و نیز با توجه به نزدیکی زمان برگزاری کنفرانس سران عرب در امان پایتخت اردن، می کوشید با محاصره و تصرف آبادان و سوسنگرد و نیز پیشروی به سمت اهواز، ضمن پیشروی در عمق، از عقبه های مناسب برخوردار شود.

در این مقطع، هدف سپاه این بود که با جنگ چریکی، دشمن را از حرکت به سمت آبادان و سوسنگرد باز دارد و ضمن فرسودن نیروهای متجاوز، از استقرار آن ها در مواضع اشغالی و تحکیم مواضع آن ها، ممانعت کند. (۲) .

تلاش ها و اقدامات سپاه در این مقطع از جنگ موجب شد، تلاش دشمن برای اشغال سوسنگرد و همچنین عبور از رودخانه بهمنشیر با شکست همراه شود. نتیجه این تلاش ها و سایر اقدامات سپاه عملا اوضاع مناسبی را برای زمین گیر شدن دشمن و اجرای حرکت های آفندی ارتش به فرماندهی بنی صدر فراهم آورد.

سلسله اقداماتی که بنی صدر با اتکا به نیروهای کلاسیک در این مرحله از جنگ با هدف آزادسازی مناطق اشغالی انجام داد، شامل چهار عملیات بود. این عملیات ها عبارت اند از: ۱- عملیات ۲۳ مهر ۱۳۵۹ در غرب رودخانه کرخه، با هدف عقب راندن نیروی دشمن از مناطق اشغالی. ۲- عملیات سوم آبان ۱۳۵۹ در محور آبادان، با هدف شکستن محاصره آبادان. ۳- عملیات نصر در شانزدهم دی ماه ۱۳۵۹ در غرب رودخانه کارون (منطقه عمومی هویزه)، با هدف آزادسازی منطقه غرب رودخانه کارون و خرمشهر. ۴- عملیات توکل در بیستم دی ماه ۱۳۵۹ در محور آبادان، با هدف شکستن محاصره آبادان، که در این بخش به بررسی آن ها می پردازیم.

---

۱ - ۲۲۷. ابوالحسن بنی صدر، روزها بر رئیس جمهور چه می گذرد؟ جلد چهارم، گزارش روز ۱۸ / ۹ / ۱۳۵۹، انتشارات انقلاب اسلامی، تهران.

۲ - ۲۲۸. برای آگاهی بیشتر در مورد عملکرد سپاه در این دوره، نگاه کنید به: مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، روز شمار جنگ ایران و عراق، جلد پنجم، هویزه آخرین گام های اشغالگر، نوشته علیرضا لطف الله زادگان، تهران، ۱۳۷۳.

عملیات ۲۳ مهر در غرب کرخه

گزارش این عملیات در مجله تاریخ جنگ، شماره ۱۲، تابستان ۱۳۷۵، صفحات ۸۳ تا ۹۷ منتشره از مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ با استفاده از دستور جزء به جزء شماره ۱ قرارگاه تاکتیکی نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران در خوزستان، به تاریخ ۲۰ / ۷ / ۱۳۵۹، درج شده است

در طراحی نخستین عملیات آفندی ارتش که به فرماندهی بنی صدر در ۲۳ مهر ۱۳۵۹ در غرب رودخانه کرخه اجرا شد، پیش بینی می شد که دشمن به سمت اندیمشک و دزفول پیشروی خواهد کرد (۱) برخی از فرماندهان ارتش نیز می پنداشتند که عراق در نظر دارد گلوگاه ورود به خوزستان را تصرف و در نتیجه، استان خوزستان را تجزیه کند. طرح ریزی و اجرای این عملیات در وضعیتی انجام می گرفت که تنها سه روز قبل از آن نیروهای عراقی با عبور از رودخانه کارون و قطع جاده آبادان – اهواز به سمت آبادان در حال پیشروی بودند.

در این عملیات، لشکر ۲۱ حمزه مأموریت داشت با عبور از رودخانه کرخه، ارتفاعات علی گره زد و ایستگاه رادار (ارتفاعات ابوصلبی خات) را تصرف کرده و در صورت عدم مقاومت جدی دشمن، تک را به سمت غرب ادامه دهد و ارتفاعات تپه دو سلك و بعد عین خوش را تصرف و تأمین کند. لشکر ۱۶ زرهی نیز به عنوان احتیاط نیرو در منطقه دزفول می بایستی پس از موفقیت لشکر ۲۱، عملیات را ادامه داده (۲) و تا مرز، «توسعه وضعیت» بدهد.

در این عملیات، نیروها آموزش کافی ندیده بودند، شناسایی موقعیت دشمن ضعیف بود و اصل حفاظت و غافلگیری نیز رعایت نشده بود. (۳) به این دلیل عملیات پس از دو تا سه ساعت، متوقف شد. در مورد این عملیات و دلایل پیدایش این وضعیت، در کتاب «نقش ارتش جمهوری اسلامی ایران در هشت سال دفاع مقدس» (جلد اول، ص ۱۳۶) آمده است:

«به هر حال، دو ستون از یگان های حمله ور تانك، شش کیلومتر از پل نادری یعنی خط سرپل دور شدند و در حدود دو کیلومتری خط پدافندی دشمن قرار گرفتند که آتش ضد تانك دشمن در ساعت هشت صبح بر روی تانك های در حال حرکت باز شد... در ساعت نه صبح با پیشروی یگان های تانك، بر حجم آتش دشمن افزوده شد و یگان های حمله ور که انتظار چنین عکس العمل شدیدی را نداشتند و از آن جایی که اطلاعات صحیحی نیز از دشمن به آن ها داده نشده بود، احساس کردند که در دام افتادند، آن گاه سراسیمه در تلاش برای خروج از دام گسترده شده توسط دشمن افتادند.».

ص: ۹۰

۱- ۲۲۹. با توجه به شواهد و قراین موجود، اظهارات مقامات رسمی عراق و اسرای عراقی و آنچه که در عمل رخ داد، صحت این برداشت هنوز مورد تردید است. احتمالا عراقی ها ترجیحا در نظر داشتند در پشت رودخانه کرخه پدافند کرده و حرکت اصلی را در محور اهواز و خرمشهر – آبادان پیگیری کنند.

۲- ۲۳۰. مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، فصلنامه ی «تاریخ جنگ»، نشریه شماره ۱۲ ص ۹۵.

۳- ۲۳۱. پیشین، ص ۹۰.

برابر این گزارش، غافلگیری در برابر واکنش احتمالی دشمن و نداشتن اطلاعات صحیح منجر به دام افتادن نیروها شد. در حالی که بنی صدر چنان نسبت به کسب پیروزی امیدوار بود که با حضور در مقر تیپ ۲ از لشکر ۹۲ زرهی در پایگاه چهارم شکاری دزفول بسیاری از شخصیت های کشور را نیز برای مشاهده پیروزی به این محل دعوت کرد، اما عملیات تنها دو ساعت پس از آغاز متوقف شد. (۱) در این عملیات، حدود ۶۰ تانک منهدم شد که بیش از ۵۰ دستگاه آن از نوع چیفتن بودند. (۲) همچنین، نزدیک به ۴۰۰ تن از نیروهای لشکر شهید، مجروح و مفقود شدند. (۳) .

عملیات سوم آبان در شرق رودخانه کارون

دومین تلاش نیروهای کلاسیک، عملیات سوم آبان بود که روی جاده اهواز - آبادان و با هدف آزاد کردن این جاده برای شکستن محاصره آبادان انجام گرفت. (۴) استعداد نیرو و لجستیک یگان های عمل کننده در این عملیات برابر یک تیپ (۵) بر اساس طرح عملیات، گردان ۱۴۴ پیاده لشکر ۲۱ حمزه همراه با یک گردان تانک می بایست در نقش تلاش اصلی در محور ماهشهر - آبادان به خط سرپل دشمن حمله می کردند و سایر نیروها نیز در محورهای شادگان، دارخوین و بهمنشیر در نقش تلاش های پشتیبانی وارد عمل می شدند. (۶) .

این عملیات به دلیل نحوه آرایش تانک ها و حرکت آن ها روی جاده به صورت ستون وار و همچنین، نداشتن اطلاعات دقیق از دشمن و بی توجهی به توان دشمن، و تناسب نداشتن توان خودی با اهداف تعیین شده و تاکتیک نامناسب با ناکامی روبه رو شد. (۷) در این عملیات ۱۷ دستگاه تانک شرکت داشتند که ۱۵ دستگاه از بین رفت و نیروها با وضعیتی نامطلوب به مواضع اولیه خود عقب نشینی کردند. (۸) بنی صدر با پذیرش این شکست (۹) و مقایسه نیروهای خودی و دشمن، در گزارش های روزانه خود نوشت:

ص: ۹۱

۱- ۲۳۲. مأخذ ۳.

۲- ۲۳۳. مأخذ ۷، ص ۹۵.

۳- ۲۳۴. پیشین.

۴ - ۲۳۵. سازمان عقیدتی - سیاسی ارتش جمهوری اسلامی ایران، ارتش در هشت سال دفاع مقدس، جلد سوم: اشغال خرمشهر و شکستن حصر آبادان، (تهران: بهار ۱۳۷۳) ص ۱۹۵.

۵- ۲۳۶. پیشین، ص ۱۵۶.

۶- ۲۳۷. مأخذ ۱۲، ص ۱۵۸.

۷- ۲۳۸. در کتاب ارتش جمهوری اسلامی ایران در هشت سال دفاع مقدس، جلد سوم، بهار ۱۳۷۳، ص ۱۶۸، در مورد دلیل ناکامی این عملیات آمده است: «تک روز سوم آبان در محور ماهشهر - آبادان برای واحد پیاده در گرمای بسیار زیاد و در زمین کاملاً باز و با دشمنی که چندین برابر نیروی خودی توان رزمی داشت، انتخاب هدفی در عمق (حدود ۲۰ کیلومتر) غیراصولی بود.».

۸– **۲۳۹.** پیشین.

۹– **۲۴۰.** بنی صدر پس از شکست عملیات سوم آبان و ناکامی در آزادسازی مناطق اشغالی، با فراخواندن مردم به خونسردی، گفت: «مردم باید خونسرد باشند و شتاب نکنند و بگذارند ما از روی آمادگی کامل، نیروهای دشمن را داخل خاک خودمان مضمحل کنیم و بعد به داخل خاک دشمن برویم.» (روزنامه میزان، ۵ / ۸ / ۱۳۵۹).

«به یک نسبت هر دو نیروی ما و خصم ضعف مشابهی داشتیم، البته ضعف ما بیشتر بوده است.» (۱) .

وی همچنین با اشاره به نقش روحیه در جنگ ادامه داد:

«نکته جالب در این جنگ این است که روحیه تأثیر قاطعی در عملیات جنگی و سرنوشت آن دارد.» (۲) .

در واقع ضعف روحی نیروهای کلاسیک از جمله مسائلی بود که بنی صدر در تجزیه و تحلیل علل شکست عملیات به آن اشاره می کرد.

دشمن پس از درک ناتوانی نظامی ایران، به منظور تکمیل محاصره آبادان و همچنین اشغال این شهر، با عبور از رودخانه بهمنشیر، فشار خود را از شمال به جنوب در کرانه شرقی رودخانه کارون تشدید کرد. در محور اهواز نیز عراق تلاش کرد، با تصرف سوسنگرد به سمت اهواز پیشروی کند.

تلاش های آفندی ارتش در این مقطع از جنگ، نتیجه روشنی در پی نداشت، به همین دلیل از سوم آبان تا ۱۶ دی ماه ۱۳۵۹ (به مدت دو ماه و نیم) رکودی بر جبهه های جنگ حاکم شد، زیرا ایران و عراق هیچ یک قادر به انجام دادن تحرکات نظامی که منجر به شکلگیری تحولات جدیدی شود، نبودند. در این مدت، با وجود وعده ها و تحلیل هایی که ارائه می شد، به نظر می رسید، همان گونه که برای دفاع در برابر حمله های احتمالی دشمن استراتژی مناسبی تدوین نشده بود، برای عقب راندن نیروهای دشمن از مناطق اشغالی نیز برنامه مناسبی وجود نداشت. (۳) .

ناتوانی بنی صدر در به کارگیری نیروهای مردمی و انقلابی و عدم اعتقاد وی به آنان، موجب شد که «وحدت فرماندهی» در این مقطع از جنگ شکل نگیرد. از سوی دیگر، در میان نیروهای نظامی نیز در مورد اهداف دشمن و نحوه مقابله با آن ها اختلاف نظرهای عمیق و شدیدی وجود داشت. چنان که بارها به بروز مشاجرات و استعفای مکرر فرمانده وقت نیروی زمینی ارتش انجامید و همین مسائل موجب شد که در میان نیروهای کلاسیک نظامی هماهنگی لازم و وحدت نظر حاصل نشود. در این حال، سپاه در آبان ۱۳۵۹ طی

۱- ۲۴۱. ابوالحسن بنی صدر، روزها بر رئیس جمهور چه می گذرد؟ جلد سوم، گزارش روز ۳ / ۸ / ۱۳۵۹، انتشارات انقلاب اسلامی، تهران، ص ۷.

۲- ۲۴۲. پیشین.

۳- ۲۴۳. این مسئله از رفتار و عملکرد بنی صدر به عنوان فرمانده جنگ چنان آشکار بود که حتی رادیو امریکا به نقل از تحلیلگران نظامی غرب به آن اشاره کرد و گفت: «ایران از یک استراتژی همه جانبه برای دفاع از کشور و عقب راندن مهاجمان عراقی بی بهره است.» (خبرگزاری پارس، «گزارش های ویژه»، نشریه ۲۲۸، ۱۱ / ۸ / ۱۳۵۹، رادیو امریکا، ۱۰ / ۸ / ۱۳۵۹).

نـامه ای محرمـانه به بنی صـدر به عنوان فرمانـده کل قوا ضـمن تجزیه و تحلیل اوضاع حاکم بر جنگ، در مورد عـدم وحـدت فرماندهی در میان نیروهای نظامی، نوشت:

«فرماندهی مشترک در کل جبهه وجود ندارد. به طور کلی تنها منطقه خوزستان به سه قسـمت تقسیـم شده و خطوط سیاسی و حرکات مخالف خط امام در وضـعیت جبهه ها تأثیر کامل دارنـد: جبهه اول شامل: دزفول، انـدیمشک و شوش زیر نظر آقایان ظهیرنژاد و بنی صدر؛ جبهه دوم شامل: اهواز، حمیدیه، سوسـنگرد و هویزه زیر نظر لشکر ۹۲ زرهی، آیت الله خامنه ای و دکتر چمران؛ جبهه سوم شامل: ماهشهر، شادگان، آبادان و خرمشهر زیر نظر سرهنگ فروزان و سرهنگ ستاد اروند کنار. هیچ گونه هماهنگی لازم و همکاری اصولی در مقابل دشمن نیست، نسبت به هم بی خبر و غیر مسئولانه برخورد می کنند.» (۱) .

سپس در بنـد ۱۳ این نـامه بـا توجه به ضـرورت همـاهنگی سـپاه و ارتش و تلاـش هـایی که برای جلوگیری از آن صورت می گیرد، آمده است:

«هماهنگی بین ارتش و سپاه از بالا عملا خنثی می شود.» (۲) .

بنـابراین، کاملاـ روشن بود که بـا وجود ضـرورت هـای موجود مبنی بر به کـارگیری نیروهای انقلابی و مردمی - که از روحیه شهادت طلبی برخوردار بودند و نتیجه عملکرد آن ها به هنگام مقابله با دشمن کاملا مشهود بود - و نیز ضرورت هماهنگی در درون ارتش و بین ارتش و سپاه مقاصد سیاسی بنی صدر عملا مانع از به کارگیری کلیه نیروها و مقدورات می شد. ضمن این که طرح مانور عملیات و اهدافی که در نظر گرفته شده بود، ضعف ها و کاستی های فراوان و غیرقابل انکاری داشت.

به نظر می رسـید که شکست عملیات های ۲۳ مهر و سوم آبان تا انـدازه ای توهم بنی صدر را در هم شـکست اما وی به جای جبران ضـعف هـای موجود در استراتژی و تاکتیـک هـای نبرد و نیز به جـای به کـارگیری نیروهای انقلابی و مردمی که بخش بزرگی از توان دفاعی و نظامی کشور را تشـکیل می دادند، با نگرانی از پیامد شـکست، بر تلاش های سیاسـی و تبلیغاتی خود افزود تا زمینه را برای «سهیم کردن» دیگران در این شکست و ناکامی فراهم سازد. (۳) .

در واقع، مقاصد سیاسی بنی صدر و روشی که برای رسیدن به آن ها آغاز کرده بود،

۱- ۲۴۴. مأخذ ۴.

۲- ۲۴۵. مأخذ ۴.

۳- ۲۴۶. بنی صدر پس از ناکامی در دو عملیات گذشـته، در نامه ای به امام نوشت: «یک بار کتبا نوشـتم و جمعه پیش شفاها عرض کردم که این ها قرارشان بوده و هست که مرا از فرماندهی کل قوا و ریاست جمهوری بردارند!». (سـند شماره ۲۵۰۹۱۸ / ۵۰، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، ۳۰ / ۸ / ۱۳۵۹).

بیشترین تأثیر را در شکست وی داشت، لیکن بنی صدر تنها با تأکید بر «تخصص» تلاش می کرد تا عدم به کارگیری نیروهای انقلابی و مردمی را توجیه کند. در همین چارچوب، وی تنها دو روز پس از شکست عملیات سوم آبان ۱۳۵۹ بدون این که به تجزیه و تحلیل علل شکست خود و نیروهای متخصصش بپردازد، در گزارش روزانه خود به طرح ریزی عملیات های بعدی اشاره کرد و نوشت:

«مجموع این مباحث را که می شود گفت خلاصه تحقیق و جست وجو و علم و اطلاع در مدت جنگ و اقامت در خوزستان است، در یک متن آوردیم که این متن، خط و ربط نظامی ما و چگونگی به کار گرفتن امکانات ما و چگونگی هدایت عملیات در جبهه های مختلف را در بر می گیرد.» (۱) .

وی همچنین در مورد تقدیم طرح ها و گزارش وضعیت جبهه ها به امام، نوشت:

«صبح به سمت تهران حرکت کردیم و به منزل امام رفتیم... ظهیرنژاد وضع و سازمان ارتش را در گذشته، شرح کرد و طرح هایی را که هست، مطرح کرد. اما هم گفتند، باید از اهل خبره یعنی نظامی ها در امور نظامی نظر خواست و نظر آن ها را به کار گرفت.» (۲) .

بنی صدر سپس برای تثبیت نظراتش، با استقبال از نظر امام، نوشت:

«این اظهار نظر بسیار به موقع بود و امیدوارم برای بسیاری مجاب کننده باشد و بگذارند اهل خبره کار خودشان را بکنند و جنگ را به نتیجه برسانند.» (۳) .

بنی صدر با تأکید فریب کارانه بر تخصص و نظر اهل خبره، تلاش می کرد از هر گونه انتقاد دور بماند و بسیار امیدوار بود که با اتکا به نیروهای کلاسیک به پیروزی نظامی دست یابد. او با وجود شکست های فاحش، مدعی بود (۴) که تلاش هایش را برای «بازسازی نیروهای مسلح به عنوان شرط اساسی و ضروری تغییر جنگ از حالت دفاع به حمله» (۵) آغاز کرده است.

با وجود ادعاها و تبلیغات بسیار بنی صدر در زمینه طرح ریزی عملیات نظامی، و با توجه به تجربه به دست آمده از عملیات ۲۳ مهر و سوم آبان ۱۳۵۹ و شناختی که از روحیه و توانایی نیروهای کلاسیک داشت، وی سخت نگران عدم موفقیت خود بود. بنی صدر در روزنامه خود (۶) به برخی از این مسائل اشاره کرده است که در جای خود قابل تأمل است:

۱– ۲۴۷. مأخذ ۱۶، گزارش روز پنجم، آبادان ۱۳۵۹، ص ۱۳.

۲– ۲۴۸. مأخذ ۱۶، گزارش روز هشتم آبان ۱۳۵۹، ص ۳۱.

۳– ۲۴۹. پیشین.

۴– ۲۵۰. وی در نامه ای به امام در همین زمینه نوشت: «اگر کوشش های شبانه روزی این جانب نبود، ارتش هرگز آمادگی پیدا نمی کرد.» (سند شماره ۲۵۰۹۰۲ / ۵۱، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، ۱۱ / ۱۰ / ۱۳۵۹).

۵- ۲۵۱. مأخذ ۱۶، گزارش روز یکشنبه ۱۸ آبان ۱۳۵۹، ص ۷۳.

۶- ۲۵۲. روزنامه انقلاب اسلامی.

«به یکی از فرماندهان گفتم شما با همه قابلیت نظامی که دارید از عمل می ترسید! می ترسید دست به اجرای طرحی بزنید و ناکام بشوید و این جغدها که دور تا دور آماده ایستاده اند تا ما شکستی در جایی بکنیم، به پرواز درآیند و نوای یاس سردهند یا به پرواز آیند و با ایجاد جبهه روانی، سیاسی، به تبلیغ مشغول شوند.» (۱) .

وی که به شدت به یک پیروزی نظامی برای رسیدن به مقاصد سیاسی نیاز داشت، افزود:

«من همه مسئولیت را به گردن می گیریم، شما طرح ها را به اجرا بگذارید.» (۲) .

بنی صدر همچنین نوشت:

«من تعهد می کنم که در این جنگ پیروز می شویم، به شرط این که ما را به حال خود بگذارید و به شرط این که بگذارند کارم را انجام دهم و با اختیار کشور را به سوی پیروزی ببرم.» (۳) .

با سپری شدن ماه های آبان و آذر، به تدریج تلاش های تبلیغاتی بنی صدر برای پوشش ناکامی های پیشین و شکست های احتمالی آینده، تشدید شد اما به دلیل ضعف های اساسی در بینش و مدیریت، قادر به طراحی و اجرای عملیات سریع و پیروزمندانه نبود. بنی صدر با گرفتاری در چنین تناقضی با ارسال نامه ای به امام از ضرورت اتمام جنگ سخن گفت:

«با وضعی که هست اگر حالات جنگ را تمام نکنیم، هرگز به این کار موفق نمی شویم. اما می شود این طور فرض کرد... جنگ تا تمام شدن مهمات ادامه پیدا کند در حالی که ما دشمن را عقب نزده باشیم، در این صورت کشور بدون ارتش، بدون ارز، بدون حاکمیت دولت و با استان های آشفته چه خواهد کرد؟» (۴) .

با فرا رسیدن چهارمین ماه حضور دشمن در مناطق اشغالی، ضرورت اجرای عملیات بیش از پیش افزایش یافت. بنی صدر در مورد عمومی شدن این درخواست گفت:

«امروز می گویند چرا مسامحه می شود و چرا ارتش با هجوم و حمله پیشروی خود را شروع نمی کند؟ این قدر گفته و می گویند که همه این سؤال را می کنند. امروز این سؤال یک سؤال عمومی شده است.» (۵) .

بنی صدر در این اظهارات با زیرکی خاصی از توضیح علت عمومی شدن این درخواست خودداری می کند؛ حال آن که این حق طبیعی و مسلم مردم بود که از فرماندهی کل قوا درخواست کنند که با یورش به دشمن آن ها را از سرزمین های اشغالی عقب برانند. ضمن این که پیش از این، در توجیه از دست دادن این مناطق و پیشروی دشمن، همواره بر این استدلال تأکید می شد که تعرض به دشمنی که در حال پیشروی است، اشتباه است و باید ابتدا دشمن را «متوقف و تثبیت» کرد، سپس مورد تعرض قرار داد!

۱- ۲۵۳. مأخذ ۱۶، ص ۱۴۰.

۲– ۲۵۴. پیشین.
۳– ۲۵۵. مأخذ ۱۶، گزارش روز پنجشنبه ۸ آبان ۱۳۵۹، ص ۳۱.
۴– ۲۵۶. مأخذ ۱۶، گزارش روز سه شنبه ۲۷ آبان ۱۳۵۹، ص ۱۴۰.
۵– ۲۵۷. مأخذ ۶، گزارش ۲۹ آذر ۱۳۵۹، ص ۱۳۸.

در این حال، بنی صدر که علت تأخیر و کندی در حمله به دشمن را روحیه نیروهای ارتش ذکر می کرد. (۱) و مسئولیت عملیات را به عهده ارتش گذاشت و گفت:

«از این به بعد وظیفه نیروهای مسلح است که به این خواست عمومی پاسخ بدهند.» (۲) .

چهار روز بعد، در جلسه ای که با حضور امام خمینی، مسئولان وقت نظامی و اعضای شورای عالی دفاع برگزار شد، امام پس از جویا شدن از وضع جبهه ها و شنیدن پاسخ جانشین وقت ستاد مشترک ارتش، پرسیدند:

«... مدتی است درباره حمله صحبت می شود اما حمله نمی شود، چرا؟» (۳) .

امام خمینی سپس با توجه به خطرات ناشی از تداوم حضور دشمن در مناطق اشغالی و رکود حاکم بر جبهه ها و همچنین تبلیغات بنی صدر برای حمله و عدم اجرای آن، فرمودند:

«در صورتی که به دشمن هجوم نشود، احتمال این هست که روحیه ها برگردد و خطر پیش آید که نه از من و نه از رئیس جمهور کاری ساخته نباشد.» (۴) .

امام در این تحلیل هشدارگونه بر این نکته تأکید فرمودند که به جای تبلیغات سیاسی، باید به جنگ پرداخت، زیرا در صورت ادامه حضور اشغالگران، «ثبات سیاسی» کشور از میان خواهد رفت. به عبارت دیگر، امام ضرورت فائق آمدن بر بحران داخلی و پایان بخشیدن به حضور اشغالگران در مناطق اشغالی را تنها در اجرای عملیات نظامی به دور از هر گونه تبلیغات و جنجال سیاسی - که بنی صدر انجام می داد - می دانستند.

با وجود این ضرورت ها و رهنمودهای امام و همچنین وعده های بنی صدر برای اجرای عملیات، تا پایان آذر ۱۳۵۹، هیچ اقدام نظامی مهمی انجام نشد. نماینده امام در شورای عالی دفاع (آیت الله خامنه ای) پس از برگزاری جلسه این شورا و عدم حضور بنی صدر و برخی از فرماندهان نظامی، در جمع بندی گزارش جلسه (۵) خطاب به بنی صدر نوشتند:

«اکنون چندین هفته است که همه - از جمله خود شما - احساس می کنیم که موقع نظامی ما

۱- ۲۵۸. بنی صدر در نامه ای به امام، تأخیر در اجرای عملیات را متوجه ارتش دانست و نوشت: «به هر حال با همه آنچه عرض شد، به نظر این جانب ترس ارتشیان عامل عمده کندی کار است.» (سند شماره ۲۵۰۹۲۰ / ۵۱، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، ۱۱ / ۱۰ / ۱۳۵۹).

۲- ۲۵۹. پیشین.

۳- ۲۶۰. پیشین، مأخذ ۲۸.

۴- ۲۶۱. پیشین، مأخذ ۲۸.

۵– ۲۶۲. گرچه متن نـامه یک روز پس از جلسه ۵ / ۱۰ / ۱۳۵۹ یعنی در تاریخ ۶ / ۱۰ / ۱۳۵۹ نوشـته شد، لیکن با یک هفته تأخیر (در ۱۳ / ۱۰ / ۱۳۵۹) ارسـال شـد که در مورد علت تـأخیر آمـده است: «در طول هفته بعـد از آن، از آن جا که هر روز انتظـار را اقـدامی می رفت و مرتبـا چه جنـاب عـالی و چه فرمانـدهان نظـامی خبر از قریب الوقوع بودن حمله می دادیـد، بنـده ترجیح دادم که فعلا از فرستادن نامه خودداری کنم و در صورت استمرار تخلف، آن را ارسال دارم.».

اجازه می دهد که به دشمن حمله کنیم. این بنابر تفکر برادران نظامی که آمادگی های تجهیزاتی و رزمی را تا پیش از این مدت برای تعرض وسیع کافی نمی دیدند و اما بر تفکر کسانی که به روحیه ایمان بهای بیشتری می دهند قبل از این مدت هم آمادگی وجود داشته است.» (۱) .

در واقع، تأخیر در اجرای عملیات بر پایه کسب آمادگی نظامی بود، حال آن که نیروهای انقلابی و مردمی - که به دستور بنی صدر منزوی شده بودند - از مدت ها پیش آمادگی لازم را برای حمله سریع به دشمن داشتند و این مسئله نشان می داد که تأکید بر آمادگی های تجهیزاتی و رزمی» (۲) برای تأخیر عملیات منطقی نبود. در این نامه در مورد مصوبات شورای عالی دفاع برای حمله به دشمن و تغییر مکرر زمان آن، آمده است:

«درک این موقعیت (ضرورت حمله به دشمن) به ما حکم می کرد که بی درنگ حمله را آغاز کنیم. اول قرار شد حمله فقط در جبهه آبادان انجام بگیرد، بعد پیشنهاد و تصویب شد که در جبهه اهواز، هم زمان تعرض شروع شود. شما در روز دوشنبه ۱۷ / ۹ شفاها و مؤکدا به تیمسار ظهیرنژاد دستور دادید که طرحش را اجرا کند. طبق گفته او زمان برای اجرای آن طرح، سه شنبه بعد(۲۵ / ۹) می شد. روز ۱۸ / ۹ که این جانب و تیمسار فلاحی به ماهشهر رفتیم، معلوم شد عملیات اروند هم درست روز سه شنبه انجام خواهد گرفت. پس با این قرار سه شنبه روزی بود که باید تعرض وسیع ما در دو جبهه اهواز و آبادان آغاز می شد. سه شنبه گذشت و عملیات آغاز نشد و در جلسه جمعه ۲۸ / ۹ که از سرکار و آقای فلاحی سؤال شد، هیچ پاسخ قانع کننده ای ندادید و نبودن چند بولدوزر را به عنوان مانع شروع عملیات - عملیاتی با آن اهمیت - ذکر کردید! جو جلسه و دلایلی که بر ضرورت شروع حمله ذکر می شد موجب گشت که شما و آقای فلاحی قاطعانه قول بدهید که تا پایان هفته یعنی نهایت تا ۵ / ۱۰ / ۱۳۵۹ حمله شروع شود.» (۳) .

بنی صدر گرچه قاطعانه قول داده بود، عملیات را در ۵ / ۱۰ / ۱۳۵۹ اجرا کند ولی نه تنها به قول خود عمل نکرد، بلکه در جلسه شورای عالی دفاع نیز حضور نیافت و این موضوع باعث شد، نماینده امام در شورای عالی دفاع در نامه ای - که پیش از این به آن اشاره شد - به بنی صدر زیان های ناشی از تأخیر در اجرای عملیات و وعده های کاذب را به او یادآوری کند:

«شروع عملیات تعرضی در جبهه آبادان و اهواز همچنان مانده است برای زمانی که هیچ معلوم

۱- ۲۶۳. سند شماره ۲۵۰۸۹۳، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، نامه آیت الله خامنه ای به بنی صدر، ۶ / ۱۰ / ۱۳۵۹.

۲- ۲۶۴. بنی صدر پس از ناکامی در عملیات ۱۶ دی ماه ۱۳۵۹، نداشتن نیروی احتیاط را مطرح کرد، در حالی که پیش از این، «آمادگی های تجهیزاتی و رزمی» را بهانه کرده بود!.

۳- ۲۶۵. پیشین، صص ۱ و ۲.

نیست کی خواهد بود. این وضع برای ما که در موضع تصمیم گیرنده برای سرنوشت جنگ تعیین شده ایم، غیر قابل تحمل است. بارها شما و فرماندهان وعده شروع تهاجم را در زمان معینی داده اید و آن گاه به وسیله خود شما و دیگران به مردم نیز نوید مبهمی داده اید و همیشه تخلف شده است. آیا تخلف های مکرر در این نویدها، مردم و تمامی مسئولان را دچار تردید و یأس نمی کند؟ و آیا برای اعضای شورای عالی دفاع که مسئولان درجه اول اوضاع و سرنوشت جنگند، در چشم دیگران اعتباری باقی می گذارد؟» (۱) .

در این نامه پس از تشریح تخلفات و آثار منفی آن، در مورد علت این تخلفات از بنی صدر چنین پرسش شده است:

«بارها شما در حضور اعضای شورای عالی دفاع به مسئولان نظامی فرمان تهاجم داده اید. سؤال این است که آیا در آن لحظه شما می دانستید که چه موانعی در راه اجرای فرمان ها وجود دارد؟ و آیا با توجه به اوضاع، این فرمان را صادر کرده اید؟ در این صورت چرا فرمان شما جدی گرفته نشده و اطاعت نشده است؟ اگر اوضاع را در آن لحظه نمی دانستید، چرا فرماندهان نظامی برای شما که مافوقشان هستید اوضاع را تشریح نکرده و شما را در جریان نقایص و موانع قرار نداده اند؟» (۲) .

نماینده امام در شورای عالی دفاع در ادامه با توجه به نظر امام درباره آثار نامطلوب رکود در جبهه ها، به حرکت های موذیانه گروهک ها در داخل کشور اشاره کرده و نوشتند:

«به جرأت می توان گفت که زمینه این خرابکاری ها در پشت جبهه، وجود حالت «نه جنگ نه صلح» در جبهه است. ادامه این حالت، ادامه این خرابکاری ها را به دنبال خواهد داشت و به طور متزاید پشت جبهه ها را خراب خواهدکرد.» (۳) .

سپس در ادامه نامه، یازده دلیل در مورد ضرورت اجرای عملیات در دو جبهه اهواز و آبادان - که مورد توافق اعضای شورای عالی دفاع بود - ذکر شده است:

«به عقیده ما در حال حاضر تعرض نظامی در جبهه آبادان و اهواز ضرورتی مهم و حیاتی است، زیرا:

۱- نیروهای نظامی ما در هر دو جبهه دارای استعداد کافی برای انجام این مأموریت هستند. این نیروها حداقل دو برابر آن مقداری است که قبلا برای چنین عملیاتی لازم شمرده می شد.

۲- افزایش نیروهای ما در این دو جبهه با این فرض که به جبهه های دیگر ما لطمه ای وارد نیاید، حمله غیر ممکن است. جناب عالی خود بارها گفته اید که ما در بهترین شرایطیم و وضع ما از این بهتر نخواهد شد.

۳- با ادامه حالت کنونی - که فقط به آتش توپخانه دو طرف میدان داده است و نه چیز دیگر -

---

۱- ۲۶۶. مأخذ ۳۲، ص ۲.

۲- ۲۶۷. مأخذ ۳۲، صص ۲ و ۳.

٣- ٢٦٨. مأخذ ٣٢، ص ٣.

دشمن با برخورداری از نیروهای مهندسی عالی، قادر بر ایجاد استحکامات صعب الوصول و جاده های ارتباطی بیشتر خواهد بود.

۴- همچنین فرصت خواهد داشت که نیروهای تازه نفس و داوطلب را با تجهیزات جایگزین که طبق گزارش های متعدد هم اکنون به سوی عراق روانه است، وارد میدان کند.

۵- وضع کنونی، متقابلا نیروهای ما را دچار ضعف روحیه و از دست دادن تدریجی میل به تعرض و بدگمانی به فرماندهی و مسئولان خواهد ساخت.

۶- و نیز مردمی را که پشت جبهه و در شهرهای مجاور جبهه ها هر لحظه در انتظار پایان کارند به بی تفاوتی و فراموشی از جنگ و در نتیجه قطع پشتیبانی های ارزشمند خود خواهد کشانید.

۷- ما روزانه در همه ی جبهه ها و در شهرهای نزدیک جبهه تلفات انسانی غیر قابل توجیهی داریم، به طوری که جمیع تلفات یک هفته جبهه های ما کمتر از تلفات یک حمله موفق نیست.

۸- وضع کنونی از جهت اتلاف مهمات نیز وضعی خسارت آمیز است. روزانه مقادیر سنگینی از مهمات ما - که برابر گزارش ستاد مشترک هم اکنون رو به اتمام است - در همه جبهه ها نابود می شود و این برای ما که دست و دل خرید نداریم، می تواند فاصله ساز باشد.

۹- احتمال بارندگی و عوارضی از این قبیل در آینده نزدیک بسیار زیاد است که در آن صورت شروع عملیات تعرضی حداقل سه ماه عقب خواهد افتاد و ملت ایران محکوم خواهد بود که هیکل شوم و سنگین دشمن را چند ماه دیگر هم بر روی خوزستان عزیز تحمل کند.

۱۰- غیر از خسارت سیاسی و روانی، تأثیر چنین وضعیتی بر روی اقتصاد کشور بسی مصیبت بار است.

۱۱- فرمان امام در مورد آبادان و خونین شهر صریح و قاطع بود. به نظر شما این اندازه تأخیر در اجرای این فرمان، منطقی و قابل قبول است؟ آیا حفظ حرمت این فرمان به ما شوری نمی دهد که با گستاخی و خطرپذیری بیشتری مسئله جنگ را تعقیب کنیم؟» (۱) .

دلایل یاد شده اساسا بر این فرض استوار بود که تلاش های نظامی بنی صدر - همان گونه که وعده داده شده بود - به «آزادسازی مناطق اشغالی» منتهی خواهد شد، حال آن که رخدادهای بعدی به خوبی نشان داد که منطق و تفکر حاکم بر رفتار نظامی و ابزارهایی که به کار گرفته شد، به هیچ وجه نمی توانست فرمان امام و خواسته عموم مردم مبنی بر آزادسازی مناطق اشغالی را تحقق بخشد. بدین ترتیب، تأخیر در تعرض به دشمن ضمن از دست دادن زمان، منجر به تداوم حضور دشمن در مناطق اشغالی و تلاش آن ها در تحکیم این مواضع با اقدامات مهندسی و انتقال نیروهای تازه نفس به جبهه ها می شد. در مقابل، روحیه نیروهای خودی نیز دچار یأس و سرخوردگی می شد.

١- ٢٦٩. مأخذ ٣٢، صص ٥ - ٣.

عملیات نصر در هویزه

عملیات نصر موسوم به عملیات هویزه - تنومه در چارچوب یک استراتژی نظامی به فرماندهی بنی صدر و با طراحی قرارگاه تاکتیکی نیروی زمینی در جنوب، در ۱۶ دی ماه ۱۳۵۹ در جنوب غربی اهواز و سوسنگرد اجرا شد. این عملیات در دو دور و با هدف نهایی تأمین تنومه در ساحل شرقی اروند رود (شط العرب) طرح ریزی شده بود و در آن علاوه بر نیروهای ارتش،نیروهای سپاه (۱) و شماری از نیروهای ستاد جنگ های نامنظم به فرماندهی دکتر چمران نیز شرکت داشتند.

بر اساس این طرح، قرار بود عملیات در چند مرحله انجام شود، بدین ترتیب که ابتدا با پاک سازی شمال و جنوب کرخه کور، پادگان حمید و منطقه جفیر و سپس منطقه طلائیه و کوشک در جنوب این منطقه آزاد شود، و در مرحله بعد، پس از آزادی خرمشهر و پاک سازی کل منطقه خوزستان، نیروها بنا به دستور، می بایست در حد فاصل کوشک تا شلمچه دشمن را در خاک عراق تا شط العرب تعقیب کنند و با پاک سازی منطقه عمومی شرق بصره، در کنار این رود استقرار یابند. (۲) .

برابر ابلاغیه فرماندهی وقت نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی، عملیات در دو دور و هر دور در دو مرحله به این ترتیب انجام می گرفت:

در مرحله اول از دور اول، قرار بود تیپ ۳ همدان از لشکر ۱۶ زرهی قزوین به همراه دو گردان از نیروهای سپاه از محور ابوحمیظه - سوسنگرد حرکت کرده، منطقه شمال رودخانه کرخه را پاک سازی کرده و تیپ ۱ از لشکر ۱۶ به همراه دو گردان پیاده از سپاه از منطقه هویزه حرکت کرده، پس از پاک سازی جنوب کرخه کور، با نیروهای تیپ ۳ الحاق کند. (۳) در همان روز، لشکر ۹۲ زرهی می بایست با احداث پل روی رودخانه کارون در منطقه فارسیات، به کرانه غربی رفته و با پیشروی خود، جاده اهواز - خرمشهر را برای تردد نیروهای عراقی ناامن می کرد. طبق طرح پنج گردان از نیروهای سپاه نیز تحت امر لشکر قرار می گرفتند.

در مرحله دوم از دور اول، می بایست دو تیپ یاد شده (تیپ های ۱ و ۳) پس از الحاق، به

---

۱ - ۲۷۰. سردار غلامپور در مورد استعداد نیروهای سپاه در این عملیات می گوید: «در محور هویزه سه گردان نیرو داشتیم شامل: گردان شهید علم الهدی، یک گردان از اهواز و یک گردان از سوسنگرد که با تیپ ۱ زرهی از لشکر ۱۶[قزوین]به فرماندهی سرهنگ جمشیدی در عملیات شرکت کردند. در محور کرخه کور از نیروهای سپاه حمیدیه به فرماندهی برادر شهید علی هاشمی، با تیپ ۳ زرهی از لشکر ۱۶ به فرماندهی سرهنگ جوادی و نیروهای سپاه اهواز با لشکر ۹۲ زرهی در عملیات شرکت کردند.».

۲ - ۲۷۱. مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، روز شمار جنگ ایران و عراق، کتاب پنجم، هویزه آخرین گام های اشغالگر، نوشته علیرضا لطف الله زادگان (تهران، ۱۳۷۳) صص ۵۶۳ - ۵۵۵.

۳- ۲۷۲. پیشین.

سمت جفیر و پادگان حمید پیشروی و این اهداف را تأمین می کردند. لشکر ۹۲ نیز با هجوم به سمت پادگان حمید، لشکر ۱۶ را در تسخیر پادگان یاری می کرد. (۱) .

دور دوم عملیات نیز می بایست در دو مرحله انجام می شد: در مرحله اول، لشکر ۹۲ زرهی می بایست با تصرف خط سیمرغ (۲) (از روی نوار مرزی، در مقابل ایستگاه گرم دشت تا ۱۲ کیلومتری شمال دارخوین در کناره غربی رود کارون) این خط را تأمین می کرد. لشکر ۱۶ زرهی نیز با پیشروی از خط کرکس (۳) (که از منطقه قجریه در غرب کارون شروع می شد و با عبور از شمال غربی جفیر، خط مرزی را قطع می کرد) به سمت غرب و جنوب، می بایست پاسگاه های طلائیه و کوشک را به تصرف در می آورد و سرانجام، خط عقاب (۴) (که از منتهی الیه غربی خط سیمرغ شروع می شد و به فاصله سه کیلومتر از خط مرزی و به موازات آن در داخل خاک عراق به سمت شمال ادامه می یافت و از حوالی کوشک به سمت شمال غرب منحرف می شد و در نهایت به منتهی الیه خط کرکس، در حدود ۲۰ کیلومتری جنوب غربی «یزدنو» می انجامید) را تأمین می کرد.

در مرحله دوم از دور دوم بنا به دستور، لشکر ۱۶ زرهی مأموریت داشت به سوی غرب پیشروی کرده و ساحل شرقی شط العرب را تصرف کند و لشکر ۹۲ نیز با تصرف خرمشهر و سپس شلمچه به سوی تنومه تک را ادامه می داد و با نیروی دیگری از همین لشکر که مأموریت پیشروی به سمت تنومه را داشت، الحاق می کرد.

با نگاهی بسیار اجمالی، به سهولت می توان دریافت که تأمین چنین اهدافی با این گونه مرحله بندی و با استعداد تنها دو لشکر زرهی نمایانگر وجود اشتباهات اساسی در استراتژی نظامی، استراتژی و در نتیجه در تاکتیک های عملیاتی است. گفتنی است، عملیات بیت المقدس بعدها (اردیبهشت و خرداد ۱۳۶۱) در این منطقه با همین هدف اجرا شد و به آزادی خرمشهر انجامید، با این تفاوت که در عملیات بیت المقدس، ارتش و سپاه با همه توانایی خود و با هماهنگی کامل و بر اساس یک استراتژی مناسب اقدام به عملیات کردند که به فتح خرمشهر انجامید ولی در این عملیات (نصر) - غیر از روز اول عملیات که با موفقیت هایی همراه بود - عراق ابتکار عمل را به دست گرفت و با انهدام نیروها و تجهیزات خودی، لطمه های روحی و روانی سختی بر رزمندگان ما وارد ساخت.

۱- ۲۷۳. پیشین.

۲- ۲۷۴. به نقشه صفحه ۱۱۱ نگاه کنید.

۳- ۲۷۵. به نقشه صفحه ۱۱۱ نگاه کنید.

۴- ۲۷۶. به نقشه صفحه ۱۱۱ نگاه کنید.

عملیات نصر در ساعت ۱۰ صبح ۱۶ / ۱۰ / ۱۳۵۹ و پس از اجرای ۱۵ دقیقه آتش تهیه، آغاز شد. تیپ ۳ همدان در حوالی ظهر با موفقیت از رودخانه کرخه کور عبور کرد و تیپ ۱ قزوین نیز با حرکتی کند به سمت این منطقه، در حال پیشروی بود در این روز، نیروهای خودی ۳۰ کیلومتر پیشروی کردند (۱) و ۸۰۰ تن را به اسارت گرفتند.

عملیات در محور فارسیات - که قرار بود هم زمان با سایر محورها آغاز شود - با ۲۰ دقیقه تأخیر آغاز شد. نیروهای عبور کننده با سه ساعت تأخیر از رودخانه عبور کردند. با آن که سپاه، لشکر ۹۲ زرهی را از وجود مین در منطقه مطلع کرده بود اما برای پاک سازی و ایجاد معابر، اقدامی نشد که به همین دلیل، سه تانک روی مین رفت و حرکت ستون در جناح راست متوقف شد، جناح چپ نیز با کمی پیشروی متوقف شد. نیروها تا ۳۰۰ متری غرب رودخانه پیشروی کردند ولی نتوانستند جاده را برای دشمن ناامن کنند. در روز اول یک تیپ زرهی و دو گردان پیاده دشمن منهدم شد و غنایم زیادی به دست آمد که از منطقه خارج نشد. در روزهای بعد با از دست دادن منطقه، غنایم بار دیگر در اختیار دشمن قرار گرفت.

تأثیرات روحی ناشی از پیروزی های اولیه و عدم پیش بینی های لازم برای تأمین منطقه با اقدامات مهندسی و عدم تحکیم مواضع، موجب شد که پیروزی های به دست آمده به شدت در معرض آسیب قرار گیرد. از سوی دیگر، چون طبق طرح عملیات، منطقه جفیر می بایست در مرحله سوم تصرف می شد، عقبه های دشمن آسیب ندیده بود، در نتیجه دشمن از تحرک و قدرت جابه جایی بسیاری برخوردار بود. گزارش های رسیده، از تجمع تانک ها و نفربرهای نیروهای دشمن خبر می داد. در این حال، مرحله دوم از دور اول عملیات در ساعت ۸ صبح روز ۱۶ دی ماه ۱۳۵۹ آغاز شد. پس از پیشروی های اولیه در این روز، با تشدید آتش دشمن، پیشروی به تدریج کند شد و سرانجام در بعد از ظهر در حالی که نیروهای سپاه در خط مقدم درگیر بودند، نیروهای زرهی ارتش عقب نشینی کردند!

عقب نشینی یگان ها علاوه بر تأثیر نامطلوب بر روحیه نیروها، موجب از بین رفتن سازمان انسجام نیروهای خودی شد. نیروهای پیاده سپاه نیز که ۵ / ۱ تا دو کیلومتر جلوتر از نیروهای ارتش قرار داشتند، به علت عدم آگاهی از عقب نشینی، در محاصره دشمن قرار گرفته و تعدادی از آن ها مظلومانه به شهادت رسیدند.

۱- ۲۷۷. ۳۰ کیلومتر به معنای حرکت نیروها از مبداء تا آخرین نقطه استقرار می باشد و به معنای ۳۰ کیلومتر پیشروی در عمق به سمت جنوب نیست.

برابر گزارش سپاه، ۱۴۰ تن از نیروهای انقلابی که شماری از آن ها دانشجویان پیرو خط امام بودند به شهادت رسیدند. این دانشجویان پس از تحویل گروگان های امریکایی به دولت جمهوری اسلامی، عازم جبهه های نبرد شده بودند.

بنی صدر که امید بسیاری به پیروزی در عملیات داشت، پس از شکست، به منظور توجیه علل این ناکامی، در نامه ای به امام چنین نوشت:

«دشمن حمله متقابل در پنج نوبت کرد با دو لشکر. نیروهای ما امروز چهارمین روز مقاومتشان است. این طور که می گویند یک لشکر دشمن از بین رفته است. اما به ما هم بسیار صدمه خورده است. حمله بدون نیروی احتیاط نتیجه نمی دهد. روز اول، پیروزی بود، روز دوم ساعت ۴ بعد از ظهر پشت به جبهه کردند، وقتی با خبر شدم، نیم ساعتی از این عمل می گذشت.» (۱) .

گرچه بنی صدر در این نامه به ضعف های فکری، مدیریتی و همچنین اشتباه های استراتژی نظامی و تاکتیک ها اشاره نکرد، ولی موضوع مهم این بود که به ناچار، شکست را پذیرفت. تضعیف موقعیت سیاسی بنی صدر بر اثر این ناکامی از جمله مسائلی بود که ناظران و تحلیلگران خارجی نیز به آن توجه داشتند. کردزمن در کتاب خود درباره تأثیر این عملیات در کاهش توان زرهی ایران می نویسد:

«یک نمونه از این گونه اشتباهات در جریان نخستین ضد حمله عمده ایران در جنگ رخ داد که طی آن سه تیپ تانک کم توان نیروی زمینی ایران در ۵ ژانویه ۱۹۸۱ میلادی (۱۵ دی ۱۳۵۹) بدون برخورداری از پشتیبانی پیاده نظام به نیروهای عراقی در جنوب سوسنگرد حمله کرده و به سختی شکست خوردند یگان های تانک بخشی از نیروهای زمینی ارتش بودند و تحت فرماندهی رئیس جمهور وقت (بنی صدر) قرار داشتند و به نظر می رسید که فقدان پشتیبانی پیاده نظام ناشی از سیاست داخلی ایران بوده باشد... بنی صدر یا عمدا تلاش کرده است تا قدرت نیروی زمینی ارتش را با فرستادن تانک ها به خطوط مقدم به نمایش بگذارد و یا این که رهبری مذهبی ایران[از در اختیار قرار دادن]پیاده نظام پاسدار خودداری کرده است. بسیاری از تلفات و ضایعات ایرانی ها در نبرد ۵ ژانویه ۱۹۸۱ به دلیل عدم توانایی آن ها در اجرای مانور و تدارک مجدد در گل وارد آمد. قوای زرهی ایران در این حمله بیش از آن که در اثر آتش عراق دچار شکست شود، در پی فرو رفتن[در گل]و رها کردن[تانک ها]از هم پاشید... در مجموع، خسارت های ایران در این عملیات سنگین بود و حدود ۱۰۰ دستگاه تانک ام - ۶۰ و تانک های چیفتن نابود شد و ۱۵۰ دستگاه هم به دست عراقی ها افتاد. عراق هم حدود ۵۰ تانک تی - ۶۲ خود را از دست داد.» (۲) .

---

۱ - ۲۷۸. آنتونی کردزمن و آبراهام واگنر، درس هایی از جنگ مدرن، جلد دوم، جنگ ایران و عراق، ترجمه حسین یکتا کارشناس مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، ۱۸ / ۱۰ / ۱۳۵۹، (چاپ نشده).

۲ - ۲۷۹. خبرگزاری پارس، «گزارش های ویژه»، نشریه ۲۹۴، ۱۷ / ۱۰ / ۱۳۵۹، به نقل از رادیو لندن، ۱۶ / ۱۰ / ۱۳۵۹.

رادیو لندن نیز طی تفسیری در مورد هدف بنی صدر از این عملیات گفت:

«این واقعیت که حملات تهاجمی ایران چنین سریع صورت گرفته، در محافل بین المللی این سخن را به وجود آورده است که ابوالحسن بنی صدر در مقام فرماندهی کل نیروهای مسلح ایران بیشتر به منظور کسب امتیازات سیاسی و نه نظامی، این حملات را تدارک دیده است.» (۱) .

مفسر رادیو لندن با توجه به مقاصد سیاسی بنی صدر و ابعاد نظامی عملیات و اهداف آن، چنین تجزیه و تحلیلی را بیان کرد. نیویورک تایمز نیز در همین زمینه نوشت:

«چنان که ادعای پیروزی ایران در محافل سیاسی مورد توجه قرار گیرد، می توان دریافت که بنی صدر به پیروزی در عرصه نبرد نیاز داشته تا بتواند مبارزه ای را که برای احراز قدرت سیاسی در جریان است، ادامه دهد.» (۲) .

رادیو اسرائیل نیز به نقل از مقامات عراقی گفت:

«مقامات عراقی ادعا کرده اند که حمله اخیر چیزی جز یک حمله نافرجام نیست که رئیس جمهور برای ادامه حکومتش به آن دست زده است.» (۳) .

در پی ناکامی در عملیات نصر، بنی صدر نتوانست اهداف سیاسی خود را بر پایه آن استوار کند. در عین حال، با توجه به این که عملیات توکل در محور آبادان نیز پیش از این طرح ریزی شده بود، بنی صدر همچنان به کسب پیروزی امیدوار بود لیکن نگرانی از شکست در عملیات نظامی و آثار سوء آن بر موقعیت سیاسی اش، سبب شد که مسائل جدیدی از جمله پایان دادن به جنگ را مجددا مطرح کند؛ هر چند پیش از این در پی طرح «حل مسئله جنگ از طریق سیاسی» از سوی او، هیئت دولت با آگاهی از ماهیت تلاش هایش، شرایطی را برای پایان بخشیدن به جنگ تعیین کرده بود. در همین زمینه، بنی صدر در نامه ای به امام به مسئله قابل توجهی اشاره کرد:

«این جنگ قرار بود چند روز بیشتر طول نکشد. جنگ های زرهی امروز چند روز بیشتر طول نمی کشد. هند و پاکستان جنگ کردند چهار روزه تکلیف معلوم شد. اعراب و اسرائیل جنگ شان بین ۶ تا ۱۰ روز بود. این جنگ طولانی ترین جنگ های زرهی بعد از جنگ جهانی دوم است، ما در ماه چهارم هستیم، بدون این که بتوانیم از این دنیا مهمات و سلاح تهیه کنیم.» (۴) .

بنی صدر در این نامه – در حالی که هنوز ۴۸ ساعت تا آغاز عملیات توکل در محور آبادان باقی مانده بود – نوشت:

«ادامه جنگ در شرایط فعلی وضع را بدتر خواهد کرد. من مأیوس نیستم و می جنگم اما جنگ در شرایط فعلی دردی را دوا نمی کند.» (۵) .

۱- ۲۸۰. خبرگزاری پارس، «گزارش های ویژه»، نشریه ۲۹۴، ۱۷ / ۱۰ / ۱۳۵۹ به نقل از رادیو لندن، ۱۶ / ۱۰ / ۱۳۵۹.

۲- ۲۸۱. خبرگزاری پارس، «گزارش های ویژه»، نشریه ۲۹۷، ۲۰ / ۱۰ / ۱۳۵۹، به نقل از نیویورک تایمز، ۱۹ / ۱۰ / ۱۳۵۹.

۳- ۲۸۲. پیشین، به نقل از رادیو اسرائیل، ۱۹ / ۱۰ / ۱۳۵۹.

۴- ۲۸۳. مأخذ ۴۱.

۵- ۲۸۴. مأخذ ۴۱.

بنی صدر در این نامه، با استناد به دیدگاه نظامیان، پیشنهادهای خود را ارائه کرد:

«... گفت وگو با نظامیان، این طور به نظرم می رسد که اگر بخواهیم جنگ را ادامه بدهیم و قرار باشد این جانب بار مسئولیت را بدوش بکشم... به شرط این که در کار نظامی دخالت نشود و از هیچ راه فشار نیاورند بلکه به تدریج دشمن را ضعیف کنیم... بنابراین باید به جنگ خاتمه داد و یا اگر بخواهیم به جنگ ادامه بدهیم، باید طول زمان را بپذیریم و راهی به بازارهای اسلحه و مهمات باز کنیم.» (۱) .

بنی صدر در این نامه آشکارا، پیروزی در جنگ و بیرون راندن متجاوزان را مشروط به «جنگ طولانی» و خرید سلاح و مهمات می کند. این اظهارات که بیانگر نوعی ناامیدی بود زمینه لازم را برای اجرای عملیات توکل در محور آبادان آماده کرد.

عملیات توکل در شرق رودخانه کارون

در پی تهدیدهای ناشی از عبور نیروهای دشمن از رودخانه کارون و تلاش برای محاصره و اشغال آبادان، ارتش جمهوری اسلامی با فرماندهی قرارگاه ستاد اروند در جنوب، نخستین اقدام جدی را به منظور عقب راندن نیروهای دشمن به غرب رودخانه کارون در سوم آبان ۱۳۵۹ اجرا کرد. آزاد کردن جاده اهواز - آبادان مهم ترین هدف این عملیات بود. امام در ۱۴ آبان ۱۳۵۹ پس از ناتوانی ارتش در عقب راندن دشمن از شرق رودخانه کارون، طی سخنانی به نیروها دستور «شکستن حصر آبادان» را ابلاغ فرمودند. در این روند، عملیات توکل به عنوان یک عملیات آفندی نسبتا گسترده طرح ریزی شد. در کتاب «نقش ارتش جمهوری اسلامی ایران در هشت سال دفاع مقدس، جلد سوم» در این زمینه آمده است:

«به هر حال جو کلی سیاسی کشور درباره جنگ از یک طرف و شروع بارندگی های فصلی از طرف دیگر ایجاب می کرد که هر چه سریع تر یک عملیات آفندی نسبتا گسترده در یکی از مناطق نبرد خوزستان طرح ریزی و اجرا شود (۲) و بدین جهت فرماندهی اروند از ۲۵ آذر ماه طرح ریزی چنین عملیاتی را آغاز کرد.» (۳) .

صدور فرمان امام موجب شد ستاد اروند که فرماندهی منطقه را بر عهده داشت، پس از بررسی اولیه، مأموریت را به این شکل مشخص کند:

۱- ۲۸۵. مأخذ ۴۱.

۲- ۲۸۶. در صفحه ۲۰۰ همین کتاب (منتشره ارتش جمهوری اسلامی) در مورد میزان آمادگی برای اجرای عملیات آمده است: «با وجودی که ارتش و سایر نیروهای ایرانی آمادگی لازم رزمی را کسب نکرده بودند، در راستای خواسته های ملت و رهبران سیاسی تصمیم گرفته شد که طرح های آفند متقابل از اول دی ماه به صورت جدی برای اجرا آماده شوند.».

۳- ۲۸۷. مأخذ ۱۲، ص ۱۹۴.

«فرماندهی عملیات اروند در منطقه مربوطه (ماهشهر، آبادان، دارخوین) دفاع می کند و آماده می شود با عملیات آفندی نیروهای دشمن را در منطقه مربوطه نابود سازد و خرمشهر را آزاد کند و تک را تا ترمیم خط مرز از شلمچه تا پاسگاه کیلومتر ۲۵ ادامه دهد.» (۱) .

پس از بحث درباره راه کارهای عملیات، سرانجام مقرر شد که حمله در دو محور اجرا شود. در محور شمالی - جنوبی، گروه رزمی ۲۴۶ تانک، از سلمانیه به سمت جنوب حمله کند، تلاش اصلی در محور ماهشهر - آبادان در شمال جاده با تیپ ۳۷ زرهی اجرا گردید و یک تلاش فرعی دیگر به وسیله عناصر تیپ ۲ قوچان و سایر واحدهای مستقر در کرانه شمالی بهمنشیر از جنوب به شمال به سمت خاکریزهای خط سرپل اجرا شود.

بر اساس آخرین راه کار پیشنهادی، فرماندهی اروند دستور تهیه طرح عملیاتی را صادر کرد که در ۲۷ آذر به نام طرح عملیاتی توکل منتشر شد. بر این پایه، یگان ها از سر فرماندهی اروند در سه فرماندهی عملیاتی سازمان دهی شدند که عناصر اصلی آن ها عبارت بودند از:

۱- فرماندهی عملیات آبادان - خرمشهر: شامل تیپ ۲ پیاده قوچان با سه گردان پیاده، یک گروهان تانک چیفتن، نیروهای ژاندارمری مستقر در جزیره آبادان، نیروهای سپاه پاسداران و بسیج مردمی، گردان توپخانه ۱۰۵، یک آتشبار توپخانه ۱۳۰ میلیمتری و یک آتشبار توپخانه کاتیوشا.

۲- تیپ ۳۷ زرهی: شامل یک گردان امداد ژاندارمری، یک آتشبار توپخانه ۱۰۵ و یک آتشبار توپخانه کاتیوشا.

۳- گروه رزمی ۲۴۶ تانک: شامل گردان ۲۴۶ تانک (منهای یک گروهان)، یک گردان پیاده از نیروهای لشکر ۲۱ پیاده، یک گردان مختلط توپخانه ۱۰۵ و ۱۵۵ میلیمتری و عناصر سپاه پاسداران.

۴- یک فرماندهی عملیات نامنظم: متشکل از حدود دو گروهان ژاندارمری و نیروهای مردمی.

۵- یک فرماندهی توپخانه: با چهار آتشبار توپخانه صحرایی ۱۳۰ و ۲۰۳ میلیمتری کاتیوشا.

۶- عناصر دیگر پشتیبانی خدمات رزمی و پشتیبانی رزمی شامل تیپ هوانیروز، گروهان مهندسی و غیره. (۲) .

در این عملیات نیز - همچون عملیات نصر - بدون توجه به استعداد دشمن و وسعت منطقه، هدف های بسیاری در عمق منطقه تعیین شده بود.

۱- ۲۸۸. مأخذ ۱۲، ص ۱۹۵.

۲- ۲۸۹. مأخذ ۱۲، ص ۱۹۷.

عملیات توکل در ۲۰ دی ماه ۱۳۵۹ آغاز شد ولی برخلاف عملیات نصر حتی در گام های نخست نیز موفقیتی به دست نیاورد و نیروها به مواضع خود عقب نشینی کردند. به نوشته کتابی که ارتش منتشر کرده است، هوشیاری و اجرای آتش دشمن در روز پیش از عملیات (۱۹ دی ماه) نشان می داد که آن ها از طرح عملیات قبلا آگاهی داشتند. در این کتاب از جابه جایی های عمده دشمن برای تقویت منطقه ی عملیات و گرمای هوا به عنوان یکی از عوامل کاهش توان نیروهای خودی نام برده شده است. (۱) .

بنی صدر پس از این دو شکست، با توجه به وعده های پیشین و اهدافی که بر پایه امیدواری به کسب پیروزی نظامی پیگیری می کرد، در گزارش کارنامه رئیس جمهور «به تجزیه و تحلیل عملیات پرداخت و مسائلی را یادآور شد که خواندنی است. وی گفت:

«سوال این است که چرا در اتخاذ شیوه های جنگی نمی باید آن شیوه های جنگی را انتخاب کنند که به دشمن حداکثر تلفات را وارد کند، و می تواند وارد کند؟» (۲) .

وی سپس از قول فرماندهان نظامی این مطلب را بیان می کند:

«اعمال روش های موفقیت آمیز امکان پذیر است و ما نیز این مسئله را به فرماندهی نیروهایمان اظهار کرده ایم ولی فرماندهی پذیرفته و دستور حمله برق آسا داده است.» (۳) .

بنی صدر با استناد به اظهارات فرماندهان نظامی، در واقع، علل ناکامی را جو سیاسی حاکم بر شرایط تصمیم گیری که به وی تحمیل شده بود، ذکر می کند:

«برای آن ها (فرماندهان نظامی) توضیح دادم که جو سیاسی موجود با توجه به جریان هایی که به وجود می آید، این حمله و روش تحمیل شده است.» (۴) .

این گونه برخورد ساده ترین راه برای توجیه ناکامی های حاصله پس از دو ماه و نیم اتلاف وقت و وعده ها و وعیدهای بی نتیجه بود. بنی صدر درباره نیازمندی به سلاح و مهمات می گوید: «تعقیب عملیات نظامی تا یک پیروزی کامل، محتاج ابزار و آلات نظامی و مهمات است.» اما وی در جای دیگری چنین بیان می کند:

«شاید کمبود اسلحه را با افزایش روحیه، میل به ابتکار، شجاعت و پایداری جبران کنیم. در صورتی که بتوانیم روحیه نیروهای مسلح را بالا ببریم، اصلا لازم نیست که به اندازه دشمن اسلحه داشته باشیم.» (۵) .

بنی صدر پیش از این نیز پس از ناکامی های نظامی، همواره ضعف روحی نیروهای مسلح به عنوان دلایل این ناکامی ها نام می برد، اما به هیچ وجه به دلایل واقعی این ضعف روحی اشاره نمی کرد.

۱- ۲۹۰. مأخذ ۱۲، صص ۲۰۴ و ۲۰۶ و ۲۰۷.

۲- ۲۹۱. روزنامه انقلاب اسلامی، ۳۰ / ۱۰ / ۱۳۵۹، کارنامه ۱۹ تا ۲۱ / ۱۰ / ۱۳۵۹ رئیس جمهور.

۳- ۲۹۲. پیشین.

۴- ۲۹۳. مأخذ ۵۳.

۵- ۲۹۴. پیشین.

تحولاتی که - بعدها - پس از فرار بنی صدر - رخ داد و منجر به آزادسازی مناطق اشغالی شد، با اتکا به امکانات موجود و بدون خریداری تجهیزات جدید انجام گرفت، (۱) لذا باید دلایل اصلی پیروزی را در هماهنگی ارتش و سپاه، اتخاذ استراتژی مناسب با به کارگیری کلیه مقدورات و امکانات کشور، جست وجو کرد؛ تدبیری که بنی صدر هیچ گاه قادر به درک و انجام دادن آن نبود.

نتایج شکست و ناکامی بنی صدر در آزادسازی مناطق اشغالی

عدم درک عمیق از دشمن و وجود باورهای توهم آلود همراه با مبالغه درباره میزان توانایی نظامی نیروهای کلاسیک (۲) و درستی طرح های نظامی این نیروها، سبب شد که بنی صدر پیروزی بر دشمن را آسان و قابل دسترس بداند و دست یابی به اهداف سیاسی را بر اساس آن پایه ریزی کند. شکست نیروهای خودی در این مرحله از جنگ، نتایج و پی آمدهای بسیار نامطلوبی داشت چنان که پس از گذشت هشت ماه از تجاوز دشمن و در حالی که متجاوزان همچنان در مناطق اشغالی استقرار داشتند، کشور در یک بحران سیاسی و ناامنی عمیق فرو رفت.

یأس و سرخوردگی حاصله از پیدایش وضعیت جدید، هرگونه امیدواری به کسب پیروزی نظامی را از میان برد، زیرا تصور می شد، در حالی که کلیه امکانات و توان کشور را متخصصان سیاسی - نظامی به کار گرفته اند و باز هم موفقیتی حاصل نشده است، بنابراین هیچ راه حل نظامی برای جنگ وجود ندارد و باید از نظر سیاسی در پی راه حلی (۳) بود و تنها با امیدواری به پشتیبانی قدرت های جهانی و تلاش های سیاسی در نهان و یا مصالحه و

۱- ۲۹۵. مقام معظم رهبری (آیت الله خامنه ای) در خاطرات خود از گزارش فرماندهان در جلسه شورای عالی دفاع، در مورد میزان موجودی سلاح، به عنوان یک خاطره تلخ نام می برند. در این جلسه مسئولین و فرماندهان ارتش متفقا گفته بودند ایران برای ۲۰ تا ۲۵ روز بیشتر سلاح و مهمات ندارد. امام خمینی پس از شنیدن گزارش سلاح های موجود در ارتش، فرموده بودند: «بدانید اسلحه و مهماتی که در کشور از پیش ذخیره شده. برای مقابله با کشوری مثل روسیه تعبیه شده. خیلی بیش از این حرف ها، ما سلاح و مهمات داریم.» در ادامه بررسی ها مشخص شد که امکانات زیادی وجود داشت که یا از آن ها بی اطلاع بودند، یا گزارش نادرست داده می شد. (روزنامه اطلاعات، ۱ / ۷ / ۱۳۷۵).

۲ - ۲۹۶. ویلیام اف هیکمن یکی از فرماندهان نیروی دریایی ارتش امریکا در مورد شکست تلاش های نظامی ارتش به فرماندهی بنی صدر، می نویسد: «همان طور که در جریان تهاجم ماه ژانویه (دی ماه) به اثبات رسیده بود، عملیات هماهنگ نیروهای ارتش به تنهایی برای شکست عراقی ها کافی نبود و هماهنگی آن ها با نیروهای مردمی ضرورت داشت.» (ویلیام اف هیکمن، مقاله «ارتش از هم پاشیده و از نو متولد شده در ۱۹۸۲، ترجمه گروه تحقیق، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۲۰ / ۱۲ / ۱۳۶۳).

۳- ۲۹۷. روزنامه کیهان، ۳ / ۳ / ۱۳۷۷، مصاحبه سردار رحیم صفوی (فرمانده سپاه پاسداران).

سازش با دشمن و دادن امتیازات، می توان اوضاع را تغییر داد. بنی صدر نیز پیش از این و پس از شکست عملیات نصر و قبل از آغاز عملیات توکل، با احتمال وقوع شکست مجدد، زمزمه های پایان دادن به جنگ و مسئله صلح را مطرح کرد.

علاوه بر این مسائل، ناکامی در این مرحله سبب شد تا ضمن از دست رفتن امکانات، (۱) زمان نیز از دست برود و دشمن در مواضع اشغالی به احداث استحکامات و جاده های ارتباطی اقدام کند و بیرون راندن او نسبت به گذشته به مراتب دشوارتر شود. (۲) در عین حال، امیدواری عراق به استقرار در مواضع اشغالی و همچنین تصمیم ارتش به اتخاذ استراتژی پدافندی، بخش دیگری از نتایج ناکامی در این مرحله از جنگ بود.

امیدواری عراق برای استقرار در مواضع اشغالی

اشاره

نتایج این عملیات ها، عراق را نسبت به درستی تحلیل ها و باورهای خود مبنی بر ناتوانی نیروهای نظامی ایران برای آزادسازی مناطق اشغالی، متقاعد کرد و از این پس، حضور دشمن در این مناطق با آسایش خیال و بدون هیچ گونه نگرانی ادامه یافت. کردزمن در بیان بازتاب ناکامی های ایران در نخستین ضد حملات خود، بر امیدواری عراق برای استقرار در مواضع اشغالی تأکید می کند:

«نخستین تأثیر این بود که عراقی ها باور کردند که با نسبتا مقداری استقامت دفاعی می توانند دست آوردهای خود را حفظ کنند.» (۳) .

از سوی دیگر، عراقی ها اوضاع سیاسی داخل ایران را تحت نظر داشته و می پنداشتند که تنش های سیاسی موجود درایران حتی در صورت کسب پیروزی نظامی ایران، پایدار خواهد ماند. ضمن این که هر گونه شکست نظامی می توانست، منجر به تشدید این تنش ها شود. به همین دلیل، بر پایه رخدادهای جدید، عراقی ها از طریق یاسر عرفات به ایران پیام دادند که قادرند اهواز را تصرف کنند ولی این کار را نمی کند و منتظر فعل و انفعالاتی در تهران هستند. (۴) .

ص: ۱۰۹

۱- ۲۹۸. تنها در عملیات نصر، لشکر ۱۶ زرهی از ۳۷۰ دستگاه تانک خود،۱۴۰ دستگاه را از دست داد، در حالی که امکان جایگزینی آن ها نیز وجود نداشت.

۲- ۲۹۹. صدام در مصاحبه مطبوعاتی که از تلویزیون بغداد پخش شد، خطاب به مردم عراق می گفت: «آیا می دانید در طول پنج ماه شما چقدر راه ساخته اید؟ شما دو هزار و اندی کیلومتر راه برای آتش خود ساخته اید.».

۳- ۳۰۰. آنتونی کردزمن، درس هایی از جنگ مدرن، جنگ ایران و عراق، ترجمه: نمایندگی دائمی جمهوری اسلامی ایران در سازمان ملل.

۴- ۳۰۱. مأخذ ۶، گزارش ۱ تا ۱۳ آذر ماه ۱۳۵۹، ص ۲۸.

اظهارات طه یاسین رمضان معاون اول نخست وزیر عراق و فرمانده ارتش خلق در مصاحبه با روزنامه الثوره مبنی بر این که «ما بر این نکته تأکید می کنیم که جنگ به پایان نخواهد رسید مگر این که رژیم حاکم بر ایران به طور کلی منهدم شود» و همچنین سخنان صدام مبنی بر این که «ما از تجزیه و انهدام ایران ناراحت نمی شویم»، (۱) علاوه بر آن که متأثر از رخدادهای نظامی بود، بیشتر به رخدادهای سیاسی داخلی ایران مربوط می شد.

تشدید اوضاع کردستان و تلاش های جدید منافقین به ویژه خروج پنهانی رجوی از طریق کردستان و مذاکراتی که وی در فرانسه انجام داد، از جمله مسائلی بود که عراقی ها به تأثیرات آن بسیار امیدوار بودند، به همین دلیل، از سقوط و تجزیه ایران سخن می راندند.

اتخاذ استراتژی پدافندی از سوی ارتش

عدم پیروزی نیروهای کلاسیک به فرماندهی بنی صدر، نیروهای نظامی را دچار یأس و سرخوردگی کرد تا آنجا که ستاد اروند در جنوب در برآورد خود به این نتیجه رسید:

«نیروهای جمهوری اسلامی ایران الزاما می باید دفاع را بپذیرند.» (۲) .

در همین زمینه، در جلد سوم کتاب «ارتش جمهوری اسلامی ایران در هشت سال دفاع مقدس» در مورد نتایج عملیات توکل آمده است:

«پس از انجام ناموفق عملیات آفندی توکل، از روز ۲۱ دی ماه وضعیت کلی منطقه عملیاتی آبادان - ماهشهر به حالت قبل از اجرای حمله بازگشت و الزاما نیروهای فرماندهی اروند وضعیت پدافندی را پذیرفتند و نیروهای طرفین مجددا به حالت نبرد توپخانه بازگشتند و مبادله آتش به جریان خود ادامه داد و طرفین به تقویت و تحکیم مواضع دفاعی پرداختند و مرحله دیگری از عملیات در جبهه ماهشهر - آبادان آغاز شد که پدافند در مواضع و اجرای تک های محدود و محلی بود. این مرحله از عملیات حدود هشت ماه ادامه داشت.» (۳) .

بدین ترتیب، از دی ماه ۱۳۵۹ تا تابستان ۱۳۶۰ هیچ برنامه آفندی به مفهوم عملیات گسترده برای آزادسازی مناطق اشغالی، در برنامه نیروهای کلاسیک وجود نداشت و تنها بر اساس برآورد یاد شده، عملیات های محدود به صورت ایذایی و محلی توصیه می شد.

کوشش بنی صدر در تشدید بحران سیاسی

موقعیت سیاسی بنی صدر در پی ناکامی وی در آزاد سازی مناطق اشغالی رو به تضعیف نهاد. در چنین وضعیتی، بنی صدر برای خروج از بن بست، راه حل های محدودی پیش رو

۱- ۳۰۲. سازمان عقیدتی -سیاسی ارتش جمهوری اسلامی ایران، نقش ارتش در ۸ سال دفاع مقدس، جلد ۱، نبردهای غرب دزفول، (تهران، بهار ۱۳۷۱) صص ۵۲ - ۵۱.

۲- ۳۰۳. مأخذ ۱۲، ص ۲۰۹.

۳- ۳۰۴. پیشین، ص ۲۰۷.

داشت؛ از یک سو، ادامه روند پیشین به دلیل بی نتیجه بودن آن امکان پذیر نبود و از سوی دیگر، خصلت های جاه طلبانه بنی صدر مانع از تغییر رویه و عقب نشینی وی می شد، در نتیجه، «تشدید بحران داخلی» تنها گزینه ای بود که در برابر بنی صدر قرار داشت. در همین زمان، منابع بیگانه نیز اطلاعاتی به صورت محرمانه مبنی بر فوت زود هنگام حضرت امام در اختیار بنی صدر قرار داده بودند (۱) تا وی بتواند حرکت خود را با قاطعیت و اطمینان بیشتری ادامه دهد. در واقع، بنی صدر چنین تصور می کرد که موقعیت استثنایی (۲) وی در زمینه سیاسی - نظامی و همچنین در میان روشنفکران و نیروهای ارتش (۳) به گونه ای است که در صورت وقوع بحران داخلی، قادر به مهار اوضاع و به دست گیری کامل قدرت خواهد بود. در پایه همین عقیده، بنی صدر در روز ۱۴ اسفند ۱۳۵۹ با منازعه جویی در برابر نظام و انقلاب و به منظور قلع و قمع کردن نیروهای انقلابی، تلاش خود را با حمایت گروه های ضد انقلاب آغاز کرد.

در وضعیت جدید، منافقین و سایر گروه های ضد انقلاب حول محور بنی صدر گردهم آمدند. پیش از این، در حوالی زمستان ۱۳۵۹، رجوی با خروج غیر قانونی از کشور علاوه بر بررسی مسیر خروج در حال اضطراری، با حضور در فرانسه و ملاقات هایی که انجام داد، ضمن تشریح اوضاع داخلی ایران و موقعیت سازمان منافقین، حمایت غرب ها را برای ورود به فاز نظامی جلب کرد و پس از جلسات متعددی که رجوی با کادر مرکزی سازمان برگزار

۱- ۳۰۵. بنی صدر در این زمینه گفت: «وقتی که از دولت آلمان علت شرکتشان در تحریم اقتصادی ایران را پرسیدیم به ما گفتند که با مطالعه بولتن های پزشکی امام به نتیجه رسیده ایم که امام بیش از سه ماه دیگر زنده نیست.» (به نقل از بیانیه شماره ۲۱ دفتر سیاسی سپاه،۳۱ / ۶ / ۱۳۶۰) همچنین در اسناد لانه جاسوسی آمده: «بنی صدر فردی جاه طلب و از لحاظ سیاسی زیرک است. نقش خود را محتاطانه با چشمداشت به روزی که خمینی از صحنه کنار رود، بازی می کند.» (دانشجویان پیرو خط امام، اسناد لانه جاسوسی، جلد ۹، ص ۴۳ تا ۴۷).

۲- ۳۰۶. منافقین پس از آنکه در کنار بنی صدر قرار گرفتند، رجوی طی نامه ای به بنی صدر در موقعیت وی نوشت: «تکرار می کنم، حذف شما، حذف رئیس جمهوری با این پشتوانه عمومی، حذف فرمانده کل قوا در کشور در حال جنگ، حذف عالی ترین مجری قانون و مرجع مراجعه قانونی گسترده ترین سازمان انقلابی کشور (منظور سازمان منافقین است)، مفهومی جز استقبال از زوال قطعی و سقوط نهایی انحصار طلبان ندارد... همه دنیا می داند که بدون شما حکومت چند هفته نیزدوام ندارد.» (سند شماره ۲۵۰۹۲۴ / ۵۰، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، نامه ۲۱ / ۱ / ۱۳۶۰).

۳- ۳۰۷. بنی صدر در مصاحبه با روزنامه اتریش بروفایل در این مورد گفت: «مردم ایران، ارتش و روشنفکران به نحو وسیعی طرف دار او هستند.» (خبرگزاری پارس، ۱۱ / ۵ / ۱۳۶۰، خبرگزاری رویتر، ۱۲ / ۵ / ۱۳۶۰). همچنین روزنامه دیلی تلگراف به نقل از نماینده خود در تهران نوشت: «بنی صدر قبل از برکناری به ارتش آماده باش کامل داده بود تا احتمالا برای حمایت او به خیابان بیایند.» (خبرگزاری پارس، ۲۱ / ۳ / ۱۳۶۰).

کرد، آن ها را در مورد ورود به فاز نظامی متقاعد و آماده کرد. در چارچوب همین تلاش ها، حمایت از بنی صدر و ترغیب وی به ایستادگی در برابر امام و انقلاب شدت گرفت.

در همین روند و در حالی که امام هیئتی سه نفره را برای حل اختلافات تشکیل داده بودند، (۱) بنی صدر با اعلام بن بست در کشور، برگزاری رفراندوم عمومی را مطرح کرد. سردمدار منافقین طی نامه ای به بنی صدر ضمن تبریک به مناسبت اقدام جدید بنی صدر، نوشت:

«اعلام حالت بن بست و ارائه پیشنهاد رفراندوم (حالا که انتخابات مجلس را حضرات عملی نمی دانند)، فوق العاده جالب و شایسته حمایت آشکار و علنی عموم نیروها و مردم است؛ به عبارت دیگر، دامنه کار هیئت سه نفره را به هیئت ۳۶ میلیون نفره بایستی گسترش داد.» (۲) .

رجوی در این نامه پیشنهاد کرد: «راهپیمایی آرام و مطلقا بدون تظاهر تا جماران پس از کسب اجازه از مقام رهبری است که طبعا میلیون ها نفر را با خود خواهد داشت.» (۳) رجوی در همین نامه به بنی صدر تأکید کرد:

«شما چه از نظر سیاسی و چه به لحاظ اجتماعی در وضعیتی هستید که اگر بخواهید و اگر بایستید، می توانید فی الواقع «جارویش» کنید.» (۴) .

طرح منافقین برای جابه جایی قدرت بدین ترتیب بود که می خواستند در سایه بنی صدر و با اعلام راهپیمایی به سمت جماران، پس از حضور در حسینیه جماران، امام در مورد حمله قرار دهند و پس از آن، مراکز قدرت را تصرف کنند. موقعیت بنی صدر و درخواست وی از عموم مردم برای «راهپیمایی» می توانست در تحقق اهداف منافقین مفید و مؤثر باشد. بنی صدر به موازات تشدید «بحران داخلی» در اندیشه پایان بخشیدن به جنگ نیز بود، تا این بار بتواند از طریق صلح و سوار بر امواج بحران داخلی، پیروزی سیاسی را به دست آورد. به همین دلیل، پس از آن که کنفرانس غیر متعهدها در اردیبهشت ۱۳۶۰ پیشنهاد صلح داد، بنی صدر در نامه ای به امام خمینی نوشت:

«اگر قرار بر صلح باشد، پیشنهاد از این بهتر نمی شود.» (۵) .

---

۱ – ۳۰۸. امام خمینی، آیت الله مهدوی کنی را به عنوان نماینده خود انتخاب کرد. آقایان شهید بهشتی، رفسنجانی و شهید رجایی نیز آقای یزدی را انتخاب کردند و بنی صدر نیز یک نماینده معرفی کرد تا علاوه بر بررسی ماجرای ۱۴ اسفند اختلافات را نیز بررسی نمایند. امام در پیام خود به آیت الله کنی مرقوم نمودند: «موارد تخلفات از حقوق قانونی هر یک رسیدگی نمایید و نیز در زمان جنگ که زمان استثنایی است به احوال و اعمال هر کس که موجب اختلاف و تشنج در کشور می باشد رسیدگی نمایید.» (وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، مرکز مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، صحیفه نور: مجموعه رهنمودهای امام خمینی، جلد ۱۳، ۱۲ / ۱ / ۱۳۶۰).

۲– ۳۰۹. سند شماره ۲۵۰۹۲۴ / ۵۲ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، ۲۱ / ۱ / ۱۳۶۰.

۳– ۳۱۰. پیشین.

۴– ۳۱۱. مأخذ ۶۳.

۵– ۳۱۲. سند شماره ۲۵۰۹۲۹ / ۷۶ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، ۲۱ / ۲ / ۱۳۶۰.

وی همچنین در جایی دیگر در مورد تداوم جنگ با توجه به اوضاع داخلی - که خود مسبب اصلی آن بود - تحلیل رجوی را به گونه ای دیگر در این نامه برای امام مطرح کرد:

«برای موفقیت کامل، یک انسجام تمام عیار لازم است. صاف و صریح بگویم که حاکمان نادان سود خود را در ادامه جنگ توأم با ناکامی می بینند، چرا که ادامه جنگ موجب تحکیم موقعیت آن ها می شود و ناکامی سبب می شود که آن را به گردن رئیس جمهور بیندازند و کار او را یک سره کنند و نمی دانند که کار کشور و رژیم جمهوری اسلامی یک سره می شود.» (۱) .

بنی صدر در مورد ضرورت پایان بخشیدن به جنگ چنین استدلال می کرد که افکار عمومی مخالف ادامه جنگ است. (۲) .

بدین ترتیب، با تلاش های بنی صدر به موازات تحولات نظامی، (۳) مرحله جدیدی از بحران داخلی آغاز شد که از خرداد ۱۳۶۰ با ورود منافقین به فاز نظامی و اقدام به ترور مردم و انفجار بمب در دفتر حزب جمهوری اسلامی در ۷ تیر ۱۳۶۰ و مقر نخست وزیری در ۸ شهریور همان سال شدت یافت.

هم زمان با «ایجاد بن بست نظامی» و «پیدایش بحران سیاسی» در کشور، عراقی ها نیز مواضع خود را نسبت به جنگ تغییر دادند؛ بدین ترتیب که عراق پس از ناکامی اولیه در آغاز جنگ که آمادگی خود را برای پایان بخشیدن به آن با شرایطی اعلام کرده بود، با مشاهده ناکامی نظامی ایران به تدریج مواضع جدیدی را اعلام کرد. صدام در آبان ۱۳۵۹ در مصاحبه با روزنامه المستقبل اعلام کرد که با در گذشت رئیس جمهور الجزایر (هواری بومدین) در سال ۱۹۷۸ میلادی، قرارداد الجزایر نیز دفن شده است. (۴) وی مدتی بعد، طی سخنانی هرگونه عقب نشینی از خاک ایران را کار ضعیفان نامید و گفت:

«این وضعیت (عقب نشینی از خاک ایران) برای عراق نوین و مردم آن روی نخواهد داد. عقب نشینی را ضعیفان، بی خردان، کسانی که سرزمین خود را دوست ندارند و مردمی که به ملت خود علاقمند نیستند انجام می دهند.» (۵) .

همچنین، لطیف جاسم وزیر فرهنگ و اطلاعات عراق در مصاحبه ای با القبس گفت:

«عراق به مرزهایی که آن ها را مرز حقیقی خود می داند رسیده است و اعلام داشته که حتی اگر ارتش ده سال در این مناطق باقی بماند، از آن ها باز پس نخواهد نشست.» (۶) .

۱- ۳۱۳. پیشین.

۲- ۳۱۴. مأخذ ۶۷.

۳- ۳۱۵. در صفحات بعد در این زمینه توضیح داده خواهد شد.

۴- ۳۱۶. ستاد تبلیغات جنگ شورای عالی دفاع، ستیز با صلح، به نقل از مجله المستقبل، شماره ۱۹۵، ۱۵ / ۱۱ / ۱۹۸۰، ص ۷۳.

۵- ۳۱۷. پیشین ص ۱۰۱.

۶- ۳۱۸. مأخذ ۶۹، به نقل از روزنامه القبس، ۱۸ / ۱۰ / ۱۹۸۱، ص ۱۱۹.

صدام پس از واقعه ۱۴ اسفند ۱۳۵۹ در موضع گیری جدیدی، مناطق اشغالی را همان مرزهای حقیقی اعلام کرد و با توجه به موقعیت نظامی ایران، باز پس گیری این مناطق را از موضع قدرت غیر ممکن دانست:

«موضوعی که آن ها (ایران) باید آن را درک کنند. این است که راه ادامه جنگ و سخن از عقب راندن نیروهای عراقی از مواضع به دست آمده با اتکا به قدرت، مسئله ای غیر ممکن است.» (۱) .

بر پایه برخی اطلاعات، عراقی ها در بهار ۱۳۶۰ اشغال دزفول را طراحی کردند که اجرای آن به دلایلی همچون عملیات اردیبهشت ۱۳۶۰ در تپه های الله اکبر، منتفی شد.

عراقی ها از موضع خود در برقراری آتش بس نیز عدول کردند. صدام در این خصوص تأکید کرد:

«اگر می خواهید نظر ما را بدانید، باید بگویم ترجیح می دهیم در حالی که جنگ ادامه دارد، با ایرانیان به قصد رسیدن به توافق به مذاکره بنشینیم، زمانی که به توافق دست یابیم، می گوییم جنگ خاتمه یابد.» (۲) .

وی در این موضع گیری با برداشت خود از اوضاع داخلی ایران، مبنی بر نبود دولت رسمی و با ثبات در این کشور، پایان دادن به جنگ را پیش از مذاکره و توافق طرفین نفی کرد.

مهار بحران با مدیریت و تدبیر امام خمینی

با ظهور تدریجی آثار ناشی از ناکامی نظامی بنی صدر و تشدید درگیری های سیاسی، امام خمینی با تأکید بر ضرورت حفظ آرامش در داخل، (۳) به این نکته اشاره کردند که:

«دشمن های ما شاید اهمیت به این اختلافات داخلی بیشتر بدهند تا هجوم نظامی.» (۴) .

امام سپس در جای دیگر خطاب به دولتمردان فرمودند:

«ما نباید حالا که گرفتار هستیم، باز به پیروزی هم نرسیده ایم، نباید این مردم را سستشان کنیم.» (۵) .

امام خمینی با درکی که از سیاست های مخاصمه جویانه امریکا علیه ایران به ویژه پس از اشغال لانه جاسوسی داشتند، و با توجه به ماهیت حرکت های جدید و شکل گیری ترکیب جدیدی از ضد انقلاب، در یک جمع بندی فرمودند:

«امروز تمامی آنان که علیه جمهوری اسلامی متحد شده اند، با واسطه یا بدون واسطه در رابطه با امریکا می باشند.» (۶) .

۱- ۳۱۹. پیشین، صدام حسین، ۳ و ۱۴ / ۳ / ۱۹۸۱ و مجله آلف با شماره ۶۵۱، ۱۸ / ۳ / ۱۹۸۱، ص ۱۲۲.

۲- ۳۲۰. مأخذ ۶۹، ص ۱۲۳.

۳ – ۳۲۱. وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، مرکز مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، صحیفه نور: مجموعه رهنمودهای امام خمینی، جلد ۱۳، (تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی)، ص ۲۳۲.

۴– ۳۲۲. پیشین.

۵ – ۳۲۳. وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، مرکز مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، صحیفه نور: مجموعه رهنمودهای امام خمینی، جلد ۱۴، (تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی)، ص ۲۰.

۶– ۳۲۴. پیشین، ص ۶۲.

در این رونـد، نزدیکی منافقین و بنی صـدر و وقوع حادثه ۱۴ اسـفند نقطه تعیین کننـده ای برای آغاز برخورد امام با بنی صدر بود، چنان که حاج سید احمد خمینی در این باره گفت:

«در جریان دانشگاه (۱۴ اسـفند)، من مرتب اخبار را به امام می رساندم. برای ما خیلی روشن بود که تمام این کارهای کمیته و غیره دروغ است. البته بنی صـدر هم با این کارهایش گور خودش را کنـد. از همان زمان بود که امام تصـمیم گرفتند که دیگر کار را تمام کنند، حتی یک بار صریح به من گفتند دیگر کار او تمام شده و دیگر ایشان امیدوار نیست.» (۱) .

در واقع، آنچه را کـه بنی صـدر برای خـود نقطه شـروع حرکت می دانست و به آن امیـدوار بـود، به منزله نقطه پایـان حیـات سیاسی وی به شمار می رفت.

امام ابتدا تلاش کردند میان حرکات سیاسی بنی صدر و مسئولیت وی در قوای نظامی تفاوت قائل شوند و در ضـمن، حساب گروهک ها را از بنی صـدر جدا کنند، به همین دلیل، ایشان در نخستین واکنش آشـکار در برابر فاجعه ۱۴ اسفند، در پاسخ به پیـام آیت الله گلپایگـانی، خطـاب به گروه هـا و دسـته های منحرف سیاسـی و غیر سیاسـی تأکیـد کردنـد که با آن ها برخورد اسـلامی خواهد شد و به شـرارت های ضد اسلامی پایان خواهند داد. (۲) امـام همچنین یازده روز پس از این حادثه، در پیامی به مردم و مسئولان با تأکید به ادامه فرماندهی بنی صدر بر کل قوا، در مورد مسائل جنگ فرمودند:

«مسائل دفاع در شورا طرح و رسیدگی می شود و پس از تصویب، تصمیم در اجرا با فرماندهی کل قوا است و قوای مسلح باید اوامر ایشان را اجرا نمایند.» (۳) .

امام با تشکیل هیئت سه نفره برای حل اختلافات میان بنی صدر و دولت، به ارتش درباره سوء استفاده هایی که ممکن است از آن بشود، هشـدار دادند تا کلیه توهمات بنی صدر مبنی بر کسب حمایت ارتش در برخورد داخلی در هم شکسـته شود. ایشان همچنین بر ضرورت حفظ روابط ارتش با ملت تأکید فرمودند:

«توجه داشته باشید که خدای نخواسته یک وقتی اسباب این نشود که ملت ایران بگوید که این ارتش، ارتش کذایی است و به اسلام کاری ندارد و این طور چیزها. شما وقتی قدرت دارید که ملت دنبال شما باشد.» (۴) .

امام با هشدار به ارتش در مورد جدا شدن از ملت، فرمودند:

«شـما از ملت هستیـد، جـدا نیستید. اگر حساب خودتان را همان طوری که در سابق بود از ملت جدا کنید، ملت به شـما پشـت خواهد کرد و برای شما دوام نخواهد بود.» (۵) .

ایشان در جای دیگری در جمع فرماندهان نظامی و اعضای شورای عالی دفاع خطاب به

۱- ۳۲۵. انتشارات پیام آزادی، سرگذشت های ویژه از زندگی امام خمینی، جلد دوم، (تهران: فروردین ۱۳۶۲). صص ۶ - ۵.

۲- ۳۲۶. مأخذ ۷۶. ص ۱۲۶.

۳- ۳۲۷. پیشین، ص ۱۲۸.

۴ – ۳۲۸. وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، مرکز مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، صحیفه نور: مجموعه رهنمودهای امام خمینی، جلد ۱۵، (تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی)، ص ۸.

۵- ۳۲۹. مأخذ ۷۴، ص ۱۲۱.

ارتش فرمودند:

«ارتشی که ملت باهاش مخالف است، نمی تواند این ارتش باشد، چنان که ملتی هم اگر ارتشش باهاش مخالف باشد، نمی تواند زندگی کند. کوشش کنید پیوند خودتان را با ملت هر چه می توانید تقویت کنید.» (۱) .

بنی صدر که در مرحله جدید اوضاع را کاملا به سود خود ارزیابی می کرد و در نظر داشت با اتکا به مردم، خیز نهایی را برای کسب قدرت بردارد، هرگز تصور نمی کرد که سخنان امام چه تأثیرات تعیین کننده ای بر افزایش حضور نیروهای مردمی در صحنه انقلاب و جدا شدن مردم از وی خواهد داشت. امام با هشدار به بنی صدر در مورد نتیجه حضور مردم، به نکته ای اشاره کردند که تا پیش از وقوع آن، هرگز قابل تصور نبود:

«بترسید از آن روزی که مردم بفهمند در باطن ذات شما چیست و یک انفجار (۲) حاصل بشود؛ از آن روز بترسید که ممکن است یکی از ایام الله، خدای نخواسته باز پیدا بشود.» (۳) .

یکی از دیگر اقدامات برجسته امام در برخورد با بنی صدر، مربوط به مسئله جنگ بود. ایشان با توجه به این مهم و توهماتی که بنی صدر در مورد نقش انحصاری خود داشت، در جلسه ای که با حضور افراد مختلف تشکیل شده بود، فرمودند:

«این فکر را از مغزت در کن که اگر تو نباشی این جنگ می خوابد. من خودم این جنگ را بخوبی اداره می کنم.» (۴) .

امام در تداوم این برخورد، بنی صدر را در تاریخ ۲۰ / ۳ / ۱۳۶۰ از فرماندهی کلی نیروهای مسلح بر کنار کردند؛ اقدام بسیار مهمی که بنی صدر هرگز تصور آن را نمی کرد. چنان که رادیو لندن نیز طی تحلیلی، از برخورد امام به عنوان بزرگ ترین ضربه به بنی صدر یاد کرد. (۵) .

۱- ۳۳۰. مأخذ ۸۱، ص ۸.

۲- ۳۳۱. سرانجام در ۲۵ خرداد ۱۳۶۰ امام مردم را برای حضور در صحنه فراخواندند و در نقطه ای که ضد انقلاب با تجمع خود برای مخالفت با لایحه قصاص در نظر داشت ضربه آخر را وارد کند، امام با اتکال به قدرت خدا و با تکیه بر حضور مردم در صحنه سیاسی طومار ضد انقلاب را در هم پیچید به گونه ای که بنی صدر راهی نداشت جز آن که با لباس زنانه و به همراه رجوی و خلبان شاه از کشور فرار کند.

۳- ۳۳۲. پیشین.

۴- ۳۳۳. وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، در مکتب جمعه، جلد ۳، صص ۲۸ - ۲۷، نماز جمعه، ۱۲ / ۴ / ۱۳۶۰.

۵- ۳۳۴. ویلیام اف هیکمن (از فرماندهان نیروی دریایی امریکا) در مورد تأثیر برخوردهای امام در جذب ارتش و عدم حمایت ارتش از بنی صدر می نویسد: «هم زمان با تشدید حملات سیاسی علیه بنی صدر، میزان نفوذ وی بر ارتش نیز کاهش یافت. اگرچه بنی صدر در تمامی طول جنگ مهم ترین شخصیت غیر روحانی حامی ارتش به شمار می رفت، ولی وقتی آیت

الله خمینی از او خلع ید کرد، ارتش به کمک وی نیامد، که این نشانه بارزی از موفقیت رژیم روحانی در زمینه کسب نفوذ در نیروهای مسلح بود و باعث فراهم آمدن مقدمات ظهور آتش به عنوان یک ارگان اسلامی شد.» (ویلیام اف هیکمن، «ارتش هم پاشیده و از نو متولد شده ایران در سال ۱۹۸۲»، ترجمه گروه تحقیق، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۲۰ / ۱۲ / ۱۳۶۳).

اطمینـان لازم را در نیروهای نظامی برای ادامه فعالیت به وجود آورد. از سوی دیگر، امام در برخورد با مسـئله جنگ - با توجه به نتایـج و تجـارب مرحله پیشـین - بر نکاتی تأکیـد فرمودنـد که پایه های شـکلگیری مرحله جدیـد جنگ و آزادسازی مناطق اشغالی را فراهم کرد.

ص: ۱۱۷

آغاز تحول در جنگ و آزاد سازی مناطق اشغالی

زمینه های تحول در جنگ

«بن بست نظامی» در جنگ و «بحران سیاسی» در کشور به عنوان دو چالش اساسی، فرا روی نظام جمهوری اسلامی قرار داشتند و ادامه حیات نظام لزوما مشروط به پاسخ مناسب برای «شکستن بن بست» و «فائق آمدن بر بحران» بود. از سوی دیگر، عراقی ها با درکی که از پیدایش چالش های سیاسی - امنیتی در ایران داشتند و همچنین، در پی ناکامی نظامی در آغاز جنگ و ناتوانی در تحمیل صلح به ایران، امیدوار بودند به موازات چالش های سیاسی - امنیتی در ایران، با اقدام نظامی، جنگ را به سود خود پایان دهند. القبس به نقل از مقام های عراقی در فروردین ۱۳۶۰ درباره طرح عراق برای اشغال و تجزیه خوزستان نوشت:

«عراق قصد حمله گسترده ای به خوزستان را دارد و هدف از آن، آزاد کردن خوزستان و اشغال چاه های نفت، اعلام استقلال آن و تشکیل حکومت موقت می باشد.» (۱) .

درهمین اوضاع، صدام در جمع نیروهای ارتش خلقی (جیش الشعبی)، استراتژی جدید عراق را چنین تشریح کرد:

«ما به مردم عرب عربستان[خوزستان]به عنوان اقلیتی که ویژگی هایش در تاریخ از لحاظ ملی و قومی شناخته شده است و نیز سایر ملیت های ایران به ویژه کردها، بلوچ هاو همه وطن پرستان واقعی و شریف اعلام می داریم که آماده ایم، روابط محکمی با آن ها به وجود بیاوریم تا بتوانیم از حقوق ملی و قومی خویش بهره مند شده و با شرافت و امنیت مناسب، حسن هم جواری برقرار نماییم. ما آماده ایم هرگونه کمک از جمله سلاحی که مورد نیاز آن ها باشد به آن ها بدهیم. این است تصمیم ما، حال بگذارید حکام ایران به جنگ ادامه دهند. آن ها پاره پاره و ما یک پارچه بشویم. ما به تمامیت ارضی ایران علاقه ای نداریم و این است استراتژی ما که از مدت ها پیش اعلام نموده ایم.» (۲) .

۱- ۳۳۵. دفتر حقوقی وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران، تحلیلی بر جنگ تحمیلی رژیم عراق علیه جمهوری اسلامی ایران، جلد اول (تهران، بهمن ۱۳۶۱)، ص ۱۰۲.

۲- ۳۳۶. پیشین.

بنابر اسناد و قراین، عراقی ها برای از سرگیری تهاجم دست کم دو طرح مشخص داشتند:

۱- تکمیل محاصره آبادان؛ عراقی ها برای این منظور، با ایجاد ماکت منطقه عملیاتی آبادان، یک یگان رزمی را در حوالی بغداد آموزش دادند. این یگان در پی عملیات نیروهای خودی در تپه های الله اکبر و شوش، به این منطقه اعزام شد که بخشی از نیروهای آن کشته و یا اسیر شدند. (۱) .

۲- اجرای عملیات در منطقه دزفول با عبور از رودخانه کرخه؛ به گفته یکی از اسرای عراقی، این عملیات قرار بود در فروردین یا اردیبهشت ۱۳۶۰ اجرا شود.

در این حال، پرسش اساسی در مرحله جدید جنگ این بود که چه عوامل و زمینه هایی سبب شد تا جمهوری اسلامی که پس از یک ناکامی نظامی، به شدت دستخوش بحران سیاسی شده بود و دشمن نیز در اندیشه تهاجم مجدد و احتمالاً تجزیه استان خوزستان بود، ضمن شکستن بن بست جنگ و حل بحران سیاسی، وضعیت کلی جنگ را با آزادسازی مناطق اشغالی، به سود خود تغییر دهد؟ به عبارت دیگر، در مرحله ای که - به عقیده ناظران و تحلیلگران - نظام جمهوری اسلامی در بن بست سیاسی - نظامی گرفتار شده بود و هیچ گونه راه حلی فرا روی خود نداشت، چگونه زمینه های «تحول در جنگ» با تبدیل شدن وضعیت بحرانی به وضعیت با ثبات سیاسی و دستیابی به پیروزی های نظامی فراهم شد؟ برای پاسخ به این پرسش ها، نخست، باید عواملی را که در صحنه نبرد منشأ چنین تحول و تغییر وضعیتی بودند، شناسایی کرد.

آیت الله خامنه ای رئیس جمهور وقت و نماینده امام در شورای عالی دفاع طی مصاحبه ای در اردیبهشت ۱۳۶۲، در ارزیابی عملیات های نظامی که پیش از عملیات ثامن الائمه (ع) انجام شده بودند، عنصر تعیین کننده در این تغییر وضعیت را مورد شناسایی و تأکید قرار دادند:

«کلاً تا قبل از عملیات ثامن الائمه (ع)، عملیات ها غالبا موفق نبوده است و شاید یک یا دو عملیات را بتوان نشان داد که تا حدودی موفق بوده و علتش هم این است که تا قبل از عملیات

---

۱ – ۳۳۷. اسیران عراقی در این زمینه گفتند: «فرماندهی نظامی عراق به لزوم و ضرورت در دست داشتن زمین در این منطقه و ادامه محاصره آبادان می اندیشید. فرماندهی عراق می دانست، آبادان کاملا در محاصره نیست، لذا در پی فرصت مناسب بود تا با فراهم آوردن نیروی کافی، بار دیگر به عملیات گسترده[برای]عبور از شط العرب[اروند رود]و سقوط آبادان اقدام کند.» بنا به گزارش های موجود، عراقی ها لشکر ۷ پیاده و تیپ ۳۲۰ نیروی مخصوص خود را برای انجام دادن این عملیات آماده کرده بودند، لیکن اقدام ایران در اجرای عملیات محدود سبب شد تا نیروهای دشمن به مناطق مورد هجوم، اعزام شوند. (سند مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، تحلیل نبردهای بین ایران اسلامی و بعثیان عراقی، نوشته اسرای عراقی).

ثامن الائمه (ع)، نیروهای مردمی به کار گرفته نمی شـد، یعنی از بسیج و سپاه در عملیات به صورت کامل خبری نبود و سپاه امکانات نـداشت و گذشـته از این، مسـئولان نظامی حاضـر نبودنـد حتی سپاه را در حیطه کار نظامی راه بدهند و لذا، یکی از درگیری هـای مـا با بنی صـدر همین مسـئله بود. نیروهای محـدود ارتش هم طبیعی بود که با فرمانـدهی مثل بنی صـدر شانس موفقیت بسیار کمی را داشت و عملا هم موفق نبود.» (۱) .

در این تجزیه و تحلیل، «نقش سپاه و نیروی مردمی» به عنوان عامل تعیین کننـده در پیـدایش تحول در جنگ مورد تأکید قرار گرفته است، موضوعی که بنی صدر قادر و مایل به درک آن نبود و به همین دلیل، در تلاش های نظامی خود ناکام ماند.

آیت الله خامنه ای در مصاحبه دیگری با اشاره به زمان فتح خرمشهر و علت تأخیر در آزاد سازی مناطق اشغالی، فرمودند:

«در روز سوم خرداد (یعنی دیروز) خرمشهر از دست رفته و غصب شده ما برگشت و به اعتقاد من یک سال دیر برگشت، چون می توانست خرمشـهر در سال گذشـته یعنی یک سال پیش آزاد شود، اما چرا نشد؟ علتش همین عدم محاسبه و محاسـبه های غلط بود و اما آنچه که امسال را با سال گذشـته فرق می گـذارد، چیست؟ ما امکانات و انگیزه بیشتری از سال گذشـته نداریم، یعنی امام همان امام و امت همان امت است و همان حرف ها و همان توصـیه ها و همان انگیزه ها هنوز هم هست، منتها تفاوت در این است که سال گذشـته در این وقت، سپاه پاسداران جدی گرفته نمی شد و وجود سپاه در صـحنه رزم فرض نمی شد و البته سال گذشـته، مسـئول، کسانی بودنـد که امروز خوشـبختانه یا در مملکت وجود ندارند و یا خط فکریشان در این مملکت حاکم نیست، لـذا، امسال ما در کنار ارتش دلاور و مؤمن و فـداکارمان یک نیروی عظیم کارآمـد از جان گذشـته و فـداکاری داریم که عبـارت است از سـپاه و بسـیج، در صورتی که پارسـال ما این ها را نـداشتیم. البته نه به این معنا که پارسال ما سـپاه و بسیج نداشتیم، بلکه سپاه و بسیج داشتیم، اما آنچه نداشتیم، اجازه ورود این ها به میدان جنگ به طور شایسته بود...» (۲) .

به کـار نگرفتن نیروهـای مردمی و سـپاه در عرصه جنـگ حاصـل تفکر و بینش لیبرالیسـتی بنی صـدر و همچنین، بینش نظـامی کلاسـیک و سـنتی بـود. هنگـامی که این تفکرات - بـا وجـود شـعارها - در آزمـون عملی شـکست خورد، زمینه برای حضور نیروهای مردمی و انقلابی فراهم شد؛ به عبارت دیگر، حضور این نیروها، پاسخ به کاستی ها و ضرورت هایی بود که انقلاب و جنگ در آن وضعیت سخت و دشوار به آن نیاز داشتند.

سردار غلامعلی رشید در مورد وضعیتی که بن بست نظامی ایجاد کرده بود و ضرورت

۱- ۳۳۸. انتشارات سروش، مجموعه مصاحبه ها، سال ۱۳۶۱ و ۱۳۶۲، مصاحبه با مجله ی پیام انقلاب، ۱۶ / ۲ / ۱۳۶۲(تهران: سال ۱۳۶۶)، ص ۱۱۹.

۲- ۳۳۹. پیشین، مصاحبه تلویزیونی گروه سپاه پاسداران صدا و سیما،۴ / ۳ / ۱۳۶۱.

دستیابی به راه حل جدید برای شکستن این بن بست، گفت:

«پس از انتقال لشکرهای ارتش به منطقه، ارتش بسیج شد و به فرماندهی بنی صدر چهار عملیات انجام داد و ما دیدیم اتفاقی نیفتاد، یعنی تحول خاصی صورت نگرفت و عراقی ها همچنان در خاک ما ماندند. رفتیم به فکر گفتیم پس چرا ارتش آمده و اقدامات خود را انجام داد، ولی نتیجه ای نداد؟ این را هم تشخیص می دادیم که این جور نیست که مجددا بخواهند و یا بتوانند عملیات کنند. بالاخره در برخی از جلسات حاضر می شدیم و می توانستیم این مسئله را درک کنیم. وقتی آن عملیات ها را انجام دادند، احساس کردیم که حالا باید یک کار دیگری صورت بگیرد.» (۱) .

از آنجا که ناکامی نظامی علاوه بر داشتن پی آمدهای سوء سیاسی - نظامی، می توانست روحیه ناامیدی و یأس را در نیروها حاکم کند، امام خمینی در دی ۱۳۵۹ در دیدار با اقشار مردم و نیروهای نظامی و سپاه فرمودند:

«یأس، از جنود ابلیس است، یعنی شیطان ها انسان را به یأس وا می دارند.» (۲) .

همچنین، امام با توجه به موقعیت حساسی که وجود داشت، در اول بهمن ۱۳۵۹ طی پیامی به مردم و نیروهای مسلح، با اشاره به «مقطع زمانی سرنوشت ساز»، تذکراتی را در یازده بند بیان فرمودند. موضوع اصلی در پیام امام، غلبه بر اوضاع نامطلوب سیاسی - نظامی و ضرورتا، دستیابی به وحدت، ثبات سیاسی و شکستن بن بست نظامی بود. (۳) .

مسئولان سیاسی کشور که از سرنوشت جنگ نگران بودند، با حضور در جبهه های نبرد، تلاش کردند، راه حل مناسبی برای خروج از اوضاع بحرانی موجود بیابند. در همین حال شهید حسن باقری مسئول اطلاعات ستاد عملیات جنوب، در فروردین ۱۳۶۰ پس از بحث با برخی مسئولان و فرماندهان نظامی، گفت:

«باید به خود جرأت داد که این نوع جنگیدن به درد نمی خورد و لازم است استراتژی جنگ عوض شود.» (۴) .

سردار غلامعلی رشید در این باره می گوید:

«ارتش برای انجام عملیات صحبت از حرف های جدیدی نمی زد و با دیدن طرحی که ارتش با دو لشکر زرهی در ۱۶ دی ۱۳۵۹ با آن به سمت جفیر رفت که جفیر را بگیرد و خرمشهر را آزاد کند که موفق نشد، این فکر در برادران سپاه به وجود آمد که ایده جنگ را باید عوض کرد.» (۵) .

در چنین اوضاعی، مسئولان کشور نیز به تدریج در مورد فرماندهی بنی صدر دچار تردید شدند. سردار محسن رضایی در این زمینه می گوید:

---

۱ - ۳۴۰. غلامعلی رشید، «شرایط و ضرورت های تولد، رشد،تثبیت و گسترش سپاه در جنگ»، مجله سیاست دفاعی، (پژوهشکده ی علوم دفاعی دانشگاه امام حسین (ع)، شماره ی ۱۹، تابستان ۱۳۷۶، ص ۱۴.

۲ – ۳۴۱. وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، مرکز مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، صحیفه نور، مجموعه رهنمودهای امام خمینی، جلد ۱۱، (تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی)، ص ۴.

۳– ۳۴۲. پیشین، صص ۱۲ – ۸.

۴– ۳۴۳. سند شماره ۴۰۲/د، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، دفتر سالنامه ها و یادداشت های روزانه شهید حسن باقری، ۱ / ۱ / ۱۳۶۰ تا ۲۶ / ۱۲ / ۱۳۶۰.

۵– ۳۴۴. مأخذ ۵ – ص ۱۵.

«پس از ۱۴ اسفند ۱۳۵۹ این مسئله کم کم پیدا شد که گویی فرماندهی بنی صدر کارآیی ندارد، این اولین تردید در شورای عالی دفاع و مسئولان سیاسی کشور و نیروهای حزب اللهی بود.» (۱) .

بدین ترتیب، زمینه برای آغاز تحول در جنگ فراهم شد.

شکل گیری استراتژی جدید در جنگ، حاصل تحولی بنیادین بود که با حضور نیروهای انقلابی و مردمی ایجاد شد. بازشناسی منطق این تحول می تواند تا اندازه ای ماهیت و تأثیرات آن را در روند جنگ روشن کند. در حالی که بنیه دفاعی ایران در آستانه جنگ آسیب دیده بود، حضور مؤثر و تعیین کننده نیروهای مردمی برای رویارویی با دشمن (۲) منجر به شکل گیری چهار جریان با سازمان دهی متفاوت در صحنه جنگ شد:

۱- نیروهای احتیاط که به دستور ارتش فرا خوانده شدند و بنابر گزارش بنی صدر در کارنامه روزانه رئیس جمهور، در این مرحله، حدود ۸۰ هزار نیرو سازمان دهی و در یگان های ارتش به کار گرفته شدند. (۳) .

۲- نیروهای جنگ های نامنظم به فرماندهی دکتر چمران، که در پی حضور نامبرده و نماینده امام در شورای عالی دفاع در صحنه جنگ، سازمان دهی و در منطقه اهواز و سوسنگرد استقرار یافتند.

۳- نیروهای فدائیان اسلام به فرماندهی شهید مجتبی هاشمی که تنها در منطقه آبادان مستقر بودند.

۴- نیروهای بسیج ویژه تحت امر سپاه که در کنار نیروهای سپاه در مناطق مختلف، به ویژه در شهرها حضور داشتند.

پس از فروکش کردن التهاب اولیه جنگ که ناشی از تهاجم دشمن بود، بخشی از نیروهای احتیاط به دلیل عدم جذب و سازماندهی کامل در درون سازمان ارتش، به تدریج به خانه های خود بازگشتند. ستاد جنگ های نامنظم نیز با شهادت شهید چمران و پس از مصوبه مجلس شورای اسلامی مبنی بر ادغام بسیج در سپاه، منحل شد. نیروهای فدائیان اسلام نیز به تدریج در بسیج ادغام شدند. ولی نیروهای بسیج ویژه همچنان در کنار نیروهای

۱- ۳۴۵. سرلشکر محسن رضایی، درس های تجزیه و تحلیل جنگ ایران و عراق، دانشکده ی فرماندهی و ستاد سپاه، دوره ی عالی جنگ، ۱۹ / ۴ / ۱۳۷۴.

۲- ۳۴۶. در کتاب درس هایی از جنگ مدرن، جلد دوم، جنگ ایران و عراق، در این مورد نوشته شده است: «ایران با بسیج تعداد زیادی از داوطلبان جدید مردمی و واحدهای به شدت پراکنده و فاقد سازمان دهی ارتش و نیروهای انقلابی به سرعت بسیج شده، به مقابله با تجاوز عراق برخاست.» (آنتونی کردزمن و آبراهام واگز، درس هایی از جنگ مدرن، جلد دوم، ترجمه حسین یکتا، کارشناس مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، ص ۱۱۲، منتشر نشده).

۳- ۳۴۷. ابوالحسن بنی صدر، روزها بر رئیس جمهوری چه می گذرد؟ جلد اول (تهران، انتشارات سازمان آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۶۰).

سپاه در جبهه ها باقی ماندند و حتی برخی از نیروهایی که به صورت داوطلبانه و انفرادی به جبهه آمده یا در تشکیلات دیگری سازمان دهی و به کارگیری شده بودند، کم کم به بسیج ویژه سپاه پیوستند.

در چهار ماهه نخست جنگ، با وجود قابلیت و توانایی نیروهای بسیج و سپاه و نقش مؤثر آن ها در مقابله با متجاوزان، بنی صدر با مانع تراشی، عملاً از حضور و به کارگیری این نیروها جلوگیری می کرد. با این حال، به دلیل امیدواری هایی که همچنان به توانایی نیروهای کلاسیک به فرماندهی بنی صدر برای آزادسازی مناطق اشغالی وجود داشت، نیروهای سپاه و بسیج در این عملیات ها شرکت کردند که خسارات بسیاری را متحمل شدند. سردار محسن رضایی در این زمینه می گوید:

«حتی پاسداران ما فکر می کردند، بنی صدر و ارتش می توانند با این عملیات ها مناطق اشغالی را آزاد کنند، لذا بخش زیادی از نیروهای سپاه در این عملیات ها شرکت کردند و تلفات سنگینی بر آن ها وارد شد. ما هم امیدوار بودیم که شاید این ها با جنگ آشنا هستند و با امکانات، تانک و توپ که در اختیار دارند، به نتیجه برسند.» (۱) .

سپاه در این مرحله از جنگ؛ برای حضور فعال در صحنه نبرد، علاوه بر مخالفت های بنی صدر، همچنان با دو مانع اساسی و بزرگ دیگر روبه رو بود که بدون رفع این موانع، نمی توانست از نقش مؤثر و تعیین کننده ای برخوردار شود؛ نخست، بی اعتمادی مسئولان کشور به نیروهای سپاه و بسیج بود؛ گرچه دولتمردان نظام با دید تردید به ماهیت تلاش های سیاسی - نظامی بنی صدر می نگریستند و تا اندازه ای از او ناامید شده بودند، ولی هیچ امید و اعتمادی نیز به امکان موفقیت نیروهای سپاه و بسیج نداشتند. این مسئله در میزان حمایت مسئولان کشور از سپاه، مؤثر بود. (۲) مشکل دوم، وجود گرایش های موجود در سپاه و برداشت های متفاوتی که از فلسفه وجودی این سازمان و وظایف آن وجود داشت و به منزله مانعی اساسی و جدی، در برابر حضور همه جانبه و گسترده سپاه در کلیه سطوح در جبهه های جنگ خودنمایی می کرد.

۱- ۳۴۸. مأخذ ۲۲، ۱۰ / ۴ / ۱۳۷۴.

۲- ۳۴۹. سردار غلامعلی رشید در این مورد گفته است: «در همین چهار ماهه دوم جنگ (دی ۱۳۵۹ تا اردیبهشت ۱۳۶۰) به فکر عملیات های محدود افتادیم، چون عملیات های بزرگ را کسی تصویب نمی کرد. اگر ما پیشنهاد می دادیم، اعتقادی به حرف های ما نداشتند، یعنی کسی باور نمی کرد که مثلاً برویم و بگوییم ما یک طرح بزرگ داریم. نه شورای سپاه و نه کسی در تهران، قادر به تأمین بسیج نیرویی که ما پیشنهاد می دادیم هم نبودند، اصلا چنین چیزی وجود نداشت.».

با این حال، روند تحولات سیاسی در داخل کشور و تحولات نظامی در جبهه های جنگ در سال ۱۳۶۰ (۱) عبور از این موانع را آسان کرد؛ در چهار ماهه نخست جنگ (مهر تا دی ۱۳۵۹) نیروهای مردمی و انقلابی پس از بی توجهی بنی صدر، با استقرار در مناطقی از جبهه های جنگ، به تشکیل خط، شناسایی مواضع و کنترل تحرکات دشمن و همچنین، هماهنگی با نیروهای هم جوار پرداختند.

در این مرحله، سپاه، سازمان منسجم و مناسبی برای جنگ با نیروهای منظم دشمن نداشت زیرا خود را مسئول جنگ نمی دانست، با این حال، در حدود ۳۰ تا ۴۰ گردان سازمان نیافته در اختیار داشت که از مریوان تا فاو مستقر بودند. در منطقه غرب کشور نیز بیشتر، «ابوشریف» به عنوان مسئول عملیات سپاه فعال بود، ولی در منطقه جنوب، نیروهای بومی و محلی سپاه حضور و مسئولیت داشتند. (۲) .

منطقه جنوب در مقایسه با منطقه غرب از اهمیت بیشتری برخوردار بود، زیرا اهداف اصلی دشمن در استان خوزستان تأمین می شد بنابراین، توان اصلی عراق در این منطقه متمرکز شده بود. بیشتر مسئولان سیاسی - نظامی کشور نیز در جنوب حضور داشتند و حتی، بنی صدر برخی از نشست های شورای عالی دفاع را در دزفول برگزار می کرد.

بدین ترتیب، با توجه به اهمیت منطقه جنوب و ضرورت هماهنگی نیروهای سپاه در این منطقه، «ستاد عملیات جنوب» (۳) به عنوان نخستین اقدام، تشکیل شد. تشکیل این ستاد به منزله نقطه عطفی در «هویت یابی سازمان سپاه» در منطقه جنوب بود. از این پس، «ستاد عملیات جنوب» محل تمام هماهنگی های درونی و بیرونی سپاه و بین منطقه جنوب با مرکز سپاه بود. نیروهای اعزامی به منطقه جنوب نیز ابتدا به پایگاه منتظران شهادت اعزام شده و از آنجا طبق تدابیر ستاد عملیات جنوب به مناطق مختلف فرستاده می شدند.

ستاد عملیات جنوب مسئولیت منطقه دهلران تا آبادان را بر عهده داشت؛ این مناطق، به تناسب معابر تهاجم دشمن و یگان هایی که از سپاه برای مقاومت در برابر دشمن تشکیل شده بود، به چند محور تقسیم شدند:

«محور یکم: دزفول، با مسئولیت برادر رئوفی؛ محور دوم: شوش، با مسئولیت برادران شهید

۱- ۳۵۰. با تشدید درگیری سیاسی و پیوند بنی صدر با منافقین و چپ های امریکایی و دست نیافتن بنی صدر به پیروزی، توجه مسئولان از جبهه ها با بی ثباتی داخل کشور متمرکز شد.

۲- ۳۵۱. مأخذ ۵.

۳- ۳۵۲. این ستاد در باشگاه گلف اهواز، که در طول جنگ به «پایگاه منتظران شهادت» مشهور شد، مستقر بود.

مجید بقایی و مرتضی صفار؛ محور سوم: تپه های الله اکبر که بچه های مشهد در آن مستقر بودند؛ محور چهارم: سوسنگرد، با مسئولیت برادر عزیز جعفری؛ محور پنجم: کرخه کور(نور)، با مسئولیت شهید علی هاشمی؛ محور ششم: جاده اهواز – خرمشهر (ایستگاه کارخانه نورد) با حضور برادران سپاه اهواز؛ محور هفتم: منطقه فارسیات، با مسئولیت برادر اسدی؛ محور هشتم: دارخوین، با حضور بچه های اصفهان و مسئولیت شهید حسین خرازی؛ محور نهم: ماهشهر، با مسئولیت آقای عسگری؛ محور دهم: فیاضیه، با مسئولیت برادر احمد کاظمی؛ محور یازدهم: سپاه آبادان با مسئولیت برادر بنادری؛ محور دوازدهم: خرمشهر، با مسئولیت شهید جهان آرا که فرمانده سپاه این شهر بود.» (۱) .

مسئولان محورها برای ارائه گزارش، در جلسات ستاد عملیات جنوب شرکت می کردند. در این جلسات، شهید حسن باقری، رحیم صفوی، غلامعلی رشید، شمخانی و برادر احمدپور، مسئول تدارکات و پشتیبانی نیز حضور داشتند. مسئولیت این جلسات ابتدا با برادر رحیم صفوی بود و پس از آن که وی از مهر ماه ۱۳۶۰ به تهران منتقل شد، برادر غلامعلی رشید جلسات را اداره می کرد. سردار غلامعلی رشید درباره این جلسات می گوید:

«این ها می آمدند و گزارش جبهه هایشان را می دادند و بعد هم یک قسمت از وقت جلسه بحث های مربوط به پشتیبانی بود که آقای احمدپور انجام می داد. در این جلسات از آخرین حوادث مطلع می شدیم و مشکلاتی که وجود داشت، آخرین وضعیت خودی و دشمن را متوجه می شدیم.» (۲) .

تداوم جلسات مسئولان محورها و هماهنگی هایی که با تلاش ستاد عملیات جنوب انجام می گرفت، منجر به ایجاد نوعی انسجام درونی و پیدایش ایده های جدید شد؛ به عبارت دیگر، ستاد عملیات جنوب به منزله کانون «شکل گیری هویت نظامی و اندیشه های دفاعی سپاه» برای شکستن بن بست جنگ بود. استقرار طولانی نیروها در خطوط مقابل دشمن و شناسایی های انجام شده، سبب شد تا سپاه ضمن ارائه ایده ها و پیشنهادهای جدید، عملکرد بنی صدر و نیروهای نظامی را مورد نقد و بررسی قرار دهد و با توجه به امکانات و مقدورات خود، (۳) مرحله جدید جنگ را با آغاز عملیات های محدود طرح ریزی و اجرا کند. سردار محسن رضایی درباره شکل گیری این استراتژی و آغاز عملیات های محدود می گوید:

۱- ۳۵۳. پیشین.

۲- ۳۵۴. پیشین.

۳- ۳۵۵. در حالی که بنی صدر کلیه امکانات و تجهیزات نظامی شامل هواپیما، توپ و تانک را در اختیار داشت، هر گونه برنامه ریزی بر پایه آن ها بی نتیجه بود، لذا، در برنامه ریزی جدید، بر «نیروهای انقلابی و شهادت طلب» تأکید شد.

«استراتژی نظامی به طور کلی در ایران از هم پاشید. در این جا استراتژی جدید نیروهای حزب الله آغاز شد. نیروهای حزب اللهی آمدند و جنگ انقلابی را تدوین کردند و بر اساس آن یک سری عملیات های محدود انجام شد.» (۱) .

سردار غلامعلی رشید در توضیح نحوه این طرح ریزی ها می گوید:

«هرکس در هر محوری مسئول بود یک پیشنهادهایی می داد، بررسی می کردیم، وقتی قانع می شدیم، به کمک آن ها می رفتیم. تیم ما (آقا رحیم، شهید باقری و من) مثلا از اهواز می رفتیم پیش عزیز جعفری در سوسنگرد، می ماندیم پیش آن ها. اگر در عملیات کمک لازم داشتند، کمک می کردیم و مشکلات آن ها را پیگیری می کردیم.» (۲) .

با توجه به مرحله جدید جنگ، آموزه (دکترین) (۳) نیروهای انقلابی برای پاسخ به خلاء و ضرورت های موجود، عبارت بود از:

۱- تداوم جنگ با اجرای عملیات محدود؛

۲- تکیه بر وحدت، ایمان و عشق به شهادت؛

۳- جذب نیرو و گسترش سازمان رزم نیروهای انقلابی با جذب و به کارگیری نیروهای بسیجی؛

۴- هماهنگی و همکاری کامل با واحدهای پشتیبانی آتش ارتش جمهوری اسلامی ایران و به کارگیری نیرو و امکانات آن ها؛ (۴) .

۵- اتخاذ تاکتیک های جدید با اتکا بر نیروهای پیاده (۵) و اجرای عملیات در شب؛

۱- ۳۵۶. مأخذ ۱۰.

۲- ۳۵۷. مأخذ ۵.

۳- ۳۵۸. آموزه به جای دکترین به کار گرفته شده است و مهم ترین کاربرد نظامی این مفهوم آن است که نیروهای نظامی چگونه در عملیات های رزمی خواهند جنگید. (معاونت تحقیق و پژوهش دانشکده فرماندهی و ستاد سپاه، تئوری عملیات و جنگ، ۱۳۷۵، ص ۳۳).

۴- ۳۵۹. سرلشکر محسن رضایی در مورد تحول در فرماندهی و افزایش همکاری های ارتش و سپاه در این مقطع می گوید: «فرماندهی دچار یأس شد و همین نیروها به نتیجه رسیدند که اصلا آن فرماندهی فایده ای ندارد و بایستی خودشان فکری بکنند.و فرماندهان لشکرهای ارتش که در جبهه ها دیگر آن سخت گیری های قبلی را نمی کردند، همین مسئله موجب شد میدان مانور نیروهای حزب الله افزایش یابد.» (سرلشکر محسن رضایی، درس های تجزیه و تحلیل جنگ ایران و عراق، دانشکده فرماندهی و ستاد سپاه، دوره عالی جنگ، ۲۷ / ۴ / ۱۳۷۴).

۵- ۳۶۰. ستاد عملیات جنوب در تیرماه ۱۳۶۰ طی تحلیلی در این زمینه نوشت: «با طولانی شـدن جنگ، توجه سـپاه و نیروهای مردمی روی این نکته متمرکز شـد که با توجه به محـدودیت و آسـیب پـذیری وسایل زرهی و عـدم امکان جایگزینی آن ها با موقعیت فعلی انقلاب اسـلامی ایران - به علت مخالفتش با ابرقـدرت های سازنـده این وسایل - بهترین راه تکیه بر اسـتفاده از نیروهای پیاده می تواند باشد.» (مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، اسناد ستاد عملیات جنوب).

۶- آشنایی با وضعیت زمین منطقه و استفاده کامل از آن؛

۷- ایجاد شبکه اطلاعاتی در خطوط برای جمع آوری اطلاعات از دشمن و تکیه بر اطلاعات در طرح ریزی؛

۸- استفاده بیشتر از سلاح هایی که مهمات آن ها در اختیار باشد، مانند آر. پی جی - ۷. (۱) .

در مرحله جدید، با توجه به تجارب ناشی از عملیات های گذشته، بر کسب اطلاعات دقیق از دشمن و آشنایی کامل با زمین منطقه و بهره برداری مناسب از آن نیز تأکید می شد.

به این ترتیب، نخستین عملیات با مشخصه های جدید و کاملا متفاوت با روش های گذشته و در عین حال، کاملا مطابق با توان و مقدورات خودی، در ۲۶ اسفند ۱۳۵۹ در جبهه غرب سوسنگرد با نام مبارک امام مهدی (عج) طرح ریزی و اجرا شد. در این عملیات، نیرویی در حد یک گردان مانوری تقویت شده با استعداد ۳۵۰ تن توانستند به نیروهای دشمن که شامل یک گردان پیاده، یک گروهان تانک و دو گروهان مکانیزه بودند، حمله کنند و ضمن انهدام دشمن، ۷۰ تن از آن ها را به اسارت درآوردند. (۲) .

در پی این عملیات، جبهه ها جان تازه ای گرفت و استراتژی جدید جنگ که متکی به تهاجم با نیروهای پیاده بود، پی ریزی شد و در ادامه آن، عملیات های «الله اکبر» و «شوش» به اجرا درآمد. این استراتژی در فروردین ماه مورد پذیرش سران نیروی زمینی و ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران قرار گرفت که یکی از نتایج آن، آزاد شدن ارتفاعات الله اکبر و پنج کیلومتر از غرب سوسنگرد بود. (۳) .

در آموزه های جدید که برای نخستین بار به معرض آزمون گذاشته شده بودند، بر خلاف آموزه نیروهای کلاسیک که در شکستن خطوط دشمن و پیشروی، بیشتر، بر آتش و نیروی زرهی تأکید می شد، نیروی پیاده اساس کار را تشکیل می داد. بهره برداری از تاریکی هوا و اجرای عملیات در شب نیز بخش دیگری از ویژگی های آموزه جدید بود که به منظور جبران کمبود امکانات مورد تأکید بود، ضمن این که تجربه نشان داد دشمن در برابر عملیات در شب آسیب پذیر است.

۱- ۳۶۱. موارد ۶، ۷ و ۸ در این قسمت، با استفاده از گزارش واحد اطلاعات عملیات سپاه خوزستان با عنوان «اوضاع سیاسی فعلی جنگ در جنوب و مسئله محاصره آبادان»، ص ۲، تهیه شده است.

۲- ۳۶۲. ستاد عملیات جنوب،واحد اطلاعات عملیات سپاه خوزستان، گزارش اوضاع سیاسی فعلی جنگ در جنوب و مسئله محاصره ی آبادان، ۲۵ / ۴ / ۱۳۶۰.

۳- ۳۶۳. ستاد عملیات جنوب، گزارش از موقعیت جنگ در ماه دهم. ۶ / ۴ / ۱۳۶۰، ص ۱.

اجرای عملیات محدود

در ادامه رونـد جدیـد جنـگ، در مجموع ۲۵ عملیات محـدود (۱) از اسـفند ۱۳۵۹ تـا مهر ۱۳۶۰ انجـام گرفـت که نقش تعیین کننده ای در روند تحولات جنگ داشت؛ در این عملیات ها، ضـمن اینکه نیروهای ارتش و سـپاه هماهنگی لازم را با یکدیگر داشتند، نیروهای انقلابی در طرح ریزی، فرماندهی و اجرا، نقش محوری را بر عهده داشتند.

مرحله اول این عملیات ها که از اسفند ۱۳۵۹ تا ۲۱ خرداد ۱۳۶۰ ادامه داشت هم زمان با خلع بنی صدر از فرماندهی کل قوا و اوج گیری بحران سیاسـی در داخـل کشـور بـود. در ایـن مرحله، در مجمـوع ۱۴ عملیـات محـدود در محورهای مختلف انجام گرفت که عبارت بودند از:

۱- عملیات کلینه در منطقه دشت ذهاب در ۱۴ اسفند ۱۳۵۹؛ این عملیات به منظور آزادسازی روستای سید صادق و کلینه و با استعداد یک گردان انجام گرفت. در این عملیات، روستای کلینه آزاد شد و ۶۴ تن از نیروهای دشمن به اسارت در آمدند.

۲- عملیات روی ارتفاعات چغالونـد در منطقه گیلان غرب در ۲۴ اسفند ۱۳۵۹؛ این عملیات برای آزادسازی ارتفاع چغالوند و بـا ترکیب نیروهـای سـپاه و ژانـدارمری انجام گرفت. آزادسازی ارتفاع چغالونـد و اسارت ۱۶ تن از عراقی هـا از جمله دسـت آوردهای این عملیات بود.

۳- عملیات امام مهدی (عج) در غرب منطقه سوسنگرد در ۲۶ اسفند ۱۳۵۹ که پیش از این، به آن اشاره شد.

۴- عملیـات قـوچ سـلطان در منطقـه مریـوان، در اول فروردین ۱۳۶۰؛ این عملیـات به منظور آزادسـازی ارتفـاع قوچ سـلطان و روسـتاهای اطراف آن و با اسـتعداد دو گردان از سپاه و ارتش انجام گرفت. در این عملیات، نیروهای خودی ضمن آزادسازی ارتفاع یاد شده و روستاهای اطراف آن، ۸۷ تن از نیروهای دشمن را به اسارت درآوردند.

۵- عملیـات در ارتفاعات ذیل در منطقه ایلام در ۱۴ فروردین ۱۳۶۰؛ این عملیات ایذایی و هدف آن، انهدام سـنگر و نیروهای دشمن بود. نیروهای عمل کننده در این عملیات یک دسته از سپاه ایلام بودند.

۶- عملیـات حضـرت مهـدی (عـج) در منطقـه غرب دزفـول در ۱۵ فروردیـن ۱۳۶۰؛ این عملیـات به منظـور تصـرف کانـال ال (هندلی) و تپه چشمه و با استعداد دو گروه گشتی - رزمی

۱- ۳۶۴. در مجموع در این مرحله، ۲۵ عملیات محدود انجام گرفت که نظر به اهمیت عملیات «فرماندهی کل قوا خمینی روح خـدا» در دارخوین و هم زمانی آن با حذف بنی صدر از صـحنه سیاسـی کشور، مرحله اول این عملیات در این بحث، توضـیح داده شده است.

رزمی از ارتش و یک گردان از سپاه و بسیج عشایر انجام گرفت که تنها تپه چشمه آزاد و تلفاتی بر دشمن وارد شد.

۷- عملیات امام مهدی (عج) در منطقه شوش در ۲۵ فروردین ۱۳۶۰؛ این عملیات برای تصرف بلندی های زغن و شلیبه و با استعداد یک گروهان تقویت شده از نیروهای سپاه و ۱۸ تن داوطلب از لشکر ۲۱ حمزه انجام شد که در مراحل اولیه موفق بود، ولی با افزایش فشار دشمن، نیروهای خودی به مواضع خود عقب نشینی کردند. اسارت ۲۴ تن از عراقی ها، انهدام ۲۲ دستگاه تانک و نفربر و یک فروند هلی کوپتر بخشی از نتایج این عملیات بود.

۸- عملیات بازی دراز در منطقه سر پل ذهاب که از دوم تا دهم اردیبهشت ۱۳۶۰ ادامه داشت؛ این عملیات برای آزادسازی ارتفاعات بازی دراز و تسلط بر مواضع دشمن در منطقه سرپل و قصر شیرین و با استعداد دو گردان از سپاه و دو گردان از ارتش انجام گرفت. شناسایی اولیه منطقه را برادران سپاه انجام دادند. در این نبرد، قله های ۸۵۰، ۹۰۰، ۱۰۰۰، ۱۱۰۰ از ارتفاعات بازی دراز آزاد شد و بیش از ۷۰۰ تن از عراقی ها،به اسارت در آمدند.

۹- عملیات آزادسازی تنگه حاجیان در منطقه گیلان غرب در ۱۲ اردیبهشت ۱۳۶۰؛ این عملیات ۱۰ روز پس از عملیات بازی دراز و به منظور آزاد سازی تنگه حاجیان و باز شدن جاده مواصلاتی گیلان غرب به جبهه شیشه راه و سرپل و با شرکت ۹۰۰ تن از نیروهای سپاه انجام گرفت. آزادسازی تنگه حاجیان و اتصال جاده مواصلاتی جبهه های گیلان غرب به سرپل ذهاب و اسارت بیش از ۱۰۰ تن از نیروهای دشمن از جمله نتایج این عملیات بود.

۱۰- عملیات شیخ فضل الله نوری در منطقه آبادان در ۲۵ اردیبهشت ۱۳۶۰؛ این عملیات به منظور آزادسازی تپه های مدرن و با استعداد دو گروهان ۶۰ نفره که از نیروهای ارتش و سپاه تشکیل می شدند، انجام گرفت. سپاه در طرح ریزی و اجرای این عملیات نقش محوری را بر عهده داشت. تپه های مدن در این عملیات آزاد و ۲۲ دستگاه تانک و نفربر دشمن منهدم شدند و ۷۰ تن از نیروهای عراقی نیز به اسارت درآمدند.

۱۱- عملیات امام علی (ع) روی تپه های الله اکبر در ۳۱ اردیبهشت ۱۳۶۰؛ این عملیات از سه محور شوش، غرب سوسنگرد و تپه های الله اکبر به منظور تصرف تپه های الله اکبر و تپه های حد فاصل شلیبه - عنکوش، به صورت مشترک انجام گرفت. در این عملیات، دشمن از محور غرب سوسنگرد عقب رانده شد و ۴۰۰ تن از نیروهای عراقی به اسارت در آمدند. همچنین، محور الله اکبر و تپه های شحیطه در شمال غربی الله اکبر آزاد شدند. در این محور، علاوه بر اسارت عده ای از نیروهای دشمن، ۶۵ دستگاه تانک و نفربر نیز به غنیمت

گرفته شد. در محور شوش نیز نیروهای خودی مواضع مورد نظر را تأمین کردند و بیش از ۱۰۰ تن از نیروهای دشمن را به اسارت در آوردند.

۱۲- عملیات آزادسازی ارتفاع و روستای کاوه زهرا و ارتفاع موسوک در منطقه پاوه - مریوان در ۸ خرداد ۱۳۶۰؛ این عملیات برای آزادسازی ارتفاعات مرزی هوارما و روستای کاوه زهرا و با شرکت ۸۰ تن از نیروهای سپاه و ۸۰ نیروی داوطلب ارتش انجام گرفت. آزادسازی بخشی از ارتفاعات منطقه و اسارت ۱۷ تن از دشمن، از نتایج این عملیات بود.

۱۳- عملیات ایذایی در منطقه دهلران - چیلات، در ۱۱ خرداد ۱۳۶۰؛ در این عملیات پنج تانک و نفربر دشمن منهدم شد و بیش از ۶۰ تن از نیروهای عراقی به اسارت درآمدند.

۱۴- عملیات فرماندهی کل قوا در منطقه دارخوین در ۲۱ خرداد ۱۳۶۰؛ این عملیات با توجه به اوضاع سیاسی کشور و همچنین از لحاظ منطقه عملیات و تأثیرات آن در شکستن محاصره آبادان، از اهمیت بیشتری نسبت به سایر عملیات ها برخوردار بود. (۱) .

در این عملیات که نیروهای سپاه آن را طراحی کرده بودند، ۳۶۴ تن (۲) از رزمندگان با فرماندهی سپاه شرکت داشتند. اجرای آتش پشتیبانی نیز با نیروهای ارتش بود.

به دلیل اهمیت منطقه عملیاتی دارخوین برای دشمن، به عنوان جناح شمالی منطقه سرپل، ارتش عراق ۱۴۰۰ تن از نیروی پیاده و ۵۰۰ تن از نیروی مخصوص خود را همراه با ۶۵ دستگاه تانک و نفربر در این منطقه مستقر کرده بود.

هدف این عملیات، تصرف خاکریزهای دشمن و سه کیلومتر پیشروی به سمت جنوب (به طرف پل مارد) بود. مهمترین تلاش در این عملیات، حفر کانال برای نزدیک شدن به مواضع دشمن بود که برای اولین بار در جنگ به دست نیروهای سپاه انجام گرفت. حفر این کانال که سه ماه طول کشید، در غافلگیری دشمن و موفقیت عملیات نقش مؤثری داشت.

۱- ۳۶۵. برابر اسناد به دست آمده از دشمن، بخش «ثبت تحلیل نبردها» در مورد این عملیات نوشته است: «اهداف مورد نظر دشمن[ایران]محقق شد. به سبب دستیابی آنان به خطوط اول واحدهای ما در دارخوین و وارد آوردن خسارت های سنگین بر آنان و این که علی رغم خسارت های وارده به نیروهای دشمن[ایران]، آن ها به مواضع خود عقب نشینی نکردند.» در مورد محاسن عملیات آمده است: «به کارگیری نیروهای پیاده به شیوه بسیار عالی و در حد زیاد، به کارگیری توپخانه سنگین به طور مؤثر». در مورد معایب آمده است: «ضعفی وجود نداشت.» (اصغر کاظمی، خرمشهر در اسناد ارتش عراق، دفتر ادبیات و هنر مقاومت، ۱۳۷۵، ترجمه سند ۸، ص ۳۷).

۲- ۳۶۶. مجموع نیروهای سپاه در این عملیات برابر یادداشت های شهید حسن باقری بیش از ۷۰۰ تن بودند، ولی این تعداد نیروهایی بودند که برای اجرای عملیات در ساعات اولیه تک، با دشمن درگیر شدند.

عملیات دارخوین در ساعت ۳۰: ۳ بامداد ۲۱ خرداد ۱۳۶۰ از سه محور آغاز شد. در این عملیات نیروهای خودی با دو تا سه کیلومتر پیشروی در منطقه، حد فاصل رودخانه کارون تا جاده آبادان - اهواز، ضمن انهدام بیش از ۳۰ دستگاه تانک و نفربر و یک فروند هلی کوپتر دشمن، موفق شدند ۳۰۰ تن از متجاوزان را به اسارت در آوردند. پس از عملیات، دشمن طی سه روز متوالی برای باز پس گرفتن منطقه آزاد شده تلاش کرد، ولی نتیجه ای نگرفت.

درباره ویژگی های این عملیات، آقای هاشمی رفسنجانی طی پیامی به کنگره یادواره عملیات دارخوین نوشت:

«عملیات دارخوین با این که در مقایسه با عملیات وسیع پس از آن، وسیع و طولانی نبود، اما ویژگی ارزشمند آن در این است که نقطه پایان یک دوره رکود و زمین گیری و نقطه آغاز حرکت و پیروزی های عظیم و حماسی نیروهای جهادگر اسلامی مان در تاریخ دفاع مقدس است. ابتکار سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در حفر کانالی به طول دو کیلومتر و با عمق یک متر و هشتاد سانتی متر در دل تاریک شب، از جلوه های زیبا و با شکوه این عملیات در زمان خود است.» (۱) .

نتایج عملیات محدود

اجرای سلسله عملیات های محدود در منطقه جنوب و غرب کشور گرچه بر سرنوشت نهایی جنگ تأثیر تعیین کننده ای نداشت، اما در ایجاد اعتماد به نفس و امید به پیروزی در نیروهای خودی و تضعیف روحیه عراقی ها با اهمیت بود. این عملیات ها در برخی از مناطق، آزمایش و مقدمه ای برای عملیات های بعدی بودند؛ علاوه بر آن در تکمیل پایه های استراتژی جدید نظامی - که پس از بن بست ایجاد شده در جنگ به وجود آمده بود - نقش قابل توجهی داشتند. اجرای «عملیات محدود» نتایج دیگری نیز در برداشت که عبارت بودند از:

۱- پیروزی های به دست آمده در این عملیات ها علاوه بر نمایاندن ضعف های دشمن، توانایی و قابلیت نیروهای انقلابی و مؤثر بودن استراتژی جدید را نشان داد. بر همین اساس، برادران سپاه در جلسه ای با حضور حجت الاسلام اشراقی نماینده امام، تیمسار فلاحی، تیمسار ظهیرنژاد و فرماندهان لشکرهای ۱۶، ۲۱، ۹۲، ۷۷ ارتش، طرح خود را با عنوان «استراتژی عملیاتی در جنوب» به شرح زیر ارائه کردند:

«الف) محورهای دزفول و شوش و منطقه سوسنگرد؛ در این منطقه به علت گستردگی منطقه و پیوسته بودن جبهه ها امکان عمل وسیع در موقعیت فعلی برای ما مشکل و یا غیر ممکن است و شیوه های تک محدود نتیجه مطلوب تری را برای نیروهای خودی به همراه دارد.

۱- ۳۶۷. روزنامه اطلاعات، ۲۱ / ۳ / ۱۳۷۷.

ب) منطقه آبادان؛ در منطقه عمومی آبادان نیز به علت دشت و هموار بودن زمین و پیوستگی نیروها و در اختیار نبودن جناحین دشمن، امکان حمله محدود، مشکل و یا غیر ممکن است و نمونه آن، تک دارخوین در تاریخ ۲۱ / ۳ / ۱۳۶۰ می باشد که دشمن توانست تمام آتش و توجه خود را به این جبهه معطوف نماید، لذا برای حمله به نیروهای دشمن در شرق کارون باید تک گسترده و همه جانبه صورت گیرد.» (۱) .

به عبارت دیگر، با توجه به شناخت سپاه نسبت به استعداد و آرایش دشمن در منطقه جنوب و نیز توان و مقدورات نیروهای خودی و تناسب آن با زمین منطقه، در این طرح تأکید شده بود که در سایر محورها عملیات محدود انجام شود ولی در محور آبادان به منظور شکستن حصر آبادان، عملیات گسترده صورت گیرد. به باور سپاه، گرچه آبادان تنها برگ امتیازگیری دشمن در جنگ بود، ولی به لحاظ موقعیت زمین منطقه، وضعیت عقبه دشمن - که متکی بر دو پل رودخانه کارون بود - و جناح گسترده عراق از شمال و جنوب منطقه، دشمن کاملا آسیب پذیر بود و در صورت انجام دادن عملیات گسترده، دست به عقب نشینی می زد. بر همین اساس، طرح یاد شده به دلیل برخورداری از ویژگی های مستحکم نظامی، در حضور فرماندهان ارشد نظامی ارتش مورد تصویب قرار گرفت. (۲) .

۲- برابر مدرکی که پس از عملیات دهلاویه و دارخوین از دشمن به دست آمد، ارتش عراق در بررسی شکست های خود، در مورد نیروهای ایرانی چنین اظهار نظر می کند:

«الف) نیروهای انسانی ایران سه برابر نیروی انسانی عراق است، لذا ایران درصدد برآمده از این عامل استفاده کند.

ب) نیروهای ایرانی با وجود اختلافاتی که با هم دارند، همه دستورهای آیت الله خمینی را اجرا می کنند. ج) سران نظامی ایران بین خود اختلاف نظرهای بسیاری دارند و حمله هایی که به وسیله افراد پیاده انجام می دهند، طرح شخصی است و زمان معینی ندارد و به نگهبانان دستور می دهند باید در تمام ساعت های شبانه روز هوشیار باشند. حمله های نیروهای پیاده ایران راه کار مشخصی نیز ندارند و از مکان معلومی حمله نمی کنند. گاه از پهلو و حتی گاهی نیز جبهه ای حمله می کنند.» (۳) .

۳- پس از آن که در ۳۱ اردیبهشت ۱۳۶۰ با کمک نیروهای ارتش، عملیات مشترک روی تپه های الله اکبر در محور شوش و سوسنگرد انجام گرفت، روحیه یأس و ناامیدی از

۱- ۳۶۸. مأخذ ۱۸.

۲- ۳۶۹. طرح اولیه سپاه پس از تصویب آن در جلسه ای که مورد اشاره قرار گرفت، تهیه و در تاریخ ۲۵ / ۴ / ۱۳۶۰ تحت عنوان طرح پیشنهادی عملیات حمزه (ع) یک نسخه به قرارگاه مرکزی نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی در جنوب ارسال شد و با لشکر ۷۷ نیز هماهنگی لازم انجام گرفت.

۳- ۳۷۰. مأخذ ۱۹، ص ۳.

نیروهای نظامی و مسئولان سیاسی برطرف شد. بنی صدر در اطلاعیه ای که صادر کرد، از برادر صفوی و دکتر چمران نام برد و از آن ها تشکر کرد. سردار رشید در این باره می گوید:

«ارتش و مسئولان را که کاملا مأیوس شده بودند، به فکر فرو برد. من احساس کردم که فرماندهان ارتش، فرماندهان تیپ و لشکر از این عملیات های محدود خوشحال بودند، چون از آن ها کمک می گرفتیم. وقتی عملیات انجام می دادیم، اسیر می گرفتیم یا یک کیلومتر پیشروی می کردیم یا منطقه ای را تصرف می کردیم، خوشحال می شدند و ما این تغییر حالت را در چهره آن ها مشاهده می کردیم.» (۱) .

۴- عملیات فرمانده کل قوا بلافاصله پس از خلع بنی صدر از فرماندهی کل قوا انجام گرفت. پیش از آن، بسیاری بر این باور بودند که کشور در گرداب عمیق بی ثباتی سیاسی «فرو خواهد رفت و سرنوشت نظام انقلابی با توجه به حضور نیروهای دشمن در خاک ایران، تعیین خواهد شد. از سوی دیگر، بنی صدر با تبلیغات گسترده خود، این تصور را ایجاد کرده بود که تنها او قادر به ادامه و مهار جنگ و به کارگیری نیروهای نظامی می باشد، لذا بسیاری از منابع غربی احتمال حمایت نیروهای نظامی از بنی صدر را مورد بررسی قرار دادند.

بنابراین، با پیروزی عملیات فرمانده کل قوا که در آن، برای نخستین بار نیروهای خودی با ۵ / ۳ کیلومتر پیشروی، ۲۵۰ تن از نیروهای دشمن را به اسارت در آوردند، تصورات موجود در هم شکست و امکان عبور از مرحله بحران سیاسی با این پیروزی نظامی، فراهم شد.

۵- چنان که پیش از این اشاره شد، به دلیل وجود گرایش های گوناگون در سپاه، امکان تمرکز کلیه امکانات و انتقال افراد سپاه به جنگ وجود نداشت. به طور کلی، در سپاه سه تفکر و گرایش متفاوت نسبت به جنگ وجود داشت؛ جریان اول: برخی تنها به انجام عملیات نامنظم در کردستان با هدف مبارزه با ضد انقلاب اعتقاد داشتند. این طرز تفکر علاوه بر اینکه متأثر از نوع وظایف و رسالت سپاه به عنوان نیروی انقلابی بود، اساسا از آنجا ناشی می شد که بخشی از نیروهای سپاه برای مقابله با ضد انقلاب در منطقه کردستان حضور داشتند و ضمن آشنایی با منطقه، در زمینه جنگ های نامنظم نیز تجارب ارزنده ای به دست آورده بودند. در این میان، ابوشریف، مسئول عملیات سپاه که دارای تجربه جنگ چریکی بود، در پیشبرد این تفکر نقش مؤثری داشت. جریان دوم: به مداخله سپاه در جنگ معتقد بودند ولی به دلیل ویژگی سازمان سپاه، بیشتر به جنگ های نامنظم در منطقه غرب کشور - به خاطر کوهستانی بودن این منطقه - تمایل داشتند، از این رو، نیروهایی را که در جنوب با دشمن درگیر بودند، برای جنگ به غرب کشور دعوت می کردند. برادر رشید در این زمینه می گوید:

۱- ۳۷۱. مأخذ ۵.

«دسته دوم اعتقاد به شرکت در جنگ داشتند ولی سازمان آن را مناسب نمی دانستند، و معتقد نبودند سپاه قادر است همراه با ارتش در جنگ بجنگد، لذا می گفتند به غرب بیایید.» (۱) .

جریان سوم: بیشتر، نیروهای بومی منطقه خوزستان بودند که از ابتدای جنگ در شهرها و مناطق مختلف در برابر دشمن جنگیده و در این زمینه تجربه مناسبی اندوخته بودند. به عقیده این دسته، سپاه قادر بود با دشمن در منطقه جنوب درگیر شده و به پیروزی دست یابد. این جریان برخلاف دو جریان قبلی که مورد حمایت مرکزیت سپاه بودند، از پشتیبانی عمده ای در تهران برخوردار نبود، با این حال، در مقایسه با سایر نیروهایی که در غرب کشور استقرار داشتند، از نظر امکانات و نیرو خود کفا بودند. این مسئله و همچنین، حضور مداوم و درگیری آن ها با دشمن سبب شد که به تدریج مورد توجه و حمایت قرار گیرند. در این باره، ابتدا شهید کلاهدوز ارتباطی نسبتا منطقی با ستاد عملیات جنوب برقرار کرد و در مرحله بعد، پس از شهادت وی و انتصاب برادر رضایی به دستور امام، به فرماندهی کل سپاه، جریان سوم بر کل سپاه غالب شد و به تدریج امکانات و نیروهای سپاه به جنگ منتقل شدند. (۲) .

۶- سپاه در مرحله جدید، به موازات کسب نقش تعیین کننده در جنگ، با افزایش حضور نیروهای رزمی سپاه و نیروهای مردمی - که طبق مصوبه مجلس در سپاه ادغام شده بودند - (۳) .

ص: ۱۳۴

۱- ۳۷۲. پیشین.

۲- ۳۷۳. علاوه بر این مسائل، به نظر می رسد حذف بنی صدر و منافقین از یک سو و از سوی دیگر پیروزی های به دست آمده در عملیات های محدود و ضرورت بیرون راندن متجاوزان، در این تحول نقش بسزایی داشت.

۳- ۳۷۴. سپاه در پی مصوبه ۱۲ / ۹ / ۱۳۵۹ مجلس، پس از برگزاری گردهمایی فرماندهان در ۲۵ آذر ۱۳۵۹ قطع نامه ای را صادر کرد و در اختیار رسانه ها قرار داد که در آن آمده بود: «با توجه به مسئولیت سپاه و سازمان دهی بسیج نیروهای مردمی که پایه های آن را سپاه به وجود آورده است و از طرف ملت و نمایندگان محترم مجلس شورای اسلامی رسما به سپاه محول شد، لازم است امکانات و تجهیزات کافی در اختیار سپاه قرار گیرد تا به نحو شایسته این نیروی عظیم مردمی را سازمان دهی و اهداف عالی امام را به نحو احسن اجرا کند.» (روزنامه انقلاب اسلامی، ۲۵ / ۹ / ۱۳۵۹) حجت الاسلام اسدالله بیات عضو کمیسیون دفاع مجلس شورای اسلامی در این باره گفت: «حدود چهل روز قبل، عده ای از نمایندگان به خاطر مسئله جنگ و نیز سازمان دهی بهتر بسیج و اعمال فرماندهی مکتبی سپاه در بسیج، لایحه ای با قید دو فوریت تقدیم مجلس کردند... عده ای مخالف ادغام سازمان بسیج در سپاه بودند و می گفتند بسیج و سپاه و ارتش ارگان های مستقلی هستند و بنابراین نباید بسیج را در سپاه ادغام کرد... سرانجام بر اساس استدلال های قوی به این نتیجه رسیدیم که سپاه به عنوان یک ارگان مستقل و متکی به مکتب بوده که قانون اساسی هم بر آن صحه گذاشته و برای آن نیروی ذخیره پیش بینی کرده و ما نیروی ذخیره سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را همین سازمان بسیج می دانیم.» (سپاه پاسداران، مجله «پیام انقلاب»، شماره ۲۱، ۱۲ / ۹ / ۱۳۵۹) در همین روند، در ۹ دی ۱۳۵۹ ماده واحده ای در مجلس به تصویب رسید مبنی بر این که از آن پس، سپاه قادر به استفاده از نیروهای وظیفه باشد. در این ماده واحده آمده است: «به سپاه پاسداران اجازه داده می شود که تعداد نفرات مورد نیاز خود را

از میان مشـمولین خدمت نظام وظیفه طبق ضوابط و صـلاحیت های مقرر در سـپاه پاسداران انتخاب کند و آموزش دهد و پس از پایان دوره خدمت وظیفه، برگ خاتمه خدمت صادر نماید.».

در صحنه نبرد مواجه شد. در چنین وضعیتی سپاه، با استفاده از توانمندی ها و قابلیت های که کسب کرده بود، از خرداد تا مهر ۱۳۶۰ در مجموع هفت عملیات محدود را به موازات گسترش بحران سیاسی در داخل کشور، طرح ریزی و اجرا کرد.

در این مرحله، سپاه طرح عملیات گسترده ای را برای شکستن حصر آبادان با عنوان «طرح عملیاتی حمزه» در ۲۵ تیر ۱۳۶۰ برای قرارگاه مقدم نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران در جنوب و با امضای فرمانده عملیات سپاه جنوب برادر رحیم صفوی ارسال کرد. (۱) .

بدین ترتیب، سپاه در چارچوب تفکر نظامی جدید خود، دو اصل دیگر را علاوه بر آنچه پیش از این به عنوان اصول اجرای عملیات ارائه کرده بود، مطرح کرد؛ (۲) نخست، استعداد نیروهایی که سپاه در هر عملیات جذب و سازمان دهی می کرد، باید در مقایسه با عملیات قبلی افزایش می یافت. بر همین اساس، یازده ماه پس از عملیات دارخوین که در آن، تنها حدود دو گردان نیرو شرکت داشتند، در عملیات بیت المقدس، بیش از ۱۰۰ گردان در سازمان تیپ و با قرارگاه لشکری، وارد عمل شدند. اصل دوم - برای طرح ریزی عملیات - مبتنی بر استفاده از راه کارهایی بود که برای دشمن قابل پیش بینی نباشد و منجر به غافل گیری آن شود.

۷- تغییر نگرش دشمن نسبت به تحولات تاکتیکی جدید ایران، یکی دیگر از نتایج اجرای عملیات محدود بود. در یکی از اسناد به دست آمده از دشمن با اشاره به تاکتیک جنگی گذشته ایران و تفاوت هایی که بعدا در این زمینه ایجاد شد، آمده است:

«در مدتی که از جنگ گذشته، دشمن[ایران]تاکتیک مشخص و روشنی نداشته و این فقط به دلیل ناتوانی فرماندهی نظامی در اتخاذ تصمیم است. جمعیت ایران سه برابر جمعیت عراق است و لذا نیروی پیاده ارتش ایران، هم سه برابر نیروهای پیاده عراقی است و در این اواخر، دشمن با استفاده از این امتیاز با نیروی پیاده به خط ما حمله می کند.» (۳) .

البته، گرچه دشمن به برخی تحولات تاکتیکی ایران پی برده بود، لیکن ابعاد این تحول در گام های نخست برای او روشن نبود، به همین دلیل، پس از شتاب گرفتن روند عملیات های آزادسازی مناطق اشغالی، دشمن دچار نوعی عقب ماندگی شد.

۱- ۳۷۵. در صفحه های بعد در این مورد توضیح داده خواهد شد.
۲- ۳۷۶. دو اصل یاد شده را برادر محسن رضایی پس از انتصاب به فرماندهی کل سپاه، طرح کرد و مورد تأکید قرار داد.
۳- ۳۷۷. مأخذ ۱۸.

همچنین، در اسناد دشمن (۱) ضمن اشاره به برخی دیگر از ویژگی های تاکتیکی عملیات های ایران و تحلیل آن ها، چگونگی مقابله با این تاکتیک ها نیز گوشزد شده است:

«- دشمن[ایران]در حملات خود به فاصله دو جبهه و عوارض[ایجاد شده]دیگر، توجه نمی کند و از نقاطی دست به حمله می زند که کمتر قابل پیش بینی است؛ (۲) در مواضع دفاعی از مقابل حمله نمی کند، لذا دیده بانان و نگهبانان باید در تمام جهات آمادگی مقابله با حمله های غافل گیرانه دشمن[ایران]را داشته باشند.

- چون ساعت حمله دشمن نیز مشخص نیست، نگهبانان باید در طول ساعات شبانه روز مراقب باشند.

- چون دشمن[ایران]سعی در از بین بردن زرهی ما را دارد، کوشش گردد که تانک ها را از مواضع خارج نکنند تا مورد اصابت سلاح های ضد تانک قرار نگیرند و فقط از اسلحه سبک علیه پیاده ها استفاده کنید.

- سیستم اعلام خطر در طول جبهه ها کار بگذارید و همیشه از ایستگاه های استراق سمع و شنود در خطوط جبهه استفاده کنید.

- حتما از میدان های مین در جلو مواضع دفاعی خود استفاده کنید.

- نسبت به اعزام نیروهای گشتی - رزمی اقدام مستمر صورت گیرد.» (۳) .

افزون بر این، بخش دیگری از ویژگی های عملیات های سپاه عبارت بود از: «عملیات غافل گیرانه در حرکت و رخنه»، «عمل از راه کارهای غیر قابل پیش بینی»، «تکیه اصلی بر نیروی پیاده» و «شناسایی بسیار دقیق زمین منطقه و معابر نفوذی».

در توصیه های دفاعی دشمن به مسائل دیگری نیز اشاره شده است که نمایانگر درک دشمن از ویژگی های عملیات های جدیدی بود که از تدوین برنامه ها و اتخاذ تاکتیک های جدید نظامی نشأت گرفته بود.

۱- ۳۷۸. سردار غلامعلی رشید درباره این اسناد، در حاشیه کتاب حاضر نوشته است: «در تحلیل های دشمن عملیات های سپاه چند مشخصه داشت: ۱- در شب و یا قبل از روشنایی (مثلا ساعت ۴ صبح - ۳ صبح) حمله می کردند؛ ۲- کاملا غافلگیرانه عمل می کردند در حرکت و رخنه در دشمن؛ ۳- از راه کارهای پیش بینی نشده برای دشمن استفاده می کردند.(راه کارهای شناخته شده همان راه کارهایی بود که نیروهای کلاسیک، با داشتن عقبه و جاده های اصلی علاقمند بودند استفاده کنند)؛ ۴- تکیه اصلی بر نیروی پیاده بود؛ ۵- شناسایی زمین و معابر نفوذی بسیار دقیق و عمیق بود.».

۲- ۳۷۹. این مشخصه یکی از دلایل اصلی در غافلگیری دشمن بود، در واقع، عملیات هایی که در چارچوب تفکر کلاسیک صورت می گرفت، کاملا برای دشمن شناخته شده بود.

۳- ۳۸۰. پیشین.

۸- شکل گیری ترکیب جدید ارتش و سپاه برای عملیات مشترک از برجسته ترین نتایج اجرای عملیات محدود بود؛ در مرحله جدید، سپاه سلسله عملیات های محدود را بر پایه شناسایی نیروهای مستقر در محورها و با اتکا به نیروی پیاده و اجرای عملیات در شب طرح ریزی می کرد. درخواست آتش پشتیبانی و هماهنگی با نیروهای ارتش که در منطقه مستقر بودند، تنها مواردی بود که در این عملیات ها انجام می گرفت ولی بعدها، به موازات پیروزی های به دست آمده در این عملیات ها و امیدواری نیروهای ارتش و همچنین حذف بنی صدر از صحنه سیاسی کشور، بسیاری از نیروهای متدین و حزب اللهی ارتش بدون هماهنگی با رده بالاتر، امکانات لازم را در اختیار نیروهای سپاه قرار می دادند. سردار محسن رضایی در این مورد می گوید:

«ناکامی در جنگ و از بین رفتن فرماندهی قاطع، موجب شد، نیروهای انقلابی به این نتیجه برسند که «باید کاری انجام داد.» از این پس نیروهای کلاسیک نقش محوری نداشتند، بلکه به عنوان پشتیبانی عملیات با آتش، با برادران سپاه هماهنگی می کردند. این هماهنگی ها[به طور]محلی انجام می گرفت و به خاطر از بین رفتن فرماندهی، متأثر از سلسله مراتب نبود.» (۱) .

در مراحل بعدی نبرد، این هماهنگی گسترش و تعمیق یافت به نحوی که قرارگاه مشترک عملیاتی تشکیل شد و عملیات های مرحله آزاد سازی مناطق اشغالی به صورت ادغام طرح ریزی و اجرا می شد.

عملیات ثامن الائمه شکستن محاصره آبادان

اشاره

عملیات ثامن الائمه (ع) گرچه به عنوان یکی از چهار عملیات بزرگ و برجسته در چارچوب سلسله تلاش هایی که برای آزادسازی مناطق اشغالی انجام گرفت، به شمار می رود ولی این عملیات به منزله «نقطه عطف» و «حلقه واسط» برای انتقال استراتژی جنگ از وضعیت گذشته به وضعیت جدید بود. سردار محسن رضایی در این باره می گوید:

«عملیات ثامن الائمه (ع) نقطه عطف است و به عنوان مبداء آغاز استراتژی مرحله دوم جنگ است و یکی از نقاط «اعتماد به نفس» در استراتژی مرحله دوم، عملیات ثامن الائمه (ع) بود که حلقه واسط و مبداء تحول بود.» (۲) .

اوضاع سیاسی کشور، با توجه به تلاش جبهه متحد ضد انقلاب به رهبری بنی صدر، بسیار

۱- ۳۸۱. مأخذ ۱۰، ۲۷ / ۴ / ۱۳۷۴.

۲- ۳۸۲. سرلشکر محسن رضایی، سخنرانی درباره ی «استراتژی دفاع مقدس»، ۷ / ۷ / ۱۳۶۰.

ملتهب بود، چنان که در خرداد ۱۳۶۰، در پی اوج گیری درگیری های داخلی، منافقین با ورود به فاز نظامی، به قیام مسلحانه علیه نظام جمهوری اسلامی دست زدند. فراخوانی امام برای مقابله با این جریان، منجر به حضور گسترده و فعال مردم در صحنه انقلاب و همچنین جبهه های نبرد شد. گرچه بنی صدر همراه رجوی از کشور فرا کرد، ولی این امر به منزله پایان بحران سیاسی نبود، زیرا گسترش ترور و انفجار، حوادثی چون فاجعه هفتم تیر و هشتم شهریور را به وجود آورد. این حوادث با آن که موجب تثبیت اوضاع داخلی به سود نیروهای انقلابی شد، ولی زیان های جبران ناپذیری را نیز بر جای نهاد.

وضعیت داخلی ایران بازتاب نامطلوبی در رسانه های خارجی داشت، چنان که یک روز پیش از آغاز عملیات ثامن الائمه (ع)، رادیو اسرائیل در برنامه «ایران از دیدگاه روزنامه های جهان» با بررسی دیدگاه های موجود درباره جمهوری اسلامی، ایران را به لحاظ نظامی ناتوان ارزیابی کرد. این رادیو به نقل از هفته نامه امریکایی یو.اس.نیوز.اند ورلد ریپورت گفت:

«پس از یک سال اشغال قسمتی از خاک ایران توسط عراقی ها، جنگ بدون نتیجه همچنان ادامه دارد. نه امکان پیروزی در میدان جنگ بر افق دیده می شود و نه امیدی به برقراری متارکه وجود دارد. بغداد از ترس متحمل شدن تلفات زیاد جرأت نمی کند با یک حمله همه جانبه به سوی پیروزی بشتابد و از طرفی، دولتمردان متعصب ایران ضعیف تر از آن هستند که اشغالگران عراق را از خاک خود بیرون برانند.»

در این هفته نامه به نقل از کارشناسان خاورمیانه آمده است:

«برای پایان دادن به جنگ ایران و عراق، رژیم جنگ زده آیت الله خمینی باید سقوط کند. سقوط سران حکومت خمینی گاهی بسیار نزدیک به نظر می آید و رهبر رژیم کنونی با بمب گذاری های گروه مخالفان بسیار ضعیف شده است. سرکشی و قیام به سرعت در حال رشد است. علی رغم این وضع، به محض آن که یکی از دستیاران خمینی از بین می رود، یکی دیگر جانشین وی می شود. در چنین وضعی، نیروهای آیت الله خمینی قصد ندارند در میدان مبارزه تسلیم شوند.» (۱) .

لوس آنجلس تایمز نیز دولت انقلابی ایران را در آستانه سقوط خواند:

«وقتی که اوضاع جاری ایران مورد بررسی قرار می گیرد، یک کلمه بیش از هر واژه دیگری در گوش طنین انداز می شود و آن «از هم پاشیدگی» است. ناظرانی که حتی کوچک ترین اختلافات سیاسی ایران را از نظر دور نمی دارند، حالا ـ دیگر متقاعد شده اند که مناقشات کنونی این کشور زمینه را برای سرنگونی رژیم و تعویض قدرت به یک نظام نوین آماده می سازد.» (۲) .

۱- ۳۸۳. خبرگزاری پارس، «گزارش های ویژه»، ۷ / ۷ / ۱۳۶۰، رادیو اسرائیل، ۴ / ۷ / ۱۳۶۰.

۲ - ۳۸۴. وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، بررسی مطبوعات جهان، شماره ۸۹، ۷ / ۷ / ۱۳۶۰، لوس آنجلس تایمز، چاپ امریکا، ۳۱ اوت ۱۹۸۱.

عراقی ها که با مشاهده وضعیت داخلی ایران، اوضاع کشور را بحرانی ارزیابی می کردند برای اعطای پناهندگی سیاسی به رئیس جمهوری (بنی صدر) اعلام آمادگی کردند! (۱) علاوه بر آن، عراقی ها، ایران را فاقد توان نظامی برای باز پس گیری این منطقه می دانستند، به ویژه این که بنی صدر دو عملیات سوم آبان ۱۳۵۹ و بیستم دی ۱۳۵۹ را برای شکستن محاصره آبادان به انجام رساند، ولی جز ناکامی و یأس نتیجه گیری بدست نیاورد.

امام خمینی با نگرانی از اوضاع داخلی و تأثیر غیر قابل انکار آن بر وضعیت نظامی، همواره جنگ را مسئله اصلی کشور می دانستند. ایشان در پیامی به مناسبت هفته جنگ فرمودند:

«از ملت عزیز و به خصوص دست اندرکاران و قوای مسلح می خواهیم که هیچ امری آنان را از جنگ تحمیلی اغفال نکند و جنگ را سرلوحه همه امور قرار دهند که دست خیانتکار برای انصراف آنان از جنگ در کار است.»

امام همچنین در این پیام ضرورت هجوم به دشمن را مورد تأکید قرار دادند:

«بر قوای مسلح اسلامی از ارتش، سپاه، بسیج و سایر قوای نظامی و انتظامی تا نیروهای مردمی در جبهه و پشت جبهه است که چون سیلی خروشان مزدوران جبهه را از کشور اسلامی شان برانند و ایران عزیز را از این خس و خاشاک پاک نمایند و بدانند که نیروی ایمان پیروز است.» (۲) .

گذشته از این ملاحظات، عراقی ها امیدوار بودند، با ادامه استقرار نیروهای خود در شرق رودخانه کارون و محاصره آبادان – با وجود این که از نظر نظامی نحوه استقرار این نیروها غیر اصولی بود – از اهرم سیاسی – نظامی لازم برای فشار بر ایران جهت پایان بخشیدن به جنگ برخوردار باشند. در یکی از اسناد به دست آمده از لشکر ۳ زرهی عراق، درباره ارتش حیاتی این منطقه برای نیروهای دشمن آمده است:

---

۱ – ۳۸۵. صدام طی مصاحبه ای مطبوعاتی با نشریه السیاسه چاپ کویت اعلام کرد: «چنانچه بنی صدر تمایل داشته باشد، عراق آماده دادن پناهندگی سیاسی به وی می باشد. ما برای بنی صدر و هر یک از مخالفین رژیم ایران، وسایل زندگی شرافتمندانه و محترمانه را بدون در نظر گرفتن موضع آن ها نسبت به جنگ فراهم خواهیم کرد. عراق با مشکلات داخلی و مداخله کشورهای خارجی، همان گونه که ایران با آن دست به گریبان است، روبه رو نیست.» (وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، بررسی مطبوعات جهان، شماره ۵، به نقل از السیاسه، ۲۱ ژوئیه ۱۹۸۱ میلادی) وزیر خارجه فرانسه (کلودشسون) نیز طی مصاحبه ای رسما اعلام کرد که فرانسه آماده است به بنی صدر پناهندگی سیاسی اعطا کند: «اگر بنی صدر از فرانسه تقاضای پناهندگی سیاسی بکند، چون فرانسه کشور حقوق بشر است، به وی پناه خواهیم داد و از او حمایت خواهیم کرد.» (دفتر سیاسی سپاه، «رویدادها و تحلیل»، شماره ۱۹، ۱۴ / ۴ / ۱۳۶۰، خبرگزاری فرانسه، ۲۹ / ۳ / ۱۳۶۰).

۲ – ۳۸۶. وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، مرکز مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، صحیفه نور: مجموعه رهنمودهای امام خمینی، جلد ۱۵، (تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی) ص ۱۵۹.

«عبور نیروهـای عراقی از رودخـانه کـارون به منظور حصول به هـدف های سیاسـی و استراتژیک بوده و نیروهای ایرانی تلاش کردنـد. نیروهای عراقی را از وصول به این هـدف و نگه داری آن باز دارند، لذا نگه داری منطقه سـرپل اشـغالی شـرق کارون برای نیروهای عراقی اهمیتی حیاتی پیدا کرد.» (۱) .

گرچه بعید به نظر می رسـید، ارتش عراق پس از شکست در کوی ذوالفقاری آبادان، و عقب نشینی از ساحل جنوب رودخانه بهمنشـیر و اسـتقرار در شـمال این رودخانه توانایی لازم را برای اشغال آبادان داشته باشد، ولی خطرات ناشی از تداوم محاصره آبادان و اقدامات احتمالی دشـمن با ادامه استقرار در این منطقه، سبب شد تا جمهوری اسلامی در برابر این وضعیت، حساسیت خاصـی نشان دهـد، به ویژه این که امام در ۱۴ آبان ۱۳۵۹ و تنها ۲۵ روز پس از عبور نیروهـای عراقی از رودخـانه کارون، و همچنین ناتوانی بنی صدر برای عقب راندن دشمن از مواضع اشغالی در عملیات سوم آبان روی جاده ماهشهر - آبادان، دستور شکستن محاصره آبادان را خطاب به نیروهای نظامی و انتظامی صادر فرمودند.

چگونگی انتخاب منطقه و تلاش های سیاسی

فرمـان امـام برای شکسـتن محاصـره آبـادان، اهمیت و ارزش منطقه، موقعیت نیروهـای خودی و موقعیت زمین با توجه به نحوه اسـتقرار دشـمن و اتکا بر پل های نصب شده روی رودخانه کارون، سبب شد تا سپاه توجه خاصـی به این منطقه کند. در این میان، فرمان امام بیش از هر عامل دیگری در شـکل دهی تفکر و ذهنیت مسئولان، فرماندهان و نیروهای سپاه و تلاش های این نهاد نقش کلیدی و تعیین کننده داشت. سردار رضایی در این باره می گوید:

«حضـرت امام مـدت ها بود که دسـتور داده بودند که حصـر آبادان باید شکسـته شود، اما مدیریت اولیه جنگ بهای لازم را به این کـار نمی داد و حتی بقایـای این مـدیریت هم بـا این که آقـای بنی صـدر کنار رفته بود، باز به سـختی زیر بار حمله به این منطقه می رفتند، به طوری که در فروردین سال ۱۳۶۰ طرح اولیه سپاه آماده شد، ولی شش ماه طول کشید تا این عملیات اجرا شد.» (۲) .

بـدین ترتیب، از فروردین ۱۳۶۰ سپاه طرح ریزی عملیـات را به طور جـدی آغـاز کرد. (۳) در اردیبهشت همـان سال، مراحل طرح ریزی و سپس، پیگیری تصویب عملیات با ترکیب برادران رضایی، رحیم صفوی، شهید باقری، غلامعلی رشید و سرهنگ صیاد شیرازی (۴) به

---

۱ - ۳۸۷. سازمـان عقیـدتی - سیاسـی ارتش جمهـوری اسـلامی ایران، نقش ارتش در ۸ سال دفاع مقـدس، جلد سوم، اشغال خرمشهر و شکستن حصر آبادان (تهران: بهار ۱۳۷۳)، ص ۲۴۴.

۲- ۳۸۸. مأخذ ۱۰، ۱۲ / ۷ / ۱۳۷۵.

۳- ۳۸۹. مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، مصاحبه اختصاصی نویسنده کتاب با سردار رحیم صفوی.

۴- ۳۹۰. امیر شـهید صـیاد شـیرازی در آن هنگام پس از درگیری با بنی صدر از ارتش اخراج شده و به نیروهای سـپاه پیوسـته

بود.

شکل جدی تری ادامه یافت. همچنین، پس از ملاقات سرهنگ صیاد شیرازی با رئیس وقت شورای عالی دفاع (آیت الله خامنه ای) و أخذ تدبیر از ایشان، قرار شد این عملیات به صورت مشترک با نیروهای ارتش انجام شود. (۱) در این میان، برادران رحیم صفوی، غلامعلی رشید و شهید حسن باقری نخستین طرح پیشنهادی منسجم و کامل عملیات را در اوایل خرداد ۱۳۶۰ برای بنی صدر تشریح کردند. (۲) نماینده سپاه نیز طرح را در جلسه ای که نماینده حضرت امام، آقای هاشمی، فرمانده وقت نیروی زمینی ارتش و سایر اعضای شورای عالی دفاع حضور داشتند، ارائه کرد که مورد تصویب قرار گرفت. در این حال، فرمانده وقت نیروی زمینی ارتش با توجه به این که لشکر ۷۷ خراسان مسئولیت این منطقه را بر عهده داشت، گفت: «لشکر ۷۷ باید این طرح را قبول کند»؛ (۳) در پی این تصمیم و با تلاش ها و اقداماتی که صورت گرفت، سرانجام لشکر ۷۷ طرح را پذیرفت و برای انجام دادن آن متقاعد شد. (۴) .

در اواخر خرداد ۱۳۶۰ جلسه دیگری با شرکت جانشین ریاست ستاد مشترک ارتش، فرمانده نیروی زمینی، فرماندهان لشکرهای ۱۶، ۲۱، ۷۷، ۹۲ ارتش و فرمانده سپاه پاسداران خوزستان و با حضور حجت الاسلام اشراقی نماینده حضرت امام و دکتر چمران در دفتر فرماندهی لشکر ۹۲ زرهی اهواز تشکیل و در مورد چگونگی ادامه نبرد بحث شد.

در این جلسه، فرمانده نیروی زمینی ارتش بر پایه طرح جدید سپاه، بر شکستن محاصره آبادان تأکید داشت حال آن که با جانشین ریاست ستاد مشترک ارتش بر حمله به بستان به عنوان تقدم نخست پافشاری می کرد. بدین ترتیب، توافق لازم به دست نیامد، (۵) ولی سپاه به تلاش های خود ادامه داد، چنان که در نهم تیر ۱۳۶۰ - یعنی ده روز پس از جلسه بررسی طرح های یاد شده - فرمانده سپاه پاسداران خوزستان (۶) طرحی را ارائه کرد که مربوط به عملیات آفندی قاطع در منطقه ماهشهر و آبادان بود. این طرح قابل اجرا تشخیص داده شد،

۱- ۳۹۱. این توضیح بر اساس دست نوشته سردار غلامعلی رشید بر حاشیه کتاب حاضر تنظیم شده است.

۲- ۳۹۲. در ۵ خرداد ۱۳۶۰ برادران سرلشکر رحیم صفوی و شهید حسن باقری برای توضیح طرح سپاه با بنی صدر ملاقات کردند. [سند شماره ۴۰۲ / د، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، دفتر ثبت جنگ (یادداشت های روزانه شهید حسن باقری)، ۱ / ۱ / ۱۳۶۰ - ۲۶ / ۱۲ / ۱۳۶۰].

۳- ۳۹۳. مأخذ ۳۴.

۴- ۳۹۴. متأسفانه در جزوه نقد کتاب از خونین شهر تا خرمشهر، طرح ریزی عملیات به لشکر ۷۷ نسبت داده شده است حال آن که در آن وضعیت به هیچ وجه اندیشه عملیات آفندی گسترده در باور و ذهنیت مسئولان نیروی زمینی ارتش و لشکر ۷۷ وجود نداشت.

۵- ۳۹۵. مأخذ ۳۲، صص ۲۴۸ و ۲۴۹.

۶- ۳۹۶. در کتاب ارتش در ۸ سال دفاع مقدس به اشتباه سرلشکر رحیم صفوی فرمانده سپاه خوزستان معرفی شده است در حالی که وی در آن هنگام فرمانده عملیات جنوب بود. در آن زمان دریابان علی شمخانی فرماندهی سپاه خوزستان را بر عهده داشت.

اما به سبب مشکلاتی که وجود داشت، اجرای آن تا شهریور ماه ۱۳۶۰ مسکوت ماند. (۱) - (۲) از اوایل شهریور ۱۳۶۰ بار دیگر مقدمات اجرای عملیات فراهم و طرح به واحدها و قرارگاه ها ابلاغ شد. (۳) .

موقعیت منطقه

منطقه عملیات ثامن الائمه (ع) در شرق رودخانه کارون و در حد فاصل شمال شهر آبادان و جنوب منطقه دارخوین قرار داشت و شامل سرپل دشمن به وسعت ۱۵۰ تا ۱۸۰ کیلومتر مربع می شد که در اشغال نیروهای عراقی بود. عوارض حساس منطقه، رودخانه کارون و دو جاده اهواز - آبادان و ماهشهر - آبادان بودند و عوارض مصنوعی منطقه نیز بیشتر شامل مواضع و استحکامات دشمن نظیر خاکریزهای متعدد، مواضع تانک، سنگرهای اجتماعی و انفرادی می شدند. با توجه به اهمیت دو پل قصبه و حفار برای دشمن که به منزله معبر و محل اتصال عقبه های او در شرق کارون بودند، مواضع و استحکامات فراوان و تعداد زیادی نیروی رزمی در این دو محور وجود داشتند.

ص: ۱۴۲

۱- ۳۹۷. در کتاب ارتش، بار دیگر به مذاکرات فرماندهان سپاه با فرمانده لشکر ۷۷ اشاره می شود. بدون آن که تاریخ آن را ذکر شود. اما مسئله مهمی که در این جا به آن اشاره شده است، مخالفت فرمانده وقت نیروی زمینی با اجرای طرح می باشد؛ «اتفاقا چند روز بعد فرمانده نیروی زمینی، سرتیپ ظهیرنژاد، مجددا به خوزستان آمد و درباره آن طرح مذاکره شد. فرمانده نیرو در آن اوضاع اجرای طرح را تأیید نکرد و در نتیجه مسکوت ماند و طرح اجرای تک های محدود و محلی مانند سابق، تدبیر کلی هدایت جنگ قرار گرفت.» (سازمان عقیدتی سیاسی ارتش جمهوری اسلامی، ارتش جمهوری اسلامی ایران در هشت سال دفاع مقدس، جلد سوم، ص ۲۵۰). برابر این گزارش، مخالفت فرمانده وقت نیرو مانع از اجرای طرح شد، به همین دلیل پس از تشکیل جلسه شورای عالی دفاع در محضر امام در تاریخ ۲۴ مرداد ۱۳۶۰، امام فرمودند: «چرا حمله نمی کنید و بنی صدر هم همیشه امروز و فردا می کرد و می گفت یک ماه دیگر طرح داریم... اگر نمی خواهید بجنگید بگویید تا ما تکلیف خودمان را بدانیم.» در این جلسه، امام در واقع، با توجه به اوضاع سیاسی داخلی کشور، بر اجرای عملیات و کسب پیروزی تأکید داشتند، لذا فرماندهان ارتش را مورد خطاب قرار داده و از سپاه نیز گلایه کردند.» (سند شماره ۲۵۰۲ / ۱ / ۱ / ۳۰۲، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ (یادداشت های روزانه شهید حسن باقری)، ۱۷ / ۵ / ۶۰).

۲- ۳۹۸. پیشین، ص ۲۵۰.

۳- ۳۹۹. گفتنی است که مقدمات اجرای عملیات ثامن الائمه (ع) در چند مرحله انجام گرفت که عبارت بود از تهیه طرح اولیه در سپاه بر مبنای فرمان امام و تصویب آن در شورای عالی دفاع، ایجاد هماهنگی بین سپاه و ارتش، شناسایی منطقه، طرح ریزی عملیات، سازمان دهی نیروها، آماده سازی منطقه و سپس اجرای عملیات در پنجم مهم ۱۳۶۰ که منجر به شکستن محاصره آبادان شد.

وضعیت دشمن

دشـمن برای اسـتقرار در منطقه سـرپل، واقع در شـرق رودخـانه کـارون، دچـار تنـاقض بود؛ از یـک سو به لحاظ اهمیت منطقه ضرورت حفظ آن می بایست از نیروی بسـیاری اسـتفاده می کرد و از سوی دیگر، با توجه به محـدودیت عقبه خود، تجمع این میزان نیرو برایش ناممکن بود. در عین حال، شناخت عراقی ها از توان نیروهای خودی در عقب راندن دشمن - به ویژه پس از ناکـامی ارتش در عملیـات های سوم آبان ۱۳۵۹ و بیسـتم دی ۱۳۵۹ - آن هـا را مطمئن کرده بـود که مورد تعرض جـدی قرار نخواهند گرفت. اسـتعداد و آرایش یگان های دشمن در این منطقه برابر اسناد به دست آمده از تیپ ۸ مکانیزه ارتش عراق در ۲۶ مرداد ۱۳۶۰ عبارت بودند از:

۱- تیپ ۸ مکانیزه از لشـکر ۳ زرهی که با سه گردان مکانیزه و یـک گردان تانـک در شـمال سـرپل و جنوب سـلمانیه مواضـع پدافندی را اشغال و تحکیم کرده بود.

۲- تیپ ۶ زرهی از لشـکر ۳ زرهی که بـا سه گردان تانـک و یـک گردان مکانیزه در قسـمت مرکزی و شـرقی در شـمال جاده ماهشهر - آبادان مستقر بود.

۳- تیپ ۴۴ پیاده از لشکر ۱۱ پیاده، که با یـک گردان تحت امر لشـکر ۳ زرهی در قسـمت جنوبی منطقه سرپل و جنوب جاده ماهشهر - آبادان پدافند می کرد. (۱) .

۴- تیپ ۱۲ زرهی لشکر ۳ در غرب کـارون در احتیـاط قرار داشت و گردان های تانـک الطارق و سـیف سـعد و چنـد گردان جیش الشعبی، گردان پیاده از تیپ ۴۴ و گردان ۱ از تیپ ۳۳ نیروی مخصوص نیز در منطقه شرق کارون استقرار داشتند.

برابر شواهد، قراین و اسـناد موجود، در پی گسترش حملات رزمندگان اسـلام به منطقه اشـغالی سرپل در نیمه اول سال ۱۳۶۰، دشـمن دچار اضطراب شده و احتمال حمله نیروهای خودی را پیش بینی می کرد. با این حال، عراقی ها همچنین به استقرار در مناطق اشـغالی اصـرار داشتند و این امر بدین دلیل بود که عراقی ها تصور می کردند که نیروهای اسلام از انجام دادن عملیاتی دقیق و برنامه ریزی شده در سـطحی گسترده ناتوان هستند. (۲) در واقع، فرماندهی عراق احتمال تدارک حمله از محور شـرق رودخانه را پیش بینی می کرد اما به هیچ وجه تصور نمی کرد این حمله، گسترده و همه جانبه باشد. (۳) .

۵- اسـتعداد دشـمن در این منطقه برابر یـک لشـکر تقویت شـده بود، ضـمن این که فرمانـده سپاه سوم می توانست از احتیـاط لشکرهای ۵ مکانیزه و ۹ زرهی که در جنوب غربی اهواز و سوسنگرد مستقر بودند، برای تقویت لشکر ۳ زرهی استفاده کند.

۱- ۴۰۰. پیشین، ص ۲۵۳.

۲ - ۴۰۱. سـند مرکز مطالعـات و تحقیقـات جنـگ، جزوه «تحلیل نبردهای بین ایران اسـلامی و بعثیان عراق»، نوشـته ی اسـرای عراقی، ص ۵۶.

۳– ۴۰۲. مأخذ ۳۲، صص ۲۵۳ –۲۵۴.

همچنین، دشمن پیش بینی می کرد که در صورت حمله، محور اصلی تهاجم در محور تیپ ۸ مکانیزه در منطقه سلمانیه با پیشروی به سمت پل های قصبه و حفار، خواهد بود،لذا برای تقویت این محور، اقداماتی به عمل آورد.

طرح عملیات

اهداف و مأموریت

هدف اصلی عملیات، انهدام نیروهای دشمن در شرق رودخانه کارون و تصرف و تأمین منطقه بود. در طرح اولیه سپاه آمده بود: (۱) .

«سپاه پاسداران انقلاب اسلامی مستقر در آبادان و دارخوین و ماهشهر مأموریت دارند تا با هماهنگی و همکاری کامل لشکر ۷۷ پیاده خراسان در ساعت (س) روز (ر) از محور فیاضیه و دارخوین به طور گسترده و از سه محور ایستگاه ۱۲ و ایستگاه ۷ و جاده ماهشهر - آبادان تک نمایند و نیروهای دشمن را که از کناره کارون تا جاده ماهشهر - آبادان گسترش دارند، به طور کامل محاصره و بعد از انهدام دشمن، در منطقه متصرفه پدافند نمایند.» (۲) .

سران نظامی امیدوار بودند با انجام عملیات ثامن الائمه (ع) تهدید احتمالی دشمن برای تصرف آبادان که عراق آن را به صورت اهرم فشاری علیه ایران در تبلیغات خود مورد استفاده قرار می داد، خنثی شود. از سوی دیگر، در این عملیات پس از پاک سازی شرق رودخانه کارون، نیروهای خودی از خطوط پدافندی آزاد شده و امکان به کارگیری آن ها در مراحل بعدی آزادسازی مناطق اشغالی، فراهم می شد.

سازمان رزم

ترکیب نیروهای عمل کننده در این عملیات، شامل ارتش، سپاه، بسیج و نیروهای ژاندارمری به این شرح بود:

ص: ۱۴۴

---

۱ - ۴۰۳. در کتاب دفاع مقدس، منتشره نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی، صفحه ۱۱۲، در این باره آمده است: «لشکر ۷۷ پیاده با همکاری سپاه پاسداران آبادان مأموریت دارد در مورخه ۵ مهر ماه ۱۳۶۰ در منطقه تک نموده، شرق رودخانه کارون را در منطقه مربوطه تأمین و سپس پدافند نماید.» متأسفانه مشخص نیست برابر چه اسنادی در این جا به سپاه آبادان اشاره شده است، حال آن که برادر رحیم صفوی به عنوان مسئولیت عملیات ستاد جنوب، علاوه بر ارائه طرح شکستن حصر آبادان و پیگیری آن، به عنوان یکی از فرماندهان عملیات نیز امر هدایت نبرد را بر عهده داشت.

۲ - ۴۰۴. مأخذ ۱۸.

- لشکر ۷۷ با سه تیپ شامل ۹ گردان نیروی پیاده؛

- سپاه پاسداران انقلاب اسلامی با ۱۶ گردان نیروی پیاده (۱) که در سازمان سه قرارگاه تیپی عمل می کرد؛ (۲) .

- تیپ ۳۷ زرهی شیراز؛

- گردان ۲۵۱ تانک از لشکر ۱۶ زرهی؛ (۳) .

- گردان ۱۰۷ ژاندارمری؛

- گروه رزمی ۲۹۱ تانک؛

- جهاد سازندگی، علاوه بر احداث جاده وحدت در فروردین ۱۳۶۰، امور مقدماتی مهندسی عملیات را انجام داد.

پس از حذف بنی صدر برای نخستین بار بود که نیروهای عمل کننده در چنین مقیاسی با هم ترکیب شده به نحو شایسته ای با یکدیگر همکاری و هماهنگی می کردند، چنان که این اقدام، الگوی مناسبی برای ادامه همکاری ارتش و سپاه در سایرعملیات ها شد. (۴) .

طرح مانور

در طرح مانور، سه محور عمده و یک محور فرعی برای انجام عملیات در نظر گرفته شده بود: محور شمالی شامل منطقه دارخوین و محمدیه و محور جنوبی شامل محور فیاضیه و ایستگاه ۷ بود. بر اساس این طرح، تلاش فرعی نیروها برای پشتیبانی نیز در محور جاده ماهشهر - آبادان انجام می شد. در این میان، محور دارخوین و فیاضیه با هدف تصرف و تأمین پل های حفار و قصبه دارای اهمیت بیشتری بودند و در صورت برخورداری نیروهای خودی از سرعت عمل، امکان انهدام و اسارت بسیاری از افراد دشمن در این محور وجود داشت. و همین ضرورت، در آرایش نیروها مؤثر بود،که به این ترتیب مشخص شد:

---

۱ - ۴۰۵. در کتاب ارتش در هشت سال دفاع مقدس، صفحه ۲۵۵، استعداد نیروهای سپاه ۱۵ گردان ذکر شده است و در صفحه ۲۶۱ با اضافه شدن یک گردان دیگر، در مجموع ۱۶ گردان نوشته شده است. در کتاب دفاع مقدس از انتشارات نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی، اسفند ۷۱، صفحه ۱۱۲ نیز تنها عنوان «یگان هایی از سپاه پاسداران انقلاب اسلامی» درج شده است. با این حال، برابر طرح اولیه سپاه در تیر ماه ۱۳۶۰ که در ستاد عملیات جنوب تنظیم و ارائه شد، سپاه ۱۲ گردان پیش بینی کرده بود ولی در مراحل بعدی، بنا به ضرورت ها و نیز جذب و سازمان دهی نیروهای بیشتر، در نهایت ۱۶ گردان وارد عمل شدند. از ارتش نیز با احتساب سه تیپ از لشکر ۷۷ و یک تیپ از لشکر ۳۷ زرهی شیراز و گردان تانک، نزدیک به ۱۴ گردان وارد عمل شدند.

۲- ۴۰۶. مأخذ ۳۳، ۱۲ / ۷ / ۱۳۷۵.

۳– ۴۰۷. در مورد حضور این گردان در سازمان رزم تردید وجود دارد.

۴– ۴۰۸. پیشین.

محور دارخوین - محمدیه: پنج گردان از سپاه (چهار گردان آفندی و یک گردان احتیاط) و سه گردان از ارتش (دو گردان آفندی و یک گردان احتیاط) و یک گردان تانک در احتیاط و پشتیبانی

محور فیاضیه: پنج گردان از سپاه (چهار گردان آفندی و یک گردان احتیاط) و سه گردان از ارتش (یک گردان آفندی و دو گردان احتیاط).

محور جاده ماهشهر - آبادان: دو گردان از سپاه (یک گردان آفندی و یک گردان احتیاط) و دو گردان از ارتش (یک گردان آفندی و یک گردان پدافند).

برای پشتیبانی عملیات، سه گردان توپخانه و ۵۰ قبضه سلاح پدافند هوایی در نظر گرفته شده بود. (۱) طرح مانور عملیات همراه با تدبیر آن و نیز استعداد نیروی عمل کننده در جلد سوم کتاب منتشره از سوی ارتش جمهوری اسلامی ایران به شرح زیر آمده است:

«جزئیات طرح برای اجرای حمله به منطقه سرپل دشمن در شرق کارون چنین بود که تیپ ۲ پیاده که شامل سه گردان پیاده ارتش و چهار گردان پاسدار و یک گردان تانک که یک گروهان اضافی نیز داشت و در خط تماس با دشمن در شمال بهمنشیر دفاع می نمود، از منطقه فیاضیه در شرق کارون و شمال بهمنشیر به مواضع نیروهای متجاوز عراق حمله می کرد و حاشیه شرقی پل حفار را که به وسیله نیروهای عراقی بر روی کارون برقرار شده بود، تصرف پل را کنترل می نمود و نیروهای دشمن را در منطقه عملیاتی مربوطه منهدم می کرد و کرانه شرقی رودخانه کارون را تأمین می نمود. تیپ ۱ پیاده با دو گردان پیاده ارتشی و یک گردان سوار زرهی و شش گردان پاسدار ابتدا از مواضع پدافندی یگان های تیپ ۲ پیاده در شمال بهمنشیر و در منطقه ذوالفقاری از خطر عبور می کرد و نیروهای دشمن را در جنوب جاده آبادان - ماهشهر منهدم می کرد و سپس حمله را با یک چرخش ملایم از شرق به غرب، به سمت شمال غربی ادامه می داد و نیروهای دشمن را در شمال جاده ماهشهر - آبادان در منطقه مسئولیت خود منهدم می ساخت. ضمنا این تیپ مأموریت داشت، هرگونه عکس العمل شدید دشمن را در محور آبادان - ماهشهر (۲) خنثی و جناح شرقی منطقه عملیات را تأمین نماید. تیپ ۳ پیاده که از منطقه گیلان غرب به خوزستان تغییر مکان یافته بود، به صورت احتیاط لشکر بود و مأموریت داشت، از مواضع پدافندی

۱- ۴۰۹. سند شماره ۶۸۹ / گ، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، گزارش عملیات های بزرگ مقطع سوم (از ثامن الائمه (ع) تا بیت المقدس) گزارش برادر داوود رنجبر.

۲- ۴۱۰. در صحت این اطلاعات تردید وجود دارد، زیرا نوعی تناقض در مانور ایجاد می کند و در عمل نیز امکان پذیر نیست. همچنین، با توضیحات سطر سوم تا پنجم نیز تناقض دارد. (یادداشت های سردار غلامعلی رشید در حاشیه کتاب حاضر).

گروه رزمی ۲۹۱ تانک در جنوب سلمانیه از خط (۱) عبور کند و از شمال به جنوب پیشروی نماید و پل قصبه را بر روی رودخانه کارون که به وسیله نیروهای عراقی برقرار شده بود، تصرف و منطقه مسئولیت خود را از وجود دشمن پاک نماید. این تیپ شامل دو گردان پیاده ارتش، پنج گردان پاسدار و حدود یک گردان تانک بود. ضمنا، سپاه پاسداران نیز حداکثر امکانات آن روز خود را برای عملیات آماده کرد و ۱۵ گردان پاسدار (۲) وارد میدان نبرد کرد.» (۳) .

در مجموع، به نظر می رسید، دشمن به دلیل برخورداری از نیروی احتیاط و به ویژه امکان به کارگیری لشکرهای ۵ مکانیزه و ۹ زرهی تحت امر سپاه سوم، در موضع برتری قرار داشت، لیکن نیروهای خودی با توجه به شناخت دقیق از دشمن، ویژگی برتر عملیاتی، ترکیب جدید سپاه و ارتش - که پیش از این هرگز در این سطح وجود نداشت - و بهره برداری مناسب از زمین، از موقعیت بهتری برخوردار بودند. افزون بر این، دشمن به لحاظ درک و باوری که از توان نیروهای خودی داشت، به طور نسبی در غافل گیری به سر می برد و این عوامل در مجموع می توانست دستیابی به پیروزی را آسان کند.

در این میان، افزایش قابل توجه نیروهای سپاه در مقایسه با عملیات های پیشین و نقش طراحان نظامی سپاه در طرح ریزی و هدایت عملیات، از جمله ویژگی های عملیات ثامن الائمه (ع) و عامل برتری نیروهای خودی در برابر دشمن بود. در جلد سوم کتاب «ارتش جمهوری اسلامی در هشت سال دفاع مقدس» در این باره آمده است:

«نکته ای که لازم است روی آن تأکید شود، حضور سپاه پاسداران، به صورت فعال و مؤثر و قدرتمند در این عملیات بود... برای عملیات ثامن الائمه (ع)، ۱۵ گردان توسط سپاه آماده شده بود. در نتیجه می توان گفت، توان رزمی سپاه پاسداران و نیروهای مردمی در عملیات ثامن الائمه (ع) به ده برابر افزایش یافته بود و یا به عبارت دیگر، با بهره برداری از نیروی عظیم بسیج مردمی توان رزمی نسبی در جبهه بالا رفته بود و این امر کلید موفقیت نیروهای مسلح ایران در عملیات ثامن الائمه (ع) و عملیات های بعد از آن مانند طریق القدس و فتح المبین و بیت المقدس گردید.» (۴) .

بدین ترتیب، عملیات ثامن الائمه (ع) به منظور شکستن محاصره آبادان و انهدام نیروهای دشمن در شرق رودخانه کارون پس از آماده سازی مقدمات آن، آغاز شد.

۱- ۴۱۱. صحت این اطلاعات مورد تردید است.

۲- ۴۱۲. استعداد سپاه در این عملیات ۱۶ گردان بود که در صفحه ۲۶۱ کتاب ارتش جمهوری اسلامی ایران در ۸ سال دفاع مقدس به آن اشاره شده است.

۳- ۴۱۳. مأخذ ۳۲، صص ۲۵۶ و ۲۵۷.

۴- ۴۱۴. پیشین، ص ۲۶۱.

تشریح عملیات

عملیات در ساعت ۱ بامداد روز پنجم مهر ۱۳۶۰ آغاز شد. قوای ایران در ساعات نخست عملیات، با تهاجم به مواضع دشمن و درهم شکستن مقاومت نیروهای آنان، خاکریزهای اول دشمن را تصرف و تأمین کردند. مقاومت اولیه نیروهای عراقی در برخی از محورها و به ویژه تداوم آن در منطقه پل حفار، نشان دهنده هوشیاری نسبی دشمن بود. بنابر گزارش اسیران عراقی، اسارت یکی از نیروهای خودی در منطقه عملیاتی تیپ ۸ مکانیزه در محور دارخوین سبب هوشیاری دشمن شده بود، ولی شناخت نادرست فرماندهان نظامی عراق نسبت به توان نیروهای خودی که بر مبنای برآوردهای عملیات های ناکام پیشین ایجاد شده بود، سبب شد در برابر حمله نیروهای خودی واکنش مناسبی نشان ندهند.

با روشن شدن هوا و ادامه پیشروی نیروهای خودی از محور شمالی به سمت پل مارد و تهدید عقبه نیروهای دشمن، نخستین ضربه شکننده بر نیروهای عراقی وارد آمد. با این حال، نیروهای دشمن در منطقه پل حفار همچنان مقاومت می کردند. گستردگی محورهای تهاجم و عقب ماندگی دشمن سبب شد تا نیروهای خودی با به دست گرفتن ابتکار عمل و ادامه پیشروی در محورهای مختلف، دشمن را تحت فشار قرار دهند.

از سوی دیگر، در پی تغییر وضعیت میدان نبرد، فرماندهی نیروهای دشمن تلاش می کرد تا تاریک شدن هوا به مقاومت در پل حفار ادامه دهد. دشمن قصد داشت، با تقویت منطقه، ابتدا منطقه سرپل را حفظ کند و پس از آن، با نصب پل روی رودخانه کارون، نیروهای محاصره شده را نجات دهد و سپس، با استقرار در منطقه غرب رودخانه کارون، از ادامه پیشروی نیروهای خودی جلوگیری کند.

بر همین اساس، دشمن در اولین اقدام، با وارد کردن تیپ ۱۰ زرهی گارد جمهوری، سعی کرد، پل حفار را حفظ کرده و با استقرار تیپ ۱۶ زرهی از لشکر ۶ زرهی در غرب رودخانه کارون، از پیشروی نیروهای خودی جلوگیری کند. تهاجم رزمندگان به نیروهای تیپ ۱۰ سبب شد تا این نیروها در همان لحظات اولیه حضور در منطقه سرپل، محاصره شده و عقب نشینی کنند، در صورتی که اگر در حمله به تیپ ۱۰ تأخیر صورت می گرفت، بی گمان نیروهای تیپ ۱۰ دشمن پس از حضور در منطقه، دست به ضد حمله می زدند. (۱) .

با آزاد شدن جاده ماهشهر - آبادان در ساعت ۳۲: ۸ بامداد روز پنجم مهر و پیشروی نیروهای خودی از شمال به جنوب و تصرف پل قصبه، در واقع مقاومت دشمن در منطقه پل حفار، بیشتر نوعی عملیات تأخیری بود، زیرا با توجه به محدودیت عقبه دشمن، سرعت عمل

۱- ۴۱۵. مأخذ ۳۹، ص ۶۱.

رزمندگان و گستردگی محورهای تهاجم، امکان مقاومت از عراقی ها گرفته شده بود. در بعد از ظهر همان روز بخشی از پل حفار تصرف شده بود ولی عراقی ها برای باز نگه داشتن عقبه نیروهای محاصره شده خود در شرق کارون، همچنان مقاومت می کردند، چنان که با تاریک شدن هوا حرکت ستون نیروهای دشمن از اهواز به سمت خرمشهر دیده می شد.

بدین ترتیب، روز اول عملیات درحالی به پایان رسید که دشمن به دلیل عقب ماندگی، توان مقابله با نیروهای خودی را نداشت و تنها، به تاریک شدن هوا، باز نگاه داشتن پل حفار برای تقویت منطقه و یا امکان عقب نشینی نیروهای محاصره شده امید بسته بود. در روز دوم عملیات (ششم مهر)، در حالی که پیشروی نیروهای خودی همچنان ادامه داشت، دشمن واکنش جدی از خود نشان نداد و از بعد از ظهر همان روز نیروهای عراقی به تدریج تسلیم شده و یا عقب نشینی کردند و سرانجام در پایان این روز عملا منطقه سرپل دشمن آزاد شد.

در روز سوم عملیات نیز در پی پاک سازی منطقه، محاصره آبادان به پایان رسید و فرمان امام خمینی مبنی بر شکستن حصر آبادان، در مدت ۴۸ ساعت آفند تحقق یافت و نیروهای خودی پس از پاک سازی کامل منطقه، در ساحل شرقی رودخانه کارون استقرار یافتند. در این عملیات علاوه بر آزادسازی منطقه اشغالی در شرق رودخانه، بخش وسیعی از نیروهای خودی - که درگیر پدافند در منطقه بودند - آزاد و برای عملیات های بعدی آماده شدند.

خسارات و تلفات دشمن

۱- بیش از سه هزار تن از نیروهای دشمن کشته و زخمی شدند و نزدیک به ۱۸۰۰ تن از آن ها به اسارت درآمدند.

۲- تعداد ۹۰ دستگاه تانک، نفربر و خودرو دشمن منهدم شد و ۱۶۰ دستگاه تانک و نفربر دیگر به همراه ۱۵۰ دستگاه خودرو به غنیمت درآمدند. سه فروند هواپیما و یک فروند هلی کوپتر دشمن نیز در این عملیات سرنگون شدند.

افزون بر این، شمار فراوانی از امکانات دشمن شامل لودر و بولدوزر، سلاح و مهمات، منهدم شد و یا به غنیمت درآمد. از نتایج مهم این عملیات به غنیمت گرفتن ده ها تانک از تیپ ۶ زرهی عراق بود که سپاه با استفاده از این تانک ها نخستین یگان زرهی خود را با نام تیپ ۳۰ زرهی سازمان دهی کرد. اولین گردان زرهی این یگان در عملیات طریق القدس به کار گرفته شد. با به غنیمت گرفتن ۲۰ قبضه توپ ۱۵۲ و ۱۲۲ میلی متری از دشمن، نخستین یگان توپخانه سپاه نیز شکل گرفت و در عملیات طریق القدس شرکت کرد. (۱) .

۱- ۴۱۶. مأخذ ۳۳.

ارزیابی عملیات

با شکسته شدن محاصره آبادان، تحول جدیدی در جنگ به وجود آمد؛ زیرا ناکامی دشمن در جنگ از همین نقطه آغاز شد. به بیان دیگر، دشمن - در وضعیت های مختلف - چنین می پنداشت که لازمه تغییر معادله نظامی به سود خود، افزایش فشار نظامی به ایران برای تحمیل خواسته های خود و آغاز مذاکرات صلح می باشد، لذا بیش از همه، به تکمیل محاصره آبادان و اشغال آن توجه داشت. در مقابل، نیروهای خودی نیز - بر اساس فرمان امام - بیشتری تلاش خود را برای شکستن محاصره آبادان متمرکز کرده بودند که در این میان، دو عملیات به فرماندهی بنی صدر با شکست مواجه شد و سرانجام، با عملیات پیروزمندانه ثامن الائمه (ع) فرمان امام تحقق یافت و استراتژی دشمن نیز در نقطه ثقل آن، درهم شکست. سردار محسن رضایی در این زمینه می گوید:

«استراتژی دشمن از مشخصه سیاسی و امنیتی برخوردار بود. عراق در انتظار تحول در اوضاع داخلی بود، اگر به نتیجه نمی رسید، مسلما روی آبادان عمل می کرد. بنابراین ما وقتی روی آبادان عمل کردیم. در واقع استراتژی دشمن را در نقطه اصلی آن در جبهه نظامی با شکست مواجه کردیم.» (۱) .

اعتماد به نفس و افزایش روحیه نیروهای خودی هم از عوامل مؤثر در پیروزی، هم بخشی از نتایج به دست آمده در این عملیات بود؛ در حالی که دشمن به دلیل حضور در مناطق اشغالی در شرق رودخانه کارون و سلسله عملیات های محدودی که در همین منطقه انجام گرفته بود، دچار نوعی فرسایش روحی شده بود. نیروهای خودی با روحیه ای مضاعف - به ویژه پس از شکسته شدن طلسم نفاق در کشور - از آمادگی مناسبی برای بیرون راندن متجاوزان از سرزمین های اشغالی برخوردار شدند. سردار رضایی در این باره می گوید:

«نیروهای ما متوجه شدند که می توانند بجنگند و از طرف دیگر فهمیدند با جنگ انقلابی می توانند خارج از قواره کلاسیک جنگ را ادامه دهند.» (۲) .

در واقع، اعتماد به نفس نشان دهنده موفقیت استراتژی جدید نیروهای انقلابی در صحنه عمل بود، ولی هر گونه ناکامی احتمالی نیز در این عملیات می توانست سرنوشت جنگ و حتی حیات سیاسی کشور را با خطر روبه رو کند.

تجارب نظامی مهمی نیز در این عملیات به دست آمد؛ پس از عملیات ثامن الائمه (ع)، فرماندهان سپاه در جلسه ای که به منظور ارزیابی عملیات در ۷ مهر ۱۳۶۰ بر پا شد، به بررسی ویژگی های این عملیات پرداختند. برادر غلامعلی رشید در این جلسه گفت:

۱- ۴۱۷. مأخذ ۱، ۲۷ / ۴ / ۱۳۷۴.

۲- ۴۱۸. مأخذ ۳۳.

«بنا به تجربه قبلی، در طراحی این عملیات چند فاکتور در نظر گرفته شد: اول تهاجم یکپارچه و همه جانبه در کل محورها؛ دوم حمله شبانه؛ سوم قیچی کردن دشمن در دو پل؛ چهارم تک پشتیبانی تا حدودی فریبنده در محور خرمشهر. در واقع، باید از این عوامل به عنوان محسنات این عملیات یاد کرد. دشمن که آمادگی مقابله با چنین تهاجمی را نداشت، لذا رعب و هراس در نیروهای عراقی از یک سو و دست پاچگی و عدم کنترل و هدایت فرماندهی از سوی دیگر، گریبان گیر دشمن شد.» (۱) .

شهید حسن باقری یک ویژگی خوب این عملیات را بیان جزئیات طرح مانور برای همه فرماندهان سپاه تا رده دسته خواند. برادر رحیم صفوی نیز بخشی از ویژگی های مثبت این عملیات را تلاش خستگی ناپذیر نیروهای پیاده برای رسیدن به مواضع دشمن و هدایت و رهبری خودجوش فرماندهان گردان ها و گروهان ها برای مقابله با دشمن برشمرد. (۲) .

همچنین، اجرای عملیات در شب - که بعدها به عنوان یک اصل جدا نشدنی تا پایان جنگ در اجرای عملیات های نیروهای خودی مورد توجه قرار گرفت - در این عملیات بازدهی بسیار خوبی داشت. برادر رشید در این مورد می گوید:

«اگر عملیات را در روز شروع می کردیم، نیروی زرهی دشمن به لحاظ برتری کمی و کیفی که نسبت به واحدهای پیاده خودی داشت، مانع از پیشروی رزمندگان می شد. دشمن در شب قدرت مانور ندارد و از سویی چون تمامی نیروهای مهاجم ما را پیاده نظام تشکیل می دادند، به راحتی توانستیم پیشروی کنیم.» (۳) .

با این حال، عملیات ثامن الائمه (ع) دارای نقایصی هم بود؛ از جمله، با توجه به آشفتگی نیروهای دشمن در منطقه سرپل، نیروهای خودی در صورت برخورداری از توان نظامی و سرعت عمل لازم می توانستند با تصرف عقبه های دشمن تعداد بیشتری از آنان را کشته و مجروح کرده و یا به اسارت در آورند. همچنین، اصل تعقیب دشمن ایجاب می کرد که نیروهای خودی با عبور از رودخانه کارون، آن ها را در غرب رودخانه - که فاقد استحکامات و مواضع بود - منهدم و در صورت امکان، سرپل مناسبی را تصرف و تأمین کنند.

به طور کلی عملیات موفقیت آمیز ثامن الائمه (ع)، سرآغاز استراتژی جدید نیروهای انقلابی برای آزادسازی مناطق اشغالی بود. دشمن که با خیالی آسوده در مناطق اشغالی استقرار یافته بود، بر اثر ضربه وارده در این عملیات دچار وحشت و اضطراب شد و در آستانه هزیمت و شکست قرار گرفت. از این زمان به بعد، در حالی که دشمن در اندیشه حفظ سرزمین های اشغالی بود و نیروهای خودی نیز برای آزادسازی این مناطق تلاش می کردند، عدم درک

۱- ۴۱۹. مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، فصلنامه تاریخ جنگ، شماره ۹، زمستان ۱۳۷۳، ص ۴۳.

۲- ۴۲۰. پیشین، ص ۳۷، ص ۴۷.

۳- ۴۲۱. پیشین، ص ۴۷.

دشمن از تحولات برخاسته از استراتژی جدید، منجر به غافلگیری آن ها شد که از عوامل مؤثر در دستیابی آسان رزمندگان اسلام به پیروزی های بعدی بود.

بازتاب عملیات

اقدام ایران در انتشار اخبار مربوط به عقب راندن عراقی ها از شرق کارون و شکسته شدن محاصره آبادان با توجه به روند تحولات سیاسی - نظامی در داخل کشور و تجزیه و تحلیل ناظران و کارشناسان خبری از این واقعه، به عنوان «انتشار گزارش های ضد و نقیض ایران» ارزیابی می شد. رادیو امریکا یک روز پس از آغاز عملیات، در اخبار خود طی گزارشی گفت:

«در ایران هم زمان با انتشار گزارش های ضد و نقیض درباره پیروزی بزرگ ایران در جنگ یک ساله آن کشور با عراق، زد و خوردهای شدیدی در نقاط مختلف پایتخت صورت گرفت.» (۱) .

پس از آنکه رادیو امریکا به نقل از صدای جمهوری اسلامی ایران گزارش شکسته شدن محاصره آبادان را منتشر کرد، به نقل از رادیوی دولت عراق گفت:

«ولی خبرگزاری رسمی عراق تصرف مجدد آبادان را توسط نیروهای ایرانی تکذیب کرده است.» (۲) .

رادیو بی.بی.سی نیز در نخستین واکنش نسبت به اخبار عملیات، دفاع ایران از آبادان طی یک سال گذشته را نشان تصمیم این کشور برای مقاومت و پایداری در برابر عراق ارزیابی کرد و حمله سحرگاهی ایران را نخستین تلاش عمده دو طرف جنگ برای پایان دادن به بن بست موجود خواند. (۳) در گزارش خبری این رادیو با اشاره به اقدامات منافقین در داخل کشور، به طور تلویحی بر متناقض بودن اوضاع تأکید شده بود:

«نشانه شدت مناقشات سیاسی در داخل ایران نیز از این جا به دست می آید که در زمان وقوع جنگ در آبادان، حامیان و مخالفان دولت هم در تهران، و پایتخت کشور، به مبادله آتش دست زده اند.» (۴) .

در حالی که رادیو امریکا و رادیو لندن همچنان با تردید به پیروزی نظامی ایران می نگریستند، رادیو صوت الجماهیر (بغداد) به نقل از یک سخنگوی صلاحیت دار، اخبار هزیمت و شکست دشمن در شرق رودخانه کارون را تأیید کرد و در توجیه آن گفت:

«نیروهای نظامی ما (عراق) طبق برنامه عمومی آن وقت (شروع جنگ)، در شرق کارون حضور یافتند و علی رغم تلاش های دشمن، در طول یک سال کامل در شرق کارون باقی ماندند، واحدهای دلیر ما هر بار چه به طور مستقیم و با ضد حمله، حملات دشمن را دفع می کردند و

۱- ۴۲۲. خبرگزاری پارس، «گزارش های ویژه»، ۷ / ۷ / ۱۳۶۰، به نقل از رادیو امریکا، ۶ / ۷ / ۱۳۶۰.

۲- ۴۲۳. پیشین.

۳- ۴۲۴. پیشین، به نقل از رادیو بی بی سی.

۴- ۴۲۵. پیشین.

دشمن در روزهای اخیر آسیب هایی به پل های ما بر روی کارون وارد ساخته و همچنین فعالیت های نظامی علیه ما نموده است و این امر باعث شده تا فرماندهی کل تصمیم خود دایر بر انتقال دادن واحدها مذکور از شرق کارون به غرب کارون اتخاذ کند...» (۱) .

پس از اعتراف عراقی ها به پیروزی ایران، رادیو لندن در بررسی نتیجه این پیروزی گفت:

«پیروزی ایران برای صدام حسین نه تنها یک عقب نشینی نظامی است بلکه یک عقب نشینی سیاسی نیز به حساب می آید...» (۲) .

در پی سقوط هواپیمای حامل فرماندهان نظامی که از جبهه عازم تهران بودند، رسانه های خبری دنیا به جای بررسی پیروزی نظامی ایران، سقوط هواپیما را محور گزارش های خبری قرار دادند. همچنین، با شهادت هاشمی نژاد به دست منافقین در مشهد و پاره ای از حوادث دیگر از جمله تظاهر مسلحانه گروهک ها در تهران، بار دیگر رخدادهای ناشی از درگیری های سیاسی داخلی کشور مورد توجه رسانه های خارجی قرار گرفت. (۳) .

ادامه رخدادهای سیاسی - امنیتی در داخل کشور و بازتاب آن در رسانه های خبری سبب شد تا بن بست در جنگ مجددا مورد تأکید ناظران سیاسی قرار گیرد، چنان که نشریه ژاپن تایمز، چاپ ژاپن، پس از بررسی وضعیت سیاسی - نظامی ایران نوشت:

«در خاورمیانه اعتقاد راسخی وجود دارد که جنگ پایان نخواهد یافت مگر آن که تغییرات عمده ای در دولت ایران یا عراق و یا هر دو صورت گیرد. بدون شک صدام از وجود جنگ داخلی بین چپ گرایان و انقلابیون اسلامی در ایران خرسند است. به نظر می رسد این مسئله به اضافه رکود اقتصادی، رژیم خمینی را محکوم به فنا کند. به هر حال، آقای خمینی ضربه های پیاپی را پشت سر گذاشته است. جنگ با عراق یکی از عوامل ایجاد وحدت در ایران است... جنگ به بن بست کشانده شده ی ایران و عراق دیگر نگرانی هایی در منطقه خاورمیانه و به طور کلی در جهان به وجود نمی آورد، اما این درگیری هنوز توان ایجاد بحران جدیدی را دارد و نمی توان آن را نادیده گرفت، یا به دست فراموشی سپرد.» (۴) .

نکته مهمی که در تمام گزارش ها و تحلیل های خبری، مشاهده می شد، ارائه وضعیتی دوگانه از ایران بود؛ رسانه های خبری جهان به موازات اخبار مناقشات سیاسی، خبر پیروزی نظامی ایران را نیز منتشر می کردند. به نظر می رسد، برای ناظران خارجی پیروزی ایران در این عملیات پذیرفتنی نبود، به همین دلیل با وجود تأکید بر ارزش پیروزی نظامی ایران و شکست سیاسی - نظامی عراق، همچنان، اوضاع کلی جنگ به عنوان یک بن بست ارزیابی می شد که تنها، تحولات سیاسی و جابه جایی قدرت در یکی یا هر دو کشور می توانست آن

۱- ۴۲۶. خبرگزاری پارس، «گزارش های ویژه»، ۷ / ۷ / ۱۳۶۰، بخش عربی رادیو صوت الجماهیر، ۶ / ۷ / ۱۳۶۰.

۲- ۴۲۷. خبرگزاری پارس، «گزارش های ویژه»، ۸ / ۷ / ۱۳۶۰، رادیو لندن، ۷ / ۷ / ۱۳۶۰.

۳- ۴۲۸. سند شماره ۷۴۰۵ / گ، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، جزوه «امام خمینی و اوضاع سیاسی - اجتماعی عملیات ثامن الائمه (ع)»، (خرداد تا مهر ۱۳۶۰) نوشته محسن محمدی معین.

۴- ۴۲۹. وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، «بررسی مطبوعات جهان»، شماره ۹۹، ۳۰ / ۷ / ۱۳۶۰، به نقل از ژاپن تایمز، اکتبر ۱۹۸۱.

را برطرف کند. به بیان دیگر، گرچه شکسته شدن حصر آبادان - با وجود ناباوری های اولیه - مورد پذیرش محافل سیاسی و نظامی دنیا قرار گرفت، ولی این پیروزی به این معنا نبود که روند جدیدی در جنگ آغاز شده و اوضاع به سود ایران تغییر کرده است.

بعدها، یکی از کارشناسان امریکایی مسائل نظامی در مورد بازتاب عملیات ثامن الائمه (ع)، بر این نکته تأکید کرد که پیشنهاد آتش بس یک ماهه عراق در ماه نوامبر، متأثر از پیروزی ایران در آبادان در ماه اکتبر بود. وی در مورد ماهیت این پیروزی در کتاب خود نوشت:

«پیروزی ایران در جبهه آبادان این حقیقت را آشکار کرد که برتری در قدرت زرهی و هوایی می تواند بی معنا باشد. علاوه بر این، پیروزی در آبادان هشدار برای غرب بود. حتی اگر نیروهای غربی که احتمالا کارآمدتر از نیروهای عراقی در استفاده از قدرت هوایی و سلاح های سنگین بوده باشند، در مقابله با نیروهای ایران باز هم با مشکلی که عراق گریبانگیر آن بود،مواجه می شدند، خصوصا این که دولت های غربی از لحاظ سیاسی آمادگی پذیرش تلفات سنگین در یک جنگ کم شدت را ندارند.» (۱) .

کردزمن به عنوان کارشناس نظامی، ماهیت شکل گیری نوع جدیدی از جنگ را مورد توجه قرار می دهد که شکست حصر آبادان نقطه آغاز تحقق آن بود. وی سپس می نویسد:

«هنوز مشخص نشده است که ایرانیان چگونه به این پیروزی دست یافتند.» (۲) .

تبیین استراتژی آزادسازی

پیروزی در عملیات ثامن الائمه (ع) که برجسته ترین تحول نظامی در سال اول جنگ بود. زمینه تبیین استراتژی جنگ را با هدف آزادسازی مناطق اشغالی، فراهم کرد. در این حال، تحولات سیاسی که بر روند تحولات نظامی اثر داشت، خود نیز از این تحولات متأثر بود.

امام خمینی با شناخت خود از روند تحولات، چند حرکت را به موازات هم اداره و هدایت کردند. امام، انتخاب ریاست جمهوری را به عنوان «یک امر حیاتی برای جمهوری اسلامی» (۳) ارزیابی کرده و حضور مردم را در صحنه ضروری و تعیین کننده خواندند. ایشان در دیدار با فرماندهان نظامی - پس از سقوط هواپیمای فرماندهان نظامی - فرمودند:

«به انتخابات نظر کنید می فهمید که ایران پایدار خواهد ماند... وقتی می توانند کودتا یا حمله کنند که ملت در صحنه نباشد،ولی وقتی ملت در صحنه بود، چه کاری از آنان ساخته است و در این جنگ فهمیده شد که ملت بی طرف نیست. ملت و ارتش ما قوی است و به خوبی مملکت را می تواند حفظ کند.» (۴) .

۱ – ۴۳۰. آنتونی کردزمن و آبراهـام واگنر، درس هـایی از جنـگ مـدرن، جلـد دوم: جنگ ایران و عراق، ترجمه حسـین یکتا کارشناس مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، ص ۱۴۶ (منتشر نشده).

۲– ۴۳۱. پیشین.

۳ – ۴۳۲. وزارت فرهنـگ و ارشـاد اسـلامی، مرکز مـدارک فرهنگی انقلاب اسـلامی، صـحیفه نور: مجموعه رهنمودهای امام خمینی، جلد ۱۵، (تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی)، ص ۱۶۹.

۴– ۴۳۳. پیشین.

امام در ۱۷ مهر ۱۳۶۰ – ۱۰ روز پس از عملیات ثامن الائمه (ع) و سقوط هواپیمای فرماندهان نظامی – در حکم تنفیذ ریاست جمهوری، آیت الله خامنه ای، فرمودند:

«شرکت بی سابقه مردم کشور امید بدخواهان را مبدل به یأس و طمع آزمندان را برای همیشه برید.» (۱) .

امام در جای دیگری از این حکم فرمودند:

«شرکت عمومی ملت شجاع و متعهد در انتخابات و پیروزی های پی درپی قوای مسلح در جنوب و غرب و حضور مداوم ملت در سرتاسر کشور... کاخ های تخیلی آنان را فرو ریخت.» (۲) .

امام، حضور گسترده و سرنوشت ساز مردم را در انتخاب ریاست جمهوری به مثابه گذار از مرحله بی ثباتی حاصله از مناقشات سیاسی به مرحله جدید ارزیابی کردند. ایشان در پاسخ به تلگرام فرماندهان در مورد پیروزی در عملیات ثامن الائمه (ع)، پیامی صادر فرمودند که در واقع چارچوب و خط مشی قوای نظامی را مشخص کرد؛ امام اظهار امیدواری کردند:

«آخرین پیروزمندی را که بیرون راندن نیروهای متجاوز کافر از سرزمین های میهن ما است. ملت شریف به زودی مشاهده کند.» (۳) .

با تبیین استراتژی جنگ تأثیرات ناشی از تحولات سیاسی – نظامی به تدریج در حوزه نظامی نمایان شد؛ از یک سو، با افزایش حضور نیروهای مردی، سپاه تلاش های جدیدی را برای گسترش سازمان رزم انجام داد و از سوی دیگر، نیروهای ارتش و سپاه استراتژی آزادسازی مناطق اشغالی را طرح ریزی کردند. سردار محسن رضایی در این زمینه می گوید:

«دو کار اساسی انجام شد؛ یکی در عملیات و یکی در سازمان دهی. در عملیات، طرح ریزی سلسله وار صورت گرفت، یعنی در حقیقت استراتژی نظامی شکل گرفت، دوم در سازمان دهی، سپاه رفت به دنبال این که یک سازمان رزم برای خودش فراهم کند. این دو از اولین تحولات پس از عملیات ثامن الائمه (ع) است.» (۴) .

سردار غلامعلی رشید نیز در مورد سازمان رزم سپاه و اقداماتی که انجام شد، می گوید:

«سال دوم جنگ را سال رشد و تثبیت سپاه نام گذاری کردیم. بعد از عملیات ثامن الائمه (ع)، کلاهدوز شهید شد. (۵) آقا رحیم رفت تهران که مسئول طرح عملیات بشود، من هم به حکم

۱– ۴۳۴. مأخذ ۶۴، ص ۱۷۹.

۲– ۴۳۵. پیشین.

۳– ۴۳۶. مأخذ ۶۴، ص ۱۶۵.

۴– ۴۳۷. مأخذ ۳۳.

۵– ۴۳۸. سرلشکر محسن رضایی در مورد نقش برادر کلاهدوز در عملیات ثامن الائمه (ع) می گوید: «شهید کلاهدوز در این عملیات نقش خیلی مؤثری داشت. قبل از این عملیات حدود یک هفته یا ۱۰ روز قبل فرمانده سپاه شد و برای این عملیات بیشترین زحمات را کشید.» (سرلشکر محسن رضایی، درس های تجزیه و تحلیل جنگ ایران و عراق، دانشکده فرماندهی و ستاد سپاه دوره عالی جنگ، ۱۲ / ۷ / ۱۳۷۵)

فرمانده کل سپاه مسئول عملیات جنوب شدم... یادم هست که با شهید باقری نشسته بودیم به فکر تشکیل تیپ افتادیم و این که بعد از این، برای انجام عملیات بعدی (طریق القدس) ما نیروی زیادی نیاز داریم و باید تیپ درست کنیم.» (۱) .

همان گونه که پیش از این اشاره شد، به دلیل پیروی سپاه از اصل دو برابر شدن نیروهای عمل کننده در هر عملیات نسبت به عملیات قبلی، سازمان مناسبی برای سپاه طرح ریزی شد. در عملیات ثامن الائمه (ع) نیروهای سپاه با سازمان گردان وارد عمل شدند و مفهوم تیپ پس از این عملیات شکل گرفت. (۲) بر اساس تأکید سپاه در سازمان رزم، بر نیروی انسانی، تیپ های جدید شکل گرفت. درباره تشکیل تیپ ها و نام گذاری آن ها، سردار رشید می گوید:

«بیشتر اعداد ما برای نام گذاری مایل به اعداد تیپ های عراقی بودند تا ارتش خودمان. ارتش خودمان شماره های ۹۲، ۸۱، ۶۴ و کلا اعداد بالاتر از ۳۰، ۴۰ را استفاده کرده اند ولی عراقی ها ۱ و ۲ تا ۱۲ (۳) ما آمدیم بین این ها را انتخاب کنیم و حداکثر را ۴۱ گذاشتیم، اول که حکم دادیم تیپ های ۸، ۲۵، ۱۴ تشکیل شد.» (۴) .

بدین ترتیب، گسترش سازمان رزم سپاه و ارتقاء آن از گردان به تیپ (۵) بر توان نظامی ایران افزود (۶) و این مسئله نقش مؤثری در تبیین استراتژی جنگ و طرح ریزی سلسله عملیات های بعدی داشت. (۷) .

۱- ۴۳۹. مأخذ ۵.

۲- ۴۴۰. مأخذ ۳۳.

۳- ۴۴۱. عراقی ها بعدها از شماره های سه رقمی برای نام گذاری نیروهای جیش الشعبی استفاده کردند. ولی یگان های اصلی عراق در آن زمان همین شماره های دو رقمی را داشتند.

۴- ۴۴۲. مأخذ ۵.

۵- ۴۴۳. در کتاب دفاع مقدس - از انتشارات نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی، اسفند ۱۳۷۳، ص ۱۱۶، در مورد تشکیل تیپ در سپاه آمده است: «سپاه پاسداران به بهره برداری از انگیزه علاقمندی نیروهای بسیج مردمی که متعاقب موفقیت حاصله در عملیات ثامن الائمه (ع) ایجاد شده بود، یگان هایی در سطح تیپ تشکیل و در عملیات های بعدی شرکت داد.».

۶- ۴۴۴. در این زمان یکی از مشکلات نیروی زمینی یگان مانوری بود. چنان که در کتاب دفاع مقدس در همین زمینه آمده است: «یکی از عمده ترین مشکلات نیروی زمینی ارتش برای اجرای عملیات آفندی گسترده و سرنوشت ساز، کمبود یگان های مانوری با توجه به عرض جبهه و گسترش یگان ها در مواضع پدافندی بود (ص ۱۳۰)، بنابراین، گسترش سازمان رزم سپاه عملا ضعف و کاستی های ارتش را جبران کرد و بر توان نظامی ایران افزود.

۷- ۴۴۵. سردار علی فضلی درباره تشکیل تیپ در سازمان سپاه اظهار داشت: «یکی دو ماه قبل از عملیات طریق القدس، زمان تشکیل تیپ های سپاه بود. تازه اولین باری بود که سپاه تیپ هایش را تشکیل می داد و سازمان دهی می کرد. من مأمور تشکیل تیپ احتیاط محمد رسول الله (ص) شدم تا آن ها را برای شرکت در عملیات آماده سازم. تیپ های کربلا، امام حسین (ع) و عاشورا، تیپ های عمل کننده بودند و چون نیروهایشان کم بودند، گردان های ما به تیپ عاشورا مأمور شدند و من هم

به عنوان جانشین فرمانـده به کمـک سـردار جعفری فرمانـده وقت آن تیپ رفتم.» [مؤسـسه نشـر آثـار امام خمینی، امام و دفاع مقدس (خاطراتی از رزمندگان و فرماندهان سپاه اسلام - خاطرات علی فضلی)، تهران، ۱۳۷۷، ص ۱۱۴].

در تبیین استراتژی جدید جنگ، دو تجربه ارزشمند که فرا روی نیروهای سپاه قرار گرفته بود، نقش داشتند: نخست، تشکیل ستاد عملیات جنوب و طرح ریزی عملیات محدود و دومی، تجربه ی طرح ریزی عملیات ثامن الائمه (ع) و تلاش برای تصویب آن در شورای عالی دفاع و سپس هماهنگی با برادران ارتش و اجرای آن با ترکیب مشترک بود. در مرحله جدید، با توجه به تجارب به دست آمده و در پی تلاش برای تعیین هویت سپاه در طرح ریزی عملیات و مشخص کردن جایگاه و نقش آن، اقدامات جدیدی برابر تدبیر فرماندهی سپاه انجام گرفت. برادر محسن رضایی در توضیح این اقدامات می گوید:

«ما بچه های سپاه را کاملا جدا کردیم و گفتیم شما یک تیمی بشوید، طراحی عملیات بکنید و برادران ارتش هم یک تیم درست کنند[و]به صورت جداگانه، طراحی عملیات کنند، ولی بعد، در جلسه مشترک نظرمان را بگوییم، آن ها هم نظرشان را بگویند. علت این تفکیک به خاطر این بود که می خواستیم به سپاه شکل بدهیم، یک سازمان درست کنیم. این که همین طوری بنشینیم در جلسات و معلوم نباشد کی چه می گوید، این یعنی این که هیچ وقت سپاه راه نیفتد و سازمان رزم سپاه شکل نگیرد. بنابراین، اولین تفکیک را ما قبل از عملیات طریق القدس انجام دادیم و گفتیم سپاه با هویت سپاهیگری باید طرح ریزی کند و ارتش هم با هویت ارتشی گری طرح ریزی کند. برادرمان صیاد خیلی مخالف بود، ولی ما محکم گرفتیم و گفتیم نه.» (۱) .

گرچه آثار و نتایج اجرای این تصمیم در همان هنگام آشکار شد، ولی با گذشت زمان و به ویژه پس از تکامل اندیشه دفاعی سپاه و تلاش این نیرو در طرح ریزی عملیات های خیبر، بدر، و الفجر ۸، کربلای ۵ و... ارزش این اقدام روشن تر شد. در واقع، اگر منشأ تحول در جنگ - پس از بن بست نظامی حاصله از ناکامی تفکر کلاسیک و سنتی - حضور نیروهای انقلابی و مردمی در جنگ و تبیین استراتژی جدید بود، بنابراین، در تداوم آزادسازی مناطق اشغالی نیز بی گمان، تحول جدید باید روند تکاملی خود را طی می کرد و این امر میسر نبود مگر به آنچه فرمانده سپاه در تفکیک طرح ریزی عملیات ها انجام داد.

با تشکیل تیم جدید برای طرح ریزی عملیات، نیروهای سپاه همچنان در پایگاه منتظران شهادت (گلف) به تلاش های خود ادامه دادند. سردار رضایی در مورد این جلسات می گوید:

«جلسه در پایگاه منتظران شهادت - گلف سابق - گذاشته شد و با برادران صحبت کردیم که این طور درست نیست که ما می آییم برای یک عملیات این جا می نشینیم، ما باید یک سلسله عملیات هایی را طرح ریزی کنیم.» (۲) .

دو اصل برای طرح ریزی در مرحله جدید در نظر گرفته شد: اول این که عملیات ها

۱- ۴۴۶. مأخذ ۳۳.

۲- ۴۴۷. پیشین.

مسلسل وار و پشت سر هم انجام شود و وقفه آن کوتاه باشد، دوم، در هر عملیاتی که صورت می گیرد دو تا سه برابر عملیات قبلی توان رزمی وارد صحنه شود. (۱) .

سردار رضایی همچنین در مورد نتیجه این تلاش ها و طرح ریزی سلسله عملیات های دوازده گانه ی کربلا می گوید:

«بعد از عملیات ثامن الائمه (ع) ما وارد دوران جدید و یک استراتژی جدید شدیم که قرار شد که در این مرحله ۱۲ عملیات شامل کربلای ۱ تا ۱۲ طرح ریزی شود. این ۱۲ عملیات اولین عملیات های منظمی بودند که از یک جانبی شروع می شد و به یک جایی ختم می شد و پشت سرهم انجام می گرفت. مشخص بود هر عملیات کجا صورت می گیرد، حتی اسم گذاری هم شده بود.» (۲) .

اهداف مورد نظر در استراتژی جدید که بر پایه ترکیب و هماهنگی (۳) ارتش و سپاه تدوین شده بود، عبارت بودند از: الف) انهدام نیرو و امکانات دشمن برای کاهش توان نظامی عراق؛ ب) آزادسازی نیروهای خودی از خطوط پدافندی و تمرکز قوا برای اجرای عملیات در سایر مناطق اشغالی؛ ج) آمادگی برای حمله نهایی و تعیین کننده به دشمن.

در واقع، با تداوم تهاجمات پی درپی به دشمن و انهدام نیرو و امکانات آن، مقدمات آزادسازی مناطق اشغالی فراهم می شد و در این صورت، با آزادسازی نیروهای خودی که در خطوط پدافندی در برابر عراق قرار داشتند، مقدمات وارد ساختن ضربه نهایی به دشمن به منظور تأمین حقوق جمهوری اسلامی، فراهم می شد. بر همین اساس، قرار شد ۱۲ طرح تحت عنوان کربلای ۱ تا ۱۲ (۴) تهیه و برای تصویب نهایی به شورای عالی دفاع ارائه شود (۵) که تنها پنج تا ۶ طرح آماده شد. در واقع، کلیه تحرکاتی که پس از این زمان انجام گرفت، در چارچوب استراتژی جدید و بر پایه طرح های ارائه شده بود.

۱- ۴۴۸. پیشین.

۲- ۴۴۹. مأخذ ۲۸.

۳- ۴۵۰. سرلشکر محسن رضایی در این زمینه می گوید: «بخشی از تحول در روند جنگ متأثر از همکاری ارتش و سپاه بود. پیش از این، فضای سیاسی حاکم بر کشور و جنگ مانع از همکاری حقیقی و واقعی بود بود ولی با تغییر شرایط کشور، ارتباط تصنعی جای خود را به ارتباط متناسب با توان و قابلیت ها داد به همین دلیل نتیجه این وضع سبب افزایش توان نظامی جمهوری اسلامی شد.» (سرلشکر محسن رضایی، درس های تجزیه و تحلیل جنگ ایران و عراق، دانشکده فرماندهی و ستاد، دوره عالی جنگ، ۲۷ / ۴ / ۱۳۷۴).

۴- ۴۵۱. در کتاب دفاع مقدس از انتشارات نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی، صفحه ی ۱۳۰ در این زمینه آمده است: «در پایان سال اول تهاجم عراق لزوما با قبول ریسک و تقلیل یگان ها در مناطق پدافندی و تمرکز نیروی نسبتا مناسب از یک طرف و مشارکت کامل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی با سازمان دهی یگان های تیپی و لشکری از طرف دیگر، سلسله عملیاتی با نام کربلا طرح ریزی و اولین آن با نام کربلای ۱ یا طریق القدس در جبهه میانی صحنه عملیات خوزستان با موفقیت اجرا و...».

۵- ۴۵۲. دفتر سیاسی سپاه پاسداران، گذری بر ۲ سال جنگ، (سپاه پاسداران، ۱۳۶۱)، ص ۱۱۴.

عملیات طریق القدس آزاد سازی سوسنگرد و بستان و تأمین مرزهای بین المللی

اشاره

جمهوری اسلامی ایران تنها دو ماه پس از پیروزی در عملیات ثامن الائمه (ع)، عملیات طریق القدس را در سال دوم جنگ (آذر ماه سال ۱۳۶۰) با سرعت بسیار و بر پایه ی تحولات جدید و شور و هیجان ایجاد شده در کشور، به عنوان بزرگ ترین عملیات خود در مقیاس گسترده، طرح ریزی کرد. سازمان دهی نیروهای داوطلب با انگیزه شهادت طلبی در سازمان سپاه و در آستانه فرا رسیدن ماه محرم، برجسته ترین ویژگی این عملیات بود.

علل انتخاب منطقه

پس از پاک سازی منطقه اشغالی در شرق رودخانه کارون در عملیات ثامن الائمه (ع)، هنوز در جبهه جنوب سه منطقه در اشغال دشمن قرار داشت که عبارت بودند از:غرب رودخانه کارون و شهر خرمشهر، منطقه بستان و سوسنگرد و منطقه غرب رودخانه کرخه. (۱) این مناطق از نظر وسعت، هدف، استعداد و گسترش نیروهای دشمن دارای موقعیت های متفاوتی بودند، بنابراین با توجه به توانایی و امکانات نیروهای خودی برای انجام عملیات، منطقه سوسنگرد و بستان برای عملیات انتخاب شد.

البته، در این زمینه اختلاف نظرهایی وجود داشت؛ فرماندهی وقت نیروی زمینی ارتش با تأکید بر این که دشمن در غرب رودخانه کرخه حضور دارد و می تواند جاده اهواز - اندیمشک را تهدید کند و از سوی دیگر،در جناح شمالی منطقه عملیاتی استقرار یافته و در صورت هر نوع پیشروی در این منطقه، جناح راست نیروهای خودی در شمال و عقبه آن ها تهدید خواهد شد، لذا با اجرای عملیات در این منطقه مخالف بود و بدین خاطر، پیشنهاد می کرد که عملیات در منطقه غرب رودخانه کرخه انجام شود.

در مقابل، بر پایه انطباق توانایی و مقدورات خودی با موقعیت منطقه از نظر وسعت و حجم نیروهای دشمن، برخی دیگر از فرماندهان جنگ بر اجرای عملیات در منطقه بستان و سوسنگرد اصرار می کردند. همچنین،آن ها در پاسخ به استدلال مخالفان اجرای عملیات در

---

۱ - ۴۵۳. در برآورد وضعیت عملیاتی طرح کربلای ۱ در این زمینه آمده است: «راه کارهای خودی: ۱- تک برای انهدام دشمن در غرب کرخه (منطقه عمومی دزفول)، ۲- تک برای انهدام دشمن در غرب کارون (جنوب اهواز). ۳- تک برای انهدام دشمن در بستان و غرب سوسنگرد.».

این منطقه، بر چند موضوع تأکید داشتند؛ از جمله این که دشمن انگیزه و تمایلی برای آفند ندارد و در عین حال قادر به عبور از رودخانه کرخه و بستن جاده اهواز - اندیمشک نیست و اگر چنین بود، بی گمان پیش از این اقدام می کرد. افزون بر این عقیده، با توجه به روحیه نیروهای دشمن و فرماندهی متزلزل آن ها، عراق قادر به پاتک مؤثر برای تهدید جناح راست عملیات و یا عقبه نیروهای عمل کننده نمی باشد، زیرا لازمه این امر خروج از مواضع پدافندی و تحمل تلفات است که دشمن آمادگی پذیرش آن را ندارد. بر همین پایه،پیش بینی می شود، دشمن در این منطقه، سرسختانه در مواضع فعلی پدافند کند. (۱) .

در پی تغییر فرماندهی نیروی زمینی ارتش و مباحث طرح شده به هنگام انتخاب منطقه، عملیات آفندی در منطقه بستان و سوسنگرد در تقدم یکم قرار گرفت. دلایل این تقدم، ویژگی ها و امتیازات عملیات در این منطقه نسبت به سایر مناطق بود. دلایلی مانند:

۱- با توجه به توان نیروهای خودی نسبت به دو هدف دیگر، به آسانی دست یافتنی بود؛

۲-نزدیکی بستان به مرزهای بین المللی و تأمین مرز به عنوان یک هدف مهم قابل دسترس بود و از نظر سیاسی نیز بازتاب گسترده ای داشت؛

۳- تصرف بستان، پیوستگی خطوط دشمن از مهران تا خرمشهر را از هم می گسست و امکان پشتیبانی متقابل شمال و جنوب بستان را از آن سلب می کرد؛

۴- هر گونه تهدید اهواز از محور سوسنگرد - بستان مرتفع می شد (۲) .

بدین ترتیب، بر پایه ویژگی های مثبتی که منطقه عملیاتی بستان - سوسنگرد داشت، این منطقه برای اجرای عملیات انتخاب و اقدامات ضروری برای آماده سازی آغاز شد.

موقعیت منطقه

منطقه عمومی عملیات در شمال غربی اهواز قرار داشته و دارای زمین های مرتفع، پست و هموار می باشد که از شمال به ارتفاعات الله اکبر، میش داغ و تپه های رملی، در جنوب به رودخانه نیسان و هویزه، در غرب، از یک سو به دغاغله و رودخانه نیسان و از سوی دیگر، رودخانه سابله و نهر عبید و روستای صالح حسن و از آن جا به سمت تپه های رملی در شمال امتداد می یابد و از شرق به هورالهویزه و تنگه ی چزابه و مرزهای بین المللی محدود می شود. (۳) .

۱- ۴۵۴. نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی، دفاع مقدس، اسفند ۱۳۷۱، صص ۱۱۶ - ۱۱۵.

۲- ۴۵۵. پیشین.

۳- ۴۵۶. با استفاده از جزوه برآورد اطلاعات عملیات طریق القدس،نوشته سردار علی اسحاقی، صفحه ۲۵.

زمین منطقه در شمال، رملی و از جنس ماسه های بادی است. سمت بیشتر ارتفاعات منطقه، از شمال غربی به جنوب شرقی و شیب زمین در مکان های مختلف، متفاوت است. رودخانه های این منطقه شامل رودخانه کرخه با عرض تقریبی ۲۵ تا ۴۰۰ متر و عمق ۵ / ۱ تا دو متر است که عبور از آن بدون استفاده از پل های موجود، غیر ممکن می باشد؛ رودخانه کرخه کور در حمیدیه که از رودخانه کرخه منشعب شده و تغییر مسیر می دهد؛ نهر سابله به عنوان شاخه جدا شده از کرخه و نهر نیسان به عنوان شاخه اصلی، جدا شده از کرخه که ابتدا به نام مالکیه وارد سوسنگرد شده و از آن جا به بعد نهر نیسان نامیده می شود.

عوارض مصنوعی منطقه به این شرح بود: جاده آسفالته سوسنگرد - پل سابله - بستان؛ جاده معروف به تعاون که دشمن ساخته بود و از حد فاصل بستان - سابله به پل نیسان و به سمت جفیر امتداد داشت؛ میدان های مین و مواضع احداثی دشمن. آبادی های این منطقه شامل دهلاویه، بردیه، دغاغله، سابله، چزابه و دیگر روستاها می باشد. (۱) .

وضعیت دشمن

ارتش عراق پس از ناکامی در تصرف سوسنگرد و پیشروی به سمت اهواز، در خارج از شهر و غرب سوسنگرد مواضع پدافندی خود را با استفاده از موانع طبیعی و مصنوعی در محور جابر حمدان در شمال رودخانه کرخه و محورهای دهلاویه، سویدانی و هویزه در جنوب کرخه به گونه ای مناسب تحکیم و تثبیت کرد.

عراقی ها پس از عملیات ثامن الائمه (ع) و تحمل ضربه مهلک ناشی از آن، تمام توان خود را برای شناسایی تحرکات و مقاصد نیروهای خودی بسیج کرد و تا ۶۰ درصد موفق به کشف این اطلاعات شد. (۲) اما به دلیل نقص اطلاعات، همچنان در تردید به سر می برد و در تجزیه و تحلیل خود به این نتیجه رسیده بود که یکی از راه کارهای احتمالی نیروهای خودی و تمرکز «تلاش اصلی» برای عملیات، در محور غرب سوسنگرد، عبور از پل سابله به سمت بستان و نیز «تلاش پشتیبانی»، از شمال کرخه و محور الله اکبر، جنوب ارتفاعات رملی به سمت غرب و تنگه چزابه می باشد. (۳) دشمن برای مقابله با این راه کارها، ترکیب و شکل استقرار نیروهای خود را با استفاده از موانع موجود آرایش داد. ارتش عراق که برای پشتیبانی و تقویت نیروهای خود به پل های رودخانه های کرخه و سابله و جاده های شمالی - جنوبی متکی بود، حفاظت و حمایت از پل ها را تشدید کرد. (۴) در عین حال،عوارض رودخانه های منطقه تحرک فوق العاده و پشتیبانی سریع را برای دشمن غیر ممکن کرده بود.

ص: ۱۶۱

۱- ۴۵۷. سند مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: «طرح برآورد اطلاعاتی عملیات طریق القدس، ص ۲۵.

۲- ۴۵۸. پیشین.

۳- ۴۵۹. مأخذ ۸۰.

۴- ۴۶۰. پیشین.

استعداد دشمن

نیروهای دشـمن در شمال کرخه شامل تیپ ۲۶ زرهی از لشکر ۵، تیپ ۹۳ پیاده از لشکر ۴ پیاده کوهستانی، گردان ۱ پیاده از تیپ ۲۳، تیپ ۳۱ و ۳۲ نیروی مخصوص و نیروهای جیش الشعبی بود.

نیروهای دشـمن در جنوب کرخه شامل تیپ های ۲۵ مکانیزه و ۱۶، ۳۰ و ۹۶ زرهی از لشکر ۶ زرهی، تیپ ۴۸ پیاده از لشکر ۱۱ پیـاده، تیپ ۱۲ زرهی از لشـکر ۳ زرهی، یـک گردان از تیـپ ۳۲ نیروی مخصـوص، گردان ۲۰ دفـاع الواجبات، نیروهای کماندویی لشکر ۷ پیاده و نیروهای جیش الشعبی بود. (۱) - (۲) .

دشمن پس از آگاهی از سمت تک نیروهای خودی اقدامات زیر را انجام داد:

۱- جابه جایی تیپ ۳۰ زرهی با تیپ ۳۵؛

۲- تقویت منطقه غرب سوسنگرد با تیپ ۳۰ نیروی مخصوص؛

۳- تمرکز تیپ ۳۱ نیروی مخصوص و گروه های کماندو در شمال کرخه، تنگه ی چزابه و پل های کرخه؛

۴- ایجاد تمرکز در گردان های تیپ ۱۲ در شمال کرخه و تنگه چزابه به عنوان نیروی احتیاط و پاتک؛

۵- ایجاد تمرکز در تیپ ۴۸ پیاده و تیپ ۹۳ در مثلث فینیخی و شمال کرخه؛

۶- ایجاد تمرکز در گردان های تیپ ۲۶ شمال کرخه به ویژه خطوط دوم؛

۷- تقویت خطوط دفاعی غرب سوسنگرد با تیپ ۳۰ زرهی، گردان های طارق و المثنی؛

۸- جابه جایی تیپ ۱۰ زرهی از منطقه مسیله به حوالی قرار گاه لشکر ۶ زرهی به عنوان احتیاط آن لشکر برای اجرای تک در منطقه غرب سوسنگرد؛

۹- تمرکز در ذخیره مهمات توپخانه و تانک و سلاح ضد تانک و ضد هوایی و افزایش مهمات خطوط اول؛

۱۰- تمرکز در تقویت نیروی حمایت از پل ها و تقویت سلاح و مهمات مربوط به آن. (۳) .

۱- ۴۶۱. البته بخشـی از این یگـان هـا در جنوب رودخـانه نیسـان و کرخه کور (نور) بودنـد و بعـد از مرحله اول عملیات وارد منطقه شدند. (یادداشت های سردار غلامعلی رشید بر حاشیه کتاب حاضر).

۲- ۴۶۲. مأخذ ۴۴، از عملیات طریق القدس، ص ۲۶.

۳– ۴۶۳. مأخذ ۸۰، صص ۲۶ و ۲۷.

اقدامات نیروهای خودی پیش از عملیات

مهم ترین اقدامات نیروهای خودی حدفاصل عملیات های ثامن الائمه (ع) تا طریق القدس، عبارت بود از:

۱- شناسایی خطوط و عمق دشمن؛ مهمترین شناسایی عمق با هدف انهدام دشمن در شمال غربی رودخانه نیسان شامل منطقه غرب سوسنگرد و حاشیه ی هور و از پشت دشمن در روستاهای دفار، نهر کسر، شیخ محمود و تا حوالی بیت نعمه می شد. (۱) برای شناسایی معابر خودی به دشمن و بر عکس، شناسایی موانع مصنوعی شامل میادین مین، خاکریزها و سایر تأسیسات و نیز شناسایی و ثبت تحرکات و استعداد پشتیبانی دشمن اعم از هوایی، هوانیروز، توپخانه و پدافند هوایی اقداماتی انجام گرفت. «همچنین، منطقه شمال کرخه در حد فاصل جناح دشمن و ارتفاعات میشداغ در منطقه رملی نیز شناسایی شد که اطلاعات آن بسیار حائز اهمیت بود و منجر به طرح ریزی عملیات به صورت احاطه ای شد و جاده معروف بر روی منطقه رملی نیز بر اساس همین اطلاعات و برابر نیاز عملیات احداث شد و بدین ترتیب، امکان دسترسی نیروهای خودی در خیز اول به عقبه دشمن در تنگه چزابه فراهم شد.» (۲) .

۲- سازمان دهی نیروهای مردمی به کوشش و تدبیر سپاه پاسداران، به گونه ای که در محاسبات عملیات، میزان استعداد و توان سپاه به عنوان یکی از عوامل تعیین کننده در آغاز عملیات و کسب موفقیت مورد تأکید قرار گرفت.

۳- طرح ریزی عملیات بر پایه شناسایی از منطقه و توان موجود نیروهای خودی و انجام دادن برخی جابه جایی ها و تقویت منطقه که با ظرافت و دقت خاصی انجام گرفت.

۴- نزدیک کردن خطوط خودی به دشمن با ایجاد خاکریزهای کوتاه. (۳) .

۵- اجرای طرح آب برای محدود کردن خطوط پدافندی و آزاد کردن نیرو. (۴) .

۶- احداث جاده ای به طول ۱۵ تا ۲۰ کیلومتر در زمین های رملی شمال منطقه عملیاتی (۵) کوشش برادران جهان سازندگی. (۶) .

در پی شهادت برخی از فرماندهان ارتش و سپاه پس از عملیات ثامن الائمه (ع)، انتصاب های جدید موجب تغییراتی در مدیریت جنگ شد که در گسترش و تعمیق همکاری سپاه و ارتش نقش به سزایی داشت.

۱- ۴۶۴. پیشین، ص ۳۶.

۲- ۴۶۵. این توضیح بر اساس یادداشت های سردار غلامعلی رشید بر کتاب حاضر نوشته شده است.

۳- ۴۶۶. مأخذ ۴۴، گزارش چهار عملیات بزرگ در مرحله آزادسازی، ص ۲۰.

۴- ۴۶۷. پیشین.

۵ – ۴۶۸. احداث این جاده که مورد استفاده نیروهای سپاه قرار گرفت، نقش بسیار تعیین کننده و اصلی در کسب پیروزی داشت.

۶– ۴۶۹. طرح برآورد وضعیت عملیاتی طرح کربلای ۱، ۲۵ آبان ۱۳۶۰، ص ۱.

طرح عملیات

مأموریت و اهداف

در طرح کربلای ۱ پیش بینی شده بود که نیروهای سپاه و ارتش می بایست با عملیات آفندی وسیع و انهدام گسترده قوای دشمن در این منطقه، توان رزمی و میل جنگ جویی نیروهای متجاوز را به شدت کاهش دهند و برای اجرای آفند نهایی جهت بیرون راندن دشمن از سرزمین های اشغالی آماده باشند. (۱) اهداف این عملیات عبارت بودند از:

۱- قطع ارتباط دشمن از شمال به جنوب با تصرف و تأمین تنگه چزابه؛ (۲) .

۲- آزادسازی شهر بستان و ۷۰ روستای دیگر؛

۳- رسیدن به مرز بین المللی در منطقه شیب و هور العظیم؛

۴- آزادسازی منطقه ای به وسعت نزدیک به ۳۵۰ کیلومتر مربع (۳) .

در واقع، لازمه اجرای این مأموریت، تأمین سه هدف شامل بستان، غرب سوسنگرد تا هور و شمال رودخانه نیسان بود. این اهداف تأثیر متقابل و یکسانی بر یکدیگر داشتند و تأمین یکی از آن ها بدون تأمین دو هدف دیگر و یا حداقل، هدف مجاور، ممکن نبود و نگه داری هدف را بی نهایت مشکل و حتی غیر ممکن می ساخت. (۴) .

سازمان رزم

نیروهای شرکت کننده از ارتش جمهوری اسلامی در این عملیات عبارت بودند از:

- تیپ ۱ زرهی از لشکر ۱۶ قزوین؛

- تیپ ۱ از لشکر ۷۷ پیاده خراسان؛

- تیپ ۳ زرهی از لشکر ۹۲ زرهی اهواز.

همچنین سه گردان توپخانه تقویت شده برای کمک مستقیم به تیپ های عمل کننده مأمور شده بودند.

نیروهای شرکت کننده سپاه پاسداران انقلاب اسلامی نیز در این عملیات عبارت بودند از:

- تیپ ۱ عاشورا به استعداد ۹ گردان پیاده؛

- تیپ ۲ کربلا به استعداد سه گردان پیاده؛

۱- ۴۷۰. پیشین.

۲- ۴۷۱. سرلشکر محسن رضایی در این زمینه می گوید:«هدف از عملیات طریق القدس این بود که ما بین جبهه دزفول (غرب کرخه) و جبهه اهواز (جنوب غرب اهواز - غرب کارون) فاصله بیندازیم و در حقیقت تدارک رسانی سریع دشمن را از این دو جبهه طولانی کنیم...». (سرلشکر محسن رضایی، درس های تجزیه و تحلیل جنگ ایران و عراق، دانشکده فرماندهی و ستاد دوره عالی جنگ، ۱۲ / ۷ / ۱۳۷۵).

۳- ۴۷۲. مأخذ ۷۷، صص ۱۱۸ و ۱۱۹ و همچنین مأخذ ۸۰، ص ۵۰.

۴- ۴۷۳. مأخذ ۸۹، ص ۶.

- تیپ ۳ امام حسین (ع) با هشت گردان پیاده؛

- تیپ ۴ امام سجاد (ع) با چهار گردان پیاده؛

- تیپ امام حسن (ع) با سه گردان به عنوان احتیاط.

در مجموع، استعداد نیروهای ارتش شامل شش گردان تانک، شش گردان مکانیزه و یک گردان پیاده و ۳۰ آتشبار توپخانه بود. استعداد نیروهای سپاه نیز شامل ۲۷ گردان پیاده، دو گردان مکانیزه، یک گردان تانک و دو گردان تقویت شده ی ادوات بود (۱) .

در این طرح بر اساس گزارش قرارگاه مقدم نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی، توان رزمی نیروهای خودی و دشمن این گونه مقایسه شده است:

«از نظر تعداد تانک به نسبت ۵ / ۲ به یک و از نظر تعداد یگان های مکانیزه به نسبت دو به یک بر او برتری داریم و از نظر تعداد نفربر یک به یک مساوی و از نظر یگان های پیاده، ما با احتساب سپاه پاسداران به نسبت چهار به یک بر او برتری داریم. از نظر آتش توپخانه، ما به نسبت ۵ / ۲ به یک بر او برتری داشته ولی چنانچه محدودیت مهمات همچنان ادامه یابد و مرتفع نگردد، این نسبت تقلیل می یابد... دشمن با توجه به دارا بودن یک تحرک عالی و احداث جاده در منطقه اشغالی، دارای امکانات یک واکنش سریع و شدید در مقابل ما بوده و نسبت دارا بودن یگان احتیاط و تقویت در سطح تیپ زرهی با مکانیزه سه به یک به نفع دشمن برآورد می شود.» (۲) .

این گزارش عنصر اصلی برتری بر دشمن را حضور سپاه و روحیه ای تهاجمی اش می داند:

«تفوق غیر قال انکار ما بر دشمن میل جنگ جویی و روحیه تهاجمی سپاه پاسداران می باشد که به نیروهای رزمنده ارتش نیز توانایی تازه می دهد.» (۳) .

همچنین، در این گزارش آمده است که دشمن، از نظر وضعیت زمین و نیروی هوایی بر نیروهای خودی برتری دارد. در پایان گزارش نیز به عنوان نتیجه گیری آمده است:

«از نظر عوامل فیزیکی، توان رزمی به غیر از یگان های پیاده و احتمالا توپخانه، برتری با دشمن ولی از نظر عوامل نامحسوس مانند روحیه تهاجمی نیروهای رزمنده و میل به پایان دادن جنگ و شکست متجاوز، برتری با ما خواهد بود.» (۴) .

---

۱ - ۴۷۴. در کتاب دفاع مقدس منتشره نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی، اسفند ۱۳۷۱، ص ۱۱۷، استعداد ارتش، لشکر ۱۶ زرهی، لشکر ۹۲ زرهی و تیپ ۱ لشکر ۷۷ ثامن الائمه (ع) ذکر شده است. همچنین در «گزارش قرارگاه مقدم نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی»، ص ۳، آمده است: «طبق برآورد وضعیت عملیاتی طرح کربلای ۱، در ۲۵ آبان ۱۳۶۰،

نیروهای تک ور با سه تیپ زرهی در مجموع شامل شش گردان تانک، شش گردان مکانیزه، یک گردان پیاده و یک گردان سوار زرهی با ۱۳۰ دستگاه تانک و ۱۸۰ دستگاه نفربر و نیروهای سپاه نیز با سه تیپ شامل ۱۰ گردان وارد عمل می شدند.».

۲- ۴۷۵. گزارش قرارگاه مقدم نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی، ص ۳.

۳- ۴۷۶. پیشین.

۴- ۴۷۷. پیشین.

بنابراین، در برآورد قرارگاه مقدم نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی عنصر اصلی برتری نیروهای خودی بر دشمن نیروهای پیاده و از نظر عوامل نامحسوس، «روحیه تهاجمی و میل جنگ جویی» ذکر شده است که اساسا هر دو مورد متکی بر حضور نیروهای سپاه بود.

طرح مانور

اشاره

در طرح ریزی عملیات طریق القدس، بر پایه تجارب به دست آمده از عملیات های پیشین و شناختی که از تدابیر پدافندی دشمن مبنی بر «پدافند عمق دار» و پاتک های سریع و سنگین» وجود داشت، دستیابی به نیروهای احتیاط دشمن مورد تأکید قرار گرفت. (۱) با توجه به این که مواضع دشمن در محور شمالی شامل رودخانه کرخه واقع در غرب تپه های الله اکبر به لحاظ وضعیت زمین، ضعیف بود و همچنین، دشمن درک روشنی از طرح عملیات این محور نداشت، لذا این منطقه به عنوان «تاکتیک ویژه عملیات» که عبور از منطقه رملی و دور زدن رده های دوم و سوم دشمن در عمق بود، مورد توجه سپاه قرار گرفت. (۲) .

در این حال، برادران قرارگاه مقدم نیروی زمینی ارتش در جنوب، بنابر تفکر کلاسیکی، (۳) عملیات در این محور را بسیار سخت و تا اندازه ای ناممکن می دانستند. در برآورد این قرارگاه از طرح مانور چنین آمده است:

«در شمال کرخه برای تک به دشمن و تأمین هدف خود در شمال بستان ما مجبور به عبور از مواضع بسیار مستحکم پدافندی دشمن هستیم که به شکل عصا بود که دارای ۵ / ۸ کیلومتر طول و در جنوب به مانع رودخانه کرخه و در شمال به تپه های رملی دامنه میشداغ متکی می گردد.»

۱- ۴۷۸. با استفاده از گزارش برادر داوود رنجبر از عملیات طریق القدس سند شماله ۶۸۹، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ.
۲- ۴۷۹. لازمه اجرای این تاکتیک، شناسایی عمق منطقه و دشمن بود که برابر تدبیر فرماندهی کل سپاه انجام گرفت. سرلشکر محسن رضایی در این زمینه می گوید: «ما این جا تقریبا به آن تاکتیک حضرت امیر - سلام الله علیه - در غزوه خیبر عمل کردیم؛ یعنی آمدیم از داخل رمل هایی که تقریبا احتمال داشت افراد از تشنگی هلاک شوند، نیروها را عبور دادیم.» (سرلشکر محسن رضایی؛ تجزیه و تحلیل جنگ ایران و عراق، دانشکده فرماندهی و ستاد، دوره عالی جنگ، ۱۲ / ۷ / ۱۳۷۵).
۳- ۴۸۰. در این محور قرار بود ابتدا نیروهای سپاه وارد عملیات شوند و پس از انهدام دشمن و پاک سازی منطقه، نیروهای ارتش برای پشتیبانی از تک وارد عملیات شوند. گفتنی است که در برآورد قرارگاه مقدم نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی از وضعیت طرح کربلای ۱، پس از ذکر محاسن و معایب طرح آمده است: «منطقی است اگر بپذیریم که پیروزی در این طرح چنان مزیت تاکتیکی و برتری نسبت به دشمن که مورد نظر است، به ما نخواهد داد که توان دشمن را برای ادامه

جنگ در هم شـکند.» بر همین اساس، پیشـنهاد شد که نیروهای خودی، دشـمن را در منطقه دیگری نیز مشـغول کنند تا دشمن مجبور شود تلاش های خود را برای مقابله با این خطر به دو جبهه اختصاص دهد.

در این برآورد همچنین با توجه به امکان مانور در این منطقه، آمده است:

«هرگونه مانور احاطه ای یا دورانی توسط نیروهای زرهی و مکانیزه غیر مقدور بوده و در صورت عدم موفقیت نیروهای پیاده و پاسدار - که باید به هر طریق در این مانع نفوذ کرده آن را ساقط نمایند - ما مجبور به اتخاذ تک جبهه ای به این مانع و تمرکز تلاش در چند نقطه برای رخنه در آن هستیم و بخوبی روشن است که تک جبهه ای نیروهای زرهی و مکانیزه به چنین مانع عظیمی اگر صد در صد با شکست توأم نباشد، با تلفات و ضایعات غیر قابل تصوری همراه خواهد بود.»

بنابراین تحلیل، نیروهای ارتش که بیشتر زرهی و مکانیزه بودند، با توجه به زمین منطقه، عقیده داشتند که امکان تک جبهه ای ناممکن است و عبور نیروهای سپاه از منطقه رملی را با توجه به مشکلات آن، تا اندازه ای دشوار می دانستند. به عقیده آن ها اگر عملیات از این محور صد در صد با ناکامی همراه نباشد، دست کم دارای تلفات و ضایعات غیر قابل تصوری خواهد بود. به همین دلیل در این برآورد تأکید شده است:

«مگر آن که این موانع قبل از هجوم یگان های تانک و مکانیزه با اجرای تک سریع و توأم با غافلگیری یگان پیاده و به ویژه سپاه پاسداران از زمین های رملی شمالی، تسخیر و سقوط کرده و با استفاده از معابر ایجاد شده در میادین مین و برداشتن سیم های خاردار و مواضع ضد تانک و بریدن خاکریز نیروهای مکانیزه و زرهی به خاکریزهای بعدی مانور نماید.»

بدین ترتیب، برادران قرارگاه مقدم نیروی زمینی ارتش در جنوب طرح ریزی عملیاتی بر پایه عبور نیروهای سپاه از تپه های رملی در شمال را به عنوان محور اصلی تهاجم، نادرست ارزیابی کرده و بر این باور بودند که با ناکامی در این محور، به ناکامی در سایر محورها می انجامد؛ در صفحه ۷ این برآورد نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی آمده است:

«مشکل بزرگ کار ما تک سریع و غافلگیر کننده سپاه پاسداران و عناصر پیاده با دور زدن جناح شمالی و سرازیر شدن به سنگرهای متجاوز[ان]در داخل خاکریز است که باید دقیقا طرح ریزی، شناسایی، محاسبه تهیه و تدارک و سپس اجرا گردد.»

تردیدهای موجود در برآورد قرارگاه مقدم نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی سبب شد تا فرماندهی وقت این نیرو، سرهنگ صیاد شیرازی، پس از مطالعه این برآورد و تشکر از تهیه کنندگان آن، که بر اساس «آگاهی های علمی و تخصصی خود» و «واقعیت های موجود در میدان نبرد» آن را تهیه کرده بودند، نکاتی را به آن ها گوشزد کند که بسیار با اهمیت بود:

«همان طوری که کرارا تذکر داده ام بسیاری از کیفیت های رزمی کلاسیک یگان های ما حقیقت

نـدارد و بسیاری کیفیت هـای رزمی جدیـد در صـحنه هـای رزم ما ظهور کرده است که برادرانم تقریبا شـناخت کاملی از آن نداشته و آن را در برآورد خویش منظور نمی کنند.»

شهید صیاد شیرازی همچنین در حاشیه متن برآورد نوشت:

«ترکیب مقـدس نیروهای رزمنـده ارتش و سپاه در صورتی که به خوبی به کار گرفته شود و هدایت گردند، بسیاری از موارد ذکر شده در بند معایب را خنثی می کند.»

در ادامه این حاشیه آمده است:

«با عـدم شـناختی که دشـمن به این کیفیت ها دارد و پشتیبان واقعی ما خـدا می باشد، حمله را آغاز و به یاری پروردگار یکتا، پیروزی شایسته را نصیب رزمندگان اسلام خواهیم کرد.»

بدین ترتیب، با وجود برخی تردیدها، طرح ریزی مانور عملیات از محورهای مختلف انجام گرفت که به آن اشاره می شود:

شمال رودخانه کرخه به عنوان تلاش اصلی

این بحث با اسـتفاده از سـند شماره ۶۸۹ مرکز مطالعـات و تحقیقـات جنـگ، گزارش هـای عملیات های بزرگ مقطع سوم (از ثامن الائمه (ع) تا بیت المقدس)، گزارش برادر داوود رنجبر نوشته شده است.

چنـان که ذکر شـد عملیـات در این محور از اهمیت ویژه ای برخوردار بود؛ زیرا دشـمن تصور نمی کرد که نیروهای خودی از این محور دست به حمله بزنند؛ علاوه بر آن، همزمان با آغاز درگیری، نیروهای احتیاط نیز می توانسـتند به عمق دشمن تعرض کنند و در صورت کسب موفقیت، عملیات در محور جنوبی با تک جبهه ای می توانست موفق شد.

در این محـور، تیپ ۴ امام سـجاد (ع)، به همراه یک گردان تانک ارتش مأموریت داشـتند با پشت سـر گذاشـتن اسـتحکامات دشـمن، و پیشروی در عمق، با استفاده از جاده ای که جهادسازندگی احداث کرده بود، به تنگه چزابه حمله کنند و تیپ امام حسین (ع) و تیپ ۳ لشکر ۹۲ زرهی نیز مأموریت داشتند در تک جبهه ای با دشمن درگیر شوند.

غرب سوسنگرد (از جنوب رودخانه کرخه تا رودخانه میسان)

گسـتردگی زمین منطقه، هـدف هـای متعـدد موجود که در آن، جبهه ای بودن عملیـات و نیز مواضع مسـتحکم دشـمن در این منطقه، موجب انتخاب دو محور شد:

الف - جاده سوسـنگرد - بسـتان، از دهلاویه تا نهر سابله: هدف این محور الحاق با تیپ امام حسـین (ع) و تصـرف بستان بود، لذا این محور اهمیت خاصی داشت. اساسا موفقیت در این محور به طور کامل بستگی به موفقیت در محور شمالی (عبور از تپه

های رملی) داشت.

ص: ۱۶۸

در این محور تیپ ۲ از لشکر ۱۶ زرهی ارتش و تیپ ۲ پیاده کربلا از سپاه مأموریت داشتند، با حمله به مواضع دشمن و انهدام آن ها، پل های سابله را تصرف کرده و با تأمین جناح جنوبی پل حاج مسلم و تأمین شهر بستان، پس از عبور از پل رمیم، تا منطقه جنوب پل ابوچلاچ را تأمین کنند. در این محور نیز مقرر شد، ابتدا نیروهای سپاه با حمله به مواضع دشمن و انهدام آن ها، هدف ها را تصرف و تأمین کنند، سپس تیپ ۲ از لشکر ۱۶ برای پشتیبانی تک، وارد عمل شود. (۱) .

ب - از میله ۲ تا دغاغله: هدف اصلی در این محور، انهدام نیروهای دشمن در منطق شمال رودخانه نیسان بود. در این محور تیپ ۱ از لشکر ۱۶ زرهی ارتش و تیپ ۱ پیاده عاشورا از سپاه مأموریت داشتند که همزمان با محورهای دیگر، تک را آغاز کنند و پس از انهدام دشمن و تصرف و تأمین پل ها و سرپل های دشمن، روی رودخانه نیسان و حاشیه آن، ضمن پدافند در کناره شمالی این رودخانه، بنا به دستور آماده شوند تا در جنوب این پل ها، ادامه تک دهند و نیروهای دشمن را در این منطقه منهدم کرده و پس از آن، در حد فاصل آب گرفتگی هویزه تا روستای ابوسخیل (رفیع) پدافند کنند.

تشریح عملیات

برای نگارش این بحث، از گزارش برادر داوود رنجبر (گزارش ۶۸۹ پیشین) نیز استفاده شده است.

با وجود مشکلاتی که در زمان طرح ریزی و تهیه مقدمات عملیات طریق القدس وجود داشت - از جمله احداث جاده در منطقه تپه های رملی - عملیات در ساعت ۳۰ دقیقه پس ازنیمه شب ۸ آذر ۱۳۶۰ با رمز «یا حسین (ع)» و با تکیه بر تاکتیک ویژه، یعنی عبور نیروهای سپاه از منطقه رملی به عنوان محور اصلی تهاجم، آغاز شد. به هنگام شروع عملیات باران به شدت می بارید و همین امر سبب شد تا نیروهای دشمن - علی رغم هوشیاری نسبی - تصور کنند، ریزش باران موجب انصراف رزمندگان از اجرای عملیات خواهد شد، به همین دلیل، با خیال آسوده به درون سنگرهای خود خزیدند. در حالی که بارش باران در منطقه رملی موجب چسبندگی در سطح زمین و در نتیجه، سهولت در حرکت نیروها شد.

در محور شمالی رزمندگان برای تصرف و تأمین تنگه ی چزابه، از سه محور عمل کردند. در محور اول؛ نیروهای خودی «خاکریز عصا شکل» دشمن را به عنوان خاکریز خط مقدم تصرف

---

۱ - ۴۸۱. سردار غلامعلی رشید در یادداشت های خود بر حاشیه این کتاب درباره چگونگی عمل نیروهای سپاه و تیپ ۲ از لشکر ۱۶ در محور جاده سوسنگرد - بستان نوشته است که «این طور نبوده است.».

و منطقه جابر حمدان تا تپه های شنی را پاک سازی کردند. در محور دوم؛ این نیروها از دیدگاه شماره ۱، در تپه های شنی وارد عمل شده و موفق به انهدام احتیاط رده اول دشمن شدند. در محور سوم که از دیدگاه شماره ۳ در شمال تپه های شنی آغاز شده بود، نیروهای خودی با دو فلش، نیروهای احتیاط رده دوم و توپخانه دشمن را مورد حمله قرار دادند.

در این حال، دشمن که به هیچ وجه انتظار حمله در حالت بارانی، آن هم در محور شمالی را نداشت، کاملا غافلگیر شد. رده های اول و دوم احتیاط و توپخانه دشمن که در این منطقه مستقر بودند از پشت مورد حمله قرار گرفتند و در کمتر از یک ساعت پس از شروع درگیری، آتش توپخانه دشمن خاموش شد و تعداد ۱۹ قبضه توپ ۱۵۲ میلیمتری، سالم به دست نیروهای خودی افتاد. اجرای مانور با تانک های غنیمتی - در عملیات ثامن الائمه (ع) - دشمن را در این محور کاملا گیج کرده بود، زیرا دشمن در حالی که هرگز حتی عبور نیروهای پیاده را از روی تپه های رملی تصور نمی کرد و این امر را تنها با هلی برد امکان پذیر می دانست، شاهد حضور تانک های ایران در مقابل خود بود. با نفوذ نیروهای خودی به عمق مواضع دشمن از محور شمال، مقر تیپ ۲۶ زرهی از لشکر ۵ عراق تسخیر شد و کلیه نیروهای این تیپ - به جز شمار اندکی از فرماندهان آن - به هلاکت رسیدند.

در محور جنوبی، حمله نیروهای خودی از دو محور و با هدف تصرف بستان و انهدام نیروهای دشمن در شمال منطقه نیسان آغاز شد، ولی با وجود موفقیت در برخی از محورها، پیشروی نیروها بنا به دلایلی از جمله هوشیاری دشمن، متوقف شد. چنان که در محور دهلاویه، با آن که نیروهای خودی از موانع و استحکامات دشمن عبور کرده و پل سابله را تصرف کردند، ولی در یک تک جبهه ای و با افزایش فشار دشمن، در جاده بستان زمین گیر شدند. در محور سویدانی نیز، نیروهای خودی با وجود پیشروی در مواضع عراق و تصرف یکی از پل های دشمن بر روی رودخانه نیسان، با روشن شدن هوا مجبور شدند در مواضع مناسب تری استقرار یابند.

پیروزی کامل عملیات در محور شمالی و لزوم تداوم آن سبب شد تا شهر بستان که از اهداف محور جنوبی بود، در ساعت ۹ صبح روز اول عملیات به دست نیروهای محور شمالی آزاد شود. عراقی ها که در نزدیکی پل سابله مستقر بودند، می توانستند با پاتک خود تمام دست آوردهای عملیات را تهدید کرده و بستان را دوباره به اشغال درآوردند. به همین دلیل، کلیه تلاش ها در روز اول و شب و دوم به تثبیت منطقه تصرف شده معطوف شد. اما هوشیاری دشمن، جبهه ای بودن تک و تعجیل در اجرای عملیات موجب ناکامی در محور جنوبی شد.

واکنش دشمن

این بحث با استفاده از اظهارات اسیران عراقی تحت عنوان «تحلیل نبردهای ایران اسلامی و بعثیان عراق»، نوشته اسرای عراقی، نگاشته شده است.

در نخستین ساعات روز اول عملیات، یگان های زرهی و مکانیزه دشمن برای جلوگیری از حمله ی نیروهای خودی به داخل تنگه ی چزابه و ممانعت از پیشروی آن ها، دست به پاتک زدند. مسدود بودن جاده بستان به شیب سبب شد که نیروهای تقویتی دشمن از محور عماره - شیب وارد منطقه عملیاتی شوند. در این حال، نیروهای خودی تمام تلاش های سنگین و اولیه نیروهای دشمن را در داخل تنگه ی چزابه و نزدیکی پل سابله سرکوب کردند. در همین حال بمباران شدید شهر بستان در دستور کار نیروهای عراقی قرار گرفت.

دشمن برای باز پس گرفتن منطقه، در بعد از ظهر روز اول عملیات پاتکی را طرح ریزی کرد که بر اساس این طرح قرار بود نیروهای دشمن با تاریک شدن هوا از سه محور حمله خود را آغاز کرده و در شهر بستان با یکدیگر الحاق کنند. هدف این پاتک باز پس گیری شهر و تمام منطقه ی تصرف شده بود. قرارگاه نیروهای شیب از شمال و قرارگاه فرماندهی لشکر ۵ مکانیزه از جنوب، فرماندهی این عملیات را بر عهده داشتند. این دو قرارگاه تابع سپاه چهارم ارتش عراق بودند. همچنین دشمن تصمیم گرفت علاوه بر پل سابله و پل تعاون، دو پل مهندسی دیگر برای عبور یگان ها بر روی رودخانه سابله نصب کند.

یگان های ستون اول شامل تیپ گارد ریاست جمهوری، تیپ ۳۱ نیروی مخصوص، تیپ ۳۲ نیروهای ویژه، تیپ ۱۷ زرهی، تیپ های ۱۸، ۱۹، ۳۶ و ۳۹ پیاده و گروهان های کماندو، قرار بود در محور پاسگاه شیب، تنگه ی شیب و شهر بستان حرکت و پیشروی کنند.

یگان های ستون دوم شامل تیپ های ۱۲ و ۳۰ زرهی، تیپ ۲۵ مکانیزه، تیپ ۴۸ پیاده، گردان دوم تیپ ۹۶ پیاده قاطع البصره از جیش الشعبی، می بایستی در محور رودخانه نیسان، پل سابله و شهر بستان حرکت و پیشروی می کردند.

یگان های ستون سوم شامل تیپ ۱۶ زرهی، تیپ های ۲ و ۱۵ پیاده مکانیزه و یک گردان از تیپ ۳۳ قرار بود در محور رودخانه نیسان، پل تعاون و شهر بستان پیشروی کنند.

بدین ترتیب در ساعت ۲۲، ستون اول دشمن که تیپ گارد پیشاپیش آن قرار داشت، پیشروی خود را از منطقه تجمع شیب آغاز کرد ولی در داخل تنگه با مقاومت شدیدی روبه رو شد. در این حال، با آن که تیپ ۳۲ نیروی مخصوص دشمن برای تقویت این ستون

وارد عمل شد، ولی اوضاع بهبود نیافت. چنان که سرانجام، ستون دشمن روز بعد با روشن شدن هوا و با وجود پیشروی نیروهای تیپ ۱۷ زرهی عراق - که با نیروهای پیاده تقویت شده بودند - موفق به پیشروی نشد و عقب نشینی کرد. فرماندهی دشمن در ساعت ۳ بامداد به تیپ الولید دستور داد، از پل سابله عبور کرده و سرپل را توسعه دهد تا نیروها از این محور بتوانند به سمت بستان حرکت کنند. توقف یگان های ستون اول و کندی در پیشروی یگان های ستون دوم سبب شد تا فرماندهی دشمن با استفاده از موفقیت به دست آمده در این محور، فرمان پیشروی به سمت بستان را صادر کند. یگان های ستون سوم به طور کامل از اجرای مأموریت خود بازماندند، زیرا نتوانستند سر پل را اشغال یا حتی از آن عبور کنند.

در روز دوم عملیات، فرماندهی دشمن به یگان های ستون دوم و سوم دستور عقب نشینی داد. علت شکست پاتک دشمن، بیشتر متأثر از عوامل زیر بود:

۱- حجم فراوان یگان های دشمن در منطقه ای محدود؛

۲- سرعت و شتاب دشمن در طرح ریزی پاتک؛

۳- مشارکت یگان هایی در پاتک، که مورد تهاجم نیروهای قرار گرفته بودند و از روحیه و انسجام لازم برخوردار نبودند؛

۴- مقاومت نیروهای خودی؛

۵- اجرای آتش مناسب روی دشمن؛

۶- به کارگیری مناسب سلاح های ضد زره.

بدین ترتیب، تلاش دشمن در روز اول، شب دوم و روز دوم عملیات به شکست انجامید. تصرف پل سابله (۱) به دست یگان های دشمن می توانست تمام دست آوردهای عملیات را مورد تهدید قرار دهد. در روزهای بعد، دشمن با وجود تلاش هایش در تنگه ی چزابه و پل سابله، موفقیتی کسب نکرد و نیروهای خودی پس از شش روز، منطقه تصرف شده را پاک سازی و تأمین کردند. نیروهای خودی در ادامه برای آزادسازی منطقه میان شمال رودخانه نیسان و جنوب رودخانه سابله، سعی در طرح ریزی عملیات کردند ولی با عقب نشینی ناگهانی دشمن به شمال رودخانه نیسان، نیروهای خودی بدون اجرای عملیات بر منطقه، مسلط شدند.

---

۱ - ۴۸۲. در سند به دست آمده از گردان ۳ مکانیزه تیپ ۱۲ زرهی عراق در مورد اهمیت پل سابله آمده است: «پل سابله و منطقه مثلث که رود کرخه به سمت پل سابله از آن جدا می شود، از مواضع تاکتیکی مهمی به شمار می روند که باید حتما در تصرف نیروهای خودی بوده و مانع از تسلط دشمن بر آن ها بشوند.» (برآورد اطلاعات عملیات طریق القدس، سردار علی اسحاقی، ص ۶۶).

خسارات و تلفات وارده به دشمن

آمار این قسمت بیشتر از کتاب دو سال جنگ، منتشره دفتر سیاسی سپاه پاسداران تهیه است.

در این عملیات ۱۸۰ دستگاه تانک و نفربر، ۲۰۰ دستگاه خودرو و همچنین چهار فروند هلی کوپتر و ۱۳ فروند هواپیمای دشمن منهدم شد. همچنین، ۳۵۰۰ تن از نیروهای دشمن کشته و زخمی شدند و ۵۴۶ تن دیگر به اسارت نیروهای خودی درآمدند و بیش از ۱۵ تیپ دشمن از ۱۰ تا ۹۰ درصد منهدم و از صحنه نبرد خارج شدند. ۱۷۰ دستگاه تانک و نفربر، ۱۹ قبضه توپ ۱۵۲ میلی متری، ۲۵۰ خودرو، ۷۰ قبضه ضد هوایی ۲۳ و ۱۴ میلی متری و تعدادی ماشین آلات مهندسی نیز به دست نیروهای خودی افتاد.

ارزیابی عملیات

امام خمینی در نخستین واکنش در برابر پیروزی در عملیات طریق القدس، به اصلی اشاره فرمودند که جوهره و باطن تحولات اخیر و پیروزی ها به شمار می رفت و فراتر از پیروزی ظاهری در عملیات بود و از آن به عنوان «فتح الفتوح» نام بردند:

«آنچه برای این جانب غرورانگیز و افتخار آفرین است، روحیه بزرگ و قلوب سرشار از ایمان و اخلاص و روح شهادت طلبی این عزیزان - که سربازان حقیقی ولی الله الاعظم ارواحنا فداه هستند - می باشد و این است فتح الفتوح.» (۱) .

امام سه روز بعد، در دیدار با گروهی از نظامیان که از بخش های مختلف ارتش و سپاه بودند، ضمن بر شمردن آثار جنگ در ایجاد روحیه تحرک، درباره ی نتایج وحدت ارتش و سپاه و تأثیر آن در کسب پیروزی فرمودند:

«شما می بینید که در هر جایی که سپاه پاسداران و ارتش و سایر قوای مسلح با هم می شوند، پیروزی عظیم نائل می شود.» (۲)
.

شاید بتوان گفت، حضور چشمگیر و نسبتا گسترده نیروهای مردمی در عملیات طریق القدس برجسته ترین ویژگی این عملیات بود. آیت الله خامنه ای، رئیس وقت شورای عالی دفاع، در پایان جلسه این شورا در این باره گفتند:

«در این عملیات (طریق القدس) نقش بسیار مهم نیروهای مردمی کاملا آشکار شد، یعنی تراکم نیروی مردمی مشتاق جهاد و شهادت به قدری بود که این نکته به وضوح به چشم می خورد...

۱- ۴۸۳. مأخذ ۶۴، ص ۲۳۵.

۲- ۴۸۴. پیشین، ص ۲۴۴.

علاوه بر نیروهای نظامی و ارتشی سپاه ما در این منطقه که نیروهای زیادی بودند، عمدتا نیروهای بسیج مردمی و جوانان رزمنده ما بودند.» (۱) .

سردار غلامعلی رشید در تجزیه و تحلیل سلسله عملیات های آزادسازی مناطق اشغالی، در سمینار مشورتی فرماندهان سپاه در این باره گفت:

«من فکر می کنم ویژگی اصلی عملیات، به کارگیری مردم برای اولین بار در سطحی گسترده بود. وقتی ما ۳۰ گردان برای اولین بار در عملیات طریق القدس وارد عمل کردیم، می توانیم بگوییم برای اولین بار ما از بسیج مردمی و سپاه به صورت گسترده استفاده کردیم و نتیجه عالی گرفتیم.» (۲) .

تاکتیک ویژه در عملیات طریق القدس، با عبور از منطقه تپه های رملی که بر پایه خلاقیت، ابتکار عمل و شجاعت نیروهای مردمی و انقلابی بود،نقش اصلی و تعیین کننده ای در کسب پیروزی داشت. دشمن پیش از عملیات، سمت اصلی تک نیروهای خودی را تک جبهه ای با اتکا بر جاده سوسنگرد - بستان پیش بینی می کرد، ضمن این که درک روشنی از میزان نیروهای شرکت کننده نیز نداشت. (۳) لذا، با وجود هوشیاری نسبت به اجرای عملیات، از لحاظ تاکتیکی غافلگیر شد. این ویژگی های تاکتیکی سبب شد تا در عملیات طریق القدس پس از پیشروی نیروهای خودی، دشمن بلافاصله از مناطق تصرف شده عقب نشینی کند. (۴) سردار محسن رضایی در این زمینه چنین می گوید:

«من به برادرها گفتم که اگر ما تنگه ی چزابه را بگیریم و پشت رودخانه کرخه پدافند کنیم، دشمن از این منطقه عقب نشینی می کند، تقریبا یک هفته، ۱۰ روز بعد، دیگر دشمن خودش از این جا عقب نشینی کرد.» (۵) .

ضربه قاطعی که دراین عملیات به لحاظ ویژگی های تاکتیکی بر دشمن وارد شد، نتایج اساسی و استراتژیکی در پی داشت،چنان که بر اثر این ضربه، دشمن تعادل خود را از دست داد و پس از آن دیگر نتوانست این تعادل باز یابد. (۶) در مورد ابعاد و ویژگی های این عملیات و نتایج آن، یکی از کارشناسان نظامی غربی می گوید:

«عملیات طریق القدس، نتایج مهم عملیاتی را در برداشت. با این تلاش وسیع ایرانی ها در جنگ، تا این مرحله، قدرت برنامه ریزی عملیاتی و مهارت های فرماندهی و کنترل شان تا حدود زیادی

۱- ۴۸۵. انتشارات سروش، مجموعه مصاحبه ها، سال ۱۳۶۰، (چاپ اول: ۱۳۶۶)، صص ۳۹ و ۴۰.

۲- ۴۸۶. مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، فصلنامه ی تاریخ جنگ؛ شماره ۱۱، آبان ۱۳۷۴، ص ۳۲.

۳- ۴۸۷. برابر اسناد به دست آمده، دشمن نیروهای خودی را در این تهاجم حداکثر یک تیپ پیاده شامل ۱۰۰۰ تا ۱۵۰۰ تن از سپاه برآورد کرده بود. (برآورد وضعیت عملیات طریق القدس، سردار علی اسحاقی، ص ۴۵).

۴- ۴۸۸. مأخذ۳۳، ۱۲ / ۷ / ۱۳۷۵.

۵- ۴۸۹. پیشین.

۶- ۴۹۰. پیشین.

افزایش یافت. در واقع، این عملیات بیانگر لیاقت ایرانی ها در ایجاد و کنترل عملیات نظامی مختلف، در سطح وسیع بود. ثانیا پاتک بستان، ایران را قادر ساخت برای نخستین بار با موفقیتی چشمگیر، تاکتیک های موج انسانی (۱) را - که تاکتیک حاکم بر جبهه های جنگ شد - به مرحله آزمایش در آورد.» (۲) .

در واقع، نتایج ناشی از حضور مردم در صحنه نبرد تبیین استراتژی جدید در جنگ منجر به تحقق شیوه جدیدی از جنگ شد که غربی ها از آن بیشتر به عنوان، «تاکتیک موج های انسانی» نام می برند. تاکتیکی که در مرحله آزمایش با موفقیت چشمگیری همراه شد. این ملاحظات سبب شد تا نقش سپاه و نیروهای مردمی در روند جنگ از جایگاه بالایی برخوردار شده و موقعیت سپاه در جنگ تثبیت شود.

آنتونی کردزمن یکی دیگر از کارشناسان نظامی، در مورد تاکتیک این عملیات و تأثیر آن در روند جنگ، با نگاهی مغرضانه می نویسد:

«عملیات طریق القدس از لحاظ تاکتیکی هیچ تفاوتی با عملیات گذشته ایرانیان نداشت،با این حال فرماندهان سپاه پاسداران و روحانیون متقاعد شدند که پاسداران می توانند بدون طرح ریزی های پیچیده نظامی و پشتیبانی ارتش، از طریق حمله مستقیم و با استفاده از احساسات مذهبی در جنگ پیروز شوند. (۳) .

در حالی که پیروزی در عملیات حاصل پیچیدگی طرح و عملیات و ویژگی تاکتیکی آن بود و همین مسئله منجر به غافل گیری دشمن شد، ولی کردزمن با نگاهی مغرضانه، این ابعاد را انکار می کند. در این حال، ویلیام اف هیکمن - یکی از فرماندهان نیروی دریایی امریکا - استفاده از نیروی پیاده را یک تغییر استراتژیکی عمده نام نهاد و می نویسد:

«در این عملیات که ایرانی ها آن را عملیات طریق القدس نام گذاری کردند، یک تغییر استراتژیکی عمده به چشم می خورد، ایرانی ها به استراتژی استفاده از نیروهای پیاده و سرمایه گذاری بر روی احساسات آن ها، جهت غلبه بر کمبود تجهیزات نظامی روی آورده اند.» (۴) .

بدین ترتیب، علاوه بر شکل گیری تاکتیک جدید عملیاتی و بلوغ و تکامل آن، ذهنیت و باورهای غلط دشمن درباره ی توان نیروهای خودی نیز در هم ریخت، به گونه ای که نسبت به

---

۱ - ۴۹۱. استفاده از عنوان «تاکتیک های موج انسانی» برای نخستین بار در این عملیات به کار گرفته شد. در واقع استراتژی جدید ایران با تکیه بر نیروهای سپاه شهادت طلب، منجر به استفاده از این عنوان شد به نظر می رسد عدم درک روشن از ماهیت استراتژی و تاکتیک های جدید جمهوری اسلامی، در به کار بردن این لفظ مؤثر بوده است.

۲- ۴۹۲. افرایم کارش، «جنگ ایران و عراق، یک تحلیل نظامی،» ادلفی پی پر، بهار ۱۹۸۷.

۳- ۴۹۳. مأخذ ۶۲، ص ۱۴۷.

۴- ۴۹۴. ویلیام اف هیکمن، «ارتش از هم پاشیده و از نو متولد شده در سال ۱۹۸۲»، ترجمه گروه تحقق خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران، ۲۰ / ۱۲ / ۱۳۶۰.

ادامه ی حضور در مناطق دچار تردید شد و برای تصمیم گیری در این زمینه نیاز به زمان داشت. حمله دشمن به پل سابله و سپس عقب نشینی از شمال رودخانه نیسان به اعتقاد برخی از صاحب نظران نظامی، نخستین تحول در باور و نگرش دشمن بود که ظاهر شد، ولی فرماندهی دشمن زمانی توانست در این مورد تصمیم بگیرد که با منهدم شدن بخش گسترده ای از توان نظامی اش، مواجه شد و شکست سنگینی را پذیرفت.

پس از طریق القدس

تحولات سیاسی - نظامی جنگ پس از عملیات طریق القدس وارد مرحله جدیدی شد. در این مرحله نشانه ها و آثار ناتوانی و هزیمت عراق برای حامیان و متحدانش آشکار شد و در مقابل، توان نظامی رو به رشد ایران به نمایش گذاشته شد. در واقع، پیدایش وضعیت جدید به منزله تغییر تدریجی موازنه جنگ به سود ایران ارزیابی می شد. به همین دلیل، وقوع برخی رخدادها در حد فاصل عملیات طریق القدس تا عملیات فتح المبین، از این نظر قابل تأمل بوده و از اهمیت بالایی برخوردار است.

دشمن برای تصمیم گیری نهایی نیاز به زمان و حفظ موقعیت خود داشت. در این وضعیت، با توجه به این که ابتکار عمل در دست نیروهای خودی بود، لذا تداوم عملیات و سرعت لازم در اجرای عملیات بعدی نقش تعیین کننده ای در شکست سریع دشمن داشت،به همین دلیل دشمن دست به تلاش هایی زد که قابل توجه است.

یکی از این تلاش ها حمایت از نیروهای ضد انقلاب در داخل کشور بود، زیرا دشمن تصور می کرد، در صورت تثبیت اوضاع کشور و تأثیرات فزاینده آن در داخل، تحولات نظامی به سود ایران و به زیان عراق، پر شتاب تر خواهد شد. بنابراین، حمایت عراقی ها از نیروهای ضد انقلاب با این امید انجام گرفت که بار دیگر اوضاع داخلی کشور متشنج و بی ثبات شود. نیروهای ضد انقلاب نیز که موقعیت شان رو به ضعف نهاده بود، بهبود وضعیت خود را در کسب حمایت خارجی ارزیابی می کردند. بنابراین، اهداف مشترک برای تداوم حیات ضد انقلاب در داخل و جلوگیری از پیروزی جمهوری اسلامی در جبهه های جنگ منجر به همکاری گروهک ها و حکومت عراق شد.

عراقی ها در حالی که در وضعیت نامساعدی قرار داشتند،همچنان همان شعارهای ماه های نخستین جنگ را طرح می کردند؛ طه یاسین رمضان، معاون اول نخست وزیر و فرمانده ارتش خلقی طی مصاحبه ای گفت:

«ما به این نکته تأکید می کنیم که جنگ به پایان نخواهید رسید مگر این که رژیم حاکم بر ایران به طور کلی منهدم شود! زیرا اختلافات اساسی بر چند صد کیلومتر مربع زمین یا نصف شط العرب که سبب بروز جنگ شده بود، نیست. بنابراین، جنگ ما با ایران بر خلاف آنچه بعضی از خائنین به ملت عرب ادعا می کنند، یک جنگ مرزی نیست که بتوان آن را به تعویق انداخت، بلکه در حقیقت جنگ سرنوشت است.» (۱) .

عراقی ها همچنین با هدف پیش گیری یا تأخیر در اجرای عملیات بعدی ایران، تلاش می کردند، منطقه عملیات را کشف کنند. (۲) برابر برخی شواهد و قراین، به نظر می رسید دشمن تا اندازه ای به این نکته پی برده بود که پس از آزادی بستان، ایران در منطقه غرب رودخانه کرخه عملیات خواهد کرد. (۳) لذا دشمن با توجه به ضعف خود و نگرانی هایی که داشت، می کوشید که منطقه نبرد را تعیین و به نیروهای نظامی ایران تحمیل کند. (۴) - (۵) با همین هدف، عراق حمله به تنگه ی چزابه را از ۱۷ بهمن ۱۳۶۰ آغاز کرد و به مدت ۲۰ روز ادامه داد. در این عملیات، توپخانه عراق منطقه ای به وسعت هفت تا هشت کیلومتر در دو کیلومتر را زیر آتش بسیار شدید خود قرار داد. صدها قبضه توپ، منطقه را متر به متر کوبیدند. تقریبا، بیش از یک میلیون گلوله توپ بر سر نیروهای خودی فرود آمد! نزدیک به ۳۰ گردان نیرو که برای اجرای عملیات فتح المبین جذب و سازمان دهی شده بودند، در تنگه ی چزابه درگیر و صدمات زیادی به آن ها وارد شد. (۶) با این حال، مقاومت نیروهای خودی از یک سو و درک روشن فرماندهی کل سپاه از اهداف دشمن، سبب شد تا نیروهای خودی به جای ادامه درگیری در این منطقه - که هدف دشمن بود - تلاش اصلی خود را در منطقه عملیاتی فتح المبین متمرکز کنند. سردار غلامعلی رشید در این زمینه می گوید:

«ما نسبت به اهداف دشمن ابهام داشتیم، زیرا عراقی ها در عین حال که حملات سنگینی را انجام می دادند، ولی کلا به سمت بستان پیشروی نمی کردند. در این شرایط فرماندهی محترم کل سپاه طی تحلیلی اظهار داشت: «هدف دشمن تأخیر در عملیات بعدی (فتح المبین) است و باید سریعا منطقه عملیات فتح المبین را فعال کنیم.» (۷) .

سرانجام، به موازات مقاومت نیروهای خودی و تلفاتی که بر دشمن وارد آمده بود،

۱- ۴۹۵. مأخذ ۱، مصاحبه اختصاصی طه یاسین رمضان با روزنامه الثوره ارگان رسمی حزب بعث، ژانویه ۱۹۸۲، اواخر دی ۱۳۶۰.

۲- ۴۹۶. مأخذ ۳۳.

۳- ۴۹۷. پیشین.

۴- ۴۹۸. اسیران عراقی در نوشته ی خود تحت عنوان «تحلیل نبردهای ایران اسلامی و بعثیان عراق»، اهداف عراق را چنین ذکر می کنند: ۱- جلوگیری از حمله نیروهای اسلام به مواضع لشکر یکم و دهم (که درمنطقه عملیاتی فتح المبین استقرار داشتند). ۲- وارد آوردن خسارت بیشتر به نیروهای اسلام. ۳- تغییر آرایش یگان های لشکر یکم در بخشی از جبهه و در طول سمت راست آن.

۵- ۴۹۹. پیشین.

۶- ۵۰۰. پیشین.

۷- ۵۰۱. مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، مصاحبه اختصاصی نویسنده کتاب با سردار غلامعلی رشید۱۱۱.

حملات عراقی ها در تنگه ی چزابه متوقف و تلاش نیروهای خودی در منطقه عملیاتی فتح المبین آغاز شد و ادامه یافت.

در این حال، روند تحولات سیاسی در داخل کشور نیز پس از برگزاری انتخابات ریاست جمهوری و پیروزی های نظامی به تدریج تثبیت شد. در واقع، حضور مردم در صحنه سیاسی کشور، حذف جریان ضد انقلابی و به موازات آن، حضور مردم در صحنه جنگ و افزایش توان نظامی نیروهای خودی و دستیابی به برتری سیاسی - نظامی بر دشمن، عوامل اصلی این تحولات بودند. امام با توجه به آمادگی موجود در مردم و همچنین ضرورت تداوم تهاجم به دشمن، جوانان را برای حضور در جبهه تشویق و ترغیب فرمودند:

«برادران و جوانان پشت جبهه توجه کنند که باید فعالیت کنند و داوطلبانه بروند به این جنگ و این مسئله را زود حلش کنند.» (۱) .

افزایش حضور نیروهای مردمی در جبهه های جنگ - بر اثر فراخوانی امام - و تحولاتی که در داخل کشور رخ داده بود و همچنین انتخاب منطقه عملیاتی فتح المبین، ضرورت گسترش اساسی سازمان رزم سپاه را آشکار می کرد. به عبارت دیگر، سازمان رزم سپاه و تعداد تیپ های تشکیل شده تناسبی با وسعت منطقه عملیاتی نداشت، در نتیجه، افزایش نیروهای رسمی نظامی با تشکیل یگان های جدید، با هدف افزایش سازمان دهی نیروهای مردمی، مورد توجه قرار گرفت. سردار محسن رضایی در این زمینه می گوید:

«در طریق القدس چهار تیپ داشتیم، وقتی رفتیم منطقه عملیاتی فتح المبین، متوجه شدیم پنج الی شش تیپ کم داریم، این جا بود که ناچار شدیم حتی نیروهایی را کنار دست خودمان بود همه را فرستادیم رده های پایین.» (۲) .

جست وجو برای یافتن افراد مناسب جهت فرماندهی تیپ، از دیگر اقدامات این مرحله بود. پیش از این، تنها برادران مرتضی قربانی و احمد کاظمی به عنوان فرمانده تیپ منصوب شده بودند و در مرحله جدید، برادران قاسم سلیمانی به فرماندهی تیپ ۴۱ ثار الله (ع)، رودکی به فرماندهی تیپ ۳۴ امام سجاد (ع)، علی فضلی به فرماندهی تیپ ۳۳ المهدی (ع)، احمد متوسلیان به فرماندهی تیپ ۲۱ حضرت رسول (ص)، مرتضی صفار به فرماندهی تیپ ۱۷ علی بن ابی طالب (ع) قم و رئوفی به فرماندهی تیپ ۷ ولی عصر (عج)، منصوب و مأمور به تشکیل تیپ های جدید شدند (۳) و بدین ترتیب، سازمان رزم سپاه با جهشی کاملا چشمگیر، برای انجام دادن عملیات فتح المبین آماده شد.

۱- ۵۰۲. مأخذ ۶۴، ص ۲۶۵.

۲- ۵۰۳. مأخذ ۳۳.

۳- ۵۰۴. پیشین.

عملیات فتح المبین آزادسازی مناطق غرب رودخانه کرخه

اشاره

در آستانه عملیات فتح المبین، روند تحولات سیاسی کشور رو به بهبود نهاد و کاملا با اوضاع عملیات ثامن الائمه (ع) تفاوت داشت؛ منافقین بر اثر ضربات پی درپی، بدنه و بخشی از کادر مرکزی خود را از دست داده (۱) و سایر گروه های ضد انقلاب نیز که تلاش همه جنبه ای را برای در دست گرفتن قدرت آغاز کرده بودند، عملا از پای درآمدند. روند تحولات نظامی نیز با توجه به وضعیت رو به اضمحلال دشمن پس از عملیات طریق القدس و شکست در تنگه ی چزابه، به سود ایران تغییر کرده بود. در این حال، بنا به گزارش نشریه انگلیسی لویل میل، عراقی ها با نگرانی از روند موجود، پیشنهاد مخفیانه ای برای پایان جنگ ارائه کردند. (۲) همچنین، به گزارش رویتر به نقل از خبرگزاری عراق، بلافاصله پس از آغاز عملیات فتح المبین، صدام خواهان آتش بس و حل مناقشه با ایران از راه های صلح آمیز شد. (۳) .

علل انتخاب منطقه

در پی پاک سازی و تأمین منطقه عملیاتی طریق القدس، تنها، دو منطقه «غرب رودخانه کرخه» و «غرب رودخانه کارون و خرمشهر» در اشغال متجاوزان باقی مانده بود. برای انتخاب منطقه عملیات بعدی و نکات مثبت و منفی هر منطقه، بحث های فراوانی شد و سرانجام، منطقه غرب رودخانه کرخه برای عملیات انتخاب شد. علل چنین تصمیمی عبارت بود از: (۴) .

۱- در صورت موفقیت عملیات، مناطق آزاد شده با نیروی کمتری قابل پدافند بودند و اماکن تمرکز نیرو برای عمل در مناطق دیگر فراهم می شد.

ص: ۱۷۹

---

۱ – ۵۰۵. در ۱۹ بهمن ۱۳۶۰ طی عملیاتی که در خصوص خانه تیمی منافقین انجام گرفت، ۱۲ تن از اعضای کادر مرکزی سازمان مجاهدین خلق (منافقین) از جمله موسی خیابانی (نفر دوم سازمان) و همسرش و همچنین اشرف ربیعی، همسر رجوی به هلاکت رسیدند. خبرگزاری یونایتدپرس این عملیات را ضربه ای شدید بر سازمان ارزیابی کرد. (خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۲۱ / ۱۱ / ۱۳۶۰).

۲- ۵۰۶. نشریه واشنگتن پست، به نقل از نشریه لویل میل چاپ بریتانیا، ۲۷ / ۱۲ / ۱۳۶۰.

۳- ۵۰۷. خبرگزاری رویتر، ۷ / ۱ / ۱۳۶۰.

۴ – ۵۰۸. سرلشکر رضایی در این زمینه می گوید: «اگر عملیات فتح المبین را انجام می دادیم، بخش زیادی از امکانات نیروهای ما آزاد می شد و برای آزادی خرمشهر توان ما افزایش می یافت. دوم این که ما با استعدادی که داشتیم نمی توانستیم در خرمشهر عمل کنیم. ضمن این که این جاده به هر حال جاده[اهواز – اندیمشک]مهمی بود، دزفول و شوش مهم بود و دشمن اگر عقب می رفت، جاده آزاد می شد. این دلایل در انتخاب منطقه مؤثر بود.» (سرلشکر محسن رضایی، درس های تجزیه و تحلیل جنگ ایران و عراق، دانشکده فرماندهی و ستاد دوره عالی جنگ، ۱۲ / ۷ / ۱۳۷۵).

۲- وسعت منطقه شمالی (غرب رودخانه کرخه) تقریبا یک سوم وسعت منطقه جنوبی (غرب رودخانه کارون) بود، لذا با مقدورات موجود، اصل تمرکز قوا به نحو مطلوب تر مطمئن تری تحقق می یافت.

۳- انهدام دو لشکر قوی و دست نخورده ی ۱۰ زرهی و ۱ مکانیزه ی دشمن، مستقر در منطقه شمالی، ضربه سنگینی برای عراق بود و در کاهش توان رزمی اش تأثیر زیادی داشت.

۴- با عقب راندن عراق از منطقه شمالی، تهدید شهرهای حیاتی و حساس اندیمشک و دزفول رفع شده و به همراه شهر شوش از برد توپخانه دشمن خارج می شدند.

۵- شکل منطقه، مسیر خط تماس و موضع پدافندی، وجود پل ها و شناسایی های انجام شده، موجب سرعت در طرح ریزی و کاهش زمان آمادگی برای اجرای عملیات شد، به گونه ای که بین دو عملیات طریق القدس (کربلای ۱) و فتح المبین (کربلای ۲) وقفه طولانی به وجود نیامد. (۱) .

موقعیت منطقه

منطقه عمومی عملیات فتح المبین در غرب رودخانه کرخه قرار داشت که از شمال به ارتفاعات بلند و صعب العبور تیشه کن، دالپری، چاه نفت و تپه سیپتون، از جنوب به ارتفاعات بلند میشداغ، تپه های رملی و چزابه (شیب)، از شرق به رودخانه کرخه و از غرب به مرز بین المللی در شمال و جنوب فکه محدود می شد.

زمین این منطقه از سه قسمت کوهستانی، تپه ماهوری و دشت تشکیل شده است و اختلاف ارتفاع از سطح دریا حدود ۲۱۰ متر است. زمین در شمال منطقه جنس سختی دارد و هر چه به طرف جنوب حرکت می شود از استحکام آن کاسته می شود، به گونه ای که در ارتفاعات، جنس خاک به تدریج از سنگی به شنی و ماسه ای تبدیل می شود. بخش هایی از غرب و جنوب منطقه را نیز تپه های رملی پوشانده است.

در منطقه، رودخانه کرخه از شمال به جنوب شرقی جریان دارد، رودخانه فصلی چیخواب در تابستان خشک و به هنگام بارندگی سیلابی می شود و عبور از آن محدود به پل های موجود بر روی محور دزفول - دهلران می باشد و رودخانه روفائیه که از آب های دامنه های جنوبی ارتفاعات شاوریه و تپه ۳۵۰ و شمال دشت عباس تشکیل شده و سواحل آن دارای شیب ملایم است و به هنگام بارندگی، تحرک نیرو را برای مدتی محدود و کند می کند.

منطقه دارای عوارض حساسی می باشد، همچون رشته ارتفاعات ۳۵۰، ۳۴۳، ۳۳۶ و

۱- ۵۰۹. مأخذ ۷۸، ص ۱۳۰.

ارتفاع شاوریه که بر محورهای پل عین خوش مسلط است، تپه علی گره زد، تپه ابوصلیبی خات، دامنه های جنوبی ممله و کمرسرخ، بخش های شمالی ارتفاعات تینه معروف به عین خوش و دامنه های غربی ارتفاعات تینه که بر محور ابوغریب به رودخانه دویرج مشرف هستند. عوارض دیگر شامل تپه بر قازه، ارتفاعات رقابیه و دامنه های شمالی ارتفاعات میشداغ، تنگه ی ذلیجان و پل نادری می باشند. (۱) .

جاده های آسفالته دزفول به دهلران، عین خوش به چم سری، امام زاده عباس به چاه نفت، جاده تنگه ی ابوغریب و پل های احداث شده بر روی رودخانه ای چیخواب و دویرج از مهم ترین راه های مواصلاتی منطقه هستند.

موقعیت منطقه و عوارض حساس آن، به دشمن آرایش خاصی را تحمیل کرده بود که آگاهی نیروهای خودی از آن، زمینه وارد ساختن ضربات سهمگین را بر دشمن فراهم کرد.

وضعیت دشمن

عراق در این منطقه بیشتر لشکرهای ۱ و ۱۰ زرهی را تقویت و مستقر کرد و لشکر ۳ زرهی نیز احتیاط بود. آرایش نیروهای دشمن به گفته اسیران عراقی عبارت بود از:

۱- لشکر ۱۰ زرهی که قرارگاه اصلی آن در نزدیکی عین خوش قرار داشت، در شمال منطقه به شرح زیر گسترش یافته بود:

- تیپ ۶۰ زرهی در ارتفاعات شمال امام زاده عباس؛

- تیپ ۵۰۵ پیاده در سمت راست تیپ ۶۰ زرهی؛

- تیپ ۴۲۳ پیاده در سمت راست تیپ ۵۰۵؛

- گردان مکانیزه از تیپ ۲۴ مکانیزه در سمت راست تیپ ۴۲۳؛

- تیپ ۴۲ زرهی که جاده امام زاده عباس - پل نادری را در تصرف داشت.

- قرارگاه اصلی لشکر ۱۰ در نزدیکی عین خوش قرار داشت؛

۲- قرارگاه اصلی لشکر ۱ مکانیزه که نزدیک جاده فکه - شوش و پشت تیپ ۱۷ زرهی (چنانه) قرار داشت، در منطقه جنوبی به شرح زیر گسترش یافته بود:

- تیپ ۹۳ پیاده در سمت چپ جاده فکه - شوش؛

۱– ۵۱۰. این بخش با استفاده از اسناد و مدارک عملیات فتح المبین نوشته شده است.

- تیپ ۱ زرهی - پیاده در سمت راست جاده فکه - شوش مقابل شهر شوش؛

- تیپ ۲۷ زرهی - پیاده در سمت راست تیپ ۱؛

- تیپ ۲۴ زرهی - پیاده در سمت راست تیپ ۲۷؛

- تیپ های ۹۶ پیاده، ۳۴ و ۵۱ زرهی، که ارتفاعات نزدیک جاده و میشداغ را در تصرف داشتند؛

- تیپ ۱۷ زرهی سمت راست جاده در ارتفاعات مقابل دشت رادار.

همچنین لشکر ۳ زرهی به استعداد سه تیپ (۶ و ۱۲ زرهی و ۸ مکانیزه) و چهار گردان توپخانه سازمانی لشکر در احتیاط قرار داشت. علاوه بر آن تیپ های ۱۱، ۱۲، ۱۳، ۱۴، ۱۵، ۱۸ و ۲۱ برای تقویت سازمان تیپ های مستقر در منطقه استفاده می شدند، ضمن این که تیپ های ۱۰ زرهی، گارد ریاست جمهوری و ۱۴ مکانیزه نیز منطقه را پشتیبانی می کردند. (۱) .

در مجموع، نیروهای دشمن شامل هفت تیپ زرهی، شش تیپ مکانیزه، ۱۵ تیپ پیاده و نیروهای فراوان جیش الشعبی و کماندو می شد. سازمان رزم دشمن بر حسب گردان، شامل ۲۷ گردان زرهی، ۲۵ گردان مکانیزه، ۴۵ گردان پیاده و دست کم، ۱۲ گردان توپخانه بود. (۲) .

طرح عملیات

اهداف و مأموریت

سپاه در طرح اولیه خود و قبل از تشکیل قرارگاه مشترک ارتش و سپاه (تحت عنوان قرارگاه کربلا) پیش بینی می کرد که یگان های تحت امر سپاه ارتفاعات ابوصلیبی خات (سایت و رادار) در محور شوش و همچنین در امتداد آن به طرف شمال، تپه های علی گره زد و شاوریه و دهلیز را به تصرف در آوردند. پس از تشکیل قرارگاه مشترک، این طرح به لحاظ عدم تأمین اهداف مورد نظر و عدم کاهش خطوط پدافند خودی و آزادسازی نیروهای خودی از خطوط پدافندی، مورد بحث قرار گرفت و سرانجام بر روی دو هدف شامل انهدام نیروهای دشمن و کاهش خطوط پدافندی توافق شد و مانور عملیات نیز بر این اساس طرح ریزی شد. از نظر نظامی، عملیات فتح المبین می توانست اهداف زیر را تأمین کند:

۱- انهدام نیروهای دشمن به منظور کاهش توان نظامی اش؛

۱- ۵۱۱. با توجه به گزارش برادر رنجبر درباره عملیات فتح المبین (در گزارش ۶۸۹ پیشین) تهیه شده است.

۲- ۵۱۲. همان.

۲- دستیابی به خطوط پدافندی مطمئن به منظور برداشت نیرو (۱) (آزاد شدن نیروهای خودی از خطوط پدافندی و کسب آمادگی برای عملیات بعدی)؛

۳- خارج ساختن شوش، اندیمشک، دزفول و پایگاه چهارم شکاری از برد توپخانه دشمن؛

۴- خارج ساختن جاده اندیمشک - اهواز از برد آتش مؤثر دشمن؛

۵- آزاد سازی مناطق مهمی چون سایت و رادار، جاده مهم اندیمشک - دهلران و...؛

۶- تصرف چاه های نفتی منطقه ابوغریب.

نیروهای خودی برای تأمین اهداف عملیات چنین مأموریتی داشتند:

«فرماندهی عملیات کربلای ۲ در ساعت «س» روز «ر» به منظور انهدام نیروهای دشمن در منطقه عملیات دزفول و شوش تک می کند. ارتفاعات علی گره زد، ابوصلیبی خات، تنگه ی رقابیه، ارتفاعات چنانه و عین خوش را تصرف و تأمین و در منطقه پدافند می نماید و آماده می شود، بنا به دستور، تک را به سمت غرب، جهت تأمین خط مرز ادامه دهد.» (۲) .

سازمان رزم

اشاره

یگان های ارتش شامل لشکرهای پیاده ۲۱ حمزه، ۷۷ خراسان و ۹۲ زرهی، (۳) تیپ های ۳۷ زرهی شیراز، ۵۸ ذوالفقار، ۸۴ خرم آباد، ۵۵ هوابرد و گروه ۳۳ توپخانه بودند. (۴) .

یگان های سپاه نیز عبارت بودند از: تیپ ها ۱۴ امام حسین (ع)، ۴۱ ثار الله (ع)، ۲۷ محمد رسول الله (ص)، ۷ ولی عصر (عج)، ۳۵ امام سجاد (ع)، ۲۳ المهدی (ع)، ۸ نجف اشرف، ۲۵ کربلا، ۴۶ فجر، ۳۰ زرهی و تیپ ایلام.

در مورد استعداد سازمانی یگان های سپاه و تعداد نیروهای تحت امر سپاه، آمار متفاوتی وجود دارد که علت آن، روند رو به رشد و تکاملی سپاه در سازمان دهی نیروهای مردمی در آن زمان بود. در واقع، گرچه از یگان های سپاه به عنوان تیپ یاد می شد، ولی برخی از تیپ ها

---

۱ - ۵۱۳. سرلشکر محسن رضایی در این زمینه می گوید: «این یکی از تدابیر عملیاتی ما بود که قبل از این که برویم به خرمشهر، مرتب سعی می کردیم، نیروهایی را که در خطوط پدافندی زمین گیر بودند، آزاد کنیم و با تکیه کردن به مواضع طبیعی در پدافند، آماده شویم برای عملیات بعدی.» (سرلشکر محسن رضایی، درس های تجزیه و تحلیل جنگ ایران و عراق،

دانشکده فرماندهی و ستاد دوره ی عالی جنگ، ۱۲ / ۷ / ۱۳۷۵).

۲- ۵۱۴. سازمان عقیدتی - سیاسی ارتش جمهوری اسلامی، نقش ارتش در هشت سال دفاع مقدس، جلد اول، نبردهای غرب دزفول، بهار ۱۳۷۲، ص ۲۰۳.

۳- ۵۱۵. لشکر ۹۲ زرهی ابتدا با دو تیپ ۱ و ۲ وارد عمل شد و در مراحل نهایی عملیات تیپ ۳ نیز به صحنه عملیات آمد که استفاده چندانی از آن نشد. (یادداشت های سردار غلامعلی رشید بر حاشیه این کتاب).

۴- ۵۱۶. اطلاعات مربوط به استعداد نیروهای ارتش با استفاده از کتاب دفاع مقدس (اسفند سال ۱۳۷۱) نوشته شده است، ضمن این که در جلد اول کتاب نقش ارتش جمهوری اسلامی در هشت سال دفاع مقدس (بهار سال ۱۳۷۲) نیز اطلاعات مشابهی درج شده است.

بر حسب گردان های تحت امر یگان، استعدادی برابر یک لشکر داشتند.

در طرح برآورد وضعیت شماره ۱ که قرارگاه مقدم نیروی زمینی ارتش در جنوب آن را در پنجم آذر ۱۳۶۰ تهیه کرد، بر اساس امریه شماره ۳۵ - ۰۶ / ۲۰۱ / ۳۵ س، مورخ ۳ شهریور ۱۳۶۰، در مورد توان نسبی آمده است:

«نیروی زمینی در این عملیات با دو لشکر پیاده، یک لشکر زرهی، یک تیپ پیاده و یک تیپ پیاده هوابرد که جمعا شامل ۴۳ گردان مانوری[است](۲۵ گردان پیاده، ۴ گردان مکانیزه، ۱۱ گردان تانک و ۳ گردان سوار زرهی، با پشتیبانی ۱۴ گردان توپخانه صحرایی شامل ۴۲ آتشبار) شرکت می کند و این عملیات را سپاهیان پاسدار با نیرویی در حدود ۷۰۰۰ نفر - که با احتساب هر گردان ۳۰۰ نفر، حدود ۲۳ گردان[می شود]- تقویت می نمایند.» (۱) .

ص: ۱۸۴

۱- ۵۱۷. در جلد اول کتاب «نقش ارتش جمهوری اسلامی ایران در هشت سال دفاع مقدس، ابتدا در صفحه ۱۹۴ استعداد سپاه سه لشکر ذکر شده است و در صفحه ۲۰۳ این کتاب در مورد استعداد نیروهای سپاه بر اساس طرح شماره ۱ عملیات کربلای ۲ - تهیه شده در اواخر دی ماه ۱۳۶۰ - آمده است: «در فرضیات پیش بینی شده بود که سپاه پاسداران و نیروهای بسیج مردمی نیرویی شامل حداقل ۹۰۰۰ تن آماده و تا پایان عملیات کربلای ۲ هماهنگ با یگان های ارتشی در عملیات شرکت می نمایند.» همچنین در صفحه ۲۰۴ این کتاب در باره استعداد نیروهای سپاه بر حسب تعداد و سازمان دهی آن ها آمده است: «همان طور که قبلا ذکر شد، سپاه پاسداران موظف به تشکیل یگان ها جمعا با استعداد ۹۰۰۰ نفر شده بود. بنابراین، سپاه پاسداران با سه لشکر هر یک با استعدادی حدود ۳۰۰۰ نفر که تیپ های آن ها دارای استعدادی معادل ۶۰۰ نفر و گردان های مربوطه ۲۰۰ نفر رزمنده داشتند، در کنار لشکرها، تیپ ها و گردان های ارتشی که به ترتیب دارای استعداد پرسنلی حدود ۱۲۰۰۰، ۴۰۰۰ و ۸۰۰ نفر بود. قرار می گرفتند.» در صفحه ۲۱۵ این کتاب که مطالبی در مورد سازمان رزم عملیات آمده است، بر مفهوم «طرح عملیاتی نهایی» تأکید شده است لذا، همین مسئله سبب شده است که در مورد استعداد نیروهای سپاه به آخرین آمار ارائه شده استناد شود. درباره تعداد لشکرهای سپاه در عملیات فتح المبین باید گفت که در ۲۳ آذر ۱۳۶۰ در قرارگاه نیروی زمینی ارتش در جنوب، در نخستین جلسه مشترک سپاه و ارتش در مورد عملیات فتح المبین، فرمانده وقت نیروی زمینی گفت: «جلسه امروزی برای مقایسه نظرات ارتش و سپاه تشکیل شده و سپاه نظر خودش را بگوید.» سپس برادران سپاه نظر خود را بیان کردند. در برآورد اولیه، برادر رشید گفت: «سپاه با سه لشکر پیاده می تواند در دزفول وارد عمل شود.» متأسفانه، با وجود افزایش سازمان سپاه به چهار لشکر، همچنان در منابع منتشره از ارتش، بر همین آمار تأکید می شود، حال آن که این آمار بعدها افزایش یافت و سپاه، هم در جلسات و هم به صورت کتبی به فرماندهی محترم نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی استعداد سپاه را اعلام کرد و همچنین درباره سازمان و استعداد یگان های سپاه در عملیات یاد شده این توضیح ضروری است که در نامه فرماندهی کل سپاه با شماره ۱۲۶ - ۵، به فرماندهی نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی، مورخ ۲۱ / ۱۲ / ۱۳۶۰، در مورد سازمان سپاه بر حسب قرارگاه های قدس، نصر، فجر و فتح توضیح لازم داده شده است. برابر این آمار و ارقام، استعداد یگان های سپاه بر حسب گردان تا پیش از شروع عملیات حدود ۷۸ گردان بود، ضمن این که حتی در حین عملیات نیروهایی جذب و سازمان دهی شدند و همچنان بر آمار نیروهای شرکت کننده در سازمان سپاه افزوده شد

که این تعـداد به ۱۰۰ گردان رسـید. با در نظر گرفتن ۷۸ گردان نیرو اگر اسـتعداد هر گردان را ۲۰۰ تن فرض کنیم، نیروهای سپاه تنها پیش از شـروع عملیات نزدیک به ۱۶ هزار تن بوده انـد و بر حسب ۳۰۰ تن در هر گردان نزدیک به ۲۴ هزار تن و با میانگین ۵۰۰ تن در هر گردان، حـدود ۴۰ هزار تـن نیرو حضـور داشت، حـال، در این که چرا در کتب برادران ارتش، بر رقم ۹۰۰۰ تن تأکید کرده است، ابهام وجود دارد.

سازمان رزم با توجه به همکاری ارتش و سپاه به صورت مشترک، عبارت بود از:

قرارگاه مشترک قدس

لشکر قدس از سپاه شامل تیپ های ۴۱ ثار الله با شش گردان، ۱۴ امام حسین (ع) با ۹ گردان، ایلام با سه گردان، گردان مستقل علی اکبر (ع) و نیروهای ارتش شامل تیپ ۸۴ خرم آباد با سه گردان و تیپ ۲ زرهی از لشکر ۹۲ با سه گردان.

قرارگاه مشترک نصر

لشکر نصر سپاه شامل تیپ های ۷ ولی عصر با ۹ گردان، ۲۷ حضرت رسول (ص) با ۹ گردان. نیروهای ارتش شامل لشکر ۲۱ حمزه با ۱۲ گردان، تیپ ۵۸ ذوالفقار با چهار گردان.

قرارگاه مشترک فجر

لشکر فجر از سپاه شامل تیپ های ۳۳ المهدی (عج) با شش گردان، ۴۶ فجر با پنج گردان، ۱۷ علی ابن ابیطالب، قم با پنج گردان، امام سجاد (ع) با ۱۱ گردان. نیروهای ارتش شامل لشکر ۷۷ با سه تیپ ۱، ۲ و ۳ با ۱۰ گردان.

قرارگاه مشترک فتح

لشکر فتح سپاه شامل تیپ های ۲۵ کربلا با ۱۶ گردان، ۸ نجف با هشت گردان. نیروهای ارتش شامل لشکر ۹۲ با یک تیپ، تیپ های ۵۵ هوابرد تحت امر عملیاتی لشکر ۹۲ و ۳۷ زرهی شیراز (۱) .

در مجموع، سپاه پاسداران با ۱۰۰ گردان نیرو و ارتش جمهوری اسلامی ایران با ۴۳ گردان اعم از پیاده، زرهی و مکانیزه در عملیات شرکت کردند. در این عملیات سپاه ۱۶۰ دستگاه تانک و نفربر غنیمتی و ارتش ۴۶۰ دستگاه تانک و نفربر سازمانی خود را به کار گرفتند. علاوه بر آتش پشتیبانی توپخانه، هوانیروز و نیروی هوایی ارتش نیز بر حسب مأموریت و استعداد خود در عملیات مشارکت داشتند. به طور کلی، حضور رو به گسترش

---

۱ - ۵۱۸. این تیپ تحت کنترل قرارگاه نصر و در محور علی گره زد به دشت عباس وارد عمل شد که در مرحله دوم نیز موفقیتی نداشت.

سپاه و سازمان دهی نیروهای مردمی در سازمان تیپ (۱) و لشکر سبب شد که توان رزمی نیروهای خودی افزایش یابد. (۲) .

طرح مانور

اشاره

به دلیل ترکیب نیروهای سپاه و ارتش برای انجام عملیات دو دیدگاه متفاوت در طرح ریزی عملیات فتح المبین وجود داشت؛ طراحان نظامی ارتش بر این باور بودند که عملیات می بایست به صورت مرحله ای و با دو قرارگاه و از سه محور جسر نادری، شوش و ارتفاعات شاوریه و تپه ی بلتا برای تأمین ارتفاعات علی گره زد تپه های ابوصلیبی خات انجام شود، و پس از آن، در مرحله دوم، عملیات به طرف عین خوش - دوسلك و رقابیه ادامه یابد.

ص: ۱۸۶

۱- ۵۱۹. در صفحه ۱۱۶ کتاب دفاع مقدس: از انتشارات نیروی زمینی ارتش - آمده است: «سپاه پاسداران با بهره برداری از انگیزه علاقمندی نیروهای مسلح مردمی که متعاقب موفقیت حاصله در عملیات ثامن الائمه ایجاد شده بود، یگان هایی در سطح تیپ تشکیل و در عملیات های بعدی شرکت داد». در جلد اول کتاب نقش ارتش جمهوری اسلامی در هشت سال دفاع مقدس، با استناد به طرح شماره یک عملیات کربلای ۲ در اواخر دی ماه ۱۳۶۰، با ذکر فرضیات و توضیح آن، آمده است: «در فرضیات پیش بینی شده بود که الف: سپاه پاسداران و نیروهای بسیج مردمی نیرویی شامل حداقل ۹۰۰۰ نفر آماده و تا پایان عملیات کربلای ۲ هماهنگ با یگان های ارتشی در عملیات شرکت می نمایند.» در این کتاب سپس آمده است: «فرضیات نشان می دهد که نیروهای سپاه پاسداران هنوز سازمان دهی نشده بود و تلاش می کرد با بسیج نیروهای مردمی، استعداد پیش بینی شده تأمین گردد.» چنان که ملاحظه می شود در این زمینه در منابع منتشره ارتش تناقض وجود دارد، چنان که در کتاب دفاع مقدس زمان تشکیل سازمان تیپ در سپاه بعد از عملیات ثامن الائمه (ع) ذکر شده است، ولی در جلد اول کتاب نقش ارتش جمهوری اسلامی در هشت سال دفاع مقدس حتی در دی ماه ۱۳۶۰ و پس از عملیات پیروزمندانه طریق القدس که اساسا با اتکا بر تدبیر و خلاقیت نیروهای سپاه در محور شمالی و از تپه های رملی، انجام شد باز هم به عدم سازمان دهی نیروهای سپاه اشاره شده است.

۲- ۵۲۰. در صفحه ۱۹۴ جلد اول کتاب نقش ارتش جمهوری اسلامی در هشت سال دفاع مقدس آمده است: «با حضور نیروهای بسیج مردمی و سپاه پاسداران در صحنه های نبرد، توان رزمی و تهاجمی جبهه ها تقویت شده بود...» سپس در همین صفحه آمده است: «برآوردهای انجام شده نشان می داد که توان رزمی ارتش جمهوری اسلامی ایران به تنهایی برای وارد آوردن ضربه سرنوشت ساز به ارتش متجاوز کافی نیست...». ضرورت هماهنگی ارتش و سپاه با توجه به افزایش سازمان سپاه در مقایسه با ارتش، از جمله موضوعاتی بود که مورد بحث و بررسی قرار گرفت. افزون بر این، ایجاد قرارگاه مشترک با نام «کربلا» عملا برای افزایش هماهنگی در هدایت عملیات صورت گرفت. در این زمینه در کتاب نقش ارتش جمهوری اسلامی در هشت سال دفاع مقدس سال ۱۳۷۱، ص ۱۳۰، آمده است: «پس از انتخاب منطقه و تصویب آن، کار طرح ریزی آغاز و با

استفاده از تجارب حاصله در عملیات طریق القدس به جای دو قرارگاه فرماندهی جداگانه سپاه پاسداران و نیروی زمینی، یک قرارگاه مشترک برای انجام طرح ریزی، هدایت، کنترل و فرماندهی عملیات با نام «قرارگاه عملیاتی کربلا» تشکیل و به ترتیب به اجرای هر چه صحیح تر و کامل تر اصل «وحدت فرماندهی» نزدیک شد تا اشکالات عملیات قبلی در زمینه مذکور به وجود نیاید.» البته، با وجود این که در این کتاب بر وجود دو قرارگاه جداگانه در هدایت عملیات به هنگام اجرای عملیات طریق القدس اشاره شده است ولی در همین کتاب در صفحه ۱۱۶ در بند ۳ گزارش عملیات طریق القدس در مورد قرارگاه هدایت کننده عملیات آمده است: «قرارگاه مقدم نزاجا[نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی]در جنوب».

این طرح شبیه عملیات ارتش در ۲۳ مهر سال ۱۳۵۹ بود. از سوی دیگر، گروه طرح ریزی سپاه باتوجه به آنچه پیش از این حاصل شده بود، با این طرح مخالفت کردند. زیرا، آن ها معتقد بودند، با توجه به زمین و عوارض منطقه و نحوه آرایش دشمن، عملیات باید در یک مرحله و با چهار قرارگاه برای تصرف عقبه های دشمن و با استفاده از راه کارهای ابتکاری از شمال عین خوش و شرق رقابیه به عین خوش انجام شود. سرانجام پس از بحث و بررسی هایی که صورت گرفت، طرح سپاه پذیرفته شد. (۱) .

بدین ترتیب، عملیات از چهار محور کلی با چهار قرارگاه سازمان دهی شد که این قرارگاه از شمال به جنوب عبارت بودند از قدس، نصر، فجر و فتح.

محور قرارگاه قدس (تیشه کن، چاه نفت به سمت دشت عباس و عین خوش)

در این محور، ارتفاعات عین خوش و تنگه ی ابوغریب به عنوان عوارض حساس منطقه شمالی، از اهداف حیاتی عملیات بودند، زیرا از قابلیت پدافندی برخوردار بوده و در صورت تأمین تصرف آن ها، عقبه نیروهای دشمن تهدید شده و خطوط مواصلاتی آن قطع می شد.

در واقع، محور قرارگاه قدس، جناح لشکر ۱۰ عراق بود و به علت مسافت طولانی و وجود کوه های صعب العبور، کمتر مورد توجه عراقی ها قرار گرفته بود، به همین دلیل، خطوط دشمن در این محور فاقد استحکام لازم بود. به طور کلی، هدف نهایی قرارگاه قدس در این محور، تصرف ارتفاعات عین خوش، منطقه ابوغریب و تینه بود.

محور قرارگاه نصر (غرب پل نادری)

در این محور، ارتفاعات شمال شرقی شامل علی گره زد، شاوریه و بخشی از جاده دزفول - دهلران، عوارض حساس این منطقه محسوب می شدند و در صورت آزادسازی و تأمین آن ها، عقبه نیروهای دشمن در پای پل، سرخه صالح و کوت کاپن تهدید شده و همچنین الحاق نیروهای خودی در پای پل آسان و امکان دستیابی به چنانه و برقازه فراهم می شد.

بنابراین، قرارگاه نصر در جناح چپ قرارگاه قدس مأموریت داشت، مناطقی چون شاوریه، تپه بلتا، علی گره زد، تپه چشمه، کوت کاپن و سایر عوارض حساس منطقه را تصرف و تأمین کند. عملیات در این محور به لحاظ آرایش و استعداد دشمن و حساسیت عراق نسبت به این منطقه به شکل تک جبهه ای بود که عملیاتی سخت و دشوار محسوب می شد.

۱- ۵۲۱. این مطلب بر اساس توضیح سردار غلامعلی رشید در یادداشت هایش بر این کتاب نوشته شده است.

محور قرارگاه فجر (شوش)

در این محور، تپه هـای ابوصـلیبی خـات به مهم ترین عوارض حسـاس منطقه در غرب رودخانه کرخه به شـمار می رفت که بر تمام این منطقه مشـرف بودند و در صورت تصرف و تأمین آن ها، علاوه بر تجزیه نیروهای دشمن، دستیابی به چنانه و تپه های برقازه تسـهیل شـده و همچنین، زمینه های سـقوط مواضع دشـمن در ملحه، کوت کاپن، سـرخه صالح و سـرخه قلیچ فراهم می شد.

قرارگاه فجر در این محور مأموریت داشت، عوارض حساس منطقه را تصـرف و تأمین کند. نظر به حساسیت دشـمن نسبت به این منطقه و استحکاماتی که در آن ایجاد کرده بود، عملیات در این محور سخت و دشوار به نظر می رسید.

قرارگاه فتح (رقابیه)

این محور در جنوب منطقه عملیـاتی قرار داشت و تنگه ی رقـابیه و تپه برقازه (در جنوب و جنوب غربی) حساس ترین عوارض منطقه محسوب می شدنـد. محور قرارگاه فتح در واقع، جناح لشـکر ۱ مکانیزه ارتش عراق بود که در صورت تصـرف و تأمین آن، علاوه بر دور خوردن نیروهای دشـمن در منطقه ی عین خوش و تهدیـد عقبه ی لشکر ۱ در محور دوسـلك و غرب آن، امکان تأمین خط پیوسـته پدافندی، با اتکاء به ارتفاعات تینه و میشداغ - از عین خوش تا تنگه ی چزابه - فراهم می شد، ضمن این که دشمن مجبور می شد بیشتر نیروهای خود را در پشت رودخانه دویرج مستقر کند.

عملیـات فتـح المبین بر پـایه دستیـابی به اهـداف مورد نظر در سه مرحله طرح ریزی شـد، در مرحله اول، بـا آغـاز عملیات، می بـایست هـدف هـای عالی گره زد، شاوریه، ابوصـلیبی خات و تنگه ی رقابیه تصـرف و تأمین می شـد. در مرحله دوم و پس از تـأمین کلیه هـدف های مرحله اول، نیروهای خودی بایـد با ادامه تك، عین خوش، تنگه ی ابوغریب، و تپه های غرب چنانه را تصـرف و تـأمین می کردنـد و در مرحلـه سـوم، نیروهـای ارتش و سـپاه می بـایست در شـمال و جنـوب منطقه به تشـکیل خط پدافندی اقدام می کردند.

اقدامات دشمن پیش از آغاز عملیات

پس از عملیات طریق القـدس، دشـمن دچار نوعی آشـفتگی روحی شد و در حالی که مرعوب و وحشت زده بود، هنوز درك روشنی از ویژ گی های تاکتیکی و عملیاتی نیروهای خودی نداشت. در چنین وضعیتی، دشمن قبل از آغاز عملیات فتح المبین، بر اساس شواهد

و قراین موجود و برخی منابع جاسوسی که در داخل ایران داشت، از اجرای این عملیات آگاهی یافت، لذا برای مقابله با آن، در ۱۷ بهمن ۱۳۶۰ در تنگه ی چزابه دست به حمله زد. گرچه این تهاجم تلفات بسیاری برای دشمن در برداشت، ولی موجب به تأخیر افتادن عملیات فتح المبین شد.

با افزایش فعالیت نیروهای خودی در منطقه عملیاتی فتح المبین و مقابله با دشمن در تنگه ی چزابه، عراقی ها تلاش بعدی خود را در ۲۸ اسفند ۱۳۶۰، با هدف بر هم زدن سازمان رزم و رسیدن به خطوط پدافندی مستحکم، نیروهای خودی در منطقه جنوب شوش و دشت رقابیه آغاز کردند. انتخاب این منطقه برای حمله بر پایه درک دشمن از محورهای اصلی تهاجم نیروهای خودی بود؛ عراقی ها می پنداشتند که چون امکان تک در ابعاد وسیع و عمیق برای ایرانی ها وجود ندارد، به همین دلیل، عملیات اصلی آن ها در محور شوش و یا پای پل نادری خواهد بود و در سایر محورها تلاش ایران برای پشتیبانی است. اظهارات اسیران عراقی، از جمله، گفته های زیر درباره ی اهداف و محورهای تهاجم نیروهای خودی، نشان دهنده ی درک دشمن از این عملیات بود:

«طرح حمله نیروهای اسلام به شکل زیر بود:

الف - تصرف مواضع لشکر دهم از طریق دشت سیپتون و رسیدن به جاده اصلی عین خوش - امام زاده؛

ب - تصرف مواضع لشکر یکم در مناطق رقابیه از کوه میشداغ به سمت جنوب و غرب و حرکت به سوی جاده اصلی فکه - شوش؛

ج - تصرف مواضع لشکر یکم در محورهای جاده اصلی (جبهه تیپ یکم و تیپ ۹۳) و همچنین، تصرف جبهه در منطقه دوسلک و جبهه لشکر ۱۰ در محور نادری و پاک سازی منطقه رادار؛

د- هدف اصلی، محاصره و از یکدیگر جدا ساختن یگان ها و در نتیجه، نابودی و یا اسارت افراد آن ها بود.» (۱) .

بدین ترتیب، ارتش عراق با هدف به تأخیر انداختن عملیات فتح المبین، در تاریخ ۲۸ اسفند ۱۳۶۰ در منطقه جنوب شوش و دشت رقابیه دست به حمله زد. هجوم نیروهای عراقی به این منطقه سبب شد تا بسیاری از معابر نفوذی و محورهای عملیات کشف شده و بر مشکلات نیروهای خودی افزوده شود، ولی مقاومت این نیروها و همچنین، ناتوانی دشمن، مانع از آن شد که دشمن از این حملات بهره برداری کرده و ابتکار عمل را در دست گیرد.

۱- ۵۲۲. مأخذ ۳۹، صص ۷۹ و ۸۰.

تشریح عملیات

اشاره

در نگارش این بخش، از گزارش برادر داوود رنجبر (گزارش ۶۸۹ پیشین) نیز استفاده شده است.

با توجه به تلاش دشمن در آستانه عملیات فتح المبین (۲۸ اسفند ۱۳۶۰) و احتمال هوشیاری عراق نسبت به محورهای تهاجم نیروهای خودی و نیز تأثیرات تک دشمن در کشف معابر نفوذی، تأخیر در اجرای عملیات ضروری به نظر می رسید، ضمن این که هنوز برخی از یگان های خودی از آمادگی لازم برخوردار نشده بودند. در پی این وضعیت و ایجاد تردید در تصمیم گیری فرماندهان، فرماندهی کل سپاه به دیدار امام رفت و از ایشان درباره زمان شروع عملیات درخواست استخاره کرد. امام در پاسخ به این درخواست ضمن خودداری از استخاره، فرمودند: «شما خودتان تصمیم بگیرید ولی اگر می خواهید می توانید برای طلب خیر از خداوند به قرآن رجوع کنید.» پس از بازگشت فرمانده سپاه به منطقه، به قرآن، استخاره زده شد که سوره فتح آمد. آیات این سوره وعده فتح، نصرت و «مغانم کثیره» (غنیمت های بسیار) می داد. بر همین اساس، نام «فتح المبین» برای این عملیات برگزیده شد.

بدین ترتیب، عملیات فتح المبین در ساعت ۳۰ دقیقه بعد از نیمه شب در دوم فروردین ۱۳۶۱. با رمز مبارک یا زهرا (س) و با چهار قرارگاه قدس، نصر، فجر و فتح آغاز شد.

در این عملیات، مأموریت قرارگاه قدس و فتح در مقایسه با قرارگاه های نصر و فجر از اهمیت بیشتری برخوردار بود. پس از آن که دشمن نسبت به مأموریت نیروهای خودی در محور قرارگاه فتح آگاه شد، مأموریت قرارگاه قدس اهمیت بیشتری یافت، زیرا دشمن از مأموریت نیروهای خودی در این محور کاملا ـ غافل بود و در نتیجه، هرگونه موفقیت در این محور با تهدید عقبه و اشغال مواضع دشمن در منطقه عین خوش، هوشیاری دشمن در محور قرارگاه فتح را جبران می کرد. در واقع، قرارگاه قدس می توانست مهم ترین خطوط مواصلاتی و تدارکاتی دشمن در محور دهلران، عین خوش و پل نادری را قطع کند که در این صورت، احتمال ورود نیروهای احتیاط دشمن به منطقه با مشکلاتی همراه شده و راه عقب نشینی نیروهای لشکر ۱۰ نیز قطع می شد.

با شروع عملیات، نیروهای قرارگاه قدس - که به دلیل طولانی بودن مسافت، قبلا از محل استقرار خود حرکت کرده و در مواضع مناسبی در نزدیکی دشمن مستقر شده بودند - با تهاجم به نیروهای عراقی، ضمن آزاد کردن بخشی از جاده دهلران - پادگان کرخه، در

عین خوش مستقر شدند. همچنین، در این حمله منطقه کمر سرخ، امام زاده عباس و تپه های ۲۰۲ به تصرف نیروهای خودی درآمد.

در محور قرارگاه نصر، نیروهای این قرارگاه علاوه بر تصرف اهداف خود در غرب پل نادری شامل سه راهی قهوه خانه، کوت کاپن و تپه چشمه، ارتفاعات شمال شرقی منطقه یعنی شاوریه و علی گره زد را نیز آزاد کرده و با پیشروی در عمق، نیروهای دشمن را منهدم کردند.

در محور قرارگاه فجر، به دلیل جبهه ای بودن تک و تسلط دشمن بر منطقه، نیروهای خودی پس از درگیری با دشمن در خطوط اول، به مواضع خود عقب نشینی کردند.

سرعت عمل قرارگاه های قدس و نصر سبب شد، توپخانه دشمن در علی گره زد با بیش از ۸۲ قبضه توپ سقوط کند، که این امر در پیشروی نیروهای خودی و کاهش تلفات آنان بسیار مؤثر بود.

با روشن شدن هوا، دشمن - که متحمل تلفات بسیاری شده بود - توان خود را در منطقه عین خوش متمرکز کرد و با بهره گیری از نیروهای رانده شده از محور رقابیه، تلاش گسترده ای را به سمت امام زاده عباس از شرق به غرب آغاز کرد و در مرحله اول توانست امام زاده عباس را به تصرف در آورد. در این میان، مقاومت نیروهای تیپ ۱۴ امام حسین (ع) در برابر فشارهای دشمن در روز اول عملیات بسیار با اهمیت بود. اگر حمله دشمن در این محور با موفقیت همراه می شد، تمام دست آوردهای شب اول عملیات از دست می رفت و تداوم عملیات نیز با مشکلات اساسی روبه رو می شد.

همچنین، در روز دوم عملیات، دشمن در محور عین خوش، با تلاش بسیار توانست تپه های ۲۰۲ را نیز تصرف کند، اما در تصرف کمر سرخ و عین خوش ناکام ماند.

مرحله دوم عملیات

افزایش فشارهای دشمن بر نیروهای خودی، وضعیت نامطلوبی را ایجاد کرده بود. برای مقابله با این وضعیت و به دست گیری ابتکار عمل و جلوگیری از تداوم تهاجمات دشمن، قرارگاه فتح مأموریت یافت، با تصرف تنگه ی رقابیه، عملیات را در شب سوم آغاز کند. در محور شوش نیز قرار شد، قرارگاه منجر با عملیات ایذایی، دشمن را مشغول و درگیر نگه دارد. به قرارگاه نصر و قدس نیز ابلاغ شد، خطوط پدافندی را بازسازی کنند.

عملیات قرارگاه فتح در ساعت ۳ بامداد روز ۴ فروردین ۱۳۶۱ از دو محور آغاز شد:

در محور اول، تیپ ۲۵ کربلا و یک گردان زرهی از لشکر ۹۲ با هدف تصرف ارتفاعات رقابیه، مستقیما از حاشیه تنگه ی رقابیه و آب گرفتگی وارد عمل شدند.

در محور دوم، تیپ ۸ نجف اشرف با تیپ ۵۵ هوابرد تلاش اصلی خود را برای عبور از تنگه ی ذلیجان (۱) متمرکز کردند تا از این طریق نیروهای دشمن را در تنگه ی رقابیه و انتهای شمالی میشداغ دور بزنند.

در پی اجرای عملیات در محور اول مواضع دشمن به سرعت سقوط کرد و نیروهای خودی ضمن پاک سازی کامل تنگه ی رقابیه و میشداغ، ارتفاعات رقابیه را نیز به تصرف خود در آوردند. در محور قرارگاه فجر نیز نیروهای خودی پس از اجرای عملیات تأخیری، به مواضع خود بازگشتند. دشمن پس از اجرای مرحله دوم عملیات نیز در حالی که توان خود را در محور شمالی (عین خوش) متمرکز کرده بود، دچار از هم گسیختگی شد. زیرا تداوم حضور نیروهای خودی در مواضع تصرف شده در محور شمالی و ناتوانی دشمن در باز پس گیری این مواضع و همچنین، پیشروی نیروهای خودی در محور جنوبی و تصرف تنگه ی رقابیه، تمام نیروهای دشمن را در معرض انهدام و اسارت قرار داده بود.

مرحله سوم عملیات

تلاش برای به اسارت در آوردن نیروهای دشمن مهم ترین هدف عملیات در مرحله سوم بود در این مرحله از عملیات که ۷ فروردین ۱۳۶۱ آغاز شد قرارگاه قدس مأموریت داشت، امام زاده عباس و تپه ۲۰۲ را - که از دست داده بود - بار دیگر تصرف و تأمین کرده و با رسیدن به منطقه ابوغریب و استقرار در ارتفاعات تینه، با قرارگاه های دیگر الحاق کند.

قرارگاه نصر نیز موظف شد، مأموریت قرارگاه فجر مبنی بر تصرف ارتفاعات ابوصلیبی خات را انجام دهد و قرارگاه فجر تنها در محور شوش با دشمن درگیر شود و در صورت امکان، با قرارگاه نصر الحاق کند. همزمان، قرارگاه فتح مأموریت یافت با تصرف برقازه در منطقه دوسلک با قرارگاه نصر و فجر الحاق کند.

نیروها در شب هفتم عملیات پس از پیشروی و تصرف ارتفاعات رادار تمام اهداف تعیین شده را به آسانی تأمین کردند و دشمن نیز بیشتر نیروهای خود را از منطقه خارج کرد.

سرانجام، پس از هشت روز درگیری، نیروهای خودی با تأمین تمام اهداف مورد نظر و استقرار بر روی ارتفاعات تینه، برقازه، رقابیه و میشداغ، دشمن را تا رودخانه دویرج و تپه های ۱۸۲ در جنوب برقازه عقب راندند.

---

۱ - ۵۲۳. تنگه ذلیجان در ۱۷ کیلومتری جنوب تنگه رقابیه قرار دارد. با تلاش های جهاد سازندگی و شکافتن ارتفاعات میشداغ و احداث جاده مسیر تنگه باز شد و نیروهای خودی توانستند از این محور وارد عمل شوند.

خسارات و تلفات وارده به دشمن

در این عملیات، ۲۵ هزار تن از نیروهای دشمن کشته و زخمی و ۱۷ هزار تن دیگر اسیر شدند و تمام یگان های درگیر آن نیز در منطقه دچار خسارت و تلفات شدند.

همچنین، ۳۲۰ دستگاه تانک و نفربر، ۵۰۰ دستگاه خودرو و ۱۶۵ قبضه توپ به غنیمت نیروهای خودی درآمد و نزدیک به ۳۵۰ دستگاه تانک و نفربر دشمن منهدم شد. در این عملیات، ۱۸ فروند از هواپیماهای دشمن نیز سرنگون شدند.

ارزیابی عملیات

بدون تردید، عملیات فتح المبین از نظر وسعت، منطقه، شمار نیروهای شرکت کننده، تاکتیک عملیاتی و سرعت عمل نیروها در تأمین اهداف با اجرای مراحل عملیات، بسیار برجسته و با اهمیت بود. یکی از کارشناسان نظامی درباره ی این عملیات می گوید:

«تهاجم ایران در اواخر ماه مارس که تحت عنوان عملیات فتح المبین صورت گرفت، بزرگ ترین و در عین حال، پیچیده ترین تلاش ایران در جنگ تا آن زمان بود. ایرانی ها در جریان این عملیات با بهره گیری از بیش از یک صد هزار تن از نیروهای منظم، حداقل ۳۰ هزار پاسدار و همین تعداد نیروهای مردمی ارتش ۲۰ میلیونی، اقدام به انجام یک تهاجم سه مرحله ای کردند که کمر مقاومت عراق در خوزستان شکست.» (۱) .

برخی از کارشناسان، پیروزی های ایران را به منزله تجدید قوای نیروی انسانی و هماهنگی بهتر ارتش و سپاه می دانند. افرایم کارش، یکی از کارشناس نظامی دیگر در مورد این عملیات می گوید:

«عملیات فتح المبین خفت بارترین شکست را از آغاز جنگ تاکنون نصیب عراق نمود.» (۲) .

پیروزی در عملیات فتح المبین در واقع، حاصل برتری نیروی انسانی و بینش نظامی ایران بر عراق بود. البته این تأکید به آن معنا نیست که عوامل دیگر بی تأثیر و یا فاقد ارزش و دارای اهمیت کمتری بودند، لیکن این دو عامل در مقایسه با سایر عوامل از برجستگی و تأثیر بیشتری برخوردار بودند.

عملیات فتح المبین گرچه در آستانه فرا رسیدن سال جدید و در ایام نوروز انجام گرفت، ولی این مسئله هیچ تأثیری بر جذب نیروهای مردمی نداشت، بر این اساس، سردار غلامعلی رشید در سمینار مشورتی فرماندهی سپاه عملیات فتح المبین را «جنگ فراگیر مردمی» نامید. به موازات افزایش حضور نیروهای مردمی، سازمان رزم سپاه گسترش یافت و این

۱- ۵۲۴. مأخذ ۱۰۵.

۲- ۵۲۵. مأخذ ۱۰۳.

تحول، موجب افزایش توانایی نیروهای خودی در برابر دشمن شد. (۱) سردار رضایی می گوید:

«در حقیقت در عملیات فتح المبین سازمان رزم ما یک مرتبه دچار یک تحول خیلی جدی شد. قرارگاه تشکیل دادیم و تیپ های ما دو برابر شد.» (۲) .

سپاه برای این عملیات، هفت تیپ جدید تأسیس کرد که استعداد برخی از آن ها برابر یک لشکر بود. روند رو به گسترش سازمان سپاه سبب شد که پس از عملیات فتح المبین این شعار محور تلاش ها قرار گیرد که «یک گام سازمان دهی، یک گام عملیات». (۳) .

نخستین قرارگاه عملیاتی نیز در این عملیات شکل گرفت؛ قبل از این، سپاه هیچ گاه قرارگاه لشکری نداشت. ضرورت ناشی از عملیات از یک سو و بلوغ اندیشه نظامی و گسترش سازمان آن از سوی دیگر، مقدمات تشکیل قرارگاه را فراهم کرد.

در ابعاد عملیاتی نیز طرح عملیات فتح المبین از ویژگی های مهمی برخوردار بود و همین ویژگی ها سبب شد تا با وجود این که دشمن از منطقه عملیات کاملا آگاه بود و تلاش هایی را نیز برای مقابله با آن انجام داد، ولی با شکست خفت باری روبه رو شد. ابتکار عمل نیروهای خودی در عملیات فتح المبین، وضعیت را به سود ایران تغییر داد.

در این حال، دشمن با حمله به نیروهای خودی در تنگه ی چزابه کوشید، ایران را از اجرای عملیات منصرف کند، ولی هنگامی که این حملات نتیجه نداد، سعی کرد علاوه بر ترمیم نقاط ضعف مواضع پدافندی خود، آرایش نیروهای ایرانی را بر هم زند، اما این تلاش ها نیز تأثیر تعیین کننده ای بر نیروهای خودی نداشت. (۴) .

سردار رضایی در این باره بر دو نکته تأکید می کند: «نخست این که طرح مانور بایستی متناسب با آخرین تغییرات دشمن باشد، لذا اطلاعات لازم است به روز باشد. باید تا آخرین لحظات، تغییرات دشمن را درک کنیم و به تناسب آن، طرح مانور را تغییر بدهیم.»نکته دیگر، «پافشاری و تلاش برای تصرف نقطه یا نقاطی است که با تصرف آن تعادل دشمن بر هم می خورد.» در عملیات فتح المبین آرایش دشمن به دو نقطه وابسته بود: یکی تنگه ی رقابیه و دیگری ارتفاع برقازه. لذا با نزدیکی به دو نقطه یاد شده، تمام جبهه دشمن متزلزل شد. (۵) .

۱- ۵۲۶. اسیران عراقی در این زمینه می گویند: «نیروهای اسلام توانستند تعداد زیادی از داوطلبان بسیجی و همچنین واحدهای ارتش را در این عملیات به کار گیرند. این تجمع نیروها باعث رسیدن به هدف گردید و نیروهای اسلامی حمله خود را به مواضع دفاعی عراق آغاز نمودند و توانستند در بیش از یک منطقه مواضع آن ها را به تصرف درآورند.» (مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، تحلیل نبردهای ایران اسلامی و بعثیان عراق، نوشته اسرای عراقی، ص ۸۰).

۲- ۵۲۷. مأخذ ۳۳.

۳- ۵۲۸. پیشین.

۴- ۵۲۹. پیشین.

۵- ۵۳۰. پیشین.

طرح ریزی دقیق عملیات فتح المبین به خصوص در محور قرارگاه قدس - که در مرحله اول منجر به وارد آمدن خسارت فراوانی بر دشمن و درهم ریختگی نیروهای عراقی شد - یکی از ویژگی های مهم این عملیات بود که نقش تعیین کننده ای در کسب پیروزی داشت، در محور قرارگاه فتح نیز اقداماتی مهندسی برای احداث جاده بر روی ارتفاعات میشداغ و تصرف تنگه ی رقابیه، هم چون تیر خلاصی به دشمن بود، چنان که پس از آن، نیروهای عراقی بدون درنگ دست به عقب نشینی زدند. به عبارت دیگر، با پیروزی عملیات فتح المبین، ذهنیت و باورهای دشمن نسبت به توان رزمی ایران و نیروهای خود دستخوش تغییر شد؛ (۱) پیش از این، دشمن نسبت به «توان نیروی نظامی ایران تردید داشت و می پنداشت که نیروهایش می توانند مواضع اشغالی را حفظ کنند. به همین دلیل، دشمن در عملیات بیت المقدس نیز نتوانست مقاومت مؤثری از خود نشان دهد. (۲) علاوه بر این، سردار رشید، قدرت تصمیم گیری فرماندهی کل سپاه و توانایی وی را در حل معضلات اساسی عملیات، در مرحله طرح ریزی و اجرای آن، به عنوان ویژگی دیگر این عملیات می خواند:

«فتح المبین انصافا خیلی وسیع بود؛ در آن شرایط و در آن دوران سخت، این اراده فرمانده کل سپاه بود که توانست تصمیم گیری کند و این عملیات را انجام دهد. در حالی که بسیاری از فرماندهان تصمیم سرلشکر محسن رضایی را به آن شکل قبول نداشتند.» (۳) .

به عقیده سردار غلامعلی رشید، پس از عملیات طریق القدس، تداوم حضور فرماندهی کل سپاه در منطقه علاوه بر این که منجر به انتقال نیروهای سپاه و تمرکز امکانات در جبهه ها شد، در بعد عملیاتی نیز جرأت و شهامت طرح ریزی عملیات گسترده و به کارگیری نیروهای مردمی در مقیاس وسیع را به وجود آورد. (۴) وی در توضیح این مطلب می گوید:

«در عملیات فتح المبین چند پیچیدگی وجود داشت که واقعا آقا محسن حل کرد؛ مثلا وقتی که در مرحله اول عمل کردیم، عراق مقاومت کرد، اوضاع ما به هم ریخت. شهید حسین خرازی در عین خوش گرفتار شده بود. عراقی ها به منطقه دشت عباس حمله کردند، اوضاع پیچیده شد و قرارگاه فجر اصلا موفق نشد. قرارگاه فتح هم هنوز آمادگی حمله نداشت. آقا محسن با این که مریض بود و حالش به هم خورده و زیر سرم قرار داشت، اما همان شب وقتی که حسین گرفتار شد، برادران صیاد و جمالی آمدند و گفتند: «حسین را نجات بدهید و ما پیشنهاد می دهیم تیپ ۸۴ و تیپ امام حسین (ع) عقب بکشند، این ها آن جا نابود می شوند.» فرمانده سپاه در برابر این پیشنهاد کاملا مقاومت کرد، گفت: آقا رحیم (صفوی)، فرمانده قرارگاه فتح باید حمله کند؛ راه نجات حسین همین است... وقتی آقا رحیم حمله کرد، فشار دشمن در عین خوش کاهش

---

۱ - ۵۳۱. مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، فصلنامه تاریخ جنگ، نشریه شماره ۱۱، آبان ۱۳۷۴، ص ۳۲، سخنرانی سردار غلامعلی رشید در سمینار مشورتی فرماندهان سپاه.

۲- ۵۳۲. پیشین.

۳- ۵۳۳. پیشین.

۴- ۵۳۴. مأخذ ۵.

یافت. همه می گفتند عقب نشینی،[ولی]فرماندهی می گفت، ما عین خوش را با هزار زحمت گرفتیم، عقب نشینی نمی کنیم... این جور مسائل در ذهن فرماندهی بود که ما قادر به درک و حل آن نبودیم. فکر ایشان واقعا کار می کرد و بسیار فعال و عمیق بود و تصمیمات مناسبی را می گرفت.» (۱) .

اجرای پی درپی مراحل عملیات از دیگر ویژگی های این عملیات بود، هر گونه تأخیر در اجرای مرحله دوم می توانست علاوه بر از دست دادن نتایج و دست آوردهای مرحله اول،عملیات را ناکام بگذارد، اما اجرای مرحله دوم عملیات و تصرف تنگه ی رقابیه، منجر به تزلزل و فروپاشی نیروهای دشمن و در نتیجه، فرار آن ها - به علت ترس از اسارت و انهدام - شد.

بازتاب عملیات

این بخش از گزارش با استفاده از گزارش برادر فرهاد درویشی تحت عنوان «بررسی شرایط سیاسی جنگ ایران و عراق در آستانه و پس از عملیات فتح المبین» نوشته شده است.

«تشدید نگرانی امریکا از روند تحولات جنگ» و تأثیر آن بر روند تحرکات سیاسی در سطح منطقه و تغییر تدریجی سیاست امریکا، شاید برجسته ترین بازتاب عملیات فتح المبین باشد که نیاز به بررسی دارد. امریکایی ها در حالی که تصور می کردند، ایران در گرداب «بحران سیاسی» و «بن بست نظامی» غوطه می خورد و هیچ عنصر تعیین کننده ای در صحنه سیاسی ایران برای مهار و غلبه بر این اوضاع وجود ندارد، ناگهان با دو رویداد نظامی مهم روبه رو شدند؛ یکی، عقب راندن نیروهای عراقی از شرق رودخانه کارون در عملیات ثامن الائمه (ع) و دیگری، رسیدن ایران به مرزهای بین المللی در عملیات طریق القدس بود. امریکایی ها پیش از این می پنداشتند که دولت انقلابی حاکم بر ایران به شدت تضعیف شده است و در معرض سقوط قرار داد. چنان که، بعد از پیروزی ایران در عملیات فتح المبین، خبرگزاری آسوشیتد پرس از واشنگتن گزارش داد:

«ایران پس از برتری یافتن بر نیروهای عراقی در جبهه جنگ و پس از فائق آمدن بر چریک های ضد دولتی[منافقین]، اکنون کشورهای نفت خیز خلیج فارس را به وقوع انقلاب در آن ها تهدید کرده است. سیاست مداران امریکایی در محافل خصوصی خود گفتند: «آیت الله خمینی بر خلاف تصور ما سقوط نکرد... وی در قدرت است.» (۲) .

امریکایی ها با درکی که از روند تحولات داشتند، به دلیل احتمال پیروزی ایران، ضمن

۱- ۵۳۵. پیشین.

۲- ۵۳۶. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، ۱۰ / ۱۰ / ۱۳۶۰.

مخالفت با طولانی شدن جنگ، (۱) به طور تلویحی اعلام کردنـد که کمک به عراق برای امریکا منافع زیادی در بر دارد. (۲) یک مقام بلند پایه وزارت دفاع امریکا در این باره گفت:

«امریکـا قصـد دارد بی طرفی خود را در جنـگ ایران و عراق حفظ کنـد و در برابر فشار دولت های عرب برای جانب داری از عراق مقاومت نمایـد، با این حال، ما با این نکته موافق هستیم که کمک به عراق - که نیروهایش در جنگ با ایران ناکام مانده اند - برای واشنگتن در جهان عرب منافع زیادی به همراه خواهد داشت.» (۳) .

رادیو اسرائیل نیز طی تحلیلی درباره ی علت تغییر مواضع امریکا چنین گفت:

«برای دولت واشنگتن کمال مطلوب آن است که جنگ کنونی بدون پیروزی یکی از طرفین پایان یابد، زیرا رژیم کنونی ایران که امریکا را شیطان بزرگ لقب داده، در صورت پیروزی در جنگ برای صدور انقلاب خود گستاخ تر خواهد شد، روی این اصـل، تـا هنگـامی که ایران در آسـتانه تجزیه قرار نگرفته و رژیم که بر سر کار است می توانـد از تسـلط کمونیزم و پیشـروی شوروی جلوگیری کند، ادامه جنگ ایران و عراق موجب نگرانی نخواهد بود و دولت واشنگتن به روش بی طرفی در این نزاع ادامه خواهد داد.» (۴) .

امریکایی ها پیش تر، در پی برتری عراق در جبهه های جنگ نسبت به بهره برداری روس ها از این حادثه، نگران بودند ولی با برتری نظامی ایران و تأثیرات ناشـی از آن در عراق و در سـطح منطقه، از ادامه جنگ نگران شدند. روزنامه واشنگتن پست در این زمینه نوشت:

«متخصـصان امریکـایی می گوینـد، نیروهـای نظامی ایران جریان جنگ را تغییر داده و در تمام جبهه های جنگ با عراق پیروز می شونـد. این تغییر جریـانی است که بسیاری از رژیم هـای صـادر کننـده نفت طرف دار غرب را هراسـان ساخته است و می تواند اولین نشانه های برگشت مجدد ایران به عنوان نیرویی قدرتمند باشد.» (۵) .

در این باره، نشریه لوس آنجلس تایمز نیز طی تحلیلی، از دیدگاه ناظران آمریکایی، مسائل بسیار مهمی را مطرح کرد:

«۱- ناظران امریکایی معتقدند که اگر چه آشکار نیست، لیکن جمهوری اسلامی انقلابی ایران طی ماه های اخیر برتری خود را در جنگ با عراق نشان داده است و تا میزان قابل ملاحظه ای به اوضاع داخلی نظم و ثبات بخشیده است.

۱- ۵۳۷. روزنامه ی کیهان، ۱۰ / ۱۱ / ۱۳۶۰، سخنگوی وزارت خارجه امریکا.

۲- ۵۳۸. برابر اطلاعـاتی که اخیرا به دست آمـده است، پس از عملیـات فتـح المبین اولین گروه مسـتشاران نظامی امریکا برای کمک به عراق وارد این کشور شدند و اطلاعات ماهواره ای دقیقی را در اختیار عراقی ها قرار دادند.

۳- ۵۳۹. روزنامه اطلاعات، ۱۷ / ۱۱ / ۱۳۶۰.

۴- ۵۴۰. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، ۲۰ / ۱۱ / ۱۳۶۰، رادیو اسرائیل، ۱۹ / ۱۱ / ۱۳۶۰.

۵- ۵۴۱. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، ۳۰ / ۱۱ / ۱۳۶۰، به نقل از واشنگتن پست، ۲۹ / ۱۲ / ۱۳۶۰.

۲- این ناظران معتقدند که در نتیجه کسب موفقیت های فوق الذکر طی ماه های اخیر، بروز هر گونه هرج و مرج پس از فوت آیت الله خمینی کم شده و بالاجبار امکان ورود نیروهای شوروی به ایران و اقدام تلافی گرانه امریکا را کاهش داده است.

۳- احتمال قد برافراشتن ایران انقلابی، بسیاری از کشورهای خلیج فارس خصوصا آن دسته از کشورهایی را که به عراق کمک نموده اند، مشوش ساخته است.

۴- ناظران امریکایی اظهار می دارند که در نتیجه تحولات فوق، دولت امریکا مجبور شده است که موضع خود نسبت به تهران را مورد بررسی قرار دهد.» (۱) .

امریکایی ها برای ارزیابی اوضاع منطقه و اتخاذ سیاست جدید در برابر ایران، تحرکات و تلاش های بسیاری انجام دادند؛ افزایش فروش تسلیحات به کشورهای منطقه و تأسیس پایگاه در برخی از این کشورها بخشی از این تلاش ها بود. واینبرگر، وزیر دفاع وقت امریکا طی سفری به کشورهای منطقه، در مورد فروش سلاح نظامی و حتی واگذاری بلاعوض تسلیحات، مذاکراتی را انجام داد. وی در سفر به عربستان در مورد فروش هواپیماهای آواکس و سایر تجهیزات نظامی به این کشور مذاکراتی انجام داد. در این حال، به گزارش خبرگزاری فرانسه، کنگره امریکا فروش ۱۵ میلیارد و هفتصد هزار دلار اسلحه و تجهیزات امریکایی به دولت سعودی را تصویب کرد. بر اساس این مصوبه امریکا می بایست ظرف چهار سال آینده، چهار پایگاه هوایی، دو پایگاه دریایی، سه پایگاه زمینی و شمار زیادی مراکز فرماندهی به مقامات ریاض تحویل می داد. (۲) همزمان با این جریانات، تعدادی هواپیمای امریکایی ۵۱ - F - که بخشی از معامله ۵ / ۸ میلیارد دلاری اسلحه بین امریکا و پادشاه سعودی بود - وارد عربستان شد. (۳) .

واینبرگر در سفر خود به عمان نیز تأکید کرد که امریکا از پایگاه های خود در عمان برای رویارویی با خطر انقلاب ایران، در زمان مناسب استفاده خواهد کرد. اظهارات واینبرگر در مورد سیاست امریکا و تغییرات آن، تا اندازه ای هدف این کشور از تحرکات دیپلماتیک در منطقه و انعقاد قرار داد فروش تسلیحات و احداث پایگاه با کشورهای منطقه را روشن می کند. وی می گوید:

«تاکنون سیاست امریکا در خاورمیانه بر اساس حفظ دولت ها دوست از خطر شوروی بود، ولی پس از اعدام سادات و بروز ناآرامی های اخیر در بحرین و پیروزی های ایران، وزارت دفاع امریکا را به این نتیجه رسانده است که آنچه ادامه جریان نفت خاورمیانه به غرب را تهدید می کند، خطر منطقه ای است نه خارجی.» (۴) .

۱- ۵۴۲. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، ۱۰ / ۱ / ۱۳۶۰، به نقل از لوس آنجلس تایمز.
۲- ۵۴۳. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، ۱۹ / ۱۲ / ۱۳۶۰ به نقل از خبرگزاری فرانسه، ۱۸ / ۱۲ / ۱۳۶۰.
۳- ۵۴۴. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، ۲۲ / ۱۱ / ۱۳۶۰، به نقل از آسوشیتدپرس، ۲۱ / ۱۱ / ۱۳۶۰.
۴- ۵۴۵. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، ۲۹ / ۱ / ۱۳۶۱، به نقل از واشنگتن پست، ۲۸ / ۱ / ۱۳۶۱.

امریکایی ها که پیش از این، در تبلیغات ضد روسی خود، «تهدید شوروی» را به عنوان «تهدیدی خارجی» و خطر اصلی برای ادامه جریان نفت خاورمیانه و بی ثباتی در کشورهای دوست امریکا در منطقه معرفی می کردند، پس از پیروزی های نظامی ایران، «تهدید ایران» را به عنوان تهدیدی منطقه ای، در تبلیغات خود برجسته کردند، تا سیل جنگ افزارهای خود را به کشورهای منطقه سرازیر کنند. این تغییر، گذشته از تأثیرات کوتاه مدت آن، به عنوان یک استراتژی جدید، آثار و نتایج بلند مدتی نیز در پی داشت که پس از فتح خرمشهر به تدریج نمایان شد. به همان اندازه که احساس نگرانی امریکا از پیروزی های ایران منجر به ایجاد رعب و هراس در کشورهای منطقه شد، در مقابل، نگرانی این کشورها نیز بر مواضع و سیاست های امریکا تأثیرگذار بود. کشورهای منطقه به دلیل حمایت از عراق، از تغییر روند جنگ به سود ایران نگران بودند. روزنامه واشنگتن پست در این زمینه نوشته است:

«بسیاری از کشورهای نفت خیز طرف دار غرب در خلیج فارس از جمله شبه جزیره ی عربستان و کویت از عراق حمایت کرده و بنابراین دلیل کافی برای ترس از ایران را دارند.» (۱) .

در این حال، نگرانی امریکا از اوضاع منطقه دلیل کافی برای افزایش نگرانی در کشورهای منطقه بود. تحلیل روزنامه الخلیج در این مورد، بر پایه اظهارات سخنگوی وزارت خارجه امریکا، این موضوع را آشکار می کند:

«امریکا پس از حمله گسترده اخیر ایران، علی رغم موضع سابق خود در قبال جنگ، سخت به وحشت افتاده و خواستار پایان دادن سریع به این جنگ است، زیرا به عقیده امریکا پیروزی ایران در جنگ باعث محکم تر شدن موضع دولت ایران شده و استقرار امنیت در منطقه را مختل خواهد کرد.» (۲) .

پس از عملیات طریق القدس پیش از آغاز عملیات فتح المبین، صدام برای جلب حمایت اعراب به طور مکرر از کشورهای منطقه درخواست کمک کرد. پس از عملیات فتح المبین و به موازات افزایش نگرانی امریکا و تغییر استراتژی این کشور نیز، تحرکات نسبتا گسترده ای در منطقه صورت گرفت. علاوه بر سفر واینبرگر، وزیر دفاع وقت امریکا و قراردادهایی که بین این کشور و حکام منطقه منعقد شد، برخی از کشورهای عربی مانند قطر، کویت و عربستان پشتیبانی خود را از عراق به طور رسمی اعلام کردند. (۳) در این حال، بخش عربی رادیو لندن از کشورهای خلیج فارس خواست، به رهبری عربستان سعودی به یکدیگر نزدیک شوند تا بتوانند از آثار مهم پیروزی احتمالی ایران در منطقه بکاهند. (۴) .

در پی این تحولات، وزیر دفاع سعودی طی سفری ناگهانی به بغداد، با صدام ملاقات کرد

۱- ۵۴۶. پیشین.

۲- ۵۴۷. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، ۱۵ / ۱ / ۱۳۶۰، روزنامه الخلیج، ۱۴ / ۱ / ۱۳۶۱.

۳- ۵۴۸. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، ۱۴ / ۱ / ۱۳۶۱، به نقل از خبرگزاری فرانسه، ۱۳ / ۱ / ۱۳۶۱.

۴- ۵۴۹. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، ۱۵ / ۱ / ۱۳۶۱، به نقل از رادیو لندن، ۱۳ / ۱ / ۱۳۶۱.

و به وی قول پشتیبانی داد. (۱) ملک حسین (شاه اردن) نیز در سفر دوره ای خود به کشورهای منطقه با خالد، پادشاه سعودی ملاقات کرد. (۲) .

حسنی مبارک، رئیس دولت مصر نیز در دیدار با اعضای مجلس مصر گفت:

«چنانچه جنگ برای مدت زیادی ادامه یابد، عواقب شومی برای منطقه به بار خواهد آورد.» (۳) .

از سوی دیگر، رادیو امریکا به نقل از سخنگوی وزارت خارجه مصر اعلام کرد که قاهره آمادگی دارد، امنیت و ثبات منطقه خلیج فارس را تضمین کند. مشاور مبارک نیز اعلام کرد، مصر در فکر متوقف ساختن جنگی است که سبب بی ثباتی و عدم امنیت منطقه شده است. وی همچنین ارسال مهمات و قطعات یدکی از مصر به عراق را تأیید کرد. (۴) .

بدین ترتیب،بیشتر کشورهای عربی مواضعی هم سو با مواضع امریکا اتخاذ کردند. دراین میان، تنها سوریه به گونه ای چشمگیر، به سود ایران و علیه عراق تلاش می کرد؛ سوریه، صدور نفت عراق را که از طریق خطوط لوله از خاک این کشور می گذشت،قطع کرد. در مقابل ایران نیز - بنا به گزارش رادیو لندن - پذیرفت، از این پس نفت پالایشگاه های سوریه را که قبلا عراق تأمین می کرد، تأمین کند. (۵) .

علاوه بر این رخدادها، ادعای دوباره ی «صلح طلبی عراق» که پیش از این نیز به موازات تشدید ضعف نظامی این کشور، مطرح شده بود، پس از عملیات فتح المبین در شکلی جدید به گوش رسید. صدام در چهارم فروردین ۱۳۶۱ با ارسال نامه ای برای سکوتوره از وی تقاضا کرد کمیته ای را برای روشن کردن حقایق جنگ و شناسایی متجاوز تشکیل دهد. سعدون حمادی، وزیر امور خارجه وقت عراق، نیز طی مصاحبه ای مطبوعاتی در ۱۹ فروردین ۱۳۶۱ اعلام کرد که عراق میانجیگری الجزایر را می پذیرد ولی قرارداد ۱۹۷۵ میلادی نمی تواند مبنای مذاکرات باشد، زیرا این قرارداد در آن شرایط به عراق تحمیل شده است. (۶) تنها سه روز پس از ادعاهای صلح طلبی مقام های عراقی، صدام طی سخنانی در مجلس ملی این کشور، ماهیت واقعی ادعاهای عراق را روشن ساخت. وی گفت:

«در حال حاضر هدف اساسی ما این است که از ورود نیروهای مسلح ایران به قلمرو خاک عراق جلوگیری به عمل آوریم... تا زمانی که جنگ ادامه دارد، بر ماست که هر قدر بتوانیم به عمق خاک دشمن نفوذ کنیم تا مانع از گلوله باران شهرهایمان از سوی دشمن شویم... آن ها در این عملیات[فتح المبین]قصد داشتند وارد عماره شوند.» (۷) .

البته، حوادث و رخدادهای دیگری نیز متأثر از پیروزی ایران در عملیات فتح المبین، به وقوع پیوست که از ذکر آن ها خودداری شد.

۱- ۵۵۰. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، ۱۸ / ۱ / ۱۳۶۱.

۲- ۵۵۱. پیشین.

۳- ۵۵۲. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، ۱۲ / ۱ / ۱۳۶۱.

۴- ۵۵۳. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، ۱۳ / ۱ / ۱۳۶۱، به نقل از رادیو امریکا، ۱۲ / ۱ / ۱۳۶۱.

۵- ۵۵۴. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، ۲۲ / ۱ / ۱۳۶۱، به نقل از رادیو لندن، بخش عربی، ۲۱ / ۱ / ۱۳۶۱.

۶- ۵۵۵. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، ۲۰ / ۱ / ۱۳۶۱، به نقل از رادیو صوت الجماهیر، ۱۳ / ۱ / ۱۳۶۱.

۷- ۵۵۶. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، ۲۴ / ۱ / ۱۳۶۱، به نقل از رادیو صوت الجماهیر، ۲۳ / ۱ / ۱۳۶۱.

عملیات بیت المقدس فتح خرمشهر

اشاره

تلاش برای طرح ریزی و اجرای عملیات بیت المقدس در موقعیت بسیار حساسی انجام شد؛ وضعیت داخلی کشور با انهدام بقایای ضد انقلاب به تدریج رو به بهبودی و ثبات پیش می رفت. اوضاع منطقه نیز به دلیل نگرانی امریکا از نتایج ناشی از پیروزی ایران بر عراق، به گونه ای آشکار ملتهب بود، ضمن این که مناسبات اعراب و اسرائیل با آمادگی اسرائیل برای تهاجم به جنوب لبنان، در وضعیت حساسی قرار داشتند. در چنین موقعیتی، بی گمان، نتیجه عملیات بیت المقدس برای ایران، منطقه و عراق بسیار سرنوشت ساز و تعیین کننده بود، لذا سرعت عمل در اجرای این عملیات برای ایران بسیار با اهمیت بوده و نقش مؤثری داشت. (۱) .

زمینه اجرای عملیات بیت المقدس متأثر از نتایج سلسله عملیات های پیشین بود که با شکستن حصر آبادان آغاز شد و پس از آن نیز ادامه یافت. این نتایج عبارت بودند از:

۱- انهدام بخش وسیعی از نیروی زمینی دشمن.

۲- آزادسازی بخش مهمی از مناطق اشغالی در منطقه جنوب کشور؛

۳- آزادسازی نیروهای پدافندی خودی از مناطق اشغالی؛

۴- افزایش توانایی نیروهای خودی در طرح ریزی و اجرای عملیات؛

۵- افزایش تسلط اطلاعاتی بر دشمن. (۲) .

علل انتخاب منطقه

اشاره

چنان که اشاره شد، منطقه عمومی غرب رودخانه کارون به عنوان آخرین منطقه اشغالی جبهه ی جنوب که همچنان در دست دشمن قرار داشت، برای انجام در روند سلسله عملیات های آزادسازی مناطق اشغالی انتخاب شد. گفتنی است،برخلاف گذشته که در

۱- ۵۵۷. سرلشکر محسن رضایی در مورد سرعت عمل به عنوان یکی از اصول عملیات می گوید: «اصل سوم که ما رعایت کردیم، سرعت عمل بود؛ یعنی با مشکلاتی که ما داشتیم، هر چه فاصله عملیات فتح المبین با عملیات بیت المقدس بیشتر می شد، وضع منطقه پیچیده تر می شد. دشمن می خواست به هر قیمتی شده منطقه را حفظ کند. دشمن صد در صد می دانست

که حرکت بعدی ما همین منطقه است، لذا زمان اهمیت داشت. به محض این که عملیات فتح المبین تمام شد به برادرها گفتم آماده شویم، بایستی به سرعت برویم به سمت خرمشهر.» (سرلشکر محسن رضایی، درس های تجزیه و تحلیل جنگ ایران و عراق، دانشکده فرماندهی و ستاد دوره عالی جنگ، ۱۹ / ۵ / ۱۳۷۴).

۲– ۵۵۸. مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، از خونین شهر تا خرمشهر، نوشته محمد درودیان،تهران ۱۳۷۳، ص ۱۰۲.

زمینه انتخاب منطقه برای عملیات گاهی بین فرماندهان نظامی اختلاف نظر به وجود می آمد، در مورد این منطقه اتفاق نظر کاملی وجود داشت،به همین دلیل، بلافاصله پس از اتمام عملیات فتح المبین مقدمات اجرای عملیات بیت المقدس فراهم شد.

بر سرعت عمل در اجرای عملیات جدید از آن جهت تأکید می شد، که دشمن اطمینان داشت آزادسازی این منطقه - به عنوان آخرین منطقه اشغالی در جنوب - هدف عملیات بعدی جمهوری اسلامی است، لذا سهل انگاری در این زمینه،موجب می شد دشمن از آمادگی لازم برخوردار شده و دستیابی نیروهای خودی را به اهداف مورد نظر دشوارتر کند؛ ضمن این که دشمن از مدت ها پیش اقدامات پدافندی خود در این منطقه افزوده بود.

با آن که فرماندهان نظامی، منطقه غرب کارون را برای عملیات انتخاب کرده بودند، ولی هنوز نگرانی هایی وجود داشت؛ سردار محسن رضایی در این باره می گوید:

«همچنان، از نظر تاکتیکی، این نگرانی وجود داشت که[آیا]با دشمن در پشت جاده اهواز - خرمشهر در مقابل ایستگاه حسینیه از چه موقعیتی به لحاظ استحکامات و استعداد برخوردار است؟ غلبه بر این نگرانی با به دست آوردن اطلاعات از عمق[منطقه استقرار]دشمن و همچنین پیدا کردن یک منطقه استراتژیکی - عملیاتی که کلید منطقه بود،برطرف شد. منطقه جنوب کوشک تا شمال ایستگاه حسینیه قلب منطقه بود که با تسلط بر این منطقه،می توانستیم برای دشمن مشکل ایجاد کنیم. در این منطقه لشکر ۳ به عنوان احتیاط،لشکر ۱۱ و تیپ ۴۸ در خرمشهر و لشکرهای ۵ و ۶ در شمال منطقه بودند. دو گانگی مأموریت احتیاطهای دشمن، ما را از اهمیت منطقه آگاه کرد. ما چنین پیش بینی می کردیم که در صورت دستیابی به این منطقه، می توانیم: ۱- عقبه لشکرهای ۵ و ۶ را تهدید کنیم (منطقه جفیر به منزله تمامی عقبه دشمن محسوب می شد)؛ ۲- سهولت در پیشروی به سمت بصره؛ ۳-برخورداری از موقعیت سرکوب نسبت به خرمشهر و انجام تک احاطه ای در این منطقه.» (۱) .

موقعیت منطقه

منطقه عمومی جنوب غربی اهواز و غرب رودخانه کارون، در میان چهار مانع طبیعی قرار دارد که به ترتیب از شمال به رودخانه کرخه کور، از جنوب به رودخانه اروند، از شرق به رودخانه کارون و از غرب به هور الهویزه و شط العرب منتهی می شود زمین این منطقه به لحاظ برخورداری از موانع طبیعی، از چهار سمت به هم پیوسته و به شکل مستطیل می باشد که به دلایلی برای هر دو کشور ایران و عراق از نظر استراتژیکی باارزش است. (۲) .

۱- ۵۵۹. مأخذ ۴۹.

۲- ۵۶۰. مأخذ ۱۵۱.

وضعیت دشمن

نحوه استقرار نیروها و تدابیر پدافندی دشمن در این منطقه شکل خاصی داشت. به عبارت دیگر، نحوه آرایش نیروهای دشمن با توجه به موقعیت زمین منطقه به صورت مثلثی بود؛ (۱) ضلع شرقی آن به طول حدود یک صد کیلومتر در امتداد رودخانه کارون از خرمشهر تا آبادی ملیحان، واقع در بیست کیلومتری جنوب غربی اهواز قرار داشت؛ ضلع شمالی آن حدود شصت کیلومتر از ملیحان در امتداد کرانه جنوبی رودخانه کرخه کور، هویزه، رودخانه نیسان تا هور العظیم کشیده شده بود و وتر این مثلث نیز خط مرزی دو کشور از محل تلاقی رودخانه نیسان با هور العظیم تا پاسگاه ژاندارمری «حدود» در کرانه نهر خین به طول یک صد و پنجاه کیلومتر بود.

تدبیر پدافندی دشمن در ضلع شمالی مثلث که شمال شرق هور العظیم، ساحل رودخانه های نیسان و کرخه و ادامه خط دفاعی در حوالی آبادی ملیحان و به طرف جنوب تا پادگان حمید می شد، به شکل زیر بود: ایجاد استحکامات فشرده، بهره برداری از موانع هور العظیم و مناطق آب گرفتگی، تهیه قدرت آتش زیاد تهیه احتیاطهای قوی برای انهدام رخنه های احتمالی با استقرار دست کم دو لشکر تقویت شده ی ۷ مکانیزه و ۶ زرهی.

اساسا، تدبیر پدافندی دشمن در این منطقه مبتنی بر این باور بود که سمت اصلی تهاجم نیروهای خودی از جاده اهواز - خرمشهر خواهد بود، زیرا - بر پایه ی روش های کلاسیک - وجود این جاده به عنوان عقبه مطمئن، بهترین راه کار شناخته می شد. بنابراین،دشمن علاوه بر استقرار دو لشکر تقویت شده ی ۵ مکانیزه و ۶ زرهی، استحکامات و مواضع بسیاری را با بهره برداری از موانع طبیعی به وجود آورد.

تدبیر پدافندی عراق در ضلع شرقی منطقه،در امتداد رودخانه کارون - با توجه به آگاهی دشمن از سمت اصلی تک نیروهای خودی - بسیار ضعیف بود و تنها در برخی از نقاط مواضعی را به وجود آورده و با اتکا به یگان های سبک تأمینی و پوششی، به کاربرد احتیاطهای متحرک و غیر متحرک بسنده کرده بود. لشکر ۳ زرهی عراق با استقرار در سه محل جداگانه در غرب جاده اهواز - خرمشهر،وظیفه دفاع را به عهده داشت. فاصله نیروهای تأمینی و پوششی دشمن از ساحل غربی رودخانه کارون سبب شد که نیروهای خودی با عملیات عبور از رودخانه، نیروهای دشمن را غافلگیر کنند.

در ضلع جنوبی (منطقه خرمشهر) دشمن در دو سمت شرقی و شمالی آرایش گرفته بود تا هر گونه عملیات عبور از رودخانه در تک جبهه ای به داخل خرمشهر و یا ورود به این شهر

۱- ۵۶۱. مأخذ ۷۸، صص ۱۳۹ - ۱۳۸.

از سمت شمال را مهار کند. ایجاد استحکامات در خرمشهر با تخریب ساختمان ها برای جلوگیری از جنگ تن به تن، بخش دیگری از تلاش دشمن به منظور حفظ خرمشهر بود.

استعداد عراق در این منطقه تا پیش از آغاز عملیات بیت المقدس به ترتیب زیر بود:

- لشکر ۶ زرهی از جنوب رودخانه کرخه تا هویزه؛

- لشکر ۵ مکانیزه از غرب اهواز تا روستای سید عبود؛

- لشکر ۱۱ پیاده از سید عبود تا خرمشهر (تیپ های ۲۲، ۴۸، و ۴۴ از لشکر ۱۱ پیاده مأمور حفاظت از خرمشهر بودند؛)

- لشکر ۳ زرهی در شمال خرمشهر؛

- تیپ ۱۰ زرهی در شرق بصره که در احتیاط قرار داشت. (۱) .

برابر اسناد قرارگاه مرکزی کربلا در برآورد کلی، استعداد دشمن به شرح زیر بوده است: (۲) .

نیروی پیاده، ۳۶۰۰۰ تن؛ نیروی زرهی، ۴۱ گردان تانک شامل ۱۴۳۵ دستگاه تانک؛ نیروی مکانیزه، ۳۸ گردان شامل ۱۳۳۰ دستگاه نفربر؛ توپخانه، ۵۳۰ قبضه توپ.

استعداد و آرایش دشمن نشان می داد که عراق مصمم است با تمام قوا در این منطقه مقاومت کند؛ ضمن این که عمق و عرض زمین منطقه و نبودن ناهمواری، امتیازی برای نیروهای عراقی به شمار می رفت، زیرا با اتکا به یگان های زرهی و مکانیزه، می توانستند در این منطقه به خوبی مانور کنند. با این حال، دشمن با برخی از محدودیت ها روبه رو بود؛ از جمله این که می بایست از سرزمین نسبتا وسیع و عریضی دفاع می کرد در حالی که از نظر نیروی انسانی دچار کمبود بود. دشمن، قوای خود را به تناسب نقاط استراتژیک، حیاتی و مهم جفیر و خرمشهر،متمرکز کرده و در تدبیر پدافندی خود بیش از همه، به حفظ خرمشهر و بصره اهمیت داده بود.

طرح عملیات

اشاره

طرح ریزی عملیات بیت المقدس با توجه به تفاوت های آشکار زمین این منطقه با سایر مناطق عملیاتی، به ویژه منطقه عملیاتی فتح المبین،از پیچیدگی و دشواری های نسبتا زیادی برخوردار بود.

۱- ۵۶۲. مأخذ ۱۵۱، صص ۱۰۶ - ۱۰۵.

۲– ۵۶۳. در کتاب دفاع مقدس از انتشارات نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی لشکر ۹ زرهی، تیپ گارد جمهوری، تیپ های نیروی مخصوص و بیش از ده تیپ دیگر به عنوان استعداد دشمن در این منطقه ذکر شده است.

همان گونه که پیش از این اشاره شد. «نبودن عارضه و ناهمواری در زمین منطقه» امتیازی برای دشمن به شمار می رفت، زیرا زمینه ی مانور یگان های زرهی و مکانیزه دشمن در این منطقه به خوبی فراهم بود. همچنین، «وسعت منطقه» سه برابر منطقه عملیاتی فتح المبین بوده و این امر علاوه بر اینکه ضرورت افزایش نیروهای خودی را ایجاب می کرد، در خصوص طرح ریزی و هدایت نیروها نیز مستلزم برخورداری از توانی ویژه و پیچیدگی خاصی بود؛ خصوصا این که مهم ترین ویژگی عملیات بیت المقدس طرح ریزی عملیات برای عبور نیروها از رودخانه بود.

اهداف و مأموریت

نگاه کنید به جزوه طرح عملیات کربلای ۳، قرار گاه کربلا، مرکز طرح ریزی هدایت عملیات تهیه شده است.

از دیدگاه نظامی، اهداف عملیات بیت المقدس بیشتر شامل انهدام نیروهای دشمن و آزادسازی سرزمین های اشغالی در غرب رودخانه کارون و نیز تهدید بصره به منظور وادار ساختن عراق به پرداخت خسارت جنگ بود. در این میان، آزادسازی شهر خرمشهر از نظر استراتژیک و سیاسی اهمیت ویژه ای داشت. افزون بر این، خارج کردن شهرهای اهواز، حمیدیه، سوسنگرد و جاده اهواز – آبادان از برد توپخانه دوربرد دشمن، ترمیم مرز بین المللی و آزاد کردن جاده مواصلاتی اهواز – خرمشهر بخش های دیگری از اهداف عملیات بودند. مأموریت ابلاغ شده از قرارگاه مرکزی کربلا به شرح زیر بود:

«نیروهای مسلح جمهوری اسلامی متشکل از سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی مأموریت دارند که در ساعت «س» روز «ر» در منطقه عمومی جنوب رودخانه کرخه و غرب رودخانه کارون تک نموده و ضمن انهدام نیروهای موجود دشمن آزادسازی شهرهای خرمشهر و هویزه، خط مرز بین المللی را تأمین نموده و از حمله مجدد احتمالی به کشور اسلامی جلوگیری نمایند.» (۱) .

سازمان رزم

نکته مهم در سازمان رزم این عملیات همکاری نزدیک سپاه و ارتش بود که در طول دوران جنگ نظیر نداشت. استعداد نیروهای ارتش در این عملیات،شامل دو لشکر زرهی، یک لشکر پیاده،چهار تیپ مستقل و یک تیپ تحت امر بود که عبارت بودند از: لشکر ۱۶ زرهی قزوین با سه تیپ، لشکر ۹۲ زرهی اهواز با سه تیپ، لشکر پیاده ۲۱ حمزه با چهار

۱– ۵۶۴. مأخذ ۱۵۱، ص ۱۱۱.

تیپ و تیپ های ۵۸ ذوالفقار، ۵۵ هوابرد، ۲۳ نوهد (تکاور)، ۳۷ زرهی شیراز و نیز تیپ ۳ پیاده از لشکر ۷۷ خراسان. در مجموع، استعداد این نیروها بالغ بر ۲۴ گردان زرهی و مکانیزه و ۱۴ تا ۱۵ گردان پیاده بود.

استعداد نیروهای سپاه نیز عبارت بود از: تیپ های ۲۵ کربلا، ۸ نجف اشرف، ۱۴ امام حسین (ع)، ۳۱ عاشورا، ۲۱ امام رضا (ع)، ۳۷ نور، ۴۱ ثار الله (ع)، بیت المقدس، ۷ ولی عصر (عج)، ۲۷ محمد رسول الله (ص)، ۴۶ فجر، ۲۲ بدر خرمشهر و ۳۰ زرهی. استعداد هر یگان سپاه بالغ بر هفت تا ۱۰ گردان نیرو بود. گفتنی است استعداد نیروهای سپاه تا پیش از شروع عملیات، بین ۸۵ تا ۹۵ گردان پیاده و چهار گردان زرهی بود که با آغاز عملیات به ۱۰۰ گردان پیاده و زرهی رسید.

طرح مانور

اشاره

با توجه به موقعیت زمین منطقه و نحوه استقرار دشمن،نیروهای ارتش و سپاه در پی بررسی های جداگانه دو راه کار پیشنهاد کردند که متأثر از دو بینش متفاوت بود. بنا به نظر فرماندهان ارتش، اتکا به جاده اهواز – خرمشهر و تهاجم از شمال به جنوب بهترین راه کار برای انجام عملیات بود، به ویژه این که ارتش در عملیات ۱۶ دی ماه، موسوم به هویزه – تنومه که هدف آن استقرار در ساحل غربی رودخانه شط العرب بود، همین راه کار را انتخاب کرده بود و تنها عملیات عبور از رودخانه در منطقه فارسیات – به صورت بسیار محدود – به عنوان تلاش پشتیبانی در نظر گرفته شده بود.

راه کار دوم،عبور از رودخانه کارون به عنوان تلاش اصلی بود که فرماندهان سپاه پیشنهاد کردند. (۱) این پیشنهاد را فرماندهی کل سپاه، سردار محسن رضایی مطرح کرد. وی بر این باور بود که در صورت عبور از رودخانه کارون و تصرف منطقه حسینیه، نیروهای خودی بر نقطه سرکوب منطقه مسلط خواهند شد و موقعیت دشمن در جبهه شمالی، در خرمشهر و در شرق بصره متزلزل می شود. مهم ترین ویژگی مثبت این طرح، غافلگیر کردن نیروهای دشمن نسبت به سمت تک و عدم استقرار آن ها در مواضع بود،ضمن این که نیروهای خودی نیز بر خلاف آرایش دشمن وارد زمین منطقه می شدند و سریع تر به اهداف خود به ویژه خرمشهر می رسیدند. بر اساس این طرح، عقبه های لشکر ۵ و ۶ ارتش عراق نیز

ص: ۲۰۶

---

۱ – ۵۶۵. سردار غلامعلی رشید نیز در سمینار مشورتی فرماندهان سپاه در عملیات عبور از رودخانه کارون را به عنوان «خلاقیت فرماندهی» سپاه ذکر کرد.

تهدید می شد. با توجه به ویژگی های مثبت این طرح، سرانجام پیشنهاد سپاه پذیرفته شد.

بنابر طرح نهایی مانور، سه قرارگاه قدس، فتح و نصر در سه محور، اجرای عملیات را به عهده داشتند که مأموریت و سازمان هر یک به شرح زیر بود:

قرارگاه قدس (محور شمالی)

این قرارگاه در محور شمالی مأموریت داشت تا با تهاجم به خاکریزهای مقدم دشمن در جنوب رودخانه کرخه و تصرف سر پل مناسب در آن جا (جنوب رودخانه)، دشمن را همچنان درگیر نگاه دارد تا قرارگاه های نصر و فتح به سمت اهداف خود پیشروی کنند. قرارگاه قدس چهار تیپ مستقل از سپاه پاسداران و یک لشکر و یک تیپ مستقل از ارتش را زیر امر خود داشت که یگان های سپاه و ارتش به صورت ادغامی و در پنج محور کلی شامل قدس ۱، ۲، ۳، ۴ و ۵ عمل می کردند.

قرارگاه فتح (محور میانی)

این قرارگاه در جبهه میانی مأموریت داشت با عبور از رودخانه کارون در غرب این رودخانه، سرپلی تصرف کرده و در خیز اول خود،تا جاده اهواز - خرمشهر پیشروی کند و در مراحل بعدی عملیات، به منظور تأمین مرز، تک خود را ادامه دهد. قرارگاه فتح، سه تیپ مستقل از سپاه و یک لشکر و دو تیپ از نیروی زمینی ارتش را زیر امر خود داشت که این یگان ها به صورت ادغامی و در چهار محور کلی شامل فتح ۱، ۲، ۳ و ۴ عمل می کردند.

قرارگاه نصر (محور جنوبی)

این قرارگاه در محور جنوبی و در جناح چپ قرارگاه فتح، مأموریت داشت تا از رودخانه کارون عبور کرده و سر پلی را تصرف و تأمین کند و بنا به دستور، به پیشروی خود ادامه داده و ضمن انهدام دشمن و تأمین شهر خرمشهر و مرز، جناح چپ عملیات را پوشش دهد قرارگاه نصر، چهار تیپ مستقل از سپاه پاسداران و یک لشکر و یک تیپ از ارتش را تحت امر خود داشت که این یگان ها به صورت ادغامی و در پنج محور کلی شامل نصر ۱، ۲، ۳، ۴ و ۵ عمل می کردند.

مأموریت خاص هر یک از قرارگاه های سه گانه در ترکیب کلی، تأمین اهداف مورد نظر را تسهیل می کرد. قرارگاه قدس پس از درهم شکستن مواضع و استحکامات دشمن در محور شمالی، مأموریت داشت نیروهای دشمن را درگیر نگه دارد؛ موفقیت در اجرای این امر منجر به موفقیت دو قرارگاه فتح و نصر می شد. قرارگاه فتح پس از اجرای عملیات عبور از رودخانه به عنوان مهم ترین و دشوارترین اقدام عملیاتی، می بایست با ۱۵ تا ۲۰ کیلومتر پیشروی در

عمق، سرپل وسیع و گسترده ای را تصرف و تأمین می کرد. موفقیت قرارگاه فتح در این عملیات موقعیت دشمن را در کل منطقه متزلزل می کرد. همچنین، قرارگاه نصر مأموریت داشت با عبور از رودخانه کارون و تأمین جناح چپ عملیات، از منطقه شمال شرقی وارد خرمشهر شود.

پیچیدگی و دشواری عملیات، ضرورت مرحله بندی آن را ایجاب می کرد؛ لذا برای اجرای عملیات مراحل زیر در نظر گرفته شد:

۱- تهاجم قرارگاه قدس به خاکریز اول دشمن - برای درگیر کردن دشمن - هم زمان با عبور قرارگاه های نصر و فتح از رودخانه و پیشروی تا محور جاده اهواز - خرمشهر به منظور تأمین سرپل.

۲- پس از تأمین سرپل، قرارگاه های فتح و نصر می بایست با ادامه پیشروی، مرز را تأمین و خرمشهر را آزاد می کردند.

۳- ادامه تک برای تأمین سواحل شرقی اروند رود و پدافند در این منطقه.

نظر به دشواری های عملیات عبور از رودخانه که برای نخستین بار در جنگ انجام می گرفت، و عدم درک دشمن نسبت به توانایی ایران برای انجام این عملیات، احتمال غافلگیری دشمن در تاکتیک عملیات و در نتیجه، احتمال پیروزی نیروهای خودی را افزایش می داد. ضمن این که نیروهای خودی با اتکا به این تاکتیک، «جناح دشمن» را مورد حمله قرار می دادند که این اقدام بر آسیب پذیری دشمن می افزود.

در عین حال، با توجه به عملیات عبور از رودخانه، «پذیرش خطر» برای تصمیم گیری لازم بود زیرا در صورت آمادگی دشمن و تهاجم آن ها به نیروهای خودی،خسارت های وارده بیشتر به یک مصیبت قابل تشبیه بود تا چیز دیگر.

برابر طرح عملیاتی کربلای ۳ نیروی هوایی و هوانیروز پشتیبانی عملیات را بر عهده داشتند. نقش برادران جهاد سازندگی نیز در این زمینه بسیار مهم بود.

تشریح عملیات

اشاره

سرعت عمل نیروها پس از عملیات فتح المبین به منظور کسب آمادگی لازم و فراهم سازی مقدمات اجرای عملیات بیت المقدس، همچنان از ضروریات کار به شمار می رفت، زیرا با توجه به افزایش جابه جایی ها و نقل و انتقالات نیروهای خودی در غرب رودخانه کارون و استقرار آن ها در ساحل این رودخانه، احتمال هوشیاری دشمن وجود داشت. به همین دلیل،

برخی پیشنهاد می کردند که پیش از آغاز عملیات، نیروهای خودی در ساحل رودخانه کارون به سرپل گیری اقدام کنند. (۱)
.

بدین ترتیب، پس از اقدامات و تلاش هایی که کمتر از یک ماه انجام شد، در ساعت ۳ بامداد روز دهم اردیبهشت ۱۳۶۱، عملیات بیت المقدس با رمز «یا علی بن ابی طالب» آغاز شد. نخستین خبر درگیری با دشمن، ۵۵ دقیقه بعد از نیمه شب به قرارگاه رسید و تا سه ساعت پس از آن، تمام یگان های خودی با دشمن درگیر شدن بودند.

پیشروی سریع نیروها در محور قرارگاه فتح، ابهام موجود را در مورد هوشیاری دشمن به ویژه در این محور برطرف کرد و کاملا مشخص شد که دشمن از سمت اصلی تک غافل بود.

مرحله اول عملیات

در این مرحله، یگان های قرارگاه قدس با دشمن درگیر شدند اما تنها در محور قدس ۴ موفق به عبور از مواضع دشمن و تصرف سرپل در جنوب رودخانه کرخه شدند. یگان های قرارگاه فتح نیز توانستند به آسانی به جاده اهواز - خرمشهر رسیده و در آن جا مستقر شوند و تنها در الحاق با قرارگاه نصر دچار مشکلاتی شدند. در محور قرارگاه نصر، با وجود پیشروی برخی یگان ها، به دلیل ناهماهنگی در پیشروی و عوامل دیگر، درگیری به روز کشیده شد و یگان های این قرارگاه موفق به تأمین اهداف خود نشدند. عدم الحاق در محور قرارگاه نصر و افزایش فشار دشمن سبب شد تا کل منطقه متصرفه در محدوده ی قرارگاه نصر تهدید شود.

در پایان روز اول عملیات وضعیت کلی نیروهای خودی به این شرح بود: قرارگاه های نصر و فتح، سرپلی به وسعت ۸۰۰ کیلومتری مربع را به تصرف در آورده و قرارگاه قدس از پنج محور خود تنها در دو محور موفق به اجرای مأموریت شده بود. با توجه به وسعت منطقه ی سرپل و غفلت دشمن از سمت اصلی تک تعادل دشمن در این عملیات به طور اساسی درهم ریخت، به گونه ای که تا پایان عملیات، توانایی مهار اوضاع و به دست گیری ابتکار عمل را نداشت.

ص: ۲۰۹

۱- ۵۶۶. متأسفانه در جزوه «نقد کتاب از خونین شهر تا خرمشهر» - از انتشارات اداره آموزش ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی - بدون توجه به این ظرافت ها، برای مخدوش کردن اصل تاکتیک عبور از رودخانه و پیشنهاد سپاه، بر این موضوع تأکید شده است که «برادران سپاه به سرپل گیری محدود اعتقاد داشتند.» حال آن که از همان آغاز و برابر گزارش جلسات بحث مانور که نوارهای آن در مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ موجود است،فرماندهی کل سپاه عملیات عبور از رودخانه را تلاش اصلی خوانده و تصرف سرپل وسیع را مورد تأکید قرار می داد. تصرف سرپل کوچک تنها بر اساس این نگرانی مطرح می شد که در صورت هوشیاری دشمن و چسبیدن نیروهایش به کناره های رودخانه کارون، راه کار عملیات بسته خواهد شد، لذا بهتر بود هرچه زودتر سرپلی کوچک تصرف شود.

پاتک دشمن

عراق پس از آگاهی از سمت اصلی تک و موفقیت نیروهای خودی در مرحله اول عملیات، تلاش های خود را آغاز کرد؛ دشمن ابتدا با فشاری سنگین، سرپل متصرفه در جنوب رودخانه کرخه در محور قرارگاه قدس را باز پس گرفت. در محور قرارگاه فتح نیز دشمن تلاش کرد، نیروهای خودی را از پشت عارضه جاده اهواز - خرمشهر عقب براند، به همین منظور، با استفاده از عدم الحاق بین دو قرارگاه فتح و نصر و با رخنه در این شکاف، فشار سنگینی به نیروهای خودی وارد آورد و سرانجام تیپ های ۷ ولی عصر و ۲۷ حضرت رسول (ص) را وادار به عقب نشینی کرد.

در محور قرارگاه نصر نیز وضعیت بحرانی و نامساعد بود؛ رخنه های موجود به دلیل عدم هماهنگی در پیشروی و انجام نشدن الحاق، موجب تشدید فشار دشمن بر نیروهای خودی شد. بنابر گزارش های موجود، در چنین وضعیتی صدام فشار زیادی را برای باز پس گیری مواضع آزاد شده به نیروهایش وارد می کرد.

با وجود فشار شدید دشمن به ویژه در منطقه سرپل که با به کارگیری تیپ ۱۰ زرهی آغاز شده بود، نیروهای خودی در بدترین وضعیت و در حالی که فاقد آتش پشتیبانی و مواضع مناسب بودند، به مقاومت خود ادامه دادند و با آن که تانک های دشمن موفق شدند در مواضع خودی نفوذ کنند، اما رزمندگان، با رشادتی بی نظیر بار دیگر رخنه ها را ترمیم و کل منطقه سرپل را حفظ کردند.

شب دوم

نیروهای خودی به دلیل تصرف و تأمین سرپل در وضعیت نسبتا خوبی به سر می بردند، ولی عدم تأمین عقبه و انجام نشدن الحاق به عنوان مهم ترین معضل عملیات موجب نگرانی فرماندهی عملیات شده بود، لذا قرارگاه های فتح و نصر مأموریت یافتند. رخنه های موجود در مواضع را ترمیم کنند و قرارگاه قدس نیز موظف شد، مواضع از دست رفته را تصرف کند.

بدین ترتیب، در شب دوم عملیات برخی از رخنه ها ترمیم شد، ولی عملیات باز پس گیری مواضع از دست رفته در محور قرارگاه قدس ناکام ماند و نیروهای این قرارگاه بار دیگر به مواضع قبلی خود عقب نشینی کردند.

مرحله دوم عملیات

پس از مرحله اول عملیات که یک هفته طول کشید، برای اجرای مرحله دوم عملیات با توجه به استقرار دشمن در غرب جاده اهواز - خرمشهر، دو راه کار پیش بینی می شد:

۱- ادامه تک به سمت مرز به منظور دسترسی بیشتر به عقبه های نیروهای دشمن و تهدید بصره.

۲- پیشروی به سمت خرمشهر با پیشروی از غرب جاده اهواز - خرمشهر.

به نظر می رسید بدون انهدام نیروهای دشمن، تصرف خرمشهر با چرخش به سمت این شهر از روی جاده اهواز - خرمشهر ممکن و عملی نباشد، بنابراین، در اولویت اول می بایست،نیروهای دشمن منهدم و مرز تأمین می شد. سپس تلاش برای ورود به داخل خرمشهر انجام می گرفت. بر همین اساس، در مرحله دوم عملیات، دو قرارگاه نصر و فتح مأموریت یافتند به سمت مرز پیشروی کنند و قرارگاه قدس نیز موظف شد با تظاهر به تک، همچنان دشمن را درگیر نگه دارد.

مرحله دوم عملیات در ساعت ۳۰: ۲۲ روز ۱۶ اردیبهشت ۱۳۶۱ با هدف رسیدن به مرز بین المللی و محاصره خرمشهر آغاز شد. نیروهای قرارگاه فتح در آغاز فتح حمله خود به جاده مرزی رسیدند ولی نیروهای قرارگاه نصر زیر فشار شدید دشمن قرار داشتند. پس از روشن شدن هوا، درگیری میان دو طرف ادامه یافت و نیروهای خودی با اتکا به کانالی که خط حد دو قرارگاه فتح و نصر محسوب می شد، در برابر پاتک های دشمن مقاومت کردند،که سرانجام، نیروهای دشمن از غرب جاده دست به عقب نشینی زدند.

عقب نشینی دشمن

دشمن در مرحله نخست عملیات،طی ده روز نیروهای بسیاری را وارد منطقه کرد تا مناطق آزاد شده را باز پس گیرد، ولی نتیجه ای نگرفت، به ویژه این که در مرحله دوم عملیات، نیروهای خودی به سهولت به مرز بین المللی رسیده و منطقه را تصرف و تأمین کردند.

در واقع، وضعیت دشمن در این منطقه به دلیل تاکتیک ویژه عملیات و حضور نیرومند قوای نظامی ایران درهم ریخته بود. به عبارت دیگر، دشمن در موقعیتی قرار داشت که توان مقابله مؤثر با نیروهای خودی را نداشت و تداوم این وضعیت می توانست علاوه بر انهدام نیرو، بصره را نیز در معرض خطر قرار دهد، به همین دلیل، دشمن تصمیم به عقب نشینی گرفت.

در این حال، عراق برای جلوگیری از فروپاشی یگان هایش،به هنگام عقب نشینی تدبیر خاصی اتخاذ کرد. از سوی دیگر، نیروهای قرارگاه قدس پس از اطلاع از عقب نشینی دشمن از محور شمالی، صبح روز ۱۹ اردیبهشت ۱۳۶۱ پیشروی کرده و دشمن راتعقیب نمودند.

بدین ترتیب، جاده اهواز - خرمشهر که در اشغال دشمن بود، آزاد شد و عقبه نیروهای خودی به جای تکیه بر رودخانه کارون، بر روی خشکی و با اتصال به اهواز، برقرار شد.

مرحله سوم عملیات

خبرهای رسیده مبنی بر خروج نیروهای عراقی از خرمشهر و افزایش روحیه نیروهای خودی به دلیل پیروزی در عملیات، سبب شد، مرحله سوم عملیات با شتاب بیشتری انجام شود. به نظر می رسید شتاب دشمن در عقب نشینی، به منظور جلوگیری از خسارات و تلفات بیشتر انجام می گرفت، لذا مرحله سوم عملیات با هدف آزادسازی خرمشهر، با به کارگیری دو قرارگاه فتح و نصر، طرح ریزی شد و در ساعت ۲۲ روز ۱۹ اردیبهشت ۱۳۶۱ به اجرا در آمد.

حضور پر شمار نیروهای دشمن در منطقه شلمچه و همچنین، خستگی روز افزون نیروهای خودی مانع از پیشروی اساسی در این مرحله شد، لذا نیروهای خودی پس از مقداری پیشروی، در سه کیلومتری شلمچه استقرار یافتند.

گرچه در این مرحله، اهداف مورد نظر به طور کامل تأمین نشد، ولی شمار بسیاری از نیروهای عراقی منهدم شدند و اطلاعاتی نیز از چگونگی آرایش دشمن به دست آمد که، مقدمه مرحله چهارم عملیات و فتح خرمشهر بود.

مرحله چهارم عملیات

در پی بازسازی یگان ها و انتقال قرارگاه فجر از منطقه فکه با سازمان دهی جدید، مرحله چهارم عملیات با سه قرارگاه فتح، فجر، نصر طرح ریزی شد. بر اساس تدبیر جدید، مقرر شد نیروها به مسدود کردن عقبه دشمن از جاده شلمچه و سپس، ورود به داخل شهر، ضمن محاصره خرمشهر،بخش وسیعی از نیروهای دشمن را منهدم و به محاصره درآورند.

مرحله چهارم عملیات در ساعت ۲۵: ۲۲ روز دوم خرداد ۱۳۶۱ آغاز شد. در این مرحله، نیروهای قرارگاه فتح به پلیس راه خرمشهر رسیدند و نیروهای قرارگاه فجر، پل نو را تصرف و به سمت اروند رود پیشروی کردند. در این حال، نیروهای قرارگاه نصر نیز با پیشروی در امتداد مرز و پاک سازی و انهدام دشمن، به سمت جنوب و به سمت نهر خین حرکت کردند. مقاومت عراقی ها به ویژه در پل نو به منظور باز نگه داشتن عقبه نیروهای خود، نتیجه ای در بر نداشت و سرانجام، در سوم خرداد ۱۳۶۱ برخلاف تصور دشمن که در دروازه های شرقی، شمالی و جنوبی در کمین نیروهای خودی بود، رزمندگان اسلام از دروازه های غربی و شمالی و از همان محوری که دشمن وارد خرمشهر شده بود، وارد خرمشهر شده و شهر را آزاد کردند.

ص: ۲۱۲

خسارات و تلفات دشمن

انهدام لشکرهای ۳ زرهی، ۱۱ و ۱۵ پیاده به میزان ۸۰ درصد، لشکرهای ۹ و ۱۰ زرهی هر یک ۵۰ درصد، لشکر ۷ پیاده ۴۰ درصد، لشکرهای ۵ مکانیزه و ۶ زرهی ۲۰ درصد و لشکر ۱۲ زرهی ۲۰ درصد، تیپ های ۶۰۵ و ۴۱۷ پیاده به طور کامل، تیپ ۱۰۹ پیاده ۶۰ درصد و تیپ های ۶۰۱، ۶۰۲، ۴۱۶، ۴۱۹ پیاده ۵۰ درصد تیپ مستقل ۱۰ زرهی ۴۰ درصد، تیپ های ۳۱، ۳۲ و ۳۳ نیروی مخصوص بیش از ۳۰ درصد، تیپ های ۲۳۸ و ۵۰۱ پیاده و تیپ های ۹، ۱۰ و ۲۰ گارد مرزی ۱۰ درصد.

در این عملیات، ۱۹۰۰۰ تن از نیروهای عراقی اسیر و ۱۶۰۰۰ تن دیگر کشته و زخمی شدند. همچنین، ۵۵۰ دستگاه تانک و نفربر، ۵۰ دستگاه خودرو، ده ها قبضه توپ، ۵۳ فروند هواپیما و سه فروند هلی کوپتر دشمن نیز در این عملیات منهدم شدند.

ارزیابی عملیات

فتح خرمشهر به عنوان بزرگ ترین پیروزی سیاسی - نظامی جمهوری اسلامی ایران در سال دوم جنگ، از اهمیت بسیاری برخوردار بود. در این عملیات، ۵۴۰۰ کیلومتر مربع از سرزمین های اشغالی آزاد شد و دشمن متجاوز برای اجتناب از تلفات بیشتر و حفظ ارتش خود و همچنین حفظ بصره، با سرافکندگی بسیار، از خاک ایران عقب نشست. در واقع،مقاومت دشمن در خرمشهر، که موجب زمین گیر شدن نیروهای عراقی و در نتیجه، فتح خرمشهر به دست رزمندگان اسلام شد، شکست و هزیمت را برای عراق به ارمغان آورد.

بدون تردید، دشمن با وجود وضعیت نامطلوبی که باآن روبه رو بود به دلیل اهمیت منطقه خرمشهر، تلاش می کرد،این منطقه را به عنوان تنها برگ برنده حفظ کرده و جنگ را آبرومندانه تمام کند، ضمن این که از احتمال سقوط بصره نیز نگران بود. (۱) در چنین وضعیتی و به موازات تلاش رزمندگان برای آزادسازی خرمشهر، دشمن تلاش های مضاعفی را برای آمادگی نیروهای خود جهت حفظ خرمشهر انجام داد؛ (۲) به همین دلیل دشمن در این عملیات به لحاظ مکان و تا اندازه ای در مورد زمان غافلگیر نشد. (۳) به عبارت دیگر، باید دلیل شکست دشمن و پیروزی نیروهای خودی را مورد ارزیابی دقیق قرار داد. سردار غلامعلی رشید در مورد ضرورت ریشه یابی این موضوع می گوید:

«صحنه نبرد در دوران جنگ، میدان تحقق استراتژی طرفین است. باید بپذیریم، یک کشور در شرایط جنگ، بدون برخورداری از اندیشمندان نظامی، متفکران نظامی و رهبران نظامی قادر به

۱- ۵۶۷. مأخذ ۱۰، ۱۹ / ۵ / ۱۳۷۴.

۲- ۵۶۸. پیشین.

۳- ۵۶۹. مأخذ ۳۳.

اتخاذ و اجرای یک استراتژی موفق نخواهد بود؛ یعنی نمی توانیم بگوییم که در یک دوره جنگ، بدون دلیل و بدون استراتژی، همین طور موفق شویم. مسلما این موفقیت ریشه دارد. باید برگردیم، ببینیم صاحبان این استراتژی نظامی چه کسانی بودند و چه کسانی آن را انجام دادند؟» (۱) .

بدون تردید آزادسازی مناطق اشغالی و فتح خرمشهر نتیجه ی یک استراتژی برتر بود. (۲) پیروزی های پی درپی در عملیات های چهار گانه، در مقایسه با شکست بنی صدر در عملیات های چهار گانه، تنها به دلیل بینش نظامی مبتنی بر حضور نیروهای مردمی و انقلابی در عرصه جنگ و ترکیب مقدس ارتش و سپاه بود. سردار رشید در مورد ویژگی های یک استراتژی موفق که به تدبیر نیروهای انقلابی و مردمی اتخاذ شد، چنین توضیح می دهد:

«در هر استراتژی موفق، سه ویژگی وجود دارد که در استراتژی آزادسازی مناطق اشغالی قابل مشاهده است: ۱- انطباق با واقعیات؛ ۲- به کارگیری کلیه امکانات و مقدورات؛ ۳- شناخت کامل از دشمن.» (۳) .

با آزادسازی مناطق اشغالی و اثبات در سستی استراتژی و رفتار و عملکرد ناشی از آن، نقش تعیین کننده سپاه در جنگ تثبیت شد. در واقع، بلوغ و تکامل اندیشه دفاعی سپاه (۴) و توانایی و قدرت نظامی این نیرو با برگزاری نماز شکر رزمندگان اسلام در مسجد جامع خرمشهر، جایگاه و نقش خود را یافت و از این پس، سپاه به عنوان یک سازمان نظامی نیرومند و توانا در سطح ملی نهادینه و مورد شناسایی قرار گرفت. (۵) همچنین سپاه علاوه بر گسترش سازمان رزم، (۶) در ابعاد طرح ریزی و اجرای عملیات نیز قابلیت و برجستگی های خود را نمایان کرد.

در طراحی مانور عملیات، با توجه به موقعیت زمین منطقه و درکی که از تلاش ها، آرایش دفاعی و محل استقرار نیروهای احتیاط دشمن وجود داشت، انتخاب راه کار مناسب با

۱- ۵۷۰. مأخذ ۱۲۶، ص ۳۴.

۲- ۵۷۱. برخی از تحلیلگران خارجی نیز به این موضوع اشاره کرده اند.

۳- ۵۷۲. پیشین.

۴- ۵۷۳. سردار غلامعلی رشید در این زمینه می گوید: «اندیشه دفاعی سپاه، در فتح خرمشهر شکل گرفت. در عملیات بیت المقدس درک عمیق تری از طرح ریزی عملیات در بدنه سازمان سپاه رسوخ کرد. فرماندهان لشکرها، قرارگاه ها، درک بهتر و عمیق تری کسب کردند.» (پژوهشکده علوم دفاعی دانشگاه امام حسین (ع) مجله ی سیاست دفاعی، شماره ۱۹، تابستان ۱۳۷۶).

۵- ۵۷۴. مأخذ ۵.

۶- ۵۷۵. سپاه طی ۹ ماه یعنی از عملیات ثامن الائمه (ع) در مهر ۱۳۶۰ که با ۱۵ گردان وارد عملیات شد تا خرداد ۱۳۶۱ که ۱۰۰ تا ۱۲۰ گردان در عملیات بیت المقدس به کار گرفت، در واقع به میزان ۱۰ برابر رشد کرد.

پیشنهاد و تصرف سر پل بزرگ، منجر به تغییر اوضاع به سود ایران شد. سردار رضایی در این باره توضیح می دهد:

«من به برادرها گفتم، بایستی سرپل عمیق بگیرید. علت این که برادران ارتشی ما می گفتند که سرپل کوچک بگیریم، (۱) حرف منطقی آن ها این بود که ما بایستی یک سرپل داشته باشیم و بعد پل هایمان را نصب کنیم و نیروها را آن طرف ببریم و آرایش بدهیم. من گفتم نه، باید با سرعت خودمان را به جاده اسفالت اهواز – خرمشهر برسانیم. این حرکت موجب می شد تمام قوای دشمن در محاصره قرار بگیرد و موجب نگرانی آن ها شود.» (۲) .

نشانه های موفقیت این حرکت به عنوان ویژگی مانور عملیات، با عقب نشینی لشکرهای ۵ و ۶ ارتش عراق نمایان شد. دشمن با این عقب نشینی، منطقه مقابل قرارگاه قدس را فدای حفظ بصره کرد و پس از آن نیز با افزایش فشار نیروهای خودی، خرمشهر را فدای بصره کرد. بنابراین، فروپاشی دشمن را باید در ویژگی طرح مانور عملیات و سرعت عمل نیروها در عبور از رودخانه و تصرف سرپل بزرگ جست وجو کرد، سردار رضایی ادامه می دهد:

«در حقیقت ما قاطعیت و صلابت را در تصمیم گیری دشمن خرد کردیم و این باعث شد که حرکت ما روان شود.» (۳) .

با توجه به ادامه جنگ پس از فتح خرمشهر که در وضعیت خاصی انجام گرفت، یکی از مسائل مهمی که نیاز به بررسی دارد، علت توقف ایران در عملیات بیت المقدس بر مرزهای بین المللی و خودداری نیروها از ادامه ی پیشروی به سمت بصره می باشد. در واقع، تأخیر در پیشروی به سمت بصره منجر به تحکیم مواضع دشمن و در نهایت ناکامی در عملیات رمضان شد. حال آن که اصل مهم نظامی «استفاده از موقعیت و تعقیب دشمن» ایجاب می کرد، نیروهای ایران در موقعیتی که دشمن از نظر روحی و استحکامات دچار ضعف و استیصال شده بود، به سمت بصره پیشروی کنند. سردار رضایی درباره علت انجام ندادن این امر مهم، مشکلات نظامی را مورد تأکید قرار می دهد:

«حدس می زدیم که ممکن است به سمت بصره برویم، ولی موفق نشویم. علت این که ما از بصره دست کشیدیم، همین فکر بود، لذا ترجیح دادیم خرمشهر برای ما و بصره برای دشمن باشد.» (۴) .

---

۱ – ۵۷۶. نوار ضبط شده و موجود در مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ از جلسات مشترک ارتش و سپاه در قرارگاه کربلا، دلالت بر صحت این نظر دارد.

۲– ۵۷۷. مأخذ ۱۵۷.

۳– ۵۷۸. پیشین.

۴– ۵۷۹. پیشین.

از سوی دیگر، دشمن در آخرین مراحل عملیات به دلیل عدم اطمینان نسبت به سمت حرکت نظامی نیروهای ایرانی، تصمیم گرفت، از خرمشهر خارج شود، ولی بصره را حفظ کند، لذا با توجه به اندیشه دفاع از بصره، خرمشهر را از دست داد. (۱) .

بدین ترتیب، طی ۹ ماه مناطق اشغالی ایران آزاد شد و در این میان،عملیات شگفت انگیز بیت المقدس (فتح خرمشهر) آخرین عملیات از سلسله عملیات های آزادسازی مناطق اشغالی بود که به اجرا در آمد. عراق پیش از این، به دلیل وضعیت سیاسی داخلی ایران و نتایج سلسله عملیات های ناموفقی که در پاییز و زمستان سال ۱۳۵۹ به فرماندهی بنی صدر انجام گرفته بود، از نظر استراتژیکی در غفلت کامل به سر می برد و در واقع، نقطه ثقل تحولات جنگ را نادیده گرفته بود. تا آنجا که بسیاری از مقام های عالی رتبه عراق در طول تابستان ۱۹۸۱ میلادی (۱۳۶۰) کاملا متقاعد شده بودند که دولت ایران تا پاییز (۱۳۶۰) سقوط خواهد کرد. (۲) ولی پیدایش وضعیت جدید به منزله ی شکست استراتژی عراق مبنی بر «تحمیل صلح با حفظ قلمرو» بود. به همین دلیل، بدیهی بود که دولت عراق با اعلام عقب نشینی از سایر مواضع اشغالی، امکان افزایش حمایت جهانی از خود و در مقابل، فشار بر ایران را برای پایان دادن به این جنگ، فراهم کند.

بازتاب عملیات

بن بست نظامی حاکم بر جنگ (۳) که ناشی از ناتوانی نظامی دو کشور ایران و عراق در تغییر موازنه سیاسی - نظامی بود، منجر به شکل گیری و تقویت این نظریه شد که دو طرف درگیر با بهره گیری از قدرت نظامی، توانایی تغییر اوضاع را به سود خود ندارند. با شکل گیری روند آزادسازی مناطق اشغالی و سرانجام، فتح خرمشهر، بار دیگر جنگ ایران و عراق، در کانون توجه جهانیان قرار گرفت.

در این میان، تحلیل محافل کارشناسی، ناظران، شخصیت ها و مقام های رسمی کشورها،

۱- ۵۸۰. پیشین.
۲- ۵۸۱. مأخذ ۶۲، ص ۱۴۰.
۳- ۵۸۲. ویلیام اف هیکمن یکی از فرماندهان نیروی دریایی امریکا و عضو هیئت مدیره فدرال برنامه مطالعات خارجی بروکینگز در مورد مراحل جنگ می نویسد: «در جریان مرحله ی اول که حدود هفت هفته ادامه داشت، نیروهای عراقی در موضع تهاجمی قرار داشتند. در مرحله ی دوم که اوایل نوامبر (نیمه آبان) تا تابستان ۱۹۸۱ میلادی (۱۳۶۰) را در بر می گیرد، جنگ در بن بست قرار داشت و در طی آن، نیروهای عراقی در مواضع دفاعی مستقر شدند و از سوی دیگر، تلاش های ایران برای صورت دادن کارها در جبهه به دلیل وجود جنگ قدرت در تهران، ناکام ماند...» (ویلیام اف هیکمن، ارتش از هم پاشیده و از نو متولد شده در سال ۱۹۸۲، ترجمه گروه تحقیق خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۲۰ / ۱۲ / ۱۳۷۴).

در مورد پیـدایش رونـد جدید در جنگ، نمایانگر نوعی غافل گیری و اظهار شـگفتی همراه با نگرانی بود. با این حال، همه ی نظرها و تحلیل های ارائه شـده بر این نکته تأکیـد داشـتند که پیروزی ایران در عملیات بیت المقـدس به عنوان نقطه عطف (۱) می تواند سـرنوشت جنگ را تعیین کند. چنان که روزنامه گاردین چاپ انگلیس این پیروزی را نقطه عطفی در جنگ میان دو کشـور دانست (۲) و روزنـامه لومونـد، چـاپ فرانسه نیز بر این مسـئله تأکیـد کرد که «نبرد خرمشـهر سـرنوشت جنـگ را تعیین خواهد کرد.» (۳) فایننشال تایمز نیز نوشت:

«خرمشـهر بـه منزلـه کلیـد پیروزی جنـگ اسـت و خرمشـهر تنهـا سـمبل واقعی پیروزی عراق و سـمبل مقـاومت (۴) سرسختانه نیروهای ایران است.» (۵) .

همچنین، یک دیپلمات غربی در بغداد گفت:

«خرمشهر یک جایزه بزرگ است، اگر ایرانی ها آن را پس بگیرند، عراقی ها حرفی برای گفتن نخواهند داشت.» (۶) .

خبرگزاری آسوشتیدپرس سـقوط خرمشهر را شکستی (۷) توهین آمیز و واقعی برای دولت صـدام در جنـگ ۲۰ ماهه ارزیابی کرد. (۸) رادیو لندن نیز به نقل از کارشناسان، (۹) پیروزی در خرمشـهر را به عنوان یکی از بزرگ ترین پیروزی های ایران بر شمرد. (۱۰) .

در سایر تحلیل هایی که در مورد آثار ناشـی از شکست عراق در عملیات بیت المقدس مطرح می شد، به موضوعاتی همچون: «تحقیر ارتش عراق»، «از دست دادن مهم ترین و بزرگ ترین انگیزه عراقی هـا» (۱۱) ، «در تیررس قرار گرفتن منطق نفت خیز عراق» (۱۲) و «توانایی ایران برای پیشروی به مرز داخل خاک عراق» (۱۳) اشاره شده است.

دربـاره ی ریشه یـابی علـل برتری نظـامی ایران بر عراق و دستیـابی نیروهـای خـودی به پیروزی هـای درخشـان، روزنـامه لوس آنجلس تایمز نوشت:

۱- ۵۸۳. روزنامه واشنگتن پست چاپ امریکا نوشت: «به عقیده کارشناسان نظامی غرب، این دو حمله گسترده نیروهای ارتش ایران به عراقی هـا، نقطه عطف محسوب می شود.» (خبرگزاری جمهوری اسـلامی ایران، «گزارش هـای ویژه» ۱۱ / ۲ / ۱۳۶۱، رادیو امریکا، ۱۰ / ۲ / ۱۳۶۱).

۲- ۵۸۴. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، ۱۰ / ۲ / ۱۳۶۱.

۳- ۵۸۵. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، ۲۴ / ۲ / ۱۳۶۱، به نقل از رادیو صدای ایران، ۲۳ / ۲ / ۱۳۶۱.

۴- ۵۸۶. برخی از کارشناسان، مقاومت ایران را در خرمشهر با مقاومت روس ها در جنگ جهانی دوم در استالین گراد مقایسه کردند و از خرمشهر به عنوان استالین گراد عراق نام بردند. (روزنامه جمهوری اسلامی، ۶ / ۳ / ۱۳۶۱، به نقل از رادیو لندن، ۵ / ۳ / ۱۳۶۱).

۵- ۵۸۷. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، ۱۱ / ۲ / ۱۳۶۱، به نقل از رادیو لندن، ۱۰ / ۲ / ۱۳۶۱.

۶- ۵۸۸. روزنامه جمهوری اسلامی، ۳۱ / ۲ / ۱۳۶۱، به نقل از روزنامه فرانسوی فرانس سوار.

۷- ۵۸۹. روزنامه نیویورک تایمز نیز عقب نشینی عراق را به عنوان بزرگ ترین شکست در طول جنگ ذکر کرد. (روزنامه جمهوری اسلامی ۲۵ / ۲ / ۱۳۶۱).

۸- ۵۹۰. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، ۳ / ۳ / ۱۳۶۱، به نقل از آسوشیتد پرس، بیروت، ۲ / ۳ / ۱۳۶۱.

۹- ۵۹۱. روزنامه حریت چاپ آنکارا نوشت: «با شکست سختی که بر عراقی ها در منطقه خرمشهر وارد آمد، پیروزی ایران در این جنگ قطعی شد.» (خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران، ۲۰ / ۱۲ / ۱۳۶۱).

۱۰- ۵۹۲. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، ۴ / ۳ / ۱۳۶۱، به نقل از رادیو لندن، ۳ / ۳ / ۱۳۶۱.

۱۱- ۵۹۳. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، ۱۳ / ۲ / ۱۳۶۱، به نقل از رادیو لندن.

۱۲- ۵۹۴. مأخذ ۱۷۲، به نقل از رادیو لندن، ۲ / ۳ / ۱۳۶۱.

۱۳- ۵۹۵. مأخذ ۱۵۰، به نقل از رادیو نیویورک تایمز.

«استراتژی نظامی ایران بر عراق برتری داشته و ایرانیان حملات خود را با نیروی زیاد بر صفوف عراقی ها در خوزستان وارد آورده اند. علاوه بر آن، ایرانیان دارای ایثار، از خودگذشتگی و میل به شهادت بوده و با شوقی انقلابی برای آزادی سرزمین هایشان می جنگند. در مقابل، سربازان عراقی اعتماد به نفسشان را از ابتدای جنگ از دست داده و...» (۱) .

روزنامه واشنگتن پست نیز به نقل از مقام های امریکایی نوشت:

«مقامات امریکایی از این که ایران توانسته به فاصله کمی از حمله ماه مارس (فتح المبین) چنین ضربه بزرگی بر عراق وارد آورد، اظهار تعجب نمودند و افزودند که ایران تاکتیک حمله زمینی را به نحو احسن انجام داده است، عملیاتی که عراق هنوز در آن موفق نبوده است. بر طبق محاسبات پنتاگون، تا به حال ایران چهار عمل عظیم داشته است، لیکن این حمله اخیر قاطع ترین آن ها است». (۲) .

این نشریه همچنین با اشاره به شیوه حملات زمینی ایران و تکمیل آن در مراحل مختلف، تأکید کرد که عراقی ها هنوز یارای فراگیری آن را ندارند. (۳) خبرگزاری فرانسه نیز به نقل از کارشناسان نظامی خارجی مقیم تهران، با اظهار شگفتی از نحوه هماهنگی عملیات به لحاظ زمانی و مکانی، بیان کرد:

«نیروهای مسلح ایران (ارتش، بسیج، سپاه) ثابت کردند که از یک انسجام بهت آور و غیر مترقب برخوردارند. نیروهای بسیج که تجهیزات نظامی اندک ولی انگیزه های مذهبی عمیقی دارند، عامل تعیین کننده ای را در پیروزی های اخیر ایرانیان تشکیل می دهند.» (۴) .

تلویزیون شبکه یک آلمان با تأکید بر نقش پاسداران و بسیجیان در جنگ گفت:

«البته نه این که اسلحه های مدرن شاه بار سنگین این جنگ را به عهده داشته باشد، بلکه بیشتر از همه، پاسداران انقلاب و بسیجیان که توسط پاسداران، بسیار کم تعلیم دیده اند، در این جنگ نقش دارند و در هفته های اخیر سنگرهای عراقی را تسخیر کرده اند.» (۵) .

مجله آلمانی اشپیگل نیز «روحیه شهادت طلبی و تعصب» (۶) را عامل پیروزی های اخیر ایران دانست. و مجله پاکستانی مسلم بر «نقش ایمان و قدرت روحی» (۷) تأکید کرد.

در نخستین بررسی های ریشه یابی علل دستیابی ایران به پیروزی سریع، (۸) آنچه بیش از

۱- ۵۹۶. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، ۲۷ / ۲ / ۱۳۶۱.

۲- ۵۹۷. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، ۱۷ / ۲ / ۱۳۶۱.

۳- ۵۹۸. پیشین.

۴- ۵۹۹. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، ۵ / ۳ / ۱۳۶۱، به نقل از خبرگزاری فرانسه.

۵- ۶۰۰. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، ۳ / ۳ / ۱۳۶۱.

۶- ۶۰۱. روزنامه اطلاعات، ۲۱ / ۲ / ۱۳۶۱، ضمیمه سیاسی.

۷- ۶۰۲. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، ۵ / ۳ / ۱۳۶۱.

۸- ۶۰۳. روزنامه الاهرام در این زمینه نوشت: «هیچ کس انتظار نداشت خرمشهر با این سرعت به دست ایرانیان بیفتد. باز پس گیری خرمشهر با این سرعت تکان دهنده است، زیرا عراقی ها بیست ماه پیش پس از آن که خرمشهر به دستشان افتاد، سه خط دفاعی قوی در داخل خاک ایران تشکیل داده بودند.» (خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران، ۲ / ۳ / ۱۳۶۱، خبرگزاری یونایتد پرس از قاهره).

هر عامل دیگری مورد توجه قرار گرفت، موقعیت جدید نظامی ایران و برتری آن بر عراق و در مقابل، وضعیت نامطلوب عراق بود. بی گمان، نتایج ناشی از این وضعیت می توانست تأثیرات کاملا آشکار و تعیین کننده ای را در زمینه سیاسی، در داخل عراق و در سطح منطقه داشته باشد. روزنامه الاهرام چاپ مصر به نقل از کارشناسان نظامی، در مورد موقعیت عراق در جهان عرب و تأثیر رخدادهای جنگ بر منطقه، نوشت:

«عراق در دروازه شرقی جهان عرب قرار دارد و نتایج آنچه که در آن منطقه روی می دهد، با سرعتی سرسام آور در سراسر منطقه عربی منعکس خواهد شد.» (۱) .

چند روز بعد، همین روزنامه در مقاله ای به قلم سردبیر خود نوشت:

«شکست عراق نه تنها موجب سقوط دولت و اشغال خاک این کشور خواهد شد، بلکه این به نوبه خود فاجعه بزرگی است و به سقوط پی درپی دولت های خلیج فارس می انجامد.» (۲) .

روزنامه «ینی دویر» چاپ آنکارا به نقل از منابع دیپلماتک در بغداد، با تأکید بر پیوستگی سقوط صدام با تحولات منطقه خلیج فارس، نوشت:

«سقوط صدام حسین و تحولات سیاسی آینده خلیج فارس به پیشروی نیروهای ایرانی که روز به روز ابعاد گسترده تری به خود می گیرند، بستگی دارد.» (۳) .

خبرگزاری آسوشیتدپرس در منامه نیز با بررسی تأثیرات آزادی خرمشهر بر وضعیت سیاسی عراق و منطقه، گزارش داد:

«سقوط این شهر (خرمشهر) به دست ایرانی ها سبب به هم ریختن رژیم صدام حسین و بروز مشکلاتی در سایر نقاط خلیج فارس خواهد شد و این مسئله اخیرا به نحو «گسترده ای در مجلات عربستان منعکس شده است.» (۴) .

درباره ی تأثیر پیروزی های ایران بر موقعیت صدام و وضعیت سیاسی دولت عراق، در رسانه های خبری، از قول کارشناسان نظامی و منابع دیپلماتیک به مواردی اشاره شد که خواندنی می باشد، مجله نیوزویک «بی اعتبار شدن صدام» و سرنگونی وی را به عنوان نتایج شکست[عراق]در خرمشهر ذکر کرد. (۵) همچنین در این روزنامه، مواردی همچون «خودکشی سیاسی رژیم بغداد»، (۶) «ابهام در مورد بقای سیاسی صدام» (۷) و «آینده مبهم برای رژیم عراق» (۸) مورد تأکید قرار گرفت. روزنامه دی ولت چاپ آلمان نیز نوشت:

«عراق در جنگ خلیج (فارس) علیه ایران و علیه انقلاب اسلامی آیت الله خمینی، هم از نظر سیاسی و هم از نظر نظامی باخته است. این نظرهایی است که در تمام پایتخت های عربی به دست آمده است.» (۹) .

۱- ۶۰۴. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، ۲۳ / ۲ / ۱۳۶۱.

۲- ۶۰۵. پیشین به نقل از یونایتد پرس.

۳- ۶۰۶. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، ۲۱ / ۲ / ۱۳۶۱.

۴- ۶۰۷. مأخذ ۱۸۴.

۵- ۶۰۸. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، ۱ / ۳ / ۱۳۶۱.

۶- ۶۰۹. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، ۲۵ / ۲ / ۱۳۶۱، به نقل از نشریه ی نشنال بیزینس دیوید، چاپ نیوزلند.

۷- ۶۱۰. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، ۲۸ / ۲ / ۱۳۶۱، به نقل از وال استریت ژورنال.

۸- ۶۱۱. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، ۱۰ / ۳ / ۱۳۶۱، رادیو امریکا به نقل از فؤاد عجمی استاد و رئیس مرکز مطالعات خاورمیانه در دانشگاه هاپکینز امریکا.

۹- ۶۱۲. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، ۲۷ / ۲ / ۱۳۶۱.

روزنامه زود دویچه سایتونگ چاپ آلمان درباره ی وضعیت عراق در جنگ نوشت:

«بـدین ترتیب، بغداد آخرین تکیه گاهش را برای مذاکره و جهت حفظ آبرویش از دست داده است (۱) و از نظر نظامی دیگر صدام نجات دادنی نیست، حتی اگر ایرانی ها به عراق وارد نشوند.» (۲) .

البته برخی معتقد بودند که گرچه صدام با حمله به ایران و شکست در جنگ اشتباه بزرگی را مرتکب شد، ولی سقوط عراق به آسانی امکـان پـذیر نیست، زیرا امنیت داخلی آن کاملا تحت نظر دولت عراق قرار دارد، و از سوی دیگر، کشورهای عربی نیز الزاما از عراق جانبداری خواهند کرد. (۳) .

در ایـن رونـد، «تثبیت نظـامی - سیاسـی ایران» و «پیروزی نظـامی بر عراق»، به منزله پیروزی انقلاـب اسـلامی و چیره شـدن بر معضـلات ناشـی از بحران داخلی و تجـاوز خـارجی ارزیـابی می شـد. به عبـارت دیگر، توانـایی نظامی ایران موجب تحول در صحنه نبرد شـد و تـأثیرات احتمـالی آن در حوزه سیاسـی در داخـل عراق و در سـطح منطقه مورد بررسـی و توجه ناظران قرار گرفت. به این معنا، پیدایش نتایج ناشی از این وضعیت، بیانگر منطق حاکم بر تغییر ماهیت جنگ بود.

در واقع، عراق و حمـایت از این کشور برای حمله به ایران، به دلیـل نگرانی از تحولاـت ناشـی از پیروزی انقلاـب اسـلامی در ایران و سـقوط شاه بود. مخالفان انقلاب اسـلامی امیدوار بودند؛ با تهاجم دولت بعث عراق، جمهوری اسـلامی در گرداب بی ثبـاتی داخلی و تجـاوز خـارجی افتـاده و سـرانجام از پای درآیـد. ولی در مقابل، ایران با پیروزی های نظامی خود، در موقعیت جدید و برتری، قرار گرفت. در این حال ارگان حزب سوسیالیست کارگر انگلستان در این زمینه نوشت:

«ایران در محاصـره اقتصادی بود و نمی توانست هیچ سلاح و قطعه یدکی دریافت کند و دائما تحت حمله تبلیغاتی بود. کسانی چون فرد هالیـدی مرتبا با اظهار نظر خود سم تبلیغاتی علیه ایران تهیه می دیدنـد و ادعا می کردنـد که انقلاب ایران و رهبر آن امام خمینی قادر به تحمل حمله عراق نیستند. آن ها مدعی بودند که «نظام ایران سرنگون می شود و اقتصاد ایران ورشکسته

۱- ۶۱۳. نیویورک تایمز در این مورد نوشت: «صدام آبروی خود و شـهرت عراق را در گروی پیروزی در این جنگ قرار داد، زیرا وی رهبری مستقیم جنگ را به عهده داشت.» (خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، ۵ / ۳ / ۱۳۶۱).

۲- ۶۱۴. مأخذ ۱۸۳.

۳- ۶۱۵. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، ۶ / ۳ / ۱۳۶۱، خبرگزاری آسوشیتدپرس.

است و به زودی در ایران جنگ داخلی روی می دهد. ارتش شورش کرده و دست به کودتا می زند، مردم از جنگ خسته شده پشت جبهه را تقویت نمی کنند و دست به راهپیمایی و تظاهرات علیه دولت می زنند. اما تمام این حرف ها غلط از آب در آمد و نه تنها ایران به پیروزی نظامی دست یافت، بلکه انقلاب اسلامی ایران نیز قدرتمندتر شد و به پیشرفت خود ادامه می دهد.» (۱) .

روزنامه لوموند نیز در مورد تأثیرات جنگ بر اوضاع داخلی ایران نوشت:

«جنگ به رژیم ایران اجازه داد که ضمن برقراری مجدد اتحاد مقدس - از آن نوع که به وی فرصت داد تا رژیم سلطنتی را سرنگون کند - به پاسداران بازوی نیرومند انقلاب اسلامی،عمده ترین نیروی نظامی، کشور اهمیت خاصی داده شود و جناح های مختلف لیبرال یا چپی تصفیه شدند و این خود نشانه یکی از عمده ترین پیروزی های جمهوری اسلامی در مقابل رژیم بعثی بغداد است.» (۲) .

رادیو لندن نیز در تفسیر خبری گفت:

«جنگ نه تنها جمهوری اسلامی آیت الله خمینی را تضعیف نکرد، بلکه به رهبری آن انسجام بخشید و اکنون این دولت صدام حسین در بغداد است که بی ثبات جلوه می نماید.» (۳) .

سفیر سابق آمریکا در عربستان نیز بر این مسئله تأکید کرد که عراق با هجوم به سرزمین های ایران، می خواست شاهد سقوط جمهوری اسلامی ایران باشد، ولی این آرزو با برتری نیروهای ایران اتفاق نیفتاد. (۴) رادیو آلمان غربی نیز به این مسئله اشاره کرد که صدام حسین نتوانست به هدفش که سقوط حکومت ایران بود، برسد و خود را از خطر انقلاب اسلامی برهاند، (۵) حال آن که اکنون عراق با ناثباتی روبه رو شده و صدام باید از سقوط حکومت خود بیمناک باشد، (۶) در مجموع، وضعیت ایجاد شده این حقیقت را روشن کرد که اگر قرار باشد با توسل به شیوه های نظامی مسئله جنگ را حل و فصل کرد، ایران در این زمینه از وزنه سنگین تری برخوردار است. (۷) .

بدین ترتیب، در حالی که تصور می شد تجاوز نظامی عراق پایان بخش حیات سیاسی نظام انقلابی ایران خواهد بود، روند تحولات جنگ اوضاع را به گونه ای تغییر داد که سرنوشت سیاسی صدام و تداوم بقای دولت حاکم بر بغداد، در معرض ابهام و تردید قرار گرفت. پیدایش این وضعیت منجر به تغییر مواضع عراق، افزایش نگرانی امریکا و اتخاذ مواضع و سیاست های جدید در منطقه و برخورد با ایران و همچنین افزایش حمایت و گسترش تحرکات دیپلماتیک کشورهای عرب پشتیبان عراق شد. در این حال، دولت عراق بر اثر

۱- ۶۱۶. روزنامه اطلاعات، ۸ / ۳ / ۱۳۶۱، ویژه ی جنگ.

۲- ۶۱۷. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، ۹ / ۳ / ۱۳۶۱.

۳- ۶۱۸. مأخذ ۱۷۳.

۴- ۶۱۹. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، ۱ / ۳ / ۱۳۶۱، به نقل از مجله ی نیوزویک.

۵- ۶۲۰. مأخذ ۱۶۹، به نقل از رادیو آلمان، ۲۳ / ۲ / ۱۳۶۱.

۶- ۶۲۱. مأخذ ۱۷۳، به نقل از تلویزیون آلمان غربی.

۷- ۶۲۲. مأخذ ۱۶۹، به نقل از خبرگزاری رویتر.

درماندگی در برابر وضعیت جدید، به طور تلویحی نقش و موقعیت خود برای امریکا و نیز «جنگ نیابتی» علیه ایران را یادآوری کرد. نشریه ای به نقل از یک مقام عراقی نوشت:

«عراق به نیابت از جانب امریکا با ایران می جنگد. عراق با مقابله با جمهوری اسلامی در حقیقت خواسته کار امریکا را بدون آن که هزینه ای برای واشنگتن در بر داشته باشد،انجام دهد.» (۱) .

آسوشیتد پرس نیز در گزارشی اعلام کرد که عراقی ها ادعا می کنند، برای جلوگیری از گسترش انقلاب اسلامی (بنیادگرایی) ایران به عراق و کشورهای طرف دار غرب و نفت خیز حوزه خلیج فارس از جمله عربستان و کویت، با این کشور می جنگند. (۲) اعتراف عراقی ها به نقش خود در تأمین منافع غرب در حالی بیان شد که دولت عراق برای خروج از وضعیت بحرانی شدیدا به پشتیبانی دوستان غربی (۳) و منطقه ای خود نیاز داشت. عراقی ها همچنین برخلاف مواضع قبلی خود - قبل از جنگ و قبل از شکست در تلاش برای «تجزیه ایران» و لغو قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر - در وضعیت جدید اعلام کردند که هیچ گونه نظر توسعه طلبانه ای به خاک ایران ندارند. (۴) سعدون حمادی، وزیر خارجه عراق نیز آمادگی کشورش را برای تخلیه مناطق اشغالی اعلام کرد. (۵) عراق همچنین آمادگی خود را برای مذاکره در هر مورد، حتی رودخانه اروند، اعلام کرد. (۶) بخش فارسی رادیو بغداد به نقل از صدام گفت:

«رهبری عراق، جناب آقای صدام حسین، بارها از طریق رسانه های گروهی، رادیو، روزنامه و هیئت های حسن نیت اسلامی اعلام نموده است که ما طمعی به خاک ایران نداریم، ما آماده ایم که آخرین وجب خاک ایران را ترک گوییم. ما جنگ افروز نیستیم و نمی خواهیم منطقه ناامن باشد و منافع ما و هر انسان دیگر در صلح و آرامش تأمین می شود.» (۷) .

نگرانی عراق از سرانجام جنگ و وضعیت نامطلوبی که گرفتار آن بود (۸) ، تأثیر مستقیمی در موضع گیری های جدید این کشور داشت. بی گمان، تأکید عراق بر پایان دادن به جنگ و اتخاذ مواضع صلح جویانه می توانست موقعیت سیاسی این کشور را بهبود بخشد. رادیو لندن در این باره گفت:

«به احتمال زیاد رهبران عراق به این نتیجه رسیده اند که عقب نشینی به مرز بین المللی همراه با تقویت مواضع دفاعی در پشت مرز، بهترین روش برای پایان دادن به جنگ است.» (۹) .

۱- ۶۲۳. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، ۲۳ / ۲ / ۱۳۶۱، نشریه نشنال بیزینس دیوید، چاپ نیوزلند.
۲- ۶۲۴. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، ۱۴ / ۲ /۱۳۶۱.
۳- ۶۲۵. وزیر خارجه وقت فرانسه (کلودشسون) رسما اعلام کرد: «فرانسه از عراق حمایت می کند.» وی درباره ی ادامه جنگ و ورود ایران به داخل خاک عراق گفت: «در این صورت، ایران به خاک عراق وارد نخواهد شد، بلکه به یک مجموعه وارد می شود.» (خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه، ۱۱ / ۳ / ۱۳۶۱، کانال ۲ تلویزیون فرانسه).
۴- ۶۲۶. مأخذ ۱۸۶، خبرگزاری فرانسه به نقل از روزنامه الجمهوریه.

۵- ۶۲۷. مأخذ ۲۰۲، به نقل از رادیو صدای آزاد ایران، روزنامه زود دویچه سایتونگ چاپ آلمان.

۶- ۶۲۸. مأخذ ۲۰۳، به نقل از آسوشیتدپرس.

۷- ۶۲۹. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، ۲۳ / ۲ / ۱۳۶۱.

۸- ۶۳۰. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، ۲۲ / ۲ / ۱۳۶۱، به نقل از خبرگزاری فرانسه از بغداد.

۹- ۶۳۱. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، ۳۰ / ۲ / ۱۳۶۱، به نقل از رادیو لندن، ۲۹ / ۲ / ۱۳۶۱.

چنین به نظر می رسید که امریکایی ها در متقاعد کردن دولت عراق برای عقب نشینی از مناطق اشغالی ایران نقش برجسته ای داشتند. این اقدام عراق می توانست در چارچوب سیاست امریکا مبنی بر پایان دادن به جنگ معنا پیدا کند، زیرا امریکایی ها در اوضاع جدید، قادر شدند با حمایت از عراق و فشار بر ایران اهداف و منافع خود را پیگیری کنند.

در این حال، «بمباران جزیره خارک» به وسیله ی هواپیماهای عراقی قابل تأمل است. این اقدام در حالی صورت گرفت که عراق شعار صلح طلبی سر می داد. اگر عراقی ها بر پایان دادن به جنگ و برقراری صلح تمایل داشتند، اساسا نباید جزیره خارک را مورد حمله قرار می دادند. به همین دلیل، این اقدام عراق را باید در چارچوب سیاست های جدید امریکا و به عنوان تهدید علیه ایران ارزیابی کرد (۱) .

نگرانی امریکا و اتخاذ استراتژی جدید در منطقه

نخستین واکنش مقام های رسمی امریکا در مورد جنگ، پس از عملیات طریق القدس و با مشاهده پیروزی ایران ابراز شد. پیروزی در عملیات فتح المبین بر نگرانی امریکایی ها افزود و همین مسئله سبب شد تا ضرورت اتخاذ استراتژی جدید مورد تأکید قرار گیرد. (۲) با آغاز عملیات بیت المقدس، اظهارات مقام های امریکا نشان دهنده ی افزایش این نگرانی بود، (۳) چنان که هیگ، وزیر خارجه وقت امریکا به طور رسمی مخالفت دولت امریکا را با هر گونه تحول در منطقه اعلام کرد:

«امریکا در برابر هر گونه تغییر اساسی در منطقه خلیج فارس که ناشی از جنگ عراق و ایران باشد،بی تفاوت نخواهد بود.» (۴)
.

وی همچنین در دیدار با مقام های ترکیه گفت که پیروزی ایران در جنگ نگرانی های عمیقی را در خاورمیانه به وجود خواهد آورد. (۵) در واقع، هر گونه تحول اساسی ناشی از

---

۱ - ۶۳۲. بعدها، به موازات موقعیت برتر ایران پس از عملیات های خیبر، بدر، فاو و کربلای ۵، اقدامات عراق در حمله به مراکز نفتی و صنعتی ایران و حمله به مردم بی دفاع در شهرها، افزایش یافت.
۲- ۶۳۳. نگاه کنید به بازتاب عملیات فتح المبین در همین کتاب.
۳- ۶۳۴. روزنامه لوس آنجلس تایمز نوشت: «حمله ایران که روز جمعه آغاز شد برای امریکا از اهمیت بسیاری برخوردار است و چنین به نظر می رسد که پیروزی ایران آرامش دوستان امریکا را در منطقه به هم خواهد زد.» (خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران، ۱۶ / ۲ / ۱۳۶۱).
۴- ۶۳۵. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، ۲۹ / ۲ / ۱۳۶۱، خبرگزاری آلمان به نقل از روزنامه الاهرام.
۵- ۶۳۶. پیشین، به نقل از روزنامه گونش چاپ ترکیه، منابع دیپلماتیک در بروکسل.

جنگ در منطقه می توانست متأثر از دو حادثه ی «سرنگونی حکومت بعث عراق» و یا «ادامه جنگ در داخل خاک عراق» باشد. در این زمینه، رادیو اسرائیل به نقل از مقام های امریکایی (۱) گفت که خطر سرنگون شدن حکومت فعلی عراق - خواه در اثر شکست جنگی یا کودتای داخلی - پی آمدهای بسیار خطرناکی برای امنیت حوزه خلیج فارس خواهد داشت. (۲) روزنامه واشنگتن پست نیز به نقل از مقام های امریکایی نوشت:

«نگرانی امریکا و کشورهای منطقه این است که ایران پس از پیروزی تشویق شده و می خواهد جنگ را به داخل خاک عراق بکشاند.» (۳) .

روزنامه نیویورک تایمز نیز به نقل از مقام های وزارت خارجه امریکا نوشت:

«امریکا این حادثه (پیروزی ایران) را شکست بزرگ روانی و نظامی برای رژیم صدام حسین می داند و کابینه ریگان در مورد احتمال حمله ایران به داخل خاک عراق و یا سرعت بخشیدن به فشارها و خرابکاری از داخل به قصد سرنگونی رژیم صدام، نگران است.» (۴) .

روزنامه واشنگتن پست همچنین به نقل از مقامات امریکایی، موقعیت ایران را برای ادامه جنگ در داخل خاک عراق مثبت ارزیابی کرده و نوشت که این اقدام می تواند در خلیج فارس پی آمدهای گسترده و ماندگار داشته باشد. (۵) به همین دلیل، کاسپار واینبرگر، وزیر دفاع وقت امریکا به طور رسمی اعلام کرد:

«پیروزی ایران در جنگ با عراق به نفع امریکا نخواهد بود.» (۶) .

تغییر توازن در منطقه مهم ترین نتیجه ای بود که در صورت پیروزی ایران بر عراق، ایجاد می شد. پیدایش این وضعیت، اساسا با منافع حیاتی امریکا در منطقه مغایرت داشت.الکساندر هیگ، وزیر خارجه وقت امریکا در مورد احتمال تغییر موازنه (۷) در منطقه و بهره برداری شوروی از پیروزی های ایران، گفت:

۱- ۶۳۷. خبرگزاری فرانسه نیز به نقل از یک دیپلمات امریکایی گفت: «سقوط رژیم عراق خواه به دنبال یک شکست نظامی و خواه به علت یک خرابکاری داخلی، عواقبی پیش بینی نشده ولی مطمئنا بسیار وخیم بر ثبات خلیج فارس - که منطقه ای حیاتی برای واشنگتن به حساب می آید - به دنبال خواهد داشت.» (خبرگزاری جمهوری اسلامی «گزارش های ویژه» ۴ / ۳ / ۱۳۶۱، خبرگزاری فرانسه).

۲- ۶۳۸. مأخذ ۱۷۳، به نقل از رادیو اسرائیل، ۳ / ۳ / ۱۳۶۱.

۳- ۶۳۹. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، ۱۷ / ۲ / ۱۳۶۱.

۴- ۶۴۰. روزنامه جمهوری اسلامی، ۵ / ۳ / ۱۳۶۱.

۵- ۶۴۱. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، ۸ / ۳ / ۱۳۶۱، به نقل از رادیو امریکا، ۷ / ۳ / ۱۳۶۱.

۶- ۶۴۲. مأخذ ۱۸۸، به نقل از خبرگزاری رویتر.

۷- ۶۴۳. روزنامه انگلیسی زبان اینترنشنال تریبون چاپ فرانسه در مورد تغییر توازن در منطقه نوشت: «این دومین بار است که طی سه سال گذشته تعادل قدرت در خاورمیانه بر هم می خورد. اولین بار با امضای قرارداد کمپ دیوید مصرف نقش رهبری خود را در جهان عرب از دست داد و عملا از سوی کشورهای عرب به کنار گذاشته شد... جمهوری اسلامی[نیز]قصد دارد به ایفای نقش قدرت اول و پر کردن جای خالی رهبری در خاورمیانه عربی بپردازد.» (خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، ۱۲ / ۳ / ۱۳۶۱).

«این خطر بزرگ وجود دارد که جنگ به کشورهای همسایه نیز سرایت کند و هم اکنون هم مناسبات بین کشورهای عربی را تیره ساخته است. (۱) از این گذشته امکان دارد دگرگونی های پیش بینی نشده و دور دستی را در موازنه منطقه به وجود آورد و به شوروی فرصت دهد، به گسترش نفوذ در منطقه بپردازد.» (۲) .

به همین دلیل، امریکایی ها خواهان برقراری توازن در منطقه بودند و این امر تنها با جلوگیری از پیروزی ایران بر عراق امکان پذیر بود، در غیر این صورت، امریکا نمی توانست مهار اوضاع منطقه استراتژیک خلیج فارس را در دست بگیرد. (۳) کیسینجر، در همین زمینه با تأکید بر ضرورت پایان دادن به جنگ برای حفظ توازن قوا،گفت:

«اگر عراق جنگ را برده بود، امروز نگرانی و وحشت در خلیج (فارس) نبود و منافع ما در منطقه به آن اندازه که اینک در خطر قرار دارد، مخاطره[آمیز]نمی شد. در هر حال، با توجه به اهمیتی که توازن قوا در این منطقه دارد، این به نفع ما است که هر چه زودتر آتش بس برقرار کرده و تدریجا به رژیم سازش کاری که در آینده احیانا جایگزین رژیم ایران می شود، نزدیک شویم.» (۴) .

بی تردید، مهار نتایج و تأثیرات پیروزی های نظامی ایران و جلوگیری از سقوط احتمالی حکومت بعث عراق، هسته مرکزی و محور ثقل تلاش های امریکا در آستانه فتح خرمشهر و پس از آن بود. در چنین اوضاعی، امریکایی ها تحولات ناشی از پیروزی های اخیر ایران را حتی از درگیری حل نشده اعراب و اسرائیل، بالقوه خطرناک تر و مهم تر ارزیابی می کردند. (۵) وزیر خارجه وقت امریکا به دلیل همین نگرانی ها، در اجلاس ناتو در لوکزامبورگ با متحدان اروپایی امریکا در این زمینه بحث و گفت وگو کرد. (۶) .

بر پایه اطلاعات محرمانه سازمان جاسوسی امریکا، نیروهای عراقی در مرز از هم پاشیدگی قرار داشتند. (۷) و امریکا نمی توانست از کنار این مسئله به سادگی بگذرد. روزنامه کریستین ساینس مانیتور در این زمینه نوشت:

«خطر گسترش جنگ به خارج از مرزهای ایران، ثبات منطقه را مورد تهدید قرار داده و امریکا به بررسی سیاست استراتژیکی دشمن در خلیج فارس پرداخته است.» (۸) .

هیگ،وزیر خارجه امریکا درباره استراتژی جدید و ابتکار عمل دیپلماتیک کشورش گفت:

۱- ۶۴۴. در این مورد در صفحات بعد توضیح داده خواهد شد در عین حال، حمایت سوریه و لیبی از ایران موجب نگرانی امریکا و به عنوان تیره شدن مناسبات کشورهای عربی ذکر شده است.

۲- ۶۴۵. مأخذ ۱۹۴، به نقل از رادیو امریکا، ۵ / ۳ / ۱۳۶۱، وال استریت ژورنال.

۳- ۶۴۶. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، ۲۵ / ۱ / ۱۳۶۱، به نقل از کریستین ساینس مانیتور، چاپ امریکا ۲۱۹ - روزنامه واشنگتن پست، ۳ / ۴ / ۱۳۶۱.

۴- ۶۴۷. روزنامه واشنگتن پست،۳ / ۴ / ۱۳۶۱.

۵ - ۶۴۸. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، ۶ / ۴ / ۱۳۶۱، خبرگزاری کویت به نقل از مقامات وزارت خارجه امریکا.

۶- ۶۴۹. پیشین.

۷- ۶۵۰. روزنامه اطلاعات ۲۱ / ۲ / ۱۳۶۱،ضمیمه سیاسی، به نقل از مجله ی اشپیگل چاپ آلمان.

۸- ۶۵۱. مأخذ ۱۹۴، به نقل از رادیو امریکا، ۵ / ۳ / ۱۳۶۱.

«امریکـا برای حفـظ صـلح خاورمیـانه دست به سه ابتکـار دیپلماتیـک خواهـد زد. اگر بخواهیم به یـک نظم مسالمت آمیز بین المللی امیـدی داشـته باشـیم، بایـد وقـایع خاورمیانه را شـکل دهیم و اکنون لحظه ورود امریکا در خاورمیانه است. امریکا برای پایان دادن به جنگ ایران و عراق، فعال کردن مـذاکرات خود مختاری فلسـطین، رفع تهدید از آغاز جنگ حد و مرزی لبنان و اسرائیل، اقدام خواهد کرد. این ابتکارها به یکدیگر مربوط و با کشورهای دیگر نیز هماهنگ خواهد بود.»

وی سپس در مورد جنگ ایران و عراق افزود:

«بیم آن می رود که این درگیری به کشورهـای همسایه گسترش پیـدا کنـد و موجب تغییرات گسترده و غیر قابل پیش بینی در توازن نیروهـای منطقه بشود و فرصتی برای افزایش نفوذ شوروی به وجود بیـاورد. طی هفته هـای آتی و با افزایش فعالیت برای پایان دادن به این جنگ، ما نیز به همراه دیگر اعضای نگران جامعه بین المللی، نقش فعال تری را ایفا خواهیم کرد.» (۱) .

امریکایی ها در حالی که پایان بخشیدن به جنگ (۲) را محور فعالیت های خود قرار داده بودنـد، (۳) به دلیل نگرانی از ادامه جنـگ و ناکـامی در پایـان دادن به آن، بخشـی از تلاـش هـای خود را برای تقویت و حمایت از عراق متمرکز کردنـد. در این راسـتا، سـنای امریکا در اسفند ۱۳۶۰ نـام دولـت عراق را از فهرست کشورهـای به اصـطلاح تروریست خـارج کرد (۴) تا هیچ گونه مانعی برای کمک های اقتصادی و نظامی به عراق وجود نداشته باشد. (۵) .

تمایـل امریکـا به برقراری آتش بس به معنی، پایـان عادلاـنه ی جنـگ نبود، بلکه اساسا ادامه جنگ و پیروزی ایران بر عراق بر ضـد منـافع امریکـا بود و تنهـا راه تـأمین منافع امریکا، پایان جنگ، بـدون برتری ایران بود. در این باره، وزیر دفاع وقت امریکا تأکید کرد:

«ما خواهان آن هستیم که این جنگ به طریقی پایان یابد که ثبات منطقه را بر هم نزند، چون پیروزی ایران یقینا در جهت منافع ملی ما نخواهد بود.» (۶) .

۱- ۶۵۲. پیشین، به نقل از خبرگزاری یونایتدپرس.

۲- ۶۵۳. روزنـامه سووتیسـکایا روسـیا چاپ شوروی با تأکیـد بر پایان دادن به جنگ نوشت: «ادامه جنگ ایران و عراق تنها به نفع امریکـا است که برای دخالت نظامی در منطقه خلیـج فارس مترصـد فرصت مناسب می باشـد و پنتاگون تاکنون انجام یک عملیـات وسیع را طرح ریزی کرده است.» (خبرگزاری جمهوری اسـلامی، «گزارش هـای ویژه»، ۱۳ / ۳ / ۱۳۶۱، خبرگزاری فرانسه).

۳- ۶۵۴. سـخنگوی رسـمی وزارت خـارجه امریکـا اعلاـم کرد: «امریکـا هشـدار خود را به آتش بس فوری مرتبا ادامه داده و خواسـتار رسـیدگی به راه حـل مسـالمت آمیز می باشـد.» (خبرگزاری جمهوری اسـلامی، «گزارش های ویژه»، ۴ / ۳ / ۱۳۶۱، رادیو امریکا، ۳ / ۳ / ۱۳۶۱).

۴- ۶۵۵. جیمز بیل در کتاب «عقاب و شیر می نویسـد: «با عملیات نظامی موفقیت آمیز ایران در سال ۱۹۸۲ میلادی و حملات

متعاقب آن به عراق، سیاست گذاران امریکایی از پیروزی ایران به هراس افتادند. امریکا از اواسط سال ۱۹۸۳ میلادی، اقدام به حمایت از عراق نمود.» (جیمز بیل، عقاب و شیر، جلد دوم، ترجمه مهوش غلامی، انتشارات شهرآب، بهار ۱۳۷۱، ص ۴۸۸).

۵- ۶۵۶. مأخذ ۲۱۰، خبرگزاری آلمان به نقل از روزنامه الاهرام.

۶- ۶۵۷. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، ۱ / ۳ / ۱۳۶۱، خبرگزاری رویتر به نقل از کاسپر واینبرگر.

این اظهارات به خوبی روشن می ساخت که امریکایی ها برای پایان دادن به جنگ در پی راه حلی بودند که از ارائه هر گونه امتیازی که موقعیت برتر سیاسی - نظامی جمهوری اسلامی را به رسمیت بشناسد و تثبیت کند، خودداری شود. زیرا از نظر آن ها پیروزی ایران در صحنه جنگ و یا در پشت میز مذاکره، اساسا با منافع ایالات متحده در تضاد بود. بنابراین، استراتژی جدید امریکا نه تنها دورنمای روشنی را برای برقراری صلح و ثبات در منطقه ترسیم نمی کرد، بلکه اساسا با هدف نادیده گرفتن حقوق ایران همراه با حمایت همه جانبه از عراق،پی گیری می شد. بعدها، نیویورک تایمز در مورد علت کمک امریکا به عراق نوشت:

«تصمیم امریکا به کمک حیاتی به بغداد آن هم در اوایل جنگ هشت ساله با ایران، نتیجه اخطار آژانس های (متعدد) جاسوسی امریکا پیرامون این مطلب بود که عراق در آستانه ساقط شدن توسط ایران است.» (۱) .

در این مرحله، تلاش های دیپلماتیک امریکا با هدف کنترل پیروزی های ایران و حمایت از عراق طی تماس با برخی از کشورهای عربی آغاز شد. (۲) امریکایی ها همچنین در تماس با کشورهای اسلامی، ضرورت مهار فعالیت های نظامی ایران را یادآور شدند. (۳) در این حال، رادیو لندن اعلام کرد که امریکا در صدد کسب حمایت کشورهای اسلامی مانند پاکستان، ترکیه، مالزی، اندونزی و الجزایر است. (۴) کمک های امریکا به عراق در این مرحله علاوه بر حذف نام عراق از فهرست کشورهای تروریست، شامل لغو تحریم فروش تجهیزات به عراق، (۵) ، توافق برای برقراری روابط دیپلماتیک، (۶) ترغیب مصر برای کمک نظامی به عراق، ترغیب کشورهای عرب به افزایش کمک مالی و حمایت سیاسی از عراق و کمک اطلاعاتی امریکا به عراق بود. حمایت های امریکا از عراق با هدف افزایش اعتماد به نفس عراق برای حفظ و مهار اوضاع در برابر ایران، انجام می گرفت که نتایج مهمی برای این کشور در پی داشت.

۱- ۶۵۸. روزنامه نیویورک تایمز، ۲۶ ژانویه ۱۹۹۲ (۶ / ۱۱ / ۱۳۷۰).

۲- ۶۵۹. مأخذ ۱۷۳، به نقل از رادیو ترکیه، ۳ / ۳ / ۱۳۶۱.

۳- ۶۶۰. پیشین، خبرگزاری فرانسه به نقل از یک مسئول وزارت خارجه امریکا.

۴- ۶۶۱. مأخذ ۱۷۳، به نقل از رادیو لندن، ۳ / ۳ / ۱۳۶۱.

۵- ۶۶۲. مشاور کمیته روابط خارجی سنای امریکا دراین مورد گفت: «این عمل امریکا به منظور تنبیه ایران و باز کردن راهی برای عراق از بن بست موجود می باشد. ایران در جنگ با عراق از برتری محسوسی برخوردار است و این واقعه ناخوشایندی برای امریکا است.» (مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، از خونین شهر تا خرمشهر، نوشته محمد درودیان، بهار ۱۳۷۲، ص ۱۸۶) در این مرحله، وزارت بازرگانی امریکا - با وجود اعتراض برخی از اعضای کنگره امریکا - اجازه نامه ای برای فروش هواپیماهای باری «ان - ۱۰۰» به عراق را برای شرکت لاکهید صادر کرد. برابر گزارش آسوشیتدپرس، این هواپیماها نوع غیر نظامی باری «سی - ۱۳۰» محسوب می شوند که مورد استفاده نظامی هم واقع می شود. (خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، ۶ / ۳ / ۱۳۶۱، آسوشیتدپرس).

۶- ۶۶۳. معاون وزیر خارجه امریکا در امور خاورمیانه گفت: «ما معتقدیم که از سر گرفتن روابط دیپلماتیک میان عراق و

امریکا به نفع دو کشور است.» (خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، ۲۹ / ۲ / ۱۳۶۱ - روزنامه النهار چاپ بیروت).

افزایش حمایت کشورهای میانه رو عرب از عراق

«ضعف ساختاری»، «عدم مشروعیت» و «وابستگی به امریکا» از عوامل مهم در تأثیرپذیری کشورهای عرب میانه رو از امریکا بود. از سوی دیگر، التهاب و نگرانی این کشورها از پیامد پیروزی ایران بر عراق پس از فتح خرمشهر نیز بیشتر، متأثر از تلاش های دیپلماتیک و تبلیغاتی - روانی امریکایی ها بود، ضمن این که حمایت این کشورها از عراق و به نوعی مشارکت در جنگ، سرنوشت این کشورها را با سرنوشت صدام در جنگ پیوند زده بودند. با توجه به این ملاحظات روزنامه واشنگتن پست نوشت:

«عرب های خلیج فارس اگر ۲۰ ماه پیش با این تجاوز موافقت نکرده بودند،امروز در موقعیت بهتری بودند.» (۱) .

نگرانی حاکم بر این کشورها با فتح خرمشهر تشدید شد چنان که یک محقق و استاد دانشگاه کویت در سخنرانی خود با عنوان «بحران توسعه و همکاری کشورهای منطقه» گفت:

«کویت در ابتدای جنگ بی طرف بود، اما پس از فتح خرمشهر توسط نیروهای ایران، عرب ها بر خود لرزیدند و بی صبرانه به حمایت از صدام حسین برخاستند.» (۲) .

تحرکات کشورهای منطقه در چارچوب سیاست های جدید امریکا برای مهار تحولات ناشی از پیروزی ایران بر عراق شکل کاملا- جدی به خود گرفت به گونه ای که تماس های محرمانه ای بین خانواده آل سعود، عراق، اردن، مراکش، سودان، عمان، سومالی و بعضی از کشورهای خلیج فارس ایجاد شد. (۳) در همین راستا، حسن، پادشاه مراکش در پیامی به ملک فهد صدام خواستار اقدام فوری همه کشورهای عربی برای پشتیبانی دیپلماتیک از عراق شد. (۴) جعفر نمیری، رئیس جمهور سودان نیز در دیدار از مصر با حسنی مبارک درباره ی جنگ ایران و عراق و پی آمدهای آن گفت وگو کرد. وی پیشنهاد کرد،اجلاس سران عرب در مصر تشکیل شود. (۵) حسین، شاه اردن نیز علاوه بر تماس های دیپلماتیک، آمادگی اردن را برای اعزام داوطلب به میدان جنگ برای حمایت از عراق اعلام کرد. (۶) .

رادیوی عربستان با توجه به اوضاع جدید و خطرهای قریب الوقوع اعلام کرد که این مسائل، اعراب را وادار می سازد، بسیاری از اولویت ها حتی اختلاف اعراب و اسرائیل را در نظر نگیرند (۷) در این حال، بر اساس گزارش محرمانه مجله المستقبل چاپ پاریس، یکی از کشورهای عربی به ایران گوش زد کرد که برخی از کشورهای عرب تصمیم سری گرفته اند که در وضع ویژه عملا وارد این جنگ شوند. (۸) .

۱- ۶۶۴. پیشین، به نقل از واشنگتن پست.

۲ - ۶۶۵. دفتر مطالعات وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی، «سمینار توسعه و ثبات کشورهای منطقه خلیج فارس»، دی ۱۳۷۵.

۳- ۶۶۶. مأخذ ۱۸۹، خبرگزاری لیبی به نقل از روزنامه بلژیکی فرانسوی زبان «لاستین».

۴- ۶۶۷. خبرگزاری جمهوری اسـلامی، «گزارش های ویژه»، ۱۱ / ۳ / ۱۳۶۱، به نقل از رادیو کلن و رادیو عربسـتان، ۱۰ / ۳ / ۱۳۶۱.

۵- ۶۶۸. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، ۱۲ / ۳ / ۱۳۶۱، به نقل از رادیو امریکا، ۱۱ / ۳ / ۱۳۶۱.

۶- ۶۶۹. روزنامه اطلاعات، ۲۱ / ۲ / ۱۳۶۱، ضمیمه سیاسی، به نقل از مجله اشپیگل چاپ آلمان.

۷- ۶۷۰. مأخذ ۲۰۲، به نقل از خبرگزاری آسوشیتدپرس و رادیو عربستان.

۸- ۶۷۱. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، ۴ / ۳ / ۱۳۶۱.

روزنامه النهار چاپ لبنان نیز نوشت:

«اعضای شورای همکاری خلیج فارس احساس می کنند، نقش شان نمی تواند منحصر به پشتیبانی مالی از عراق باشد.» (۱) .

برخی از نشریات چاپ کشورهای حاشیه خلیج فارس نیز مواضع جدیدی را اتخاذ کردند؛ روزنامه الرأی العام چاپ کویت با درخواست از امریکا نوشت:

«صدایمان اکنون برای درخواست از امریکا بلندتر می شود تا این جنگ را متوقف کند.» (۲) .

سردبیر روزنامه السیاسه چاپ کویت نیز نوشت:

«عراق و به همراه او کلیه اعراب نمی گذارند که عراق شکست بخورد.» (۳) .

در این میان، روزنامه کریستین ساینس مانیتور چاپ امریکا اوضاع کشورهای عربی و راه حل هایی را که فرا روی خود داشتند به خوبی ترسیم کرد:

«رویدادهای اخیر جنگ ایران و عراق کشورهای میانه رو عرب را بر سر یک دو راهی قرار داده است؛ یا باید از عراق حمایت کنند و خشم ایران را موجب شوند و یا خود را از ماجرا دور نگاه داشته و خطر وقوع انقلابی را در داخل کشورهایشان به سبک انقلاب اسلامی ایران بپذیرند.» (۴) .

در این حال، عراقی ها نیز به دلیل وضعیت بحرانی خود، از اعراب درخواست کمک کردند. چنان که یک سخنگوی عراقی اعلام کرد:

«عراق از آمادگی کشورهای عربی برای اعزام سرباز و جنگ دوشادوش با نیروهای عراقی استقبال خواهد کرد... جهان عرب بر اساس قطع نامه مشترک دفاعی اعراب به حمایت نظامی از عراق متعهد است، چرا که ایران حاکمیت تمام ملت عرب را تهدید می کند.» (۵) .

صدام نیز طی سخنانی که در روزنامه السیاسه چاپ کویت منتشر شد، رسما اعلام کرد:

«اجازه بدهید صادقانه به شما بگویم، اگر ارتش مصر به بغداد بیاید (۶) ما می خواهیم گفت خوش آمدید و تمام درها را برای آن ها خواهیم گشود.» (۷) .

طه یاسین رمضان، معاون اول صدام نیز گفت:

«دولت عراق رسما از مبارک رئیس رژیم مصر دعوت کرده است در کنفرانس غیر متعهدها که قرار است در سپتامبر آینده در بغداد تشکیل شود، شرکت کند.» (۸) .

۱- ۶۷۲. مأخذ ۲۱۰، به نقل از بیروت.

۲- ۶۷۳. مأخذ ۲۱۵، به نقل از خبرگزاری کویت.

۳- ۶۷۴. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، ۱۲ / ۲ / ۱۳۶۱.

۴- ۶۷۵. مأخذ ۱۷۳، به نقل از رادیو امریکا.

۵- ۶۷۶. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، ۲ / ۳ / ۱۳۶۱، خبرگزاری فرانسه به نقل از خبرگزاری عراق.

۶ - ۶۷۷. حسنی مبارک پس از اظهارات صدام اعلام کرد که مصر قصد ندارد برای کمک به عراق نیرو اعزام کند. (خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، ۴ / ۳ / ۱۳۶۱، آسوشیتدپرس).

۷- ۶۷۸. مأخذ ۱۸۱، به نقل از خبرگزاری رویتر.

۸- ۶۷۹. مأخذ ۲۳۵، خبرگزاری یونایتدپرس، به نقل از هفته نامه الشعب چاپ عراق.

همچنین، عراقی ها طی بیانیه ای - که رسما در بغداد انتشار یافت - از کشورهای عربی برای اعزام سرباز درخواست کمک کردند. (۱) .

برگزاری اجلاس اعضای شورای همکاری خلیج فارس و بازگشت مصر به جهان عرب، دو تحول عمده در روند جدید بودند. اجلاس فوق العاده شورای همکاری به درخواست کویت و در پی تماس تلفنی شیخ جابر الصباح امیر کویت با صدام تشکیل شد. (۲) ضرورت اتخاذ موضع یک پارچه (۳) به منظور پایان دادن به جنگ ایران و عراق، (۴) بررسی نحوه کمک رسانی به عراق، (۵) ایجاد اعتباری چند میلیارد دلاری برای کمک به بازسازی ایران و عراق پس از پایان جنگ (۶) و بررسی امنیت خلیج فارس (۷) و آخرین تحولات جنگ ایران و عراق (۸) از جمله مواردی بود که پیش بینی می شد در این اجلاس بررسی شود. اجلاس فوق العاده وزیران خارجه کشورهای شورای همکاری سرانجام با نتیجه مبهمی پایان یافت و چنین توافق شد که در اوایل خرداد گفت و گوها بار دیگر در ریاض از سر گرفته شود. (۹) .

امریکایی ها از اقدام این کشورها استقبال کردند، چنان که کریستین ساینس مانیتور نوشت:

«برای مقامات وزارت خارجه امریکا خبر خوش این است که خطر ایران کشورهای طرف دار غرب را در حوزه خلیج فارس مجبور ساخته است که به اقدامات امنیتی مشترک خود بیفزایند.» (۱۰) .

«بازگشت مصر به جهان عرب» نیز یکی از تحولات برجسته در سطح منطقه به شمار می رفت که اساسا متأثر از رخدادها و حوادث ناشی از جنگ ایران و عراق و احتمال شکست عراق بود. کوشش های مقدماتی این اقدام را سلطان قابوس، پادشاه عمان انجام داد. (۱۱) .

چنین تصور می شد که توان نظامی مصر علاوه بر کمک به عراق، می تواند برای حمایت از کشورهای شورای همکاری نیز به کار گرفته شود. موضع گیری حسنی مبارک نیز این تصورات را تقویت کرد:

«می خواهم جای شکی باقی نگذارم که مصر هیچ گونه تعرضی به امنیت و حاکمیت کشورهای عرب خلیج (فارس) را نخواهد پذیرفت.» (۱۲) .

روزنامه شرق الاوسط وابسته به سعودی ها نیز در مورد نقش مصر نوشت:

«تحول جدید در جنگ ایران و عراق می تواند باعث شود تا مصر مستقیما برای حفاظت و امنیت کشورهای عرب خلیج (فارس) دخالت کند.» (۱۳) .

۱- ۶۸۰. مأخذ ۱۸۱، به نقل از رادیو لندن، ۲ / ۳ / ۱۳۶۱.

۲- ۶۸۱. مأخذ ۱۸۹، به نقل از خبرگزاری فرانسه.

۳- ۶۸۲. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، ۲۶ / ۲ / ۱۳۶۱، به نقل از رادیو امریکا، ۲۵ / ۲ / ۱۳۶۱.

۴- ۶۸۳. مأخذ ۲۰۷، به نقل از رادیو امریکا، ۲۲ / ۲ / ۱۳۶۱.

۵- ۶۸۴. مأخذ ۲۳۵، خبرگزاری آسوشیتدپرس، به نقل از روزنامه القبس.

۶- ۶۸۵. پیشین.

۷- ۶۸۶. وزیر کشور سعودی اعلام کرد: «قرار است در ماه نوامبر (آبان - آذر) یک قرارداد مشترک امنیت داخلی که شش کشور عضو شورا را به هم مربوط می سازد، تصویب شود.» (خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، ۴ / ۳ / ۱۳۶۱، آسوشیتدپرس، روزنامه الریاض چاپ عربستان).

۸- ۶۸۷. مأخذ ۲۱۰، خبرگزاری خاورمیانه، به نقل از روزنامه عکاظ چاپ عربستان.

۹- ۶۸۸. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، ۳۰ / ۲ / ۱۳۶۱، به نقل از روزنامه گاردین، ۲۷ / ۲ / ۱۳۶۱.

۱۰- ۶۸۹. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، ۲۴ / ۲ / ۱۳۶۱.

۱۱- ۶۹۰. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، خبرگزاری فرانسه به نقل از کمال حسن علی معاون نخست وزیر و وزیر امور خارجه مصر.

۱۲- ۶۹۱. مأخذ ۱۸۰، به نقل از نشریه اکونومیست، ۱۸ مه.

۱۳- ۶۹۲. مأخذ ۱۸۶.

وزیر خارجه مصر در مورد امنیت عراق و اهمیت آن برای مصر رسما اعلام کرد:

«امنیت و ثبات رژیم عراق برای مصر حیاتی و مهم است و رژیم مصر آماده است در این رابطه نقش خویش را بر عهده بگیرد.» (۱) .

در این مرحله مصر کمک های تسلیحاتی فراوانی را در اختیار عراق قرار داد. (۲) چنان که چهار اسکادران هواپیمای جنگی ساخت شوروی را به عراق فرستادند (۳) و کارخانه های اسلحه سازی مصر تأمین نیازهای عراق را در اولویت قرار دادند. (۴) فروش تسلیحات به عراق در این مرحله بدون واسطه انجام می گرفت و آخرین هیئت نظامی عراق در اواخر اردیبهشت ۱۳۶۱ عازم مصر شد و این کشور انبار تسلیحات نیروهای مسلح خود را در اختیار عراق قرار داد. (۵) «اسامه الباز» مدیر دفتر امور سیاسی مبارک در کنفرانسی مطبوعاتی رسما اعلام کرد که مصر به تأمین تجهیزات نظامی و مهمات مورد نیاز عراق ادامه خواهد داد. (۶) .

در این مرحله از جنگ با وجود تلاش امریکا برای تشکیل جبهه عربی علیه ایران، دو کشور سوریه و لیبی همچنان به حمایت از ایران ادامه می دادند. روزنامه واشنگتن تایمز در تحلیلی نوشت که سوریه و لیبی در برابر درخواست برای یک حرکت جمعی عربی به نفع عراق، مقاومت کرده اند. (۷) شاه حسین این مسئله را در دیدار دو ساعته با هیگ، وزیر خارجه وقت امریکا به عنوان «شکاف جهان عرب» در میان گذاشت. (۸) سوری ها که به خاطر حمایت از ایران تحت فشار قرار داشتند، در توجیه مواضع خود اعلام کردند که با ورود نیروهای ایران به داخل خاک عراق، خطری متوجه کشورهای حوزه خلیج فارس نخواهد بود، بلکه این خطر متوجه رئیس جمهور عراق است و صدام باید به دلیل خساراتی که به ارتش و مردم عراق وارد آورده است، سرنگون شود. (۹) .

راه حل های انتخابی ایران

«موقعیت برتر نظامی ایران» و «اوضاع سیاسی - اجتماعی کشور» به عنوان دو ویژگی در ارزیابی موضع گیری احتمالی ایران در خصوص پایان جنگ و یا ادامه آن، مورد توجه رسانه های خبری جهان قرار داشت؛ خبرگزاری رویتر به نقل از منابع دیپلماتیک گزارش داد:

۱- ۶۹۳. مأخذ ۲۰۸، خبرگزاری یونایتدپرس.

۲- ۶۹۴. برابر برخی گزارش های، کمک های مصر به دولت عراق از یک سال و نیم پیش شروع شده بود، ولی این کمک ها در مرحله جدید علاوه بر این که آشکار شد، شکل جدیدی نیز به خود گرفت. (خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران، ۱ / ۳ / ۱۳۶۱، خبرگزاری فرانسه از قاهره).

۳- ۶۹۵. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، ۲۰ / ۲ / ۱۳۶۱، منبع نظامی آگاه در بیروت.

۴- ۶۹۶. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، ۳۱ / ۲ / ۱۳۶۱، به نقل از رادیو اسرائیل، ۳۰ / ۲ / ۱۳۶۱.

۵- ۶۹۷. پیشین، خبرگزاری یونایتدپرس، به نقل از روزنامه الاهرام.
۶- ۶۹۸. مأخذ ۱۹۸ به نقل از خبرگزاری فرانسه.
۷- ۶۹۹. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، ۳۱ / ۲ / ۱۳۶۱.
۸- ۷۰۰. روزنامه اطلاعات، ۱۱ / ۳ / ۱۳۶۱، یونایتدپرس.
۹- ۷۰۱. مأخذ ۱۸۹، خبرگزاری فرانسه، به نقل از روزنامه تشرین، چاپ سوریه.

«ایرانیان به این دلیل که پیروزند، حاضر به مذاکره نمی باشند.»

این خبرگزاری از قول یک دیپلمات افزود:

«خون های ریخته شده در این جنگ و تنفر ایجاد شده، بیش از آن است که دیگر جایی برای مذاکرات صلح باقی بماند.» (۱)
.

رادیو بی.بی.سی نیز گفت:

«هیچ کس در ایران صرفا به پایان دادن به جنگ پس از خروج عراقی ها رضایت نخواهد داد» (۲) .

هنری تانر، روزنامه نگار امریکایی نیز طی گزارشی در نیویورک تایمز نوشت:

«در ایران اکثریت با ادامه جنگ و نفوذ قوای ایران به داخل عراق موافقند.» (۳) .

در ادامه این گزارش آمده است:

«ایران از قدرت برخوردار بوده، ولی هنوز تصمیم قطعی گرفته نشده و تنها به وسیله یک مرد، آیت الله خمینی، این تصمیم اتخاذ می شود. دیپلمات های خارجی می گویند که این فشار عمومی برای کامل کردن پیروزی را نباید سهل پنداشت خصوصا که از طرف صدیق ترین پیروان دولت و بالاخص پاسداران و بسیج می باشد. سخنگوی مجلس و بسیاری از مقامات جوان دولت خواستار پیشروی هستند.» (۴) .

در حالی که افکار عمومی کشور متأثر از درک برتری نظامی ایران بود،تصمیم گیری برای مسئولان بسیار پیچیده و دشوار شده بود. در این میان،مواضع برخی از مسئولان بسیار قابل توجه است؛ آقای هاشمی - رئیس وقت مجلس شورای اسلامی در مجلس اعلام کرد:

«ما هیچ جاه طلبی ارضی نداریم ولی برای احقاق حق خود مصمم هستیم. ایران از هیچ یک از حقوق خود صرف نظر نخواهد کرد، ما آخرین دینار حقوقمان را خواهیم گرفت و بزرگ ترین حق ما سقوط صدام است.» (۵) .

وی چند روز بعد در نماز جمعه تهران به غرب و حامیان صدام خطاب کرد:

«آیا معتقدید که ما در مرز جغرافیایی خود خواهیم نشست و به امید دریافت غرامت به آن ها فرصت می دهیم که شهرهای ما را از داخل[خاک]خود گلوله باران کنند؟» (۶) .

نخست وزیر وقت ایران، میر حسین موسوی نیز گفت:

«جنگ زمانی پایان می یابد که تمام شرایط ما پذیرفته شده باشد.» (۷) .

شرایط ایران برای پایان دادن به جنگ شامل خروج بی قید و شرط نیروهای عراقی از سرزمین های اشغالی، مجازات متجاوز و پرداخت غرامت جنگی بود. (۸) بنابر گزارش مفسر

ص: ۲۳۲

۱- ۷۰۲. مأخذ ۲۵۹، به نقل از خبرگزاری رویتر.

۲- ۷۰۳. مأخذ ۱۸۳، به نقل از رادیو لندن، ۴ / ۳ / ۱۳۶۱.

۳- ۷۰۴. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، ۱۲ / ۲ / ۱۳۶۱.

۴- ۷۰۵. پیشین.

۵- ۷۰۶. مأخذ ۱۸۳، آسوشیتدپرس.

۶- ۷۰۷. مأخذ ۲۱۵، به نقل از آسوشیتدپرس.

۷- ۷۰۸. مأخذ ۱۸۶، به نقل از خبرگزاری فرانسه، روزنامه جمهوری اسلامی.

۸- ۷۰۹. مأخذ ۲۵۹.

رادیو لندن، پی گیری این خواست ها برای ایران حیاتی بود و حتی کسانی که مایل به ادامه جنگ تا سرنگونی صدام نبودند و تا اندازه ای عملی تر فکر می کردند نیز به چیزی کمتر از این خواسته نمی توانستند راضی شوند. (۱) .

با توجه به این ملاحظات، ایران سه راه حل فرا روی خود داشت: نخست آن که بدون در نظر گرفتن خواسته های خود و تنها بر اثر فشارهای بین المللی و در حالی که نیروهای عراقی همچنان در مناطق اشغالی حضور داشتند. (۲) آتش بس را به عنوان پیش شرط هر گونه اقدام دیگر می پذیرفت. (۳) در این صورت، مذاکرات سیاسی تنها راه حل ایران برای پی گیری خواسته هایش بود. راه حل دوم، ترک مخاصمه بدون اتمام جنگ بود؛ بدین معنا که ایران آتش بس را نپذیرد ولی در عین حال از ورود به داخل خاک عراق خودداری کرده و در مرزهای خود استقرار یابد. راه حل سوم، «تلاش نظامی برای تأمین صلح شرافتمندانه» بود.

بی شک، ایران با فتح خرمشهر در موقعیت برتر سیاسی - نظامی قرار گرفت و بنا به نظر امام (ره)، می توانست از موضع قدرت سخن بگوید. (۴) در این حال، تهدیدات امریکا و تلاش متحدان عراق برای حفظ صدام نیز آشکار و غیر قابل تردید بود؛ چنان که لیبراسیون نوشت:

«امریکا، اروپا و برخی از کشورهای منطقه، ابتکارات متعددی را برای پایان دادن به جنگ به کار گرفتند تا از سقوط صدام جلوگیری کنند.» (۵) .

ایران، در این اوضاع برای تأمین خواسته های بر حق خود، چه راه حلی را می توانست برگزیند؟

بی گمان، راه حل نخست با توجه به ماهیت تلاش هایی که امریکا تحت پوشش برقراری آتش بس پی گیری می کرد، نمی توانست نتیجه ای برای ایران داشته باشد، زیرا امریکایی ها از موقعیت برتر ایران نگران بودند و تمام تلاش خود را برای مهار و تضعیف ایران سازمان دهی کرده بودند. بدین ترتیب، امریکایی ها از دادن هر گونه امتیازی به ایران از جمله تعیین متجاوز و یا پرداخت غرامت که موجب تثبیت موقعیت برتر سیاسی - نظامی ایران و تشدید بی ثباتی در عراق می شد، خودداری می کردند؛ بنابراین راه حل نخست به زیان ایران بود.

ص: ۲۳۳

۱- ۷۱۰. مأخذ ۲۶۷.

۲- ۷۱۱. پس از فتح خرمشهر ۵ هزار کیلومتر مربع از خاک ایران در اشغال عراق بود. عراقی ها با اعلام عقب نشینی از خاک ایران ۲۵۰۰ کیلومتر را تخلیه مابقی مناطق را که شامل ارتفاعات سرکوب و معابر نفوذی بود در اشغال نگه داشتند. این اقدام عراق بیانگر آمادگی برای جنگ بود، زیرا کشوری که به دنبال صلح است، مناطق اشغالی را برای مذاکره حفظ می کند ولی عقب نشینی، ناقص بیانگر مقاصد نظامی عراق بود.

۳- ۷۱۲. دکتر رجایی خراسانی نماینده وقت ایران در سازمان ملل می گوید: «علی رغم قبول برتری ایران، تمامی اعضای شورای امنیت سازمان ملل بر این مسئله پافشاری می کردند که ایران باید ابتدا آتش بس را بپذیرد.» (مصاحبه اختصاصی

نویسنده کتاب با دکتر رجایی خراسانی).
۴ - ۷۱۳. وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، مرکز مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، صحیفه نور: مجموعه رهنمودهای امام خمینی، جلد ۱۶ (تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی).
۵- ۷۱۴. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش های ویژه»، ۷ / ۲ / ۱۳۶۱.

راه حل دوم نیز در عمل به سود عراق و امریکا بود، زیرا در صورت اقدام ایران در ترک مخاصمه توقف تهاجمات خود، عراق فرصت می یافت با حمایت امریکا، اروپا و کشورهای منطقه، تجدید قوا کرده و بار دیگر مرزهای ایران را مورد تجاوز قرار دهد. بدین ترتیب راه حل دوم نیز به زیان ایران بود. انتخاب راه حل اول یا دوم قطعا مطلوب امریکا و تمام متحدان عراق بود،زیرا آنچه این کشورها را نگران می کرد، ادامه جنگ و کشاندن آن به داخل خاک عراق به وسیله ایران و سقوط احتمالی صدام بود. بدین ترتیب، با در نظر گرفتن تمام ملاحظاتی که به آن اشاره شد، ایران در واقع به جز راه حل سوم، راه حل دیگری فرا روی خود نداشت. امام در توضیح انتخاب این راه حل فرمودند:

«ما اگر مجرم را امروز رهایش کنیم، امروزی که ما قدرت داریم... این معنای آتش بس نیست، این معنای صلح نیست.» (۱) .

سرانجام، جنگ با ورود ایران به داخل خاک عراق، با هدف «تنبیه متجاوز» (۲) و تأمین حقوق مشروع ایران و اجتناب از فرسایش روحی و مادی و جلوگیری از حملات دوباره ی عراق به مرزهای ایران، با عملیات رمضان در ۲۳ تیر ۱۳۶۱ ادامه یافت.

ص: ۲۳۴

۱- ۷۱۵. مأخذ ۲۷۵.

۲- ۷۱۶. مأخذ ۱۰، سال ۱۳۷۴.

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِی الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ .ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان



برای داشتن کتابخانه های‌تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشـــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

